ژوندون

د اطلاعاتو او کلتور

شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸
(۳) نوامبر ۱۹۷۹

سال سی و یکم

شماره سی و سوم

قیمت یکشماره ۱۳ افغانی

M. Asraf
1979 Kabul

کارکنان مجلهٔ ژوندون عید سعید اضحی را به پیشگاه قوماندان انقلاب ثور رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی ح . د . خ . ا . رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر ، خلق زحمتکش واردوی شجاع تبریک گفته ، سعادت وبهروزی شانرا خواستارند.





حفیظ الله امین منشی عمومی کمیتهٔمرکزیحزب دمو کراتیك خلق افــغانستان ،رئیس‌شورای انقــلا بی ولــو مړ ی و ز یر هنگامیکه برای ادای نماز عید سعید اضحیبه‌مسجد جامع خانهٔ خلق تشریف می‌آورند.

اختصار وقایع مهم هفته

روز ۹ عقرب مصادف باروز اول عید سعید اضحی بوده خلق زحمتکش مسلمان ومتدیـن ماحلول ایام فرخندهٔ عید راباسرور وشادمانی زاید الوصفی استقبال نمودند.

حفیظ الله امین منشی عمومی کمیتهٔمرکزی حزب دمو کراتیك خلق افــغانستان ،رئیس شورای انقــلا بی ولــو مړ ی و ز یر اولی‌الامر جامعهٔ اسلامی افغانستان نماز عید سعید اضحی را به‌ساعت ۹صبح به امامت‌قاری محمدعمر درمسجد جامع خانهٔ خلق ادا نموده‌و برای سعادت ورفاه خلق وشگوفانی افغانستان عزیز دعاکردند.

در ادای نماز با حفیظالـلـه امین اعضای بوروی سیاسی وکمیته مرکزی حزبدموکرا- تیك خلق افغانستان ، اعضای شورای‌انقلابی وشورای وزیران، **اعضای کمیسیون طرح‌قانون** اساسی جمهوری دموکــراتیك افغانستان ، جنرال ها وصاحبمنصبان ارشد قوای مسلح خلق ، مامورین عالیرتبه ، رئیس مقام عالی تمیز وزارت عدلیه، اعضای شورای عالی‌قضا، رئیس جمعیت العلمای اسلامی افغانستان ، والی کابل وکابل شاروال اشتراك داشتند .

* * *

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی ولومړ ی وزیر، شورای وزیران روزشش عقرب ا ز ساعت پنج بعداز ظهر تا ساعت هشت شب درخانه خلق جلسه نمود .

شورای وزیران ضمن غور وبحـث روی پیشنهادات وزارت خانه ها در باره موضوعات مختلف تصمیم اتخاذ وفیصله صادر کرد .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ازطرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکــزی حز ب دموکــراتیك خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان تلگرام تبریکیه به مناسبت بیست وپنجمین سالگرد انقلاب الجزایر عنوانی جلالتماب شاذلی بـن جدید رئیس جمهور جمهوریت دموکراتیـك خلق الجزایر به الجزیره مخابره گــردیده است .

* * *

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبـر میدهد از طرف حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حز ب دموکراتیك خلــق افغانستان ، رئیس شورای انقــلابی ولومړی وزیر تلگرام تبریکیه بمناسبت پنجاه وششمین سال تاسیس جمهوریت ترکیه عنوانی‌جلالتماب فخری کوروترك رئیس جمهور آن کشور به انقره مخابره شده است .

* * *

بتاسی از هدایت حفیظ الله امین منشــی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق **افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لومړی-** وزیر مبلغ پنجاه میلیون افغانی را لــومړی وزارت به منظور اعمار منازل مسکونی برای فامیلهای شهدای راه انقلاب از حساب مالی لومړی وزارت در اختیار ریاست کوپراتیــف تهیه مسکن گذاشته شده است .

* * *

تحت ریاست رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و لومړی وزیر جمهوری دموکراتیك افغانستان ازساعت سه ونیم الی پنج بعداز ظهر پنج عقرب جلسه فوق العاده بوروی سیا سی کمیته مرکــزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان در خـانـه خلق دایر گردید ودر بارهٔ تجلیل از انقلاب کبیر اکتوبر مصوبه آتــی رابه تصویــب رسانید :

مصوبه بوروی سیاسی کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، مــورخه شش عقرب ۱۳۵۸ راجع به تجلیل شصت و دومین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر :

بتاریخ هفت نوامبر سالجاری کشور های سوسیالستی جنبش های بین المللی کارگری وآزادی بخش ملی وتمام محافل مترقی‌جهان جشنی را برگزار می نمایند که بحیث نقطه عطف در سیر تکامل بشریت بشمار میرود



حفیظ‌الله‌امین منشی عمومی‌کمیته مرکزی‌حزب دموکراتیك خلق افــغانستان ، رئیس‌شورای انقلابی‌ولومړی وزیر موقعیکه بیانیه شان را به‌مناسبت حلول عید سعید اضحی‌ازطریق رادیو تلویزیون خلق افغا نستان‌ایراد میکنند.

رفیق امین بعد از ادای نماز عید اضحی برای سعادت خلق وشگوفانی میهن دعا کردند

متن بیانیهٔ رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر بمناسبت

عید سعید اضحی

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان عزیز وگرامی !

مسلمانان باشهامت وزحمتکش !

در کنار دریاهای خروشان که ازکوه های سر بفلك کشیده پامیر سر چشمه می‌گیرد وبه‌چنان خروشانی وشورکه صدای احساسات آزادی ووطنپرستی پدران ونیاکان با شهامت شمارا پخش می نماید وبا خروشانی به‌جهیل ها وابحار یکجا می گردد زندگی می‌کنید یا به امتداد هندوکش در دامنه های کوه‌ها ودره های سلسله کوه های سلیمان که در آن خون گلگون وطنپرستان دلاور کشور تاریخی ما افغانستان عزیز می‌درخشد نسیم قله های پامیر را احساس می نمایید یاامواج آب تلخ کنار بحر در گودر را، خــار از محبت وطن پشتون هستید یابلوچ ، تا جك هستید یاهزاره ، ازبك هستید یا تر کمن، نورستانی هستید یا مربوط بکدام قوم کشور پدری تان ازصمیم قلب وباجذبات عالی به‌همه شمااین عیدسعیدراتبریك میگویم‌وبه نمایندگی همه‌شماحزب‌دموکراتیك‌خلق افغانستان و تمام منسوبین دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان به مسلمانان زحمتکش کشور های همسایه افغانستان عزیز وتمام جهان به مناسبت عید اضحی همچوتبریکات خویشرا تقدیم میدارم.

هموطنان مسلمان زحمتکش عزیز !

عید اضحی که در تاریخ اسلام نمایانگر قربانی راه عشق وصداقت می باشد مطابق بتاریخ خلق با شهامت مامی درخشد زیرا میراث پر افتخار پدران ونیاکان ماازهمه بیشتر آن قربانی هاست کــه همه پشتونها، بلوچها ، تاجك ها، هزاره ها، ازبکها، ترکمن ها، نورستانی ها واقوام افغانستان عزیزبرای صیانت کشور عزیز آبایی ومشترك شان ودر راه استقلال وسر بلندی آن داده اند .

ازینجاست که عنعنه ودستورهموطنان عزیز ماآین است که درعید دست های خودرا سرخ می کنند، قربانی می کنند تا خون گلگون بریزد، دوشیزگان باچادر های گلگون دستان سرخ وپاهای سرخ گاز می خورند وجوانان باواسکت های گلگون در حضیره های شهدا تحت بیرقهای گلگون سرخ به میله هاوانتها می پردازند .

عید بزرگ هموطنان ما آنست که اتنهاو صداهای دهل ودایره ها یکجا با خواندن ها وسرود های جوانان ودوشیزگان ، شهامت جوانمردی وقهرمانی پدران ونیاکان شیرصفت شان را بیاد می آورند که از هر طــر ف در فیر های تفنگ ها، درخشش شمشیر هـا کف زدنها، امواج زلفها وبه لرزه در آوردن زمین برآن افتخار می شود .

درتاریخ خلــق باشهامت ماروز هــا ی عید روز های خوشی وافتخار است روز های که نشانه های قربانی وآبادی می بــاشد روزهای یگانگی وبرادری خلق است وروزهای آزادی واحترام • پس ازینجاست که‌این‌روز های خلق با شهامت وزحمتکش ما روز های عید شان است زیرا که این عید روز هــای انقلاب است ودراین روزها ستمگران ،باداران سرداران، مفتخواران ،فریبکار وتیــکه داران منافق عید وجود ندارند .

اکنون در افغانستان عزیز ما عید واقعــی خلق مسلمان زحمتکش است شادمانی هاست وبیرق گلگون پر افتخار مابه اهتزاز است .

بخاطر حفظ وطن، صیانت انقلاب و حفــظ منافع‌خلق،افسران، خورد ضابطان ،وسر بازان قهرمان دلاور، باشهامت وبا غیرت ما قربانی میدهند که امروز وفردا دشمنان انقــلاب شکوهمند ثور را روسیاه می سازند . در هر جا قوای مسلح قهرمان مابیرق های گلگون رابه اهتزاز مــی آورند وبــرادران پشتون وبلوچ ، تاجك وهزاره، اوزبك، ترکمــن و نورستانی با شهامت مابیرقهای سرخ دردست از قوای مسلح قهرمان وبا شهامت خــویش پشتیبانی می نمایند جوش وخروش ، اتن و خوشی می کنند .

اینك تمام خلق زحمتکش ما وطن خویشرا آباد می کنند وثمرکار خویش را خود می گیرند• پس می‌بینید که‌روزهای عیــد ازین جهت پرافتخار است که‌روز آبادی وطن آنها نیز است این روز های مملو ازافتخار عید است که روز برادری واتحاد زحمتکشان تمام ملیت های کشور عزیز ماست . ازینرو آنهادست بدست، دوش بدوش بابرابری و برابری کامل متحد.وماانند یك مشت وطن خود را حفظ می‌کنند وکشور خود را آبــاد می‌سازند آنها بااطمینان واعتماد کامل می‌بینند که‌این وطن از آنهاست، آنها بروطن‌می‌نازنــد و وطن بر آنها ، این روز های استقلال.کامل و آزادی وسیع است وبرای تمام زحمتکشان روز های کاملا گرامی است . اینست کــه اکنون هرکس در پرتو سرخ مصونیت . قانونیت وعدالت کامل زندگی می‌کند هــر کس مطمئن ومسرور می‌باشد واز اینرو این روز های عید سرخ پرافتخار است :

اینست کارگران ودهقانان مبارز انقلابی‌ما صدا می کنند وبه آواز بلند می گویند که ای افسران قهــر مان ، خورد ضابطان دلیرو سربازان باشهامت !

لطفا ورق بزنید

ما بشما افتخار می کنیم تاریخ مابه شما افتخار می نماید . مادر روشنـــی شمشیر شجاعت وشهامت شما افتخار آبادی وطن را کمایی می کنیم .

پس ای برادران قهرمان، عید تان مبارک!

دوشیزگان انقلابی ما در نعره ها و صدا های شان می گویند که چادر های ســـرخ مانشانه های غیرت، قهرمانی ودلاوری قـوای **مسلح جوان قهرمان وباشها مت مامی‌باشد.**

پس اینك ماباد ست های سرخ ولباس هـای گلگون به صدای بلند می گوییم که ای قهرمانان دلیر در سنگر های وطن، عید تان مبارك مایقین داریم که زحمتکشان با شهامت کشور های تجاوزگران ومداخله گران نیز برشما افتخار می کنند برشما صدا می کنند که ای شیران سنگر هر کسیکه بر ضـــد استبداد واستثمار باشد بر شما افتخار دارد. **دشمن تان می گریند وسر افگنده اند. اینك** همه مردوزن صخره ها وتپه ها، دشت ودمن کشور بزبان قال وحال می گویند کـــه ای کارگران ودهقانان زحمتکش با شهامت وطن افغان همه بر شما افتخار داریم که با هم

متحد هستید ووطن خودرا آباد می سازید. این تنها آبادی افغانستان نیست، این پیروزی انقلاب ثور است ، این پیروزی مرحله دیگر انقلاب کارگران است مژده سرور زحمتکشان منطقه وجهان است .

اینك افغانستان عزیز چنان آباد وشگوفان می شود که زود خواهد بود بر فراز آن بیرق گلگون چنان جامعه به اهتزازدرآید که آنجا استثمار فرد توسط فرد نباشد، مفهوم فقر وغنا نخواهد بود ظلم وستم وجودنخواهد داشت هر کس آنقـــدر کار خواهد کردکـــه قدرت آنرا دارد ومطابق کارش مزد خواهد گرفت. **پروگرام سریع آبادی افغانستان عزیز** مطابق به نخستین پلان پنجساله جمهـــوری **دموکراتیك افغانستان بـه‌پیش میرود اینست** که تمام ملیت های زحمتکش کشور عزیز مابا علاقه عمیق در آبادی کشور مشـــــرك بدران ونیاکان شجاع خویش مصروف اند .

ازینرو اگر در کشور تاریخی ما امـواج آبهای خت وشفاف دریا های پر افتخار در هوای گرم بلند می شود وبادر هوای سرد. به بحر میریزد یا درجهیل. **به آبادی کشور** عزیز خود مسرور می گردد به قوای مسلح خلق مامی بالد وباآن قهرمانان دلیر وباشهامت وعاشق به وطن می نازد که با زمزمه افتخار آمیز وباشهامت شان در سنگر های خـــود رنگ سرخ انقلاب مارا سرختر ساخته اند وافتخارات انقلاب ووطن خودرا با نثار خون سرخ خود حفظ نموده اند وبکجا با خـــون افتخار آمیز قهرمان دلیر سید داود تهرون که

باقربانی خود در نجات انقلاب ظفرآفرین ثور نقش مهم بازی کرد وبه دست دشمنان انقلاب **ثـــو ر شهید گردیـــد هـــر روز انقلاب** مارابه عید سرخی مبدل نموده است .

در این روز های آگنده از امواج انقلابی ازتمام مادران، خواهران، برادران بزرگـــان **وخردان و طـــن عزیز تقاضا دارم که هرچـــه**

زودتر آن عده ازهموطنان مارا که‌به تحریـــك دشمنان فریب خورده باشند با خبر سازند که در افغانستان فضای مملو از اطمینان و افتخار بوجود آمده است در اینجا خوشحالی وسعادت است . عجله کنید! در آبادی وطن **خود به افتخار واعتماد سهم بگیرید که‌ازین افتخار محروم نگردید .**

در این خوشحالی با برادران وخویشاوندان خود یکجا شوید دردل های ما این تشویش است که شما برهنه نباشید در گرسنگـــی به سر نبرید چشم تان بطرف دست هـــای سیاه دیگران نباشد در هوای سرد به تکلیف

زندگی نکنید. بیایید در وطن انقلابی تـــان افغانستان عزیز خوشی وخوشحالی است و بصورت قطع چیزی نیست که شما را رنج دهد وآزرده سازد ویا تکلیفی برایتان ایجاد نماید. وطن از شما وشما ازوطن هستید، هر چیز بشما تعلق دارد عید امسال درافغانستان عزیز مابصبغه وکیفیت خاصی دارد زیرا قبل ازعید **پـلان پنجساله جمهو ر ی دموکراتیك** افغانستان وسیاست اقتصادی ده ساله حزب دموکراتیك خلق افغانستان از طرف پلینوم کمیته مرکزی حزب وشورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان به اتفاق آراء ودرفضای پر از شعف وسرور به تصویب رسید .

هر روز زندانهای مشهور خرد و بـــزرگ مانند محبس دهمزنگ دوران خاندان غدار نادر، داود می شکند وبسته میشود، زندانیان **رهامی‌گردند وبه‌خلق مااطمینان کامل حا صل** می شود در پرتو شعار مصونیت، قانونیت وعدالت کار تدوین قانون اساسی به صورت جدی جریان دارد که درآن نظرات وخواسته های هزاران هموطن ما انعکاس می یابد . بعداز ایام خجسته این عید بزرگ سازمان ملی دفاع از انقلاب ثور به اشتراك نماینده‌گان همه اقشار خلق زحمتکش افغانستان طی محفل بزرگی **گشایش می‌یابد ، اتحادیه نویسندگان تاسیس می‌شود ، کنفرانس عـا لی سازمـان** خلقی جوانان دایر می گردد وجرگه عظیم اتحادیه های کارگری کشور فرا خوانده می شود وبا این همه اقدامات پر افتخار به منظور انکشاف تولید در کشور عزیز ما افغانستان گام های بزرگی برداشته میشود که اسباب خرسندی هر هموطن مبارز ما را فراهـــم **می کند.**

از اینجاست که افغانستان عزیز قلـــب آسیا چنان در حرکت است که دلهای همه زحمتکشان مبارز تمام آسیا به افتخار آن می تپد .

در اخیر شمامهمه عزیزان وهموطنان د ر کشور تاریخی مادر جوار هر دریا با کنار گودر بحر قرار دارید. در دشت هستید یا **درپیچ وخم دره ها وکوه های بـدخشان، در** قلل کوه های هندوکش هستید یادر کوه های بابا سلیمان، سپین غر یا در اراضـــی هموار بسر میبرید در سنگر هستید یـــادر کشت زار ها وفابریکه هر کجایی که‌هستید باقلب پر از محبت واحساسات گرم در عالم خیال همه شمارا در آغوش می کنیم روهای همه شمارا می بوسیم وبه همه شما زندگی آبرومند تمنا دارم .

بااحترام

عید قربان یا نمودی از خود گذری در راه ایمان و عقیده

سیر تکامل تاریخ جهان مشحون از فدا کاری ها وجانبازی ها در راه عقیده . ایمان و ایدئولوژی بوده است که چنین کاری از همه ساخته نبوده ونیست فقط آنانی می‌توانند فدا کاری نمایند که ایدیولوژی را باتمام خصوصیات آن هضم کرده وبه آن عقیدت کامل پیدا کرده باشند .

بردن فرزند وجگر گوشه خویش را در قربانگاه بخاطر یك عقیدهٔ راسخ در دشت‌های **سوزان عرب و سینه سپر ساختن ویتنامـی** قهرمان دربرابر تفنگداران تجاوزگر نموداری از فدا کاری انسان در راه عقیدهٔ وی است . آن یکی با ایمان راسخ فرزند خویش رابه قربانگاه برده واین دیگری باایمان خلل نا پذیر به‌توده ها بارهنمود های هوچی‌مـن **قهرمان در جنگـل های ویـــتنام مبـا رزات** چریکی را پیش برده است . چنین جانبازی ها در سراسر جهان وکران تا کران گیتی صورت گرفته است .

قهرمانان زیادی در راه خلق وایمان قوی به‌عقیده **خودجان خودرا فداکرده اند. خلـق کانگو هرگز فداکاری های پاتریس لو مومبـا را ازیاد نبرده وتوده‌های ملیونی‌چیلی‌فراموش** نخواهند کردکه سلوادور آلنده فقید تـــا آخرین رمق حیات در صف ارتقا ایستاد واز تحولات ودگرگونی های انقلابی در کشـور **خویش دفاع نمود. سیاه پوستان امـــریکـا** هیچگاه مبارزات بر حق ماتین‌لوترکینگ را برای رهائی سیاهان بیاد فراموشی نمیدهند **وبهمین ترتیب خلقهای سراسر جهان یـــاد** این مبارزین راه بشریت ورهروان دیگر راه **رهائی توده ها را از ستم وبیداد ستمگران گرامی خواهند داشت واز قربانی های آنها** می آموزند و خواهند آموخت .

مسلمانان تمام جهان وخلق‌مسلمان کشور ما نیز خاطرهٔ تابناك قربانی یکی از پیشوایان خویش رادر راه‌عقیده وایمان عمیقش گرامی . **داشته وباالهام ازان در برابر دشمنان خلـق و دولت خود به قربانی آماده می شوند** خلق مابابد بدانند که آن‌فداکاری درهمان عصر **لازمه شرایط زمانی آنوقت بودکه مـا باذبـح حیوانات یادی از آن می‌کنیـم . ولی گرامی ترازیـن یادآن خواهد بود کـه دربـرابـرا** دشمنان خلق ومیهن خویش به فداکاری و **جانبازی حاضر شویم. نباید از خاطـر بـرد که استعمار انگلیس چه نابسامانی هایی به مابجا گـذ اشت ، آنها چگونه جـا سوسان** خویش را در عبا وقبای پیشوایان مذهبی به **کشورما فرستادند وسالها در مسجد آذان گفتند ومسلمانان مارا نماز دادند اما بالاخره افشاء شد که آنها از پدر ومادر انگلیسی** بوده اند .

استعمار گران واستثمار گران خارجـــی وداخلی بعد ازآنکه منافـع شانرا در کشورما از دست داده اند . مانند گذشته‌ها باردیگر **فرنگی مشربان را همـراه بافرنگی های تربیه** شده به لباس اسلام واسلامیت ملبس‌ساخته **اند تا به تخدیر افکار خلـق ما بپر دا زند. قدسیت دیـــن اسلام وایمان قـــو ی در راه اسلا م تقـا ضا می نمایـد تا از نفـــوذ عنا صر ضد دین ومذهب درآن جلوگیری‌شده** و تمام دشمنان تاریخی اسلام وافغانستان به فرد فرد هموطن ما افشاء گردیده و در راه امحای شان از هیچگونه فداکاری دریـــغ نگردد .

ذبح حیوانات وریختن خون سرخ آنهـــا **همراه با حنای کف دست دوشیز گان افغـان درایام عیـــد همه وهمـه مایه افتـــخارات و** جانبازی های قهرمانانه نیاکان ما برای‌رسیدن به هدف است .

هدف کنونی تمام هموطنان در مرحله‌فعلی وشرایط پیکار برحق ما ایجاد چنان جامعـه شگوفان در کشور ماست که تاریخ پنجهزار ساله ما هرگز چنین روزگاری بیاد نـدارد . خلق ما طی قرون متمادی وسالیان زیادی در برابر دشمنان گوناگون به مبارزه پرداختند . قربانی دادند وفداکاری نمودند ولی این بار فرزندان آن رادمردان در جاده پرخم وپیچ دیگری براه افتاده‌اند که تاریخ مسیرتکاملی بشریت را ازهمین راه وشیوه مشخص ساخته است .

خلق با ایمان وباعزم افغانستان در حالیکه خاطرات گذشته را باریختن خون حیوانـات خویش زنده ساختند خود در برابر دشمنان رنگارنگ انقلاب ومیهن پر افتخار خویش در سنگر های نبرد طبقاتی . بدشمنان یورش می برند وسنگر به سنگر خصم خلق را به عقب زده وبه پیروزی های نوین وتازه تری دست می یابند .

بگذار امپریالیزم بین المللی وارتجـــاع جهانی باتوطئه های شوم خویش نومیدانـــه مداخله نمایند . خلقهای سراسر جهان واز جمله خلق افغانستان در کار وپیکار ضـــد امپریالستی وضد ارتجاعی خویش این توطئه هارا افشاء وخنثی می نمایند . ما باور کامل داریم که نیرو های عقب گرا در تمام نقاط جهان ومنطقهٔ مابه شکست دایمی مواجه‌بوده ونیرو های ترقیخواه به مقیاس سرتا سری جهان‌گام های متینی درراه پیروزی میگذارند وکامگاری حتمی نصیب همین نیرو هامیباشد.

مادر حالیکه از جانبازی شهدای راه‌آزادی وحقانیت یادی گرانمایه می نماییم . از تمام هموطنان می طلبیم تا با آفرینش حماسه‌های نظیر نیاکان خویش راه رابسوی نیل به‌جامعه خواستنی هموار سازند .

زنده باد خاطرهٔ تابناك قربانیان راه خلق.

برافراشته باد درفش گلگون انقلاب ثور .



«اکنون درافغانستان عزیز ماعید واقعی‌خلق‌مسلمان زحمتکش است شادمانی هاست‌وبیرق گلگون پرافتخار مابه اهتزاز است.»

«از بیانیه رفیق حفیظ الله امین که‌بمناسبت‌عیدسعید اضحی ازطریق رادیو تلویزیون‌خلق افغانستان ایراد فرمودند. »

شنبه ۱۲ عقرب ۱۳۵۸ ، ۳ نومبر ۱۹۷۹

عید زحمتکشان

گذشته های المناك وپرتاثرخلق ستمکشیده مانمایانگر این واقعیت است که دولت هـای مستبد ووابسته به اتجا ع ، امپریا لیزم و خـا ن سا لا ر ی آ ل یحیی نه تنها در فکر رفاه وآسایش خلق ما نبودند بلکـه عمدآتلاش داشتندتابه سیه روزی خلق وعیاشی وتن پروری خود ووابستگان شان بیفزایند که این امر حتی سرور ایام فرخنده وافتخار آمیز خلق مارانیز خدشه دار ساخته وشادمانی را از آنهـا ربوده بود. بناء اگر اعیاد بود و یـا چنین روزهای شادی آفرین دیگر محض بـا محافل عیاشی وباده گساری در باریان وآستان بوسان شان رنگ ورونق میگرفت و آنچه که درچنین روز ها بازهم نصیب زحمتکشان مـا میگردید همانا خدمات شاقه وطاقت فرسای بود ه باید برای ارضای خاطر صاحبان زرو زور نجام می شد .

دهقانیکه در روز های مقدس عید ویا چنین ایام فرخنده وافتخار آمیز، در بزمها و محافل خوشگذرانی بادار مصروف عرقریزی ویادست به سینه آماده اشاره سر بادار می بود تـا خوبتر به او لبیك گفته وناسزا نشنودویازن دهقانیکه درتشویش ونگرانی آن به سرمی برد تادر امور طبخ غذا های لذیذ بادار مبادا غفلتی از آن سرزند وسبب مـلا ل خاطر مهمانان عالیقدر! ارباب که ازیك گریبان سرمیکشیدند شود، شب رابه بیخوابی سپری میکرد ویـا کارگریکه بخاطر بدست آوردن لقمه‌ی «بخورو ...یر» چنین روز های فرخنده را از بام تا شام شت ماشین میگذراند تابراندوخته‌ی مفتخواری مـی افزود ویا طفلی یتیمی که باسروپـای رهنه بادیدن دستان رنگین ولباسهای پر زرق برق نورچشمی ها ونازپروردگان استثمارگران، ارمان آنرا با خود بگورمی برد آیا عیدی هم داشت ؟ بحکـم واقعیت میتوان گفت کـه نه هرگزنه !

ولی آنچه که این همه نابرابری ها وبی ـ مبالاتی ها را مهر باطل کوبید ودرپی ریشه‌کن کردن آنهمه بدبختی هاوسیه روزی های خلق زحمتکش برآمد، انقلاب زندگی بخش ثـور بادست آورد های ارزشمند وانسانـی آنست زیرا این انقلاب ثور است که دنیای بیداد و ستمگری را از بیخ وبن نابود کرد وبرویرانه های‌آن بنای عدالت، برادری وبرابری رااساس گذاشت . دیگر دهقان غلام فیودال و کارگر اسیر سرمایدار نیست بدینمفهوم که‌بعد ازین نه سود خواری وجوددارد تا حاصل رنج دهقان راچپاول کند ونه استثمارگریکه خون کارگر را زیب وزینت جاه وجلالش سازد .

خلق ما دیگر آزاد وآباداند وبخاطر عید واقعی که‌دارند بخودمی بالند. باید گفت که تاپیش از انقلاب ثور زحمتکشان ما از عیدبحیث یـك رسم وسنت تجلیل بعمل می‌آوردند واز امتیازات آن بهره یی نداشتند ، زیرا هرچه بود از ستمگاران وچپاولگران بود وآنها بودند که‌باخون‌خلق محافل عیاشی‌راگرم نگهمیداشتند ولی اکنون چنان نیست، سرنوشت خلق بدست خلق است وهمه چیز در خدمت خلق زحمتکش ماقرار دارد .

امروز خلق زحمتکش ما با سرفرازی تمام در آبادی وشگوفانی میهن عزیز شان میکوشند چنانچه رفیق حفیظ الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی ولومړی وزیر در بیانیه ارزشمند شان بمناسبت عید سعید اضحی از طریق رادیو تلویزیون خلق افغانستان فرمودند :

«اینك تمام خلق زحمتکش ماوطن خویشرا آباد می کنند وثمرکار خویش را خود میگیرند پس می بینید که روز های عید ازین جهت پرافتخار است که روز آبادی وطن آنها نیـز است، این روزهای مملو از افتخارات عید است که روز برادری واتحاد زحمتکشان تمام ملیت های کشور عزیز ماست .»

از همینجاست که میتوان گفت همانطوریکه خلق مادست بدست هم داده وبا کار وپیکار انقلابی در راه آبادی وشگوفانی وطن شان و اعمار جامعه بدون تناقضات دلیرانه و مجدانه به پیش میروند ودر قلع وقمع کردن دشمنان شجاعانه می رزمند ، طفیلی ها وستمگران را دیگر توان آن نیست تاهمه امتیازات جامعه‌را موروثی خود بدانند ودر انحصار داشته باشند.

اتحاد وهمبستگی خلق ما وقرار داشتن شان در سنگر دفاع از انقلاب همه گـویای این حقیقت است که خلق ما بر سر نوشت خـود حاکم اند، قربانی درراه دفاع از انقلاب ومیهن را از سنن وافتخارات دیرین شان دانسته واز عید شان در فرصتی تجلیل وبزرگداشت مـی نمایند که‌دنیای بیداد گری ونابرابـری را خاتمه بخشیده وستمگاران را بگور نا بود ی فرستاده اند .

پس این عیدرنجبران‌است، عید کارگـران ودهقانان است وعید کسانی است که پدران ونیاکان شان در راه ایمان وعقیده و عشـق بەمیهـن قربانی ها داده اند وکشورشا نـرا در قطار ملل جهان آزاد وسر بلند نگهداشته اند .

جاودان باد عید واقعی زحمتکشان .

فرخنده ومبارك باد آزادی کارگـران و دهقانان .

سرنگون باد تیکه داران منافق و غاصبـان آزادی انسان در سراسر جهان .



شرح پشتی اول: دلچسپی خلق مارابه‌سواد آموزی نشان میدهد.

شرح پشتی‌چارم: نمای از بالاحصار شهر تاریخی هرات.

تبصره

تضادهای عمده کنونی ومساله مبرم جنگ وصلح در جهان

مشخصه دوران کنونی جهان را تشدید وحدت پیکار تاریخی نیرو های بالنده وانقلابی ونیرو های میرنده وارتجاعی تعیین می نماید. وجامعه شناسان مترقی عصر کنونی را، عصر زوال امپریالیزم وگذار از جامعه پوشالی سرمایه داری وماقبل سرمایه داری به‌جامعه سوسیالستی دانسته وتمام تحولات وتغییرات رادر پرتو همین دید علمی می سنجندوارزیابی ها نیز در روشنی درك علمی فوق برجسته می گردد .

مقدمه فشرده فوق بخودی خود نمی تواند تمام مسایل مربوط به جامعه انسانی‌بخصوص عصرکنونی راتوضیح نماید بناء باید مختصراً در باره آرایش نیرو های اجتماعی وبخصوص تضاد های که در مقابل هم قرار گرفته و آینده جهان را بشارت می دهد به توضیح وتشریح گرفت .

پس باید با نظر انقلابی وعلمی در پرتو ایدیالوژی دورانساز طبقه‌کارگر، دیدووضع و موقف نیرو های اجتماعی را با فهم تضادهای اجتماعی وطبقاتی روشن ساخت .

واقعیت های عصر ونیرو های اجتماعی که روبروی هم قرار گرفته وگرم پیکار و جدل اند میرساند که در جهان کنونی سه رشته تضاد اصلی گرم تاثیر است .

«اول تضاد بین کار وسرمایه که خود بدو شکل بروز می کند . بشکل تضاد، بین کشور های سوسیالستی و کشور های امپریالیستی ونیز بشکل تضاد بین جنبشهای انقلابی کارگری کشور های سرمایه داری وبورژوازی این کشور ها .

دوم تضاد بین کشور های امپریالیستی وجنبش های رهایی بخش وضد امپریالیستی جهان سوم، که آ ن‌نیز درین دوران اشکال مشخص وگوناگونی را بخود گرفته است .

سوم ـ تضاد بین خود کشور ها وانحصار های امپریالستی .»

در میان تضاد های که برشمردیم به ارتباط آغاز کلام درین مقال تضاد عمده، تضاد کار وسرمایه است که به ویژه بصورت تضاد میان سوسیالیزم جهانی و امپریالیزم جهانی بروز می کند .

دانشمندان و علمای سوسیالوژی مترقی معتقد اند که تضاد ها در میان خود تاثیر متقابل دیالکتیکی دارند وبشارت دهندگان فرداهای سعادتمند جامعه علما روابط وتاثیرات متقابل تضاد های عمده عصر کنونی رامطالعه نموده حکم می نمایند وواقعیات نیز به‌اثبات رسانیده است که درین روند، رهایی کاراز سرمایه ورهایی خلق ستمدیده از بنداستعمار نو واستعمار وفرو ریختن سیستم ستمگرانه امپریالستی چهره مشخص جهان کنونی را ترسیم می نماید چنانچه حوادث ورویدادهای زنده جهان احکام ونظریات فوق راتایید کرده است .

بهتر خواهد بود در ینجا برای روشنی هر چه بیشتر در باره زوال امپریالیزم ودر باره تضاد های اردوگاه امپریالیستی و در گیری های علاج ناپذیران تذکراتی ارائه گردد .

تاریخ میرساند کـه امپریالیزم مدتهاست دچاریك بحران عمومی است که سرا پای جامعهو نظام سرمایه داری رادر بر گرفته‌که هم در عرصه سیاست بروز نموده وهم در امور سیاسی بحران راهش را با ز نموده است .

بحران عمومی نظام سرمایه داری ازجنگ اول جهانی شروع شده که یکی از نتایج مهم آن انقلاب کبیر اکتوبر ایجاد اولین دولت سوسیالیستی در جهان می باشد . ووصله‌کاری ها شکاف ها، دیگر گذشته است دوران‌زلزله های بزرگ فرا رسیده است » .

خلاصه اینکه امپریالیزم که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر ضربت در هم شکن بر تسلط جهانی آن وارد ساخت وسپس درنتیجه پیروزی های تاریخی سوسیالیزم توسط جنبش جهانی کارگری انقلاب های آزادی بخش ملی انحلال سیستم جهانی استعمار ورستاخیزملل ازبند رسته مواضع خودرایکی پس ازدیگری ازدست داده ومیدهد ولی با آنهم نمیخواهد بحکم قاطع تاریخ گردن نهد وبمیل خود از صحنه تاریخ بدر رود .

امپریالیزم هرچند یکبار به تلاش می‌آید تا شاید بتواند تسلط خودرا هرجاست است استوار سازد وهر جا ازدست رفته است احیا کنـد .

در نتیجه همین تلاش هاست‌که امپریالیزم کانون های تشنج را گرم نموده وبر آتش آن نفت می ریزد وواقعیات زنده روزگار و بخصوص فعالیت گرم شبکه های جاسوسی تخریبی امپریالیستی نشان میدهد امپریالیزم دست وپاچه شده ولی از میان نرفته و باید علیه آن علما وعملا مبارزه نمود .

برای اینکه درین مبارزه‌کامیاب وسرفراز برآمد باید حوادث را بصورت عینی تحلیل نموده وبادرك تضاد های زنده ودیالکتیکی برخورد هارا ارزیابی نمود وسمت گیری سیاسی دقیق تمام سر نشینان کشتی جنبش انقلابی را روشن ساخت .

به ارتباط مطالبی که گفته آمد عمده ترین مساله وضع کنونی را مساله جنگ و صلح تشکیل میدهد که باید د ر باره مختصرا اشاره نمود وبیشتر توجه را روا داشت .

از دیر زمانی است کـه مساله جنگ و صلح حاد ترین واساسی ترین مساله دوران ماشناخته شده است . این مساله قبل از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت جهانی داشت چنانچه رهبر انقلاب کبیر اکتوبر میگفت : جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین تبهکاری است ممکن کارا بـه «نابودی‌شرایط موجودیت‌جامعه‌بشری‌بکشاند.» همچنان وی ضمن پیش بینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده می گوید : «زمانـی خواهد رسید که جنگ آنچنان مخرب‌خواهد گشت که اقدام به آن بکلی غیر ممکن خواهد شد » .

سخنان فوق را رهبر زحمتکشان جهان در سال ۱۹۱۸ گفته است ازآن‌زمان تاکنون بیش از نیم قرن می گذرد از آنزمان تاکنون علم وتکنیك‌وبموازات آن تکتیك جنگی پیشرفت عظیم کرده است پیدایش سلاح های مخوف اتمی، هایدروجنی ، هسته ای و موشکی وغیره خطر جنگ جهانی را صد ها وهزار ها بار شدیدتر کرده است .

چون جنگ وصلح نیز دو قطب مخالف وبرضد یکدیگر قرار داشته واهمیت شایانی در زندگی بشریت دارد بناء بحث در زمینه هرگز بیجا وبیمورد نمی نماید واندرین موضوع حیاتی نیز مختصرا پرداخته می‌آید.

نیازی به اثبات ندارد کـه ز حمتکشان هرگز جنگ را یگانه وسیله رسیدن بـه اهداف والای انسانی خویش ندانسته وبااینکه درروند پیکار های طبقاتی جنگ هاومبارزاتی طبقاتی به اشکال وشیوه های مقتضی زمانی ردنمی کند درگیری جنگ جهانی را هرگز نمی پذیرد، برضد جنگ افروزان، بین‌المللی قاطعانه به نبرد می پردازد .

مرحله دوم باجنگ دوم جهانی آغاز یافته که منجر به شکست افتضاح آمیز ارتجاعی ترین پدیده امپریالیزم‌یعنی‌فاشیسم انجام‌میده وازمیان ویرانه ها وشعله های جنگ دوم جهان اردوگاه عظیم سوسیالیستی بمیان آمد.

مرحله سوم این بحران در سالهای پنجاه قرن جاری بدون درگیری جنگ جهانی آغاز گردید و در گوشه های مختلفه جهان بخصوص در کشور های آسیایی و افریقایی وامریکای لاتین فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی وپیدا یش یك سلسله کشور های نو استقلال شروع گردید وکماکان با رشد همه جانبه ونیرومندی هرچه بیشتر ادامه می یابد .

در نتیجه فرو ریختن سیستم مستعمراتی امپریالیزم بعد از جنگ جهانی دوم، کشور های آزاد شده تنهابه استقلال سیاسی خویش بسنده نکرده و در جهت استقلال سیاسی گام های نیرومندی هم در راه آزادی اقتصادی گذاشته اند که خوانا خواه امپریالیزم برای دوام زندگی ومکیدن خون توده های از بند رسته با چهره دیگر در زیرنام کمك های اقتصادی تلاش نموده که مختصرا در باره باید پرداخت وتکنیك های استعماری شانرا برملا ساخت .

در زیر شعار تبلیغاتی ودروغ با فی امپریالیستی در کشور های جهان سوم و در تمام گیتی ایدیالوك های امپریالیستی از یك خطر موهوم واتوپیایی دم زده وراه نصامی کردن اقتصاد رانه تنها پیشنهاد نموده اند بلکه به ارتباط سنت وتجربه وبخصوص‌اجیر نمودن زمامداران مرتجع ووابسته به شبکه های جاسوسی وتخریبی، بودجه های سرسام آور برای تسلیحات را تحمیل نموده و سایه شوم وخامت رادر هرگوشه وکنار با نیرنگ های امپریالیستی گسترده نموده و انحصارات غول پیکر اسلحه سازی ازراه دیگر وشیوه دیگر حرص سیری ناپذیر شانرا تبارز دادند ودر فضای تیره وتاری کـه بنام جنگهای منطقوی و خطر هجوم موهوم بمیان آوردند مارکیت های فروش اسلحه ومهمات جنگی را افتتاح وبازار ش را پردرآمد ساختند .

چنانچه ایجاد پیمان های تجاوز کارانه ودامن زدن جنگهای منطقوی در سر لوحه کار امپریالیزم بعد از جنگ جهانی دوم قرار داشته وچه جنایاتی که زیر همین نظرخائنانه در آسیا ، افریقا وامریکای لاتین صورت گرفت وتنها خلق قهرمان ویتنام بیش ازسی سال علیه امپریالیزم جنگید که با فرجام جنگ ویتنام در کشور تجاوزگر امپریالیستی در فابریکات اسلحه سازی بیکاری اوج گرفت .

شیوه دیگر استعمارنو استفاده از دستاورد های علمی وفنی وزرق وبرق خیره کننده مدرنیزم وانواع واقسام فراورده های انحرافی جهان سرمایه دار ست که به اصطلاح «انفجار مصرف» ورواج وفروش کالا های جاسوسی کالاهای سکس، هیروئین و دیگر انحرافات پابه جامعه گذاشته وچه تباهی‌هایی که بمیان آورده است .

همچنان امپریالیزم بعد از جنگ دوم جهانی کوشید تا پیوند های اقتصادی را با جهان سوم ازنو گره بزند وتمام جعلکاران وماهران ماهر خویش را بکار انداخت تاجهان سوم را در حیطه اقتصادی خویش نگهدارد ولی شیادی ونیرنگ بازی های رنگارنگ امپریالیزم جایی را نگرفت چنانچه امروز توفان عظیمی سراپای جهان سوم را فراگرفته وروز بروز نفوذ ودامن امپریالیزم برچیده میشود . روز نامه فرانسوی «اکو» که سخن گوی نزدیك وزبان جامعه بورژوازی است

می گوید : «دوران ماستمالی ها» درین‌میان سوالی مطرح می شود که بروایت تاریخ بعد از اولین جنگ جهانی نخستین انقلاب کارگری به پیروزی رسید واولین دولت سوسیالیستی بمیان آمد وهمچنان بعدازجنگ دوم جهان اردوگاه وسیستم سوسیالیستی پا به‌عرصه وجود گداشت کـه عمده تابه‌زیان امپریالیزم وبه نفع خلق سراسر گیتی انجامید وبه این ترتیب گا م های جدی درراه آرامی وسعادت بشر برداشته شد . پس آیا تحریم وضدیت باجنگ جهانی‌درست است ویا چطور ؟

بقیه‌درصفحه۵۱

«صخره»

خلق، نیروی پرتوان جامعه

انقلابیون و مترقیون پیوسته در پی آن کوشش اند تا در کشور قهرمان وحماسه آفرین ما جامعه ی نوین (بمعنی واقعی کلمه نوین) ایجاد نمایند برای برآورده شدن این هدف تعالیم کلاسیکهای ایدیالوژی دورانساز عصر ما بحیث سر مشق قرار دارد. ایجاد جامعه‌ی نوین مبری از استعمار واستثمار، مبری‌از فقر مادی ومعنوی، عاری از طبقات متناقض، بهره ور از استقلال سیاسی و اقتصادی و مبتنی بر دموکراسی سیاسی واقتصادی، کار ساده و چند صباحی نیست. این کاریست شریف و عالی ولی صعب وبغرنج.

ساده لوحانه خواهد بود اگر کسی تصور کند که احکام مندرج در کتاب ها ویا تقلید تجارب دیگران برای حل این معضله‌کافی است.

آگاهی درست و جامع از تیوری،مطالعه‌ی همه جانبه ودقیق تجارب دیگران شرایط ضرور داشتن دید درست در امر ایجاد جامعه ی نوین بدون استثمار فرد از فرد در کشور باستانی ماشرط ضروری است ولی باید دانست که ایند و شرط از شرایط لازم و ضرور است و لیکن کافی و بسنده نیست. با این دو شرط لازم باید دو شرط دیگر را افزود. یکی شناخت علمی تاریخ کشور بویژه‌جنبشهای اجتماعی ودرک علل کامروائی و ناکامی آنها و باز هم بخصوص ترشناخت علمی جنبش های قرن اخیر در افغانستان و جمع بست تجارب این جنبش؟.

دو دیگر اینکه باید جامعه معاصر را درست شناخت وارزیابی صحیح کرد. تجربه نشان داده است که محیط عقب مانده و بطور عمده خورده بورژوائی کشورما،طرز تفکر وعمل‌ذهنی، اندیویدوالیستی فوق العاده میدان می‌دهد، و باید درصدد زدودن همه جانبه‌ی آن برآمد.

جامعه ی که امروز ماموریت تغییر آن به عهده ی وطن پرستان وانقلابیون افغانستان گذاشته شده. جامعه ای است سخت عقب مانده و دارای تارو پود خرافی وانکشاف نیافته. برخورد تحول طلبانه با این جامعه مستلزم حزم و تامل فراوان است چه طبقات حاکمه ی ستمگر وسلطنت فئو دالی ودست نشانده نه تنهادر صدد تکامل و انکشاف آن نبودند بلکه بر جهات خرافی وعقب ماندگی آن تاکید و فشار وارد می کردند و هر چه بیشتر در صدد تعمیق‌عقب ماندگی وتحمیق خلقهای ساکن این‌جامعه بودند.

اینک انقلاب کارگری و مترقی در این کشور پیروز شده است وخلق‌درصدد تحول‌و انکشاف انقلابی خود و کشور خود برآمده است. به ارتباط موضوع در ینجا به بررسی مسئله ی تحولات روبنائی که آهنگ اجرای آنرا دولت جمهوری دموکراتیک و حزب دموکراتیک خلق‌افغانستان، کرده است می پردازیم.

باید بیاد داشت که روبنا خود نیز در تکامل اجتماع نقش بزرگی دارد وپس از آنکه بر اساس زیر بنای اقتصادی یعنی پدید آمد برزیر بنا تاثیر متقابل می گذارد. واما روبنا چیست؟

روبنا عبارت است ازنظریات سیاسی، حقوقی، فلسفی، اخلاقی، هنری ومعنوی جامعه و نهاد ها و موسسات و سازمانهای مربوط به آنها.

بعد از پیروزی انقلاب ثور و بعد از تحول زیر بنائی ناشی از تطبیق اصلاحات دموکراتیک ارضی، اینک حزب و دولت خلقی در صدد تحول رو بنائی منطبق بان برآمده است و در صدد آنست تا با ایجاد محیط دموکراتیک راه تحول جامعه رابه پیش بکشاند. یعنی تسوید، تدوین وانفاذ قانون اساسی جدیدبرای بمیان آمدن حیات قانونی دموکراتیک برای خلق افغانستان.

برای اینکه همه اقشار و طبقات‌جامعه‌ی ما درین تعیین سرنوشت سیاسی سهیم شوند کمیسیونی برای اینکار توظیف شده است که نمایندگان همه خلقها در آن اشتراک ورزیده‌اند. نمایندگان کارگران، دهقانان، اردوی خلقی، روشنفکران مترقی و ... چنانچه حفیظ‌الله امین منشی عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس‌شورای انقلابی و لومری وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان دربیانیه ی افتتاحیه‌ی شان درین مورد چنین گفته اند: «از همین جاست که کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان نمایندگان تمام طبقات واقشار مربوط به زحمتکشان کشور ما از قبیل کارگران،دهقانان، روشنفکران‌مترقی،علمای‌دینی ومذهبی جوانان، معلمان واستادان، سرمایه داران ملی و تجار ملی، ملیت های مختلف کشور وامثال آنرا در بر دارد تا بصورت دسته جمعی منافع‌تمام نیرو ها و عناصر مربوط به زحمتکشان افغانستان را بخوبی منعکس سازند ....». حال این سوال پیش میاید که این قانون اساسی که در تاریخ کشور ما اولین قانون واقعا دموکراتیک خواهد بود چه روش ومطالبی را باید احتوا کند و محور اصلی محتوای آن‌کدام بر نسب باشد؟

ما در ینجا به تاسی ازین فرموده ی حفیظ الله امین که همه وطنداران رابرای ابراز نظر در چگونگی متن قانون‌اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان دعوت نموده است، وهکذا بادرنظر داشت دایرکتیف های طرح شده از جانب ایشان و همچنان بادرنظرداشت ماهیت انقلاب خلقی و دولت خلقی مطالبی چند را به‌شکل موجز تذکرمی‌دهیم:

-روحیه ی قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید در قدم اول این خواست خلق را که با همه وجود (جان ومال) از تمامیت ارضی کشور دفاع کرده ومی‌کند. بروشنی و وضوح کامل انعکاس دهد.

-اصل انکار ناپذیر تمرکز همه قوای دولتی بدست خلق باید درراس همه مطالب قرار داشته باشد، چه این خلق است که تاریخ را می سازد.

-حاکمیت خلق وخدمت گذاری در راه خلق مطلبی مهمی است که مراعات آن از طرف طراحان قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان ضروری می باشد.

-انعکاس این روحیه که شوراهای خلقی مهم ترین اصل پیاده کردن آمال و خواست های خلق در عمل می باشد باید در قانون درنظر گرفته‌شود.

-بمیان آمدن قوه ی قضائیه واقعا خلقی و دموکراتیک.

-تامین آزادی های وسیع دموکراتیک برای همه خلق.

این یك حقیقت مسلم است که کشور ما مرکب از اقوام وملیت های مختلف‌ومتعدد تشکیل گردیده است که‌این خلقها دارای کلتور های غنی و متنوع بوده است.البته همه اقوام و ملیت های کشور در طول تاریخ افغانستان عزیز را مشترکاً دفاع و آباد ساخته اند. لذا باید قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بصورت جدی و پیگیر از وحدت ملی واز بین بردن کامل ستم ملی اعم از تفوق طلبی قومی، نژادی قبیلوی منطقوی، و تمایلات محلی که نفاق ملی رابار میاورد دفاع و پشتیبانی را وظیفه ی همه خلق و همه ارگانهای دولت بداند.

-تعیین سرنوشت خلقهای قهرمان پشتون و بلوچ که یکی از خواستهای تاریخی خلق افغانستان است در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید جایی خاص خود را داشته باشد.

در ساحه ی سیاست خارجی باید اعضای طرح نخستین قانون اساسی واقعا دموکراتیک کشور یعنی قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان مراتب آتی را در نظر داشته باشند.

-تعقیب سیاست آزاد و مستقل، فعال و صلح جویانه و تائید و تقویه نهضت عدم انسلاک و داشتن سهم فعال وانقلابی در آن

-دفاع همه جانبه و پیگیر از صلح جهانی دیتانت و همزیستی مسالمت آمیز.

-استقرار روابط دوستانه با تمام کشور های صلحدوست جهان و در قدم اول کشور شوراها (اتحاد شوروی سوسیالیستی)وبان محافل و کشور هائیکه اغراض سیاسی، اقتصادی ومفاد ضد استعماری نداشته باشند؟

-تقویه ی مناسبات با جریان های انقلابی و مترقی جهان.

مجاهده در راه خلع سلاح عام وتام و برقراری مناسبات سالم بین المللی که مدافع صلح، استقلال ملی، دموکراسی، ترقی اجتماعی و ضد امپریالیزم می باشند وهم چنان تائید و پشتیبانی آن ملل و کشور هائیکه در آسیا، افریقا وامریکای لاتین در راه رسیدن به استقلال کامل سیاسی واقتصادی مبارزه می کنند.

-مجادله علیه جنگ های غیر عادلانه و تقبیح دسته بندی ها واتحاد به های تجاوز گر نظامی.

-تقبیح آن کشور ها ئیکه در اموردا خلی سایرکشورهاو برخلاف‌اراده‌خلقهای این‌کشور ها مداخله، توطئه و دست درازی می کنند.

-تائید سازمان جهانی یونو و طرفداری از همه‌اقدامات برای خلع سلاح عام وتام وافشای ماجراجوئی و جنگ طلبی همه‌ی محافل ماجراجو وجنگ طلب.

-مبارزه علیه کلونیالیزم ونیوکلونیالیزم وامپریالیزم، ودفاع از جنبش های آزادی بخش ملی و مترقی در جهان

دفاع از اصل حق کار برای همه افراد مستعد بکار در کشور؟ وازین موضوع.

- تقویه ی معارف خلقی وعمومی ساختن هر چه زودتر سواد و ...

البته باید تذکر بدهیم که همه مطالب فوق در بیانیه ی علمی و همه جانبه ی حفیظ‌الله امین منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ،رئیس شورای انقلابی ولوی‌وزیر جمهوری دموکراتیک افغانستان بشکل عالمانه و همه جانبه انعکاس یافته است. چنانچه در بیانیه ی افتتاحیه ی شان بمناسبت آغاز کار کمیسیون طرح قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان گفته اند که: "قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید به احساسات‌میان تهی متکی نبوده محتوای کاملا رئالستیک وعلمی داشته باشد" و "قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان باید اراده و منافع خلق زحمت کش‌افغانستان‌رامنعکس سازد ..."

واما قیودی که قانون اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وضع می کند باید کدام ها باشد؟. قانون اساسی ما همانطوریکه رفیق حفیظ‌الله امین هم گفته اند



نمای ازقالین های‌بافته شده دریندستگاه

مور، یابهترین وخوبترین قالین افغانی

* *

* برای جلوگیری از کش قالین چه باید کرد ؟

* چرابعضی‌قالین هابعد ازمدتی کیفیت‌و رنگ‌خو درامی‌بازد؟

تاجاییکه اسناد گو یا واسناد گنگ تاریخ مارا یاری میکند در سرزمین کهنسال مانقش قالی های ابریشمین وغیرابریشمین‌در همه جابچشم میخورد .

در باور داشتن این ادعا آثار مورخان بزرگ خارجی از استرابو وآریان گرفته تا هیوان تسانگ وآنانیکه همین دیروز ها از سرزمین ما گذشته اند، دست کمك و یاری میدهند .

آری قالین ... این فرش منقش وزیباکه فرش راه ستمگران بزرگ مثل چنگیز ها وشاهان مستبد بود با دست های نحیف زنان ومردان ستمکش کشور ما بافته وتولید می شد ومیشود .

زن ارباب هرگز به چنین کار دشواری تن در نمیداد ... قالین بافی سر انگشتان را می شاراند، قد را در جوانی کپ می سازد وگرد پشم بیماری سل بارمغان می آورد .

در تقسیم اجتماعی کار مثل همه جا این کار سخت بازهم نصیب خلق زحمتکش ما بود . در حالیکه شکوه وعظمت محصول این کار دشوار، زیبایی بخش محافل گناه آلود آدمخواران طبقاتی جهان بوده است .

کاروان ابریشم این متاع باشکوه کشور ما رابدورترین سرزمین های تاریخ باستان برد وآنها مشهور گردانید.

قالین افغانی امروز نیز درسرتاسر جهان از شهرت بسزایی بر خوردار است چنانچه همین اکنون قالین های خوش بافت افغانی زینت بخش موزیم های (متروپولتین نیویارك) موزیم میلان وموزیم آلمان وانگلستان است.

برای آشنایی بیشتر باقالین‌وقالین‌بافی‌باری پای صحبت محمد عوض بادغیسی آمردستگاه موربافی وخانمش بیرم بادغیسی می نشنیم وبه اوگوش میدهیم.

س : محترم بادغیسی چند سال دارید . **وچقدر وقت‌میشود که‌شما مصروف‌قالین بافی هستید...؟؟**

ج- چهل‌وسه سال دارم...که بیست وهشت سال این عمر عزیز خویشرادر آموختن بهتر ساختن واصلاح جنسیت قالین صرف کرده ام ... وشش سال می شود که درین دستگاه برای تولید قالین های زیبایی موری شب وروز یعنی از ساعت هشت صبح‌الی پنج شام کار میکنم .

س- درین دستگاه چند نفر مصروف قالین **بافی هستند ؟؟**

ج- ماهمین اکنون در حدود (۲۵۰)شاگرد وهشتاد معلم داریم کـه‌بعضی از آ نهـا شاگـردان مکتب اند ونصف روزیعنی بعد از فراغت از درس ومکتب با ینجا می آیند ومصروف آموختن صنعت قالین بافی میشوند.

س- بعقیده شما ، **برای آموختن صنعت قالین چقدر وقت لازم** است ؟

ج- بجواب شما باید گفته شود کـه آموختن صنعت قالین بسته به شوق و پشتکار **یـك شاگرد است مـا در ین د ستگاه** شاگردانی داریم که به مدت دو ماه‌توانسته اند یکقالین باف خوب وماهر شوند و خود **بحیث استاد دربافتن قالین سهم بگیر نـد.** ولی هستند کسانی هم که حتی در مدت ششماه هم نتوانسته اند که از عهده بافتن يك قالین بدون رهنمایی استاد بدرشوند .

س-به‌مواد خامیکه برای بافتن قالین‌هانیاز دارید ، ازکجا وبچه طـریـق بدست مـی آورید ؟

ج- در بافتن قالین. بیش از هر چیزدیگر **به‌پشم خوب واعلی نیاز داریم سابـق ایـن** پشم مورد ضرورت را از دستگاه های شخصی بدست می آوردیم، که از لحاظ نوعیت و جنسیت قابل اطمینان نبود .. ولـی بعد از انقلاب ثور. دولت خلقی ما متوجه این مشکل قالین بافان کشور خویش شده و برای رفع این مشکل به فابریکه پشمینه بافی قندهار هدایت داد تا پشم مورد ضرورت قالین بافان **افغانی راتهیه و بدسترس ایشان بگذارد ...** همانست که امروز ما بهترین پشم رابقیمت نازل ازین فابریکه بدست می آریم .

س- دستمزدیکه به کارگران این‌دستگاه پرداخته می شود بچه ترتیب است ؟

ج- برای نو آموزانیکه تـازه به بافتـن قالین شروع مینمایند ... ماهانه جیب خرچی از یکصدوپنجاه تا سه صد افغانی پرداخته می شود. ولی برای کارگران فنی و تجربه کار خویش سه نوع اجوره به حساب مترانه قرارذیل میپردازیم :

۱-اجوره برای قالین در جه اول - فی‌متر مربع دوازده هزارو پنجصد افغانی .

۲- اجوره برای قالین درجه دوم- فی متر مربع هشت هزار افغانی .

۳- اجوره برای قالین درجه سوم، فی متر مربع شش هزار افغانی .

ناگفته نباید گذاشت که این دستمزد ها بعد از انقلاب ثور تعیین گردیده است . چه‌قبلا دستمزد کارگران قالین با ف بسیار کمتر از ین بود .

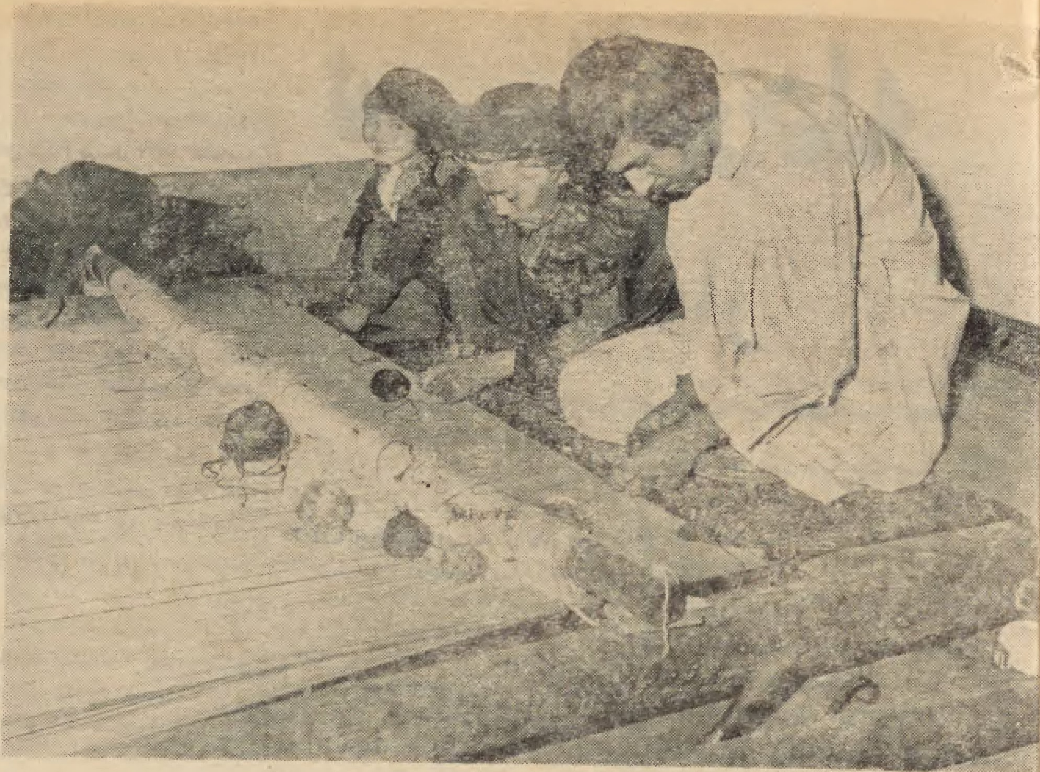
س- خوب محمد عـو ض بـاد غیسی. قسمیکه ما از قالین های شمادیدن بعمل **آوردیم درحاشیه هرقالین شما کلمه «کابل»** به چشم میخورد، علت این کار چیست ؟

ج- ا ین اسم را مابخاطری در حا شیـهٔهر قالین می بافیم که در گذشته در اکثربازار **های جهان قالین افغانی بنام کشور هـای دیگر بفروش میرسد ، بناء مـا تجـویز** گرفتیم تادیگر اشتباهی دراین موردرخ‌ندهد و **وهمان است که‌در ختم هر حاشیه قالین اسم «کابل» رامی‌بافیم.**

سدرین دستگاه طور تخمینی روزانه چند متر قالین بافته خواهد شد .؟



دربافتن قالین ، بیش ازهرچیز دیگربه‌پشم‌خوب واعلی نیاز داریم



هرقالین باف بزحمت میتواند، روزانه‌زیادتر ازیك انچ‌قالین ببافد

ج- اگر مجموع کارتمام کارگران رادریك روز جمع کنیم قالین بافته شده درین دستگاه درحدود یك متر میباشد ، زیرا هر قالین- باف بزحمت میتواند روزانه زیادتر ازیك‌انچ قالین ببافد ...

س- چرا شما فقط قالین مورمیبافید ؟

ج- برای آنکه قالین موربهترین وخوبترین نوع قالین افغانی است ازینرو ما تلاش‌میکنیم که‌اعلی ترین وبهترین جنسیت قالین راتولید نماییم .

س - بعضا بمشاهده‌میرسد که یکقالین بعداز مدتی تغییر شکل میدهد یعنی به اصطلاح کش پیدا میکند ویا اینکه دورنگه می شود. علت آن چه‌میباشد ؟

ج- اینکه بعضی قالین هاکش پیدا میکنند بخاطریست که پود وتانسته قالین ازپشم اعلی نمی باشد. یکقالین خوب باید پود- تانسته آن یا ابریشمی ویا اینکه از پشم بهاری باشد ... نه‌پشم تیرماهی ، چه پشم بهاری در موسم بهار چندین بار شسته وترشده است ، ولی پشم تیرماهی که آب ندیده‌است بمجرد آنکه نم ورطوبت باوبرسد فورا کش ایجاد مینماید . به جواب قسمت دوم سوال شما باید گفته شود که اگرقالین پس از مدتی تغییر رنگ میدهد یعنی دو رنگه می شود بخاطریست که در رنگ‌نمودن پشم آن از رنگ های مصنوعی استفاده شده است . نه‌ازرنگ طبیعی.

س- منظور شما از رنگ مصنوعی ورنگ طبیعی چیست ؟؟



ج- رنگ مصنوعی یعنی رنگهای خارجی و کیمیاوی است که بعضی از قالین بافان کشور ماتوسط این رنگهای کیمیاوی پشم قالین رارنگ مینمایند که البته رنگ نمودن پشم توسط این رنگهای‌خارجی کاریست سهل وآسان، ولی رنگ آن به اصطلاح خام بوده وبه آسانی تغییر رنگ میدهد . ولی رنگ طبیعی رنگیست که‌ازنباتات تهیه میشود واین رنگ به اصطلاح مامردم قالین باف رنگ پخته بوده وهرگز ولوبعداز گذشت صد ها سال هم‌تغییررنگ نمیدهد.

س - نباتاتیکه برای رنگ نمودن پشم قالین از آن استفاده مینمایید چه نام دارند ؟

ج- یکی ازین نباتات دانه «رزشك» است. رزشك مثل کشمش بوده ورنگ سرخ ازآن بدست می آید .

دیگری بنام «اوردنگ» یاد می شود . بته اوردنگ هم بذرمی شود وهم بشم بته وحشی در تاك باغهای انگور میروید . ازین نبات رنگهای سرخ، قهوه ای وشیر چایی بدست می آید .

سوم «اسپرك» است، ازین نبات رنگ های طلایی وزرد ساخته می شود .

چارم بته «آشیق اوتی » استکه رنگ‌آبی وسبز ازآن ساخته میشود .

وپنجم پوست چارمغز است که بهترین ومهمترین رنگهای شتری ونقره یی از آن ساخته می شود .

س- محترم بادغیسی ، بدنیست اگر طریق رنگ نمودن را برای خوانندگان محترم بگویید ؟

ج- حاصل نمودن رنگ بته ها کاریست مشکل، مثلا اول بدست آوردن این‌بته های رنگی مشکلات فراوان دارد بمرحله دوم‌این بته ها خشك میگردند ... وبعد ازآن در دیگ های بزرگی که شما از آنها دیدن کردید برای ساعتها با آب جوشانده می شوند . وبعد پشم رادرآن انداخته و چهل دقیقه دیگر آنرا میجوشانند آنگاه مرحله شستشو وخشك نمودن پشم‌فرامیرسد. وبالاخره پشم آماده .

محترم محمد عوض بادغیسی‌از توضیحات شما تشکر ... محترمه بیرم بادغیسی هم‌که اینجاتشریف دارند... اکنون چند سوالی از ایشان مینماییم .

س-محترمه بیرم بادغیسی نقش شمادرین دستگاه قالین بافی‌مورچه میباشد.

ج- درین دستگاه بحیث معلم ادنای‌وظیفه مینمایم وهم امور سرپرستی نو آموزانیکه درین جا می آیند بعهده دارم .

س - چند سال می شود که شما مصروف بافتن قالین هستید ؟

ج- در حدود بیشتر از سی سال .

س- محترمه بیرم بادغیسی، چند طفل دارید ؟

ج- هفت اولاد دارم ...

س- شما که از صبح الی شام درین دستگاه مصروف کار هستید، آیا این مصروفیت شما مانع رسیدگی در امور منزل نمی شود ؟

ج- چه عرض کنم ؟ یکزن ومخصوصا

بقیه در صفحه ۵۷



قالین های موری افغانی درسراسر جهان از نظر جنسیت وبافت شهرت بسزایی‌دارد

مسابقه تسلیحاتی

از زمان لوئی دوازدهم تا به ناتو

از مجله : سپوتنیک .
نوشته : بایکوف
ترجمه : خان محمد گوارا

یک قوماندان متقاعد بحری امریکایی محاسبه نموده است که دو هزار سال قبل کشتن یک فرد دشمن برای ژولیوس سزار هفتاد وپنج سنت خرج برمی‌داشت . برای ناپلیون چنین کاری سه هزاردالر تمام می‌شد . ایالات متحده برای عین هدف (کشتن یک نفر دشمن) در جنگ جهانی اول بیست ویک هزار دالر ودر جنگ جهانی دوم دوصد هزار دالر مصرف نمود .

امروز ، مسابقه تسلیحاتی جهانی سالانه مبلغ چارصد بلیون دالر (مجموعا به اندازه تولید ناخالص ملی تمام کشور های امریکای لاتین ودو چند عواید ناخالص ملی کشورهای افریقایی) رامی‌بلعد . علاوه برآن مصارف نظامی در حال افزایش است . باحفظ اندازه موجود افزایش، مصارف روی اهداف نظامی به قول ساینس دانان ، درسال ۲۰۰۰ به رقم افسانوی هشت صدو بیست بلیون دالرخواهد رسید . واین وقتی است که درجهان ازهرسه نفر یک‌نفر آن فاقد کمک طبی ، از هر پنج نفر یک نفر آن بی سواد واز هفت یک نفرآن چیزی برای خوردن نخواهد داشت .

بیست وپنج سال قبل ، زمانیکه جهان یک سوم پولی راکه امروز برای اهداف نظامی مصرف می‌نماید ، مصرف می‌نمود، دیوایت‌آیزنهاور رئیس جمهور آن وقت ایالات متحده اظهار نمود «هر تفنگی که‌ساخته میشود، هرکشتی ایکه به آب انداخته می‌شود .هر راکتی که پرتاب میگردد ، در نهایت امر بیانگر دزدی از آنهایی می‌باشد که احساس سرما می‌نمایند ولباس ندارند.» مسابقه تسلیحاتی خصوصا برای اقتصاد ضعیف کشور های‌روبه انکشاف زیان بار است. اگر چه برای آنعده از کشور های‌که بسیارخوشبینانه فکر می‌کنند که‌میتوانند هم مسکه وهم تفنگ داشته‌باشند نیز بارسبکی نیست. افزایش‌تکس‌ها وبیکاری، کسرات بودجه ، انفلاسیون و کاهش ارزش پولی تماما محصول مستقیم مصارف زیاد نظامی می‌باشد .

دولت شوروی از آغاز موجودیت خود از صلح وخلع سلاح طرفداری نموده‌است . در کنفرانس جنوا درسال ۱۹۲۲ ، کنفرانس که برای اولین بار هیات نمایندگی شوروی اشتراک کرده بود ، مسکو پیشنهادی را جهت تقلیل عمومی سلاح‌ها وقوای‌مسلح و واستعمال این منابع ذخیره شده جهت احیای اقتصاد جهانی که در نتیجه جنگ متضرر گردیده‌بود، تقدیم نمود . جمهوری شوروی طبق‌همین پیشنهاد عمل کرد : درسال ۱۹۲۳ تعدادعسکر اردوی سرخ از پنج ملیون وسه هزار به‌شصت ویک هزار نفر تقلیل داده شد. این امر دولت جوان شوروی رابه انتقال قابل ملاحظه منابع مادی وقوای بشری به نیاز مندی های ملکی قادر نمود .

بعداز جنگ جهانی دوم اتحاد شوروی پیشنهاد های جدیدی که هدف آن کاهش بودیجه‌های نظامی‌بودارایه‌نموده درآن سال ها چنین معلوم می‌شد که وحشت وترس ناشی ازجنگ جهانی دوم مدت‌مدیدی در خاطره انسان ها جاگزین خواهد بود، وتجربه مبارزه مشترک علیه فاشیزم حفظ روابط همسایگی‌نیک بین کشور های دارای رژیم های مختلف اجتماعی را ممکن خواهد گردانید . اما این امیدها به واقعیت نپیوستند . رهبران امپریالیست جنگ سرد را آغاز نمودند. در آن روز ها اروپا در باره احتمال وقوع یک جنگ از یک دیگر پرسشی به عمل نیاوردند . آنها باید تامل می‌نمودند که چه وقت چنین جنگی ظهور خواهد کرد .

دفتر خارجه بریتانیا اخیرا بصورت بیا نیه چرچیل اسناد سی ساله ایرا افشاء نموده است که در آن به تقاضای بریتانیا وایالات متحده در مورد اینکه اتحاد شوروی برلین و قسمت شرقی آلمان را ترک گوید ودر غیر آن به تخریب اتمی شهر های خود مواجه خواهد گردید تاکید ورزیده بود .

واضحا در همان سال ها بود که، بابراه‌انداختن غوغای بی‌بندوبار درباره «تهدید کمونیسم» ناتو در منظره اروپا داخل گردید . پیمان اتلانتیک شمالی که توسط وزرای خارجه دوازده کشور غربی به تاریخ چاپریل ۱۹٤۹ دایر گردید هدف اولی خودرا عقب زدن ودر نتیجه ریشه کن ساختن سوسیالیسم اعلام داشت.

درهمان ماهی که‌پیمان اتلانتیک‌شمالی عقد گردید اولین کانگره جهانی صلح برگذارگردید بیش از دو هزارهیات‌های نمایندگی ازهفتادودوکشور تاکید ورزیدند که مساعی برای‌صلح

بقیه در صفحه ٤۲

سه مرحله استثمار

چرا از بهره کشی (استثمار) سخن‌زده‌میشود از لحاظ اینکه در جوامع غنی و فقیر وجود دارد .

آیا این معنای استثمار را دارد ؟ اگر مردم غریب با زور توانا و فکر رسای خود را برای بدست آوردن اجوره و معاش یا برای تولید نعمات مادی بکار میبرد. همچنان سرمایه دار سرمایه وزمین خود را برای سود ومنفعت بکار می اندازد تمام **این فعالیت ها استثمار است برای اینکه این سوال راجواب بدهیم باید اولتر بدانیم که استثمار چه است ؟** اگر بالای یکشخصی فشار آورده شود که از قیمت حقیقی یک شی ده چند زیاد به پردازد فغان و ناله را بالا میکند . استثمار یعنی چی ؟ مگر اینکه کمی عمیقتر جامعه را مطالعه کنیم تا بدانیم که در جامعه‌استثمار **انسان توسط انسان جریان دارد؟**

پیش از اینکه استثمار را در جامعه مطالعه کنیم ، باید نظر اندازیم که **در کدام ادوار تاریخ استثمار موجود بود.** تمام علما با این نظر موافق خواهند بود که انسانها در مراحل ابتدائی مخلوق بی دفاع وتحت تاثیر طبیعت بودند بگانه **وسیله‌یی‌راکه‌انسان اولیه بکارمی‌برد افزار** سنگی ودیگر وسایل سنگی بود .انسانهای **اولیه توسط وسایل دست داشته خود نمی توانستند به تنهایی خود** شکار و میوه درختان را جمع کنند .

توسط این آلات ابتدائی انسانهای اولیه قدرت انرا نداشتند که حتی یک **آهوی خورد راشکار کنند برای اینکه** از شر دیگر حیوانات در امان باشند بصورت دسته جمعی حیوانات را شکار و میوه درختان را جمع میکردند که بعدا در بین خود ها بصورت مساوی یا نه تقسیم میکردند . و سایل شکار مال شخصی کسی نه بلکه مال جمعیت شمرده می شد .

انسانهای اولیه که فاقد هرگونه وسایل‌امنیت بودند ، نمی توانستند که‌در آن مرحله بیکار بمانند شب و روز کار میکردند تا احتیاجات اولیه خود رابدست آورند . یعنی تولید اضافی نبود . **ازاینکه** تولید اضافی نبود استثمار هم وجود نداشت .

بناء درجامعه کمون اولیه تولید اضافی نبود لهذا فرق بین غریب و ثروتمند نبود .

از نگاه جامعه همه مردم یکسان بود یا همه مردم غریب بود . این جامعه مساوات که اساس کم بودن نعمات‌مادی را در برداشت در تاریخ بشر بنام جامعه کمون اولیه یاد میشود .

بعد از گذشت هزار ها سال ، انسان اهلی ساختن حیوانات. ساختن ظروف گلی و بعدا زراعت را آموختند . در نتیجه زندگی انسان کمی آسانتر گردید وبرای بار اول موقع مساعد شد که تا اندازه‌یی تولید بیشتر بکنند ، که‌با آمدن تولیدات اضافی استثمار فرد از فرد شروع شد .

ازینجا فهمیده میشود که چطور تاریخ زندگی انسان تحول میکند . بعد ازجامعه کمون اولیه بهم به جامعه بردگی فیودالی ، جامعه سرمایه داری و بعدا به جامعه سوسیالستی ترقی میکند جامعه **کمون اولیه به جامعه بردگی تبدیل** شد ، در حالیکه غلام ها توسط غلام دار ها استثمار میشدند . انها مانند حیوانات ودیگر ابزار زراعتی مال بادار بودند عینا مثل اینکه مالک حیوان را بفروش برساند یا بکشد ، غلام را مالک نیز می توانست که بکشد یا بفروش برساند مگر این مشکوره پیداشد که اگر غلامها کشته شوند کی استثمار شود؟ چون‌ازغلام ها مانند حیوانات کار گرفته می شد، **احتیاجات اولیه زندگی شان تهیه** میگردید . برای غلام ها زمین، وسایل زراعت و مواد زراعتی تهیه می شد مگر تمام تولیدات که با زحمت‌و عرق ریزی زیاد برده ها بدست می آمد همه حق مالک بود .

این حالت در مصر قدیم ، یونان ،روم وبعضی مناطق دیگر جهان در تاریخ غلامی جریان داشت .

استثمار در دوره غلامی‌اسیا و شرم

آور بود، زیرا که یك شخص بمثابه‌مال‌ووسیله تولید شخص دیگری بکار برده می‌شد .

با پیشرفت افزار وآلات تولید وتولید اضافی جامعه بردگی جای جامعه کمون اولیه را گرفت.

با سرعت و ترقی افزار تولید جامعه غلامی به‌جامعه فیودالی تبدیل گردید البته این تحولات به اشکال مختلف در جوامع مختلف بوجود آمد - مخصوصا در آسیا فیودالیزم از نرخاصیت وماهیت با فیودالیزم اروپا فرق فاحشی داشت استثمار جامعه فیودالی با تمام مشخصات آن ذیلا شرح میگردد :

در جامعه برده گی- برده و برده دار، درجامعه فیودالی سرف فیودال‌وجود داشتند مگرطوریکه در جامعهٔ بردگی برده مال برده‌دار بود درجامعه فیودالی سرف مال فیودال نبود ، آنها بصورت اشکار در بازارخرید و فروش نمی‌شدند . آنها مربوطه به زمین بودند و بدون اجازه صاحب زمین درجای دیگر رفته نمی توانستند . اگر زمین دار زمین خود را می فروخت یا بکسی میداد ، سرف نیز همرای زمین به شخص دیگر انتقال میکرد ، سرف غلام زمین نامیده میشد .

چنان معمول بود که سرف برای زمین دار بدون دریافت اجوره کار میکرد چیزیکه تولید میکرد تماما از زمین دار بود و حتی یك قسمت کمی از تولید هم با و داده نمی شد . در جامعه غلامی برده دار مسئول تهیه مواد اولیه زندگی برده بود. مگر در جامعه فیودالی زمین دار این مسئولیت را مقابل سرف نداشت حالا یك سوال پیدا میشود که سرف ها چطور زندگی میکردند ؟ آنهازندگی‌میکردند زیرا که یك زمین کوچك برای هر سرف از طرف فیودال داده میشد چند روزمعین بالای زمین فیودال وچند روز معین بالای قطعه کوچك زمین خود کار میکردند که با این ترتیب زندگی بخور ونمیر خود را دوام میدادند .

اگر در جامعه سرمایه داری نظر اندازیم چه می بینیم ؟ استثمار است مگر نه مثل استثمار جامعه بردگی وفیودالی . در این جامعه به یکطرف سرمایه دارها، صاحبان فابریکه ، معدن ،بانك وغیره که همه چیز را در اختیار دارند وبدیگر طرف کارگرها که تمام نعمات مادی‌را تولید کرده جز بازوی توانا چیز دیگری ندارند، قرار دارد . آنها مال سرمایه دار نیستند مثل آنکه در جامعه غلامی و فیودالی جریان داشت یعنی غلام مال برده دار وسرف مربوطه به زمین بود . کارگرها آزاد هستند می توانند که هر جای خواسته باشند کار نمایند .به تمام این احوال از آزادی نسبی بر خوردار هستند .

مگر این حقوق وآزادی شان محدودیت‌های زیاد دارد . زیرا که بدون کار کردن برای سرمایه دارها نمی توانند امرار حیات کنند . این است که برای امرار معیشت خود باید برای سرمایه داران کار کنند .

کارگر متکی به یك سرمایه دار مخصوص نیست ، مگر زندگی او بطور عموم به گروه سرمایه داران بستگی دارد .

اگر او به‌یك سرمایه دار و یا شخصی دیگری کار نکند او نان بدست آورده‌نمی تواند . یا بعباره دیگر او غلام یا سرف نبوده مگر در حقیقت برای تمام وقت یك غلام مزدور بوده است . سرمایه داران بالای صنعت وفابریکه ها قدرت و کنترول دارند تا کارگرها به نفع آنها کار و تولید کنند . اینست کرکترو خاصیت استثمار در جامعه سرمایه داری !

در حالیکه سرمایه دارها کارگرهارا اجوره ومزد میدهند ، استثمار ازکجا بوجود می‌آید؟ از جمله تمام وقت که کارگر برای سرمایه دار کار میکند تنها قسمتی از آن اجوره کارش راتلافی میکند، باقیمانده هر اندازه که کار میکند برای سرمایدار است مثلا از ده ساعت کار پنج ساعت اجوره یا معاش آن بخودش ،باقیمانده‌ساعت‌کار دیگرش ارزش اضافی است که به جیب صاحبان فابریکه میرود، لهذایك کارگر یا مامور حاصل تمام مدت کار خودرا که برای سرمایه دار انجام میدهد بدست نیاورده ، بلکه یك قسمت حاصل کار خودرا بنام مزد یامعاش گرفته باقی آن به جیب سرمایه دار میرود که آنرا ارزش اضافی میگویند

این دلیل خنده آور نیست؟ اگر گفته‌شود که سرمایه دار پول خودرا بکار می اندازد، ازمفاد پول خود که سرمایه گذاری کرده چرا محروم شود؟ از کجا استثمار بوجود می آید ؟ به همین ترتیب عین دلایل را صاحبان غلام ها وفیودالان برای رد کردن استثمار می آوردند . آنها برای خرید غلام پول تادیه نموده وبرای سرف قسمتی‌اززمین رامیدادند . علاوه ازآن برای غلام غذاوبرای سرف قطعه زمین برای زندگی شان داده میشد . پس وقتیکه حاصل زمین خودرا می گرفتند چرا متهم به بهره برداری میشدند ؟

امروز هیچ مشکلی در شناسایی استثمار دوره قدیم وقرون وسطی نداریم، خاصیت وکرکتر استثمار در آن دوره ها واضح و روشن است . لهذا حالا کارگر مانند غلام وسرف علنی استثمار نمیشود ولی اگر دقیق فکر شود استثمار کارگر آشکار است .

یك کارگر مانند غلام مال دیگر شخص نیست ونه‌او مثل سرف بسته‌به‌زمین است. اودر انتخاب کارحق داردو‌می تواند . طوریکه خواسته باشد کاریکی راترك وبدیگری کار کند. کارگربه یك سرمایه دار مربوطه نبوده، اوحق دارد هرجای وبه هرکس که خواسته باشد کار کرده اجوره بگیرد . در حقیقت او غلام مزد است . از تمام‌ساعات کارکه به سرمایه دارکار میکند یك قسمت ساعات کار خودرا بنام اجوره یامزد اخذ کرده وبقیه ساعات کارش به جیب سرمایه دارمیرود .

نقطهٔ که قابل ذکر است اینست که سرمایه ازکجا بوجودمی آید که سرمایه‌دار آنرادر جریان انداخته ازآن سود میگیرد ؟ همه مردم جواب این سوال را میدانند . وقتیکه کارگر در فابریکه کار میکند ، نعمات مادی جدید تولید میکند که یك قسمت اززحمت کارکارگر مصرف‌تولید مواد استهلاکی شده وقسمت دیگر که اشیای سرمایوی یاتولیدی است بحیث مواد خام وماشین بوجود آمده که از آن فابریکه جدید ساخته وفابریکه سابقه را به حالت عادی جاری نگاه میدارد . یابعباره دیگر قسمتی از تولید اجناس سرمایوی تبدیل به سرمایه جدید شده وسرمایه ابتدایی توسط کار انسان خلق میشود . چطور سرمایه خلق روزبه روز افزود شده میرود ؟

تاریخ بصورت واضح میگوید که ابتدا جامعه سرمایه داری در انگلستان بوجودآمد. اینجا سوال پیدا میشود ، که سرمایه در انگلستان چه طور وسرمایه اولی از کجا حاصل شد؟ تاریخ این سوال را چنین جواب میدهد : سرمایه از غارت وچپاول علنی ممالك ضعیف (بنام تجارت) بوجود آمد .

یابه عباره دیگر از غارت وچپاول مردمان داخل وخارج انگلستان سرمایه بوجود آمد تابااین وسیله چرخ ارابه فابریکه ها بدوران نگاه داشته شود . این دهقان ها وصنعت-گران کوچك ور شکسته دهات بود که‌برای امرار معیشت خود بحیث کارگر در فابریکه ها‌روی آوردند .

کشور های‌که مستعمره انگلستان بودبطور واضح میدانند که استثمار سرمایه داری چه است . مشخصات عمده استثمار امپریالیستی

این دوره پیشرفت سرمایه توسط انحصارات بزرگ امپریالیستی است که صنایع کوچك وتجارت را ازبین برده وبالای جوامع ضعیف حاکمیت خودرا برقرار ساختند . دوم تمویل پولی این انحصارات از طرف بانك ها حمایه میگردید . سوم صاحبان انحصارات نه تنها مردم کشور خود را استثمار کرد، بلکه برای مفاد بیشتر، سرمایه رادر کشور های ضعیف وکم رشد صادر میکردند این است‌که چطور امپریالیسم در جهان پیداشده ومفکوره امپریالیستی بوجود آمد. صدور سرمایه به ممالك عقب مانده نه بمنظور تقویه صنایع آنها، بلکه برای ورشکستی صنایع داخلی آنها، استفاده از ارزان بودن قوه بشری ومواد خام آن ممالك بود که حداکثر مفادرابه دست آوردند . هدف ومرام سرمایه دار های امپریالستی آن بود که کشور های دیگر را عقب ومتکی بخود نگاه داشته تاحد اعظمی مفاد راگرفته واستثمار خودرا بطور دایم‌نگاه داشته بتواند . چهارم، انحصار گرهای بزرگ ممالك مختلف بازار های ممالك جهان رادربین خود تقسیم میکردند، تجارت بین المللی رادر قبضهٔ خود قرار دادند تا بااین وسیله استثمار خودرا دوام داده‌تولیدات وکنترول بازار های جهان رادر دست داشته باشند. مگر بعضی اوقات این حالت موفقانه پیش نمی رفت . بعضی اوقات اختلافات بین امپریالست های ممالك مختلف راجع به استثماریك مستعمره بوجود می آمد، که بوجود آمدن خطرجنگ راسبب می شد . مناقشات بین امپریالیست های ممالك جهان پیدا میشد که در نهایت برای تقسیم مستعمرات بین شان جنگ در میگرفت . این است که بگوییم جنگ خطرناك را استثمار امپریالستی در عصر مابه عقب خود دارد .

خلاصه این قسمت : طوریکه فعلا اجتماع بین ثروتمند وغریب تقسیم شده است ، بطور دایم این تقسیم بندی دوام نخواهد داشت . در جامعه کمون اولیه همه مردم مساوی بود یاتمام مردم مساویانه غریب بود. درجامعه اولیه تولید اضافی نبود . از اینکه تولید اضافی نبود استثمار هم وجود نداشت. در نتیجه پیشرفت وسایل تولید، تولیداضافی بوجود آمد، بعضی سعی کردند تا تولید اضافی را تصاحب شوند که این شروع دوره استثمار است . بعد از جامعه کمون اولیه یکی پی دیگری سه سیستم اجتماعی (غلامی، فیودالی وسرمایه داری) بوجود آمده . استثمار مشترك در بین این سه سیستم اجتماعی دوام داشت، در حقیقت همه آنها با بالای استثمار استوار بود. گرچه استثمار جامعه کپیتالستی مانند دو جامعه اولی (غلامی وفیودالی) آشکار نیست . مگر جامعه سرمایه‌داری است که قسمت بزرگ حاصل کار طبقه کارگر رامی رباید .

این است که بگوییم کارگرها استثمار می شوند . آخرین شکل استثمار سرمایه-داری،استثمار امپریالستی است .



نمایی ازکوره شیشه سازی درولایت هرات ازمیان این‌کوره واز زیردستان این صنعت‌گران‌است که وسایل شیشه یی بیرون‌می‌آید

صنعت شیشه‌سازی و تاریخ ۴۰۰۰ ساله آن

این یك حقیقت است که دست تصادف همیشه در کشف اشیا وعناصر کمك کرده است . شاید در مورد شیشه این جسم‌شفاف وپر درخشش هم دست تصادف کمك کرده باشد .

تقریبا چهار هزار سال قبل از امروز شیشه در اثر تصادف کشف گردید .

میگویند در چهار هزار سال قبل دریای مدیترانه توفانی شد واین توفان بقدری‌شدید بودکه کشتی های تجارتی ومسافربری آنوقت مجبورشدندبه نزدیك ترین خشکه روی‌آورند در میان این‌کشتی هاکه دچار توفان دهشت‌زا شده بود یك کشتی متعلق به تاجران ونیزی بود که مال التجاره خودرا از یك شهر به شهر دیگر می بردند وقتیکه این کشتی به ساحل رسید دیگر رمقی به سرنشینان آن نمانده بود، آتش افروختند تا برای خودغذای بپزند وقتیکه غذا پخته شد وصرف گردید وآتش هم خاموش شد در بین خاکستر ها چشم سر نشینان به جسم شفاف وپردرخشش افتاد که امروز بنام شیشه یاد میگردد .

شاید این یك قصه بیش نباشد ولی بهر حال از کشف این مادهٔ شفاف ونسبتا محکم چهار هزار سال میگذرد . در اثرکاوش های باستانشناسان گلوله های کوچك شیشه یی بدست آمده که تاریخ آن تابه سه هزارسال قبل از امروز میرسد . بعد ها صنعت شیشه سازی از محدودهٔ خاص خود پا فراتر نهاده وبیشتر انکشاف نمود بدین معنی که ازمقبره های مصریها وفنیقی ها آثار مانند بوتل‌های کوچك عطر وظروف شیشه یی بدست آمده است . این شواهد نشان میدهد که در آن روزگار فنیقی ها ومصریها اولین کسانی‌بودند که به صنعت شیشه سازی دست داشتند وبه تجارت آن می پرداختند .

ابتدا این صنعت خیلی ها محدود و ساده بود بدین معنی که تمام ظروف ساخته شده از شفافیت کمتری برخوردار بودند و بیشتر شیشه های این دوره توام بارنگ‌های سبز آبی وبنفش بوده .

بعدها صنعت گران شیشه توانستند بانی ودم از شیشهٔ مذاب ومایع، ظروف مختلف را بسازند . ولی تا قرن ها این صنعت گران راز ساختن صنعتشا ن را از مردمان دیگر مخفی داشتند . اما همانطوریکه هیچ پدیده وکشف محدود ودر چار چوب باقی نمی ماند صنعت شیشه سازی هم تنها به فنیقی ها و مصریها منحصر ومحدود نماند و بسیاری از ملل دیگر توانستند به این صنعت دست یابند .

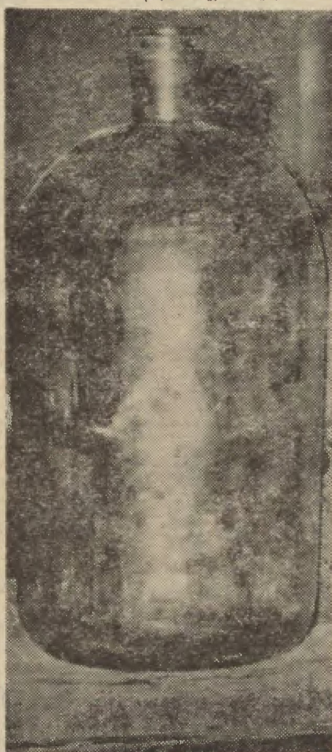
پس از ظهور اسلام مخصوصا در قرن هفتم تادهم صنعت شیشه سازی در شرق میانه، در مصر وسوریه رواج داشت . در اثر کشفیات **وآثار بدست آمده، نشان میدهد که‌در هرات** وسایر ولایات کشور ما صنعت شیشه سازی رواج داشته است . که میتوان تاریخ آنرا به قرن دهم میلادی نسبت داد .

آثار شیشه یی که مربوط قرن نهم ودهم است بیشتر آنها را گلدان های خردوبزرگ قاب های کوچك وبزرگ، عطر دانی ها ی مختلف میسازد . که اغلب آ نها بدون تزیین است . اما در اواخر قرن دهم واوایل قرن یازده تحولاتی در صنعت شیشه سازی بوجود آمد وبیشتر روی فرآورده های‌شیشه‌یی کار های تزیینی مانند کشیدن خطوط برجسته وقالبی وهمچنین خطوط عربی دیده میشود .

یك دسته دیگر از ظروف شیشه این دوره دارای تزیین مهری است که معمولا شا مل طرح های مدور واشکال حیوانات و کتا بت بخط کوفی است . در بعضی از این ظروف طرح تزیین بوسیله دو بار مهر زدن با آلات قیچی شکلی ساخته شده واین طریقه که ظاهرا **از اختراعات وابتکارات این دوره‌است** در ظروف مصری وسوری دیده میشود . طرح تزیینی معمولااشکال هندسی داشته بعضا اشکال پرنده هم دیده میشود .

تزیین ظروف شیشه یی بوسیله دایره ها یا خطوط باریك که به روی وسطح ظروف اضافه میشد ودر زمان رومیهازیاد رواج‌داشت امروز هم در آثار شیشه یی که در هرات ساخته میشود دیده میشود .

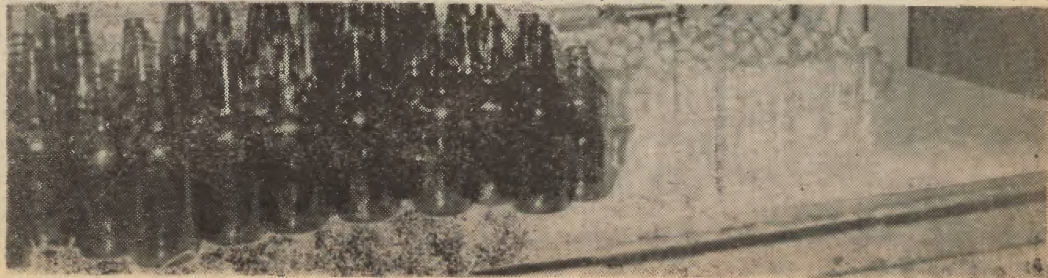
یکتعداد جالب تو جه ظروف شیشه یی، مانند چاینك، پیاله وجام های مختلف که



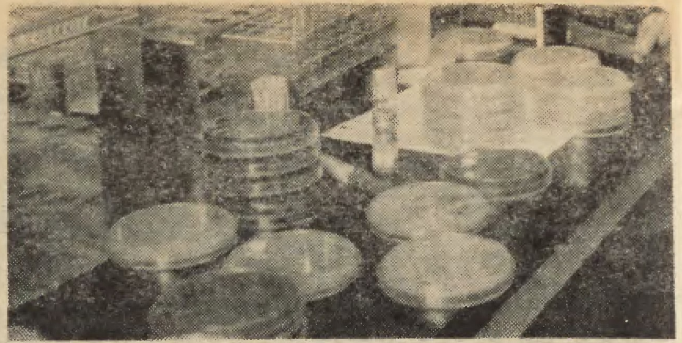
یك‌نمونه ازبوتل های بزرگ شیشه‌یی

اغلب آن یا به رنگ آبی اند یابه رنگ ارغوانی که روی آنها تزییناتی مانند خطوط سفید موجدار به رنگ مرمر دیده می شود.

این تز یینات بشکل نخ بامیله باریك در موقعیکه این ظروف هنوز گرم بود با آله مانند شانه روی آن کشیده میشد و طرحهای شبیه استخوان ماهی یا شکل راه دار یاشبیه بعضی گیاه ها روی ظروف ترسیم میگردید.



امروز بزرگترین رقم فرآورده های‌شیشه‌یی رابوتل های مختلف میسازد



درصنایع کیمیاوی از فرآورده های شیشه یی زیاد استفاده بعمل می‌آید

یکی دیگر از فنون این دوره طرزحکاکی روی ظروف شیشه یی هست که شاید بوسیله چرخ صورت میگرفته است .

کشف قالب در هرات وبعضی جا های دیگر نشان دهندهٔ این امر است صنعت شیشه ـ سازی در هرات رواج زیادی داشته .

تعداد زیادی از ظروف شیشه یی قرن‌هشتم ونهم شامل عطر دانی های خرد وضخیم‌است که اکثرا منشوری شکل بوده وبوسیله‌خطوط وشیار های افقی وعمودی بشکل دندان ثنایا در آورده شده است . این عطر دانی ها از شیشه ای برنگ آبی وسبز ساخته شده است . بعضی از ظروف عطر دانی های این عصر بشکل بلوربوده واین خود انکشاف این صنعت را می رساند .

صنعت شیشه سازی پس از قرن دهم تا قرن دوازدهم انکشاف قابل ملاحظه ی نمود. در ساختن ظروف شیشه یی این دوره اسلوب تازهٔ بکار گرفته شد که دارای خصایص جالب توجه فنی است .

یکی از موفقیتهای بزرگ شیشه سازان این دوره تزیین روی شیشه ونقاشی باجلایا رنگهای میناشکل است .

بزرگترین عصر صنعت شیشه سازی از قرن دوازده تاقرن پانزده است، حلب ودمشق بزرگترین مراکز عمدهٔ صنعت شیشه سازی این دوره شمرده میشود .

در این دوره است که از شیشه شیست های چراغ ساخته میشود که بعضی از آثار آن تاهنوز درموزه های معتبر جهان موجود است .

در اواخر قرن دوازده واوایل قرن سیزده است که در صنعت شیشه سازی ازآب طلا کار گرفته میشد .

ظروف شیشه مطلای این دوره را میتوان به دودسته تقسیم کرد یکی مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم است ودیگری آن مربوط به قرن چهارده میشود .

در قرن پانزده صنعت شیشه سازی توام با میناکاری روبه انحطاط میگذارد و کمتر انکشاف می یابد علت این رکود بیشتر بخاطر انکشاف هنرهای دیگر است که هنر شیشه‌ـ سازی رادربته فراموشی می سپارد ولی‌بعضی ازمورخین علت این رکود را ناراحتی هاوجنگ های میدانند که هنرشیشه سازی در این مناطق رواج داشت .

بهر حال همانطوریکه قبلا تذکر دادیم بعداز قرن پانزده در هنر شیشه‌سازی‌درتمام کشور های که به این صنعت دست داشتند یکنوع رکود پدید آمد . امادر قرن هژده این هنر دو باره رونق تازهٔ بخود میگیرد و انکشاف قابل ملاحظه می یابد در همین آوان است که صنعت شیشه گری تحول فوق‌العاده می یابد ودر این صنعت تازه آوری ها ی بوجود آمد . و فرآورده تازهٔ در صنعت شیشه سازی که بنام کرستیال است بوجود می آید .



دونمونه ازگیلاس شیشه یی وکرستیال

کریستیال یا بلور در گذشته همیشه مادهٔ افسونگر در نزد مردم بوده است ثروتمندان وامرای آن وقت معتقد به این بودند که بلور وکریستال بادر خشش که دارد اثر کنندهٔ زهررا برطرف میسازد به همین خاطر آنها ظروف غذا خوری وآب خوری خودرا از کرستیال وبلور انتخاب میکردند .

ظروف بلوری که جز از شیشه است اما باخاصیت مقاومتر عموما به دو گروپ تقسیم میشود :

دسته اول که‌روی آن ریزه کار ی ها و تراش های ظریفی بکار رفته از نگاه جنسیت وقیمت هم نظربه دسته د و م که کمتر کندن کاری وتراش داشته تفاوت دارد.

بلور به دو نوع ماده اطلاق میشودیکی را طبیعت میساز وآن را از زیرخاك میان سنگ ها بیرون میکشند که بنام بلور کوهی یا صخره یی یاد میگردد که از قرن ها پیش صنعت گران از همین نوع بلور ظروف می ساختند. امانوع دیگر آن توسط خود انسان تهیه میشود. بهتر است این نوع آنرا بلور مصنوعی بگوییم. این کرستیال از شیشه های که درجه انکسار نور درآن به ۱٫۵۴۵ بالاتر باشد . این شیشه ها معمولا از مخلوط (سیلیس) (اکسایدسرب) (پتاس) وتوته های کوچك بلور یا کرستیال بوجود می آورند. این مخلوط حرارتی تقریبا ۱۴۵۰ درجه بکار دارد تاذوب ومذاب گردد . مدت که این مخلوط باید حرارت داده شود سی ساعت را رادر برمیگیرد تابه جوش آید. بعدصنعت‌گران ازهمین ما یع جوشان با وسایلی که دارد ظروف بلوری وکرستیال را میسازند .

بقیه در صفحه ۵۱



بلور یاکرستیال ازفرآورده های تازه صنعت‌شیشه سازی درجهان محسوب میگردد

قانون اساسی ما تضمین کننده تمام آزادی های دموکراتیک خواهد بود

پیروزی انقلاب شکوهمند ثور درکشای همه پیروزی ها وپیشرفت های اجتماعی واقتصادی در افغانستان عزیزمی باشد که باپیروزی این انقلاب‌ظفرآفرین، درجامعهٔ ماکلیه همه بد بختی ها ونابسامانی ها چیده شده و خلق شریف وزحمتکش مادر راه اعمار یك جامعه مرفه، آرام وفارغ ازاستثمار فردازفرد گام های متین‌وپیروزمندانه برداشته وهرآن حاضر و آماده هر گونه فدا کاری می‌باشند به کسانیکه در گذشته بادیده حقارت نگاه میشد امروز باحق‌بینی‌عام وتام تحت شعار مصئونیت ،قانونیت وعدالت‌اعمار وطن بدست ایشان قرار دارد . کارگر انیکه واقعاًدرراه اعمار کشور خودمی‌کوشیدند ولقمه نان‌بخور ونمیر برایشان داده می‌شد امروز زحمات وجانفشانی شان به‌هدرنرفته ومطابق‌به‌استعداد شان به کار گماشته شده اند .

خبر نگار مجله ژوندون جهت معرفی وتشویق هرچه بیشتر کار گران جوان وفعال بامعاون اتحادیهٔ‌کار گران پوهنتون کابل مصاحبه نموده که‌اینك تقدیم خوانند.گان محترم ژوندون میگردد :

-محترم محمدکاظم کشتیاراولتر ازهمه بگویید که تاکدام صنف درس خوانده‌اید ؟

-با وجود آنکه علاقه وآفری به تحصیل ودانش داشتم نتوانستم بیشتر از صنف هفتم به مکتب بروم . چرا که از یکطرف مشکلات زیاد اقتصادی دامنگیر فامیل ما بود واز جانبی هم فرزندان قشر پائین جامعه آنقدر ها به ساحات علم و دانش راه نداشتند این دوعلت عمده سد راه تحصیلاتم گردیده واز تحصیل باز ماندم چون هیولای فقر و بد بختی گلوی فامیل ما را می فشرد در صنف‌هفتم بودم به عوض اینکه به مکتب بروم اجبا را به شاگردی یکنفر گلکار فرستاده شدم که روز ها در گرمی های سوزان و هم چنان درسرمای جانفرسای زمستان تلاش می کردم تا مبادا پدر و مادر رنجدیده ام زیاده‌ازین دستخوش تلاطم امواج بی رحم فقر و بدبختی گردند تا اینکه نیمه گلکار شدم چون در آن وقت پولی راکه از کارگلکاری بدست می آوردم تکافوی چای و نان فامیل مارا نمیکرد ناچار به باغبانی روآورده ودر سال ۱۳۳۱ در موسسات صحی پوهنتون بحیث باغبان پذیرفته شدم مدت هفت سال باغبان (خدمت کار گل ها ودرختان) موسسات صحی پوهنتون بودم که بعداز هفت سال باغبانی نظر‌به علاقه و عشقیکه به کار خود داشتم به صفت باغبانباشی شناخته شدم .

قسمیکه رنج ها ، تکالیف و نابسامانی های دوران آل یحیی به یادش آمده ، حالاکه دایما تبسم برلبانش می باشد همین لحظه از چشمانش علامات درد و تکالیفی را که در گذشته ها سپری نموده معلوم می شود چشمان خود را به یك نقطه نا معلوم دوخته گرفته می گوید : بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور ، در همین لحظه خنده لبانش را از هم دور می کند و به سخنان خود چنین ادامه میدهد : دیگر زحمات چندین ساله ام بی نتیجه نمانده کار گران ستمدیده و حق شناس ما مانند اکثر وطنپرستان وآزادیخواهان این کشور واقعیت را نا دیده نگرفته مرا در انتخابات عمومی اتحادیه کار گری پوهنتون کابل به اتفاق آرا بحیث رئیس اتحادیه کار گران پوهنتون انتخاب نمودند ، اما نسبت مشکلات وظیفوی‌ایکه در پهلوی اتحادیه داریم از محمد طالب کارگر یار رئیس صدارت کشمش خواهش نمودم تا این سمت را بدوش گیرد ومن به بحیث معاون اتحادیه به وظیفه‌ام ادامه دادم .

-فعلا که معاون اتحادیه کار گران پوهنتون کابل می‌باشید در پهلوی امور اتحادیه کدام وظیفه دیگر هم بدوش تان می باشد و یا خیر ؟

-در پهلوی امور اتحادیه، وظیفه‌سابقه ام را که سمت باغبانباشی عمومی پوهنتون بود. حالا هم از پیش می‌برم وهمچنان کار های داوطلبانه مربوط پوهنتون نیز تحت‌نظر من ورفقای ورزیده دیگر یکه در پوهنتون وظیفه دارند صورت میگیرد .

به پاسخ سوالی به سخنان خود چنین ادامه میدهد :

این یك حقیقت انکار ناپذیر وجای‌مسرت تمام خلق شریف ماست که برای اولین بار در تاریخ پنجهزار ساله افغانستان عزیز تسوید اولین قانون اساسی کارگران دهقانان، روشنفکران وپیشه وران زحمتکش ما زیر کار است که درمان دردها ورنج های سالیان متمادی خلق رنجدیده این مرزوبوم خواهد بود بدلیل اینکه برای تسوید این قانون فرزندان صادق وراستین تمام اقشار زحمتکش جامعه ما گرد هم آمده اند به یقین قانون اساسی ما قانونی خواهد بود که تمام آزادی های دموکراتیك را تضمین خواهد نمود و همه بقایای فیودالیزم وامپریالیزم رابه محوونابودی خواهد کشید و بالاخره همین قانون اساسی خواهد بود که جامعه افغانی را در مسیر یك اجتماع مرفه و بدون هر گونه استثمار سوق خواهد داد .

-خوب محترم کشتیار به نظر شما خلق افغانستان تحت شعار مصئونیت ،قانونیت وعدالت چه نوع زندگی خواهند داشت؟

-این یك حقیقت است که شعار مصئونیت قانونیت و عدالت صرف جنبه نظری نداشته وروی عمل وواقعیت استوار است به یقین باید گفت که این شعار حیثیت‌بلی را دارد که خلق زحمتکش وبلا کشیده افغانستان عزیز را از پسمانی ها وسیه‌روزی نجات میدهد . بعد ازین خلق شریف ما را بی موجب وبه گفته ی این و آن آزاری نخواهد رسید وزندگی همه کسانیکه واقعاً در اعمار افغانستان عزیز می‌کوشند مصئون می باشد . عملی کردن همین شعار است که همه را بیك آینده مسعود و درخشان رهنمایی کرده و زمینهٔ اعمار طبقات متخاصم وفارغ ازهرگونه استثمار را مساعد ساخته است .

در اخیر پیام من به‌کار گران، روشنفکران وتمام اقشار وطنپرست اینست تا علیه هرگونه بی عدالتی مبارزه کنند ،زیرا در شرایط کنونی وطن و خلق ما وظایف ومسوولیت های بس سنگینی را متوجه ما نموده اند وبیشتر از هر زمان دیگر به کارگران، دهقانان روشنفکران و تمام خلق نجیب افغانستان است که از دست آورد های انقلاب مترقی و شگوفان خویش‌دفاع نمایند و همواره در نابودی دست نشاندگان امپریالیزم و نمایندگان ارتجاع وهم چنان در محو اخوان الشیاطین مبارزات پیگر و قهرمانانه خویش را شدت بخشند تا آیندگان به اعمال و مبارزات ما بنازند و فخر کنند و هم چنان سر مشق ونمونه برای زحمتکشان منطقه باشند . در اخیر از شما تشکر می‌کنم که به من افتخار صحبت با هموطنانم را از طریق این مجله وزین بخشیدید بهامید پیروزی حزب دموکراتیك خلق در شگوفانی افغانستان عزیز به گفتارم خاتمه میدهم .



کشتیار می گوید : شعار مصئونیت ، قانونیت وعدالت جنبهٔ نظری نداشته وروی عمل‌وواقعیت استوار است .

رابرت مکنامارا دانکشاف دا هداف‌و نوی‌خیړنی کتنی دپرمختیا ددریمی لسیزی له پاره پیشنهاد کوی

دنړی وال بانک رئیس را بر ت مکنا ما را په بلگراد کښی دبا نک په کا لنی غونډه کښی

کله چه ئی د پر مختیا د دریمی لسیزی په هکله دیو ی ستر ا تیژی پیشنهاد کا وه‌وی وبل:

دجنو ب او شما ل خبری ا تری اد عاوی او غو ښتنی دو مره په فرو عا تو کښی ډوبی دی چه نژدی دی اصلی هد فو نه هیر کاندی .

مکنامارا‌وویل :

د۱۹۸۰ـ کال په هکله دپرمختیایی ستر ا تیژی یوه طرح دنړی ټو لنو ته دانکشافی نو یوهدفونو د خیړ نو له پاره یو ارز ښتنا که فر صت او مو قع په‌لاس ورکوی ، او هم د هغو ستو-نزو دپر مختگ دسر ته رسو لو په لارکښی لکه :ـ دنفوسو زیاتوالی ،دغذا تولید.د کار برابر و ل ، دبنا رونو پرا ختیا، دفقر او لو ږی کم وا لی دنړ یو الی سودا-گری پر اختیا . او همدا راز د پا نگی اچولو انکشا ف او پر مختیا په هراړ خیزه تو گه ډیرو سترو تشکیلا تی بدلو نونو ته اړ تیا لری .

او په پرمختیا ئی رسمی مرستو کښی به‌جدی توگه او په زیاته پیمانه و لیږ ل شی، چی دغه کار دلږگټو هیوادو دربنتینی شمیر حال پټ ساتلی دی، اوهم هغو گټو او عوایدو چی په څینو ځایو نو کښی هغو ته زښته زیاته اړ تیا وه ډیره لږه وده کړیده . دغه‌راز په هغو نیستمنو هیوادو نو کښی چه دنړی نیمایی نفو س په هغو کښی ژوند لری او هم ددغو زیا ترو هیو ادو نو اقتصاد چه او س ئی په سلگونو ملیو نو نفو س د مطلق فقر او لو ږی سره مخامخ دی په مشکل سره ئی کمه پر مختیا مو ند لی ده .

دنړی وال بانک رئیس وویل:

دانکشاف دریمه لسیزه باید دو دی په‌حال کښی هیوادو نو اختلافاتو ته‌داتمی‌پیړی حالت ته زیاته پاملر نه ولری .

که چیری داسی وی چه اساسی هدفونه بریالیتوب ته ورسیږی پر مختللی او دودی په حا ل کښی هیوادونه باید د هغو پالیسیو تما کل چه د ۱۹۸۰ـ کال او یا د هغه نه وروسته لسیز و کښی ورسره مخا مخ کیږی په تفصیل سره دغفو وړو گرزوی .

د(۶۰۰) ملیونو و گړو سره چی ددغی

مکنامارا زیاته کړه :

نړی وا ل با نک غواړی چه د نړی‌وا لی ټولنی سره په څوراتلونکو کلو نو کښی د ۱۹۸۰ ـ کال د لسیزی د ستو نزو د څیړلو په هکله دخپلو رښتینو پر مختیا ئی پرو-گرامونو له مخی مرستی وکړی .

په ۷۹،او ۸۳ـ کلو نو کښی دبا نک دکار پلان په‌ډاگه سره څر گند وی چی‌یو شمیر نور پورونه به‌دبانک اودهغه دمربوطو څانگو له خوا چه ټو له (۶۴ملیا رده)دالره کیږی څینی هیواد و نو ته ورکړی .

داویا یمی لسیزی وروسته پاتی والی :

ښا غلی مکنا ما را دانکشا ف ددو همی لسیزی نا میو ته داشا ری په تر څ کښی چی دهغه په اوږ دو کښی دودی‌په‌حال کښی هیواد و منځنی اقتصادی وده چه‌ددغی لسیزی په پرتله په‌سلو کښی شپږ ئی ځانگړ ی هدف څر گنداوه په سلو کښی (۵،۲) وښو د ل .

په فرعی هد فونو په‌نیره بیا د هغوهیوادو-نو چه دپر مختیا ئی او اقتصا دی مر ستو دسا زمان غړی دی په زراعتی تو لیدا تو

پیړی تر پایه پوری به‌دمطلق فقر او لوږی سره .مخا مخ وی باید په ځانگړی تو گه په زړه پوری .مر ستی او اقدا ما ت وشی .

داو یایمی لسیزی پر غولونکو هد فو نو با ند ی تر اندازی زیا ت ټینگا ر په عوض کښی باید د صنعتی او دودی په حال کښی هیوادو نو تر منځ دعو ایدو او گټو واټن ډیر کم‌شی اوهم دغه راز دنیستمنو او شتمنو هیوادنوترمینځ فا صله او وا ټن باید دتغذیی خوراك ، څښاك، سواد، د عمر اوږدوالی او ټولنیز اوفیزیکی چا پیر-یال له مخی له مینځه یو وړل شی .

دنفوسو ستونزه کړکیچنه ده :

دنړی وال بانك رئیس وویل:

چی دټولو کړ کیچو نو مسئلو څخه زیات دنفوسو دوړځ په‌وړځ زیاتیدو نکو مسئلو کړ کیچ دی ، چه دلږ والی له مخی ددغی موضوع چټك وا لی دودی په حال کښی هیواد نو د نفو سو دزیا تو ا لی په انډول چی دافریقا دلو یی وچی دسیمونه پرته لید ل شوی په نظر کښی ند ی نیول شوی . خو سره له‌هغی که‌چیری او سنی حالت که څه هم دډاډوړ دی په هم دغه شکل او بڼه دوام و لری تر (۲۰۲۰)کال پوری

به دنړی نفو س په انډ ولیزه یا منځنی توگه په هره کورنی کښی تر دوو ماشومانو زیات نه وی .

خو د غه انډول به تر را تلو نکو (۷۰) کلنو پوری هغه‌وخت په ځای وی چه دنړی ټوله نفوس د(۴،۳) ملیاردو په ځا ی لسو ملیاردو‌ته ورسیږی .

که دغه موضوع شل کاله مخ کښی په وجود راولو د غه حالت به (۸) ملیا ردنفوسو ته چه تر پورتنی شمیر دوه ملیا رد کم دی را کښته او مستقر شی .

.او که دغه اوسنی فرصت چه د نفو سو دمسئلی له کبله ئی په لاس کښی لرو له لاسه ور کړ و په راتلو نکی و خت کښی به دجبران وړ نه وی، پر دغه باندی خبری اتری چه څه ډول هلی ځلی دزیږیدلو د کمښت او لږوالی له پاره اغیز منی دی. ټولنیز او اقتصادی پر مختگو نه یاد کو ړینو دپرو-گرا م جوړو لو پرو گرامونه خود غه کارتر زیاتی اندازی پوری بی‌ربطه او دمنلو وړندی ریسر چ څر گنده کړیده چه دواړه مهم ښکاری.

دنړی وال بانك رئیس وویل :

چه د نفو سو زیا توالی او ډیر ښت‌به داوسنی پیړی تر وروستی وخته پوری په نړی کښی (۷۵۰) ملیو نه‌تنه دبشر ی قواو په کا ر کښی زیا توالی راولی، ،ددغه زیا توا لی دوه دریمه برخه به دودی په حال کښی هیوادو نو کښی وی. په دا سی حال کښی چه د نفو سو دډ یر ښت فشا ر به دودی په حا ل کښی هیو ادو نو په سترو ښا رو نو کښی زیات مو جو د و ی چه دد غو ښا رونو نفو س به دهرو لسو او پنځلسو کلونه په تر څ کښی دوه برابر ه شی.

د غـذ ا یی مو ا د و په تو لید،د ښارونو په‌پرمختیا اودکار دپیدا کـو لـو او استخدام په باره کښی د ا تیا یم کا ل په لسیزه کښی د نړی وا ل با نك دزو ل‌او نقش په‌باب ښاغلی مکنامارا وویل :

دودی په‌حال کښی هیوادو نه هره و ر ځ په زیا تیدونکی ټو گه سره دنړی وال بانك په لور د یوی بهر نی مر ستی د منبع په څیر سترگی په لاره دی . نو څکه زه عقیده او با ور لرم چه موږ با ید ددوو‌راتلو-نکو کلو نو په ترڅ کښی دانکشا ف‌دعملیی په با ب څپل رو ل په بشپړه توگه تـر څیړ نی لا ندی ونیسو. ترڅو دا خبره په ډاگه څر گنده‌شی . چه نړی وا ل با نك دځپلو غړ یو داړ تیا و په تحو ل او څرنگه والی باندی غور کوی، او هم باید و لید ل شی چه ایا موږ کو لای شوهغه خد متو نه چی زموږ په وظایفو او دندو کښی پر ته دی په ښه او بشپړه توگه چمتو اوسرته ور سوو .

مکنامارا وویل :

نړی وال بانك به‌دراتلونکی لسیزی په اوږ دو کښی خپل پرو گرا مو نه دکلیو دپر اختیا او د زراعتی چارو دپرمختیا له پاره تقویه اومز ی کړی .

نړی وال بانك به‌دراتلونکی لسیزی په

حال کښی هیوادو نو دزراعت او کر نی دچا رو دتمو یل له پاره یواځنی او دډاډوړ یوه ستره منبع ده، اوپه اوسنی حال‌کښی په سلو کښی تر (۴۰) نه‌زیات خپلی ټولی‌بهرنی او رسمی مر ستی دد غه هدف او مرامد سر ته رسو لو له پا ره برابروی دتیر و پنځو کلو نو په اوږ دوکښی نړی وا ل بانك د (۱۲) ملیا ردو دالر و په اندازه دکر نی او زراعت دپر مختیا له پاره په مستقیمه توگه برابر کړی . چی ددغو پروژوبه مربوطو او اړ ند و چارو کښی ټول لگید لی پیسی د (۳۰) ملیا ردو دالرو په شاو خوا کښی وی چه ددغه پانگی اچول له خلورونه دریسو بر خوز یا ت د غذائی موادو دزیا ت تولید په منظور او مقصد اچول شوی او سر ته رسید لی دی .

مکنامارا وویل :

هیله کیږی چه د ۱۹۸۰ ـ کال په لمړی لسیزه کښی دمالی مرستو پروژی د نړی ـ وال بانك له خوا د غذائی موادو د کا لنی تو لید دز یاتو ا لی په هکله دودی په حا ل کښی هیو ادو نو له پاره د بانك غړی له‌یوه تر پنځو برخو پوری سهم و لر ی او مرسته و کړی .

او هغه پا نگی اچو ل چه د تیر و پنځو کلو نو په او ږدوکښی د کلیو دپر ا ختیا د تمو یل او ما لی مرستی په بر خه کښی د نړ ی وال بانك له خواپه عمل راغلی . هیله کیږی چه‌دنړی دنیستمنو خلکو عوا ید د (۶۰) ملیو نو دالرو په شاو خوا کښی زیات او لو ړ کا ند ی.

بانك هیله لری چه د ۱۹۷۹ـاو ۱۹۸۳ـ مالی کلو نو په او ږ دو کښی د (۲۰)ملیارد دالرو نه نیولی بیا د (۲۵) ملیاردو دا لرو پوری دکر نی او زراعت په چا رو کښی پا نگه وا چو ی دغه پیسی چه ددغو پروژو په‌پروگرامو نو کښی دمـر ستی په څیر لگو ل کیږی تر (۵۰) ملیا ردو دالرو زیا ت ارز ښت به ولری .

دانرژی دپروگرام پراختیا :

مکنامارا د نـړی و ا ل بـا نـك دانر ژی پرو گرام ته دا شا ری پـه‌ترڅ کښی وویل:

دودی په‌حال کښی هیوادو نو د تیلو او نفتی موادو دپیرودل لیـك با نه چـه پـه ۱۹۷۲ ـ کال کښی څلور ملیارده دالره وه‌په ۱۹۷۶ـ کال کښی (۲۶) ملیا ردو دالرو ته ور سید ه او دا سی اټکل شو ید ی چه په ۱۹۸۰ـ کال کښی به دغه‌شمیر (۸۲)ملیارد دالر وته ور سیږ ی .

چی دغی مسئلی دانرژی ور کو لو اقتصاد په در اما تیکه تو گه اغیز من او متا ثر کړ او دودی په‌حال کښی هیوادو نو دکشف شویو منابعو رابرسیره کـول لا س تـه راوړل بهره برداری او گټه ا خیستل یی زیات کړ.

بانك په مو قتی توگه سره دنیلو په‌برخه کښی دخپلو پو رونو دوړ ک ړی دپر اختیاپرو-گرا م تر لاس لاندی لری چه دهغه سره سم تـر ۱۹۸۳ـ مالی کـال‌پوری (۲ر۱) ملیا ردو دالرو ته ور سوی دغه پو رونه‌به دگا ز او تیلو در ابر سیر نی او دنو لیدی پاتی په ۵۵ مخ کی

سیری در جهان هنر



صحنه ی ازنمایش ماموت

از مسکو نیوز

ترجمه ـ راشد

تیاتر مالی

تیاتر مالی در قلب شهر مسکو واقع بوده در چهاروا هی سفر دلوف بطرف راست جادهٔ بولشوی دو تیاتر کهن ومشهور اتحاد شوروی بصورت تصادفی در کنار هم واقع نبوده بلکه این دو تیاتر پیوند ها وروابط عمیق هنـــری دارند .

وقتیکه تیاتر امپریال در آغاز قرن نزده شروع به فعالیت نمود شهر مسکو دارای یك کمپنی نمایشی بود که نمایشات اوپرا ، بالت ودرامه را اجرا مینموٚد . بازیگران درام د ر اوپرا هاو بالت ها حصه میگرفتند در حالیکه آوز خوان هاو رقاصه هادر رول های تراژیدی ودرامه های کوچك بازی میکردند . نمایش نامه هادر بولشوی تیاتر و نمایشات موسیقی در مالی تیاتر اجرا میشد .

کلمه مالی معنی ((کوچك)) را میدهد واین بخاطری است که مالی تیاتربه مراتب کوچکتر از بولشوی تیاتر است. تیاترمالی تاریخ تاسیس خودرا از ۲٦ اکتوبر ۱۸۲٤ که اولین نمایش درآن برگذار شد تجلیل میکند. قبل از این عمارت تیاتر مالی به تجار محلی تعلق داشت. درطول سالهای متعدد ستیژ جلو ی و عقبی تیاتر تغییر شکل نموده ولی ادیتوریم آن به شکل اصلی اش که ۱۵۵ سال قبل اعمار گردیده بود باقی مانده است . در شروع کار این تیاتر اکتور های معروف مانند پا ویـــل ـ موشالوف ومیخاییل شپکین اساس ایدیالوژی ورنسیپ های هنری را بمیان آوردنـــــد .

آنها با این کار نه تنها راه هنر را بازنمودند بلکه رول مهمی را در حیات فرهنگی وکلتوری کشور اتحاد شوروی نیز ایفا نمودند . ایـــن تیاتر نمایش های از نمایشنامه نویسان مانند: گریبایدوف. گوگول. ترجنوف وآثار سایر نویسندگان ونمایشنامه نویسان اتحاد شوروی رادروی ستیژ بـــه نمایش گـــذاشتنـــد.

نمایشات متعددی از کشور های مختلف جهان نیز در ستیژ مالی تیاتر اجـــراشـــده است .

اضافه از سی سال بعداز تاسیس ما لی تیاتر یعنی از ۱۸۵۸ به اینطرف داستان ـ نویس معروف اتحاد شوروی ای. اوستروسکی همکاری نزدیك با مالی تیاتر داشته و این همکاری رول مهمی در تاریخ تیاتر مذکـــور بازی نموده است .

پنجاه اثر اوستروسکی که نمایانگر جنبه های مختلف زندگی آن زمان در اتحادشوروی بود تحت نظارت مستقیم خود نویسنده و به همکاری سایر هنر پیشگان روی ستیژ اجرا ونمایش داده شده است .

نمایش نامه های اوستروسکی به مثا به مشعل فروزانی بودکه در آغاز کار به ما لی تیاتر رونق خوبی بخشیده وآنرا به سبـــك ریالیستیك ودموکراتیك مجهز نمود .

تیاتر مالی همیشه با استقبال گرم روبرو شده واین استقبال نیك بخاطر اکتور هـــای ورزیده آن مانند پروف سادوسکی که ازجمله اکتور های ممتاز این تیا تر به شمارمیرود رول های خوبی درنمایشنامه های اوستروسکی بازی نموده است . یکی از اکترس هـــای معروف تیاتر مالی ماریا یرمولوفا نام دارد که لقب ستاره تیاتر مـــالی را کسب نـــموده است .

امروز تیاتر مالی دارای اکتور هاواکترس های ممتازی هستند که در ستدیوی میخاییل-

باتی به ٥٥ مخ کی

کارکنان وهنر پیشگانش درجهان تیاتر موقف خوبی دارند. محصولات تیاتر مالی دارای جنبـــه های ریالیستیك بوده وموقعیت هنـــرپیشگان در رول های شان قابل تمجید میباشد .

از : سویت ومن

ترجمه : داود (زهدی)

ستاره قهرمان

ماده سال قبل در فلمی بنام (آشیانه مردمان نجیب، که به اساس ناول معروف (سرگی نوف) تهیه شده بود چهره جدیدی را نگریستیم .

دایر کترایـــن فلم (میخاییل کوف اندری کونچالوفسکی) هیرو های ناول . را باچهره های، واقعی شان در معرض نمایش قرار دادو دنیای پر تلاش انسانهارا، که مملواز گلبرگهای زیبا وموسیقی جذاب وباران های تابستانی است ، جلو دیدگان بینندگان ، مجســـم گردانید .

این جهان کهنسال وغرق در تعصب . چون انسانیست که همیشه از خشکسالی، عراسان باشد وزندگی براو ، در محوطه ای خلاصه شود. درین دنیا وقتی عـــلاج بدبختی هـــاو مصیبت هاشده میتواندکه انسان. دور از تعصب زندگی ودر راه صلح وتفاهـــم ، تـــلاش پیگیر نماید .

در فلم (آشیانه مردمان نجیب) ایرنیـــا کو پیچنکو ،احساسات سر شار قهرمانی خویش رابرای تماشاچیان نمایان ساخت و هنگامیکه



ایرینا کو پیچینکو

فلم مذکور روی پرده ظاهر گردید منتقدین یاد داشت های پیرامون قدرت اکت وتمثیل این اکترس جوان که در آن روزگار هنرمندتازه کاری بیش نبود ، برداشتند وتحت تبصره قرار دادند ۰

پنج سال بعد ، کویچینکو ، در فلم‌دیگری نیز نقشش را پیروز مندانه انجام دادوشهرت فراوانی کسب نمود واز طرف مردم مـــورد تحسین وتمجید فراوانی قرار گرفت ۰

ایرنیا این ستاره خوب میگوید :

«در وجود هر انسان خوب ، زشتی های نیز وجود دارد که باید مذموم شمرده شودو بر عکس در هر انسان بد ، چیز هـــای خوبی نیز دیده میشود که باید از آنها تقدیر بعمل آید ۰

آنچه که خیلی مهم است وباید بخاطرثبت شود که همه ای ما، در وجود خویش آدمهای زیادی را داریم که در آشیانه قلب مازندگی میکنند ۰ بر علاوه در قلب ما، برخی از چیز های وجود داردکه‌در گوشه وکنار دنیای اطراف مامخفی شده اند .»

آنچه که از اسرار مخفی‌قلب اکترس محسوب میشود عبارت از ، آرزوهاو تقاضا هایست کـه آواز خوش وازمردمانی که‌هـمرای وی سروکار دارند، میباشد ۰

اکترس هاییکه به‌پیروزی‌هرچه بیشترشان‌عشق وعلاقه دارند تا اندازه ای کار میکنند ودر راه بهبود کار های شان تلاش مینمایندکه از خستگی گیج گردند ۰ آنها از ایفای نقش های که احساسات شان را برانگیخته نتواند خوشش شان نمی آید ، این نه تنهادر قسمت پوزگرفتن بلکه در تمام فعالیت های فلمی صدق میکندو هرگاه یـــك‌اکترس‌در اکت‌نقشی‌که باو سپرده میشود ناکام‌شود ،مدت های طولانی به تشویش میفتد ، اگر چه درین ناکامی وی حقیقتاًمقصر نباشد ۰

ایرنیادر فلم (انکل‌وانیا) در نقش سونیابازی کرد وخیلی بدلربایی در خشید ۰

ایرنیا چون توانست که درین فلم با قدرت تمام آوازش را تغییر بدهد به حیث روح فلم شناخته شد ۰

ایرنیا در فلم موجود زیبایی بودو گاهی مطیعانه وزمانی سرکشانه‌ابراز شخصیت میکرد۰

این ستاره مقبول همه کار هایش را ، در فلم مذکور چون انسانی که منتظره چیزی باشد با آهستگی ومتانت انجام داد۰

متانت وشکیبایی ایرنیا ،زمانی در فلم‌به ثبوت رسید که در مقابل (استروف) قـــرار گرفت وسر نوشت وی معلوم گردید ۰

دراین صحنه استروف گپ میزدو جملاتش را دنبال میکرد و ایرنیا ، بدون آنکه به سخنان او وقعی بگذارد سکوت اختیار نموده بود ،در حالیکه موسیقی اسرار انگیزی در روح‌اوطنین میفگند و بادقت وتوجه زیاد بوی می‌نگریست زیرا وی یقین داشت که این آخرین باربست که آنها همدیگر را می‌بینند ودیگر چیزی که آنان را به هـــم پیوند زند ، بین شان وجود نخواهد داشت ۰

میخاییل کوف ، کونچالوفسکی مینویسد:

«ایرانیا کویچینکو، در پنج حادثه‌کوتاه با سرگی آشنا وباازدواج نمود وازوی صاحب طفلی شد ، شوهرش به ایرنیا ودوستداران هنر او عشق و صمیمیت فراوان دارد ۰

کویچنکوی قهرمان ، بعد از جدایی از شوهر اول و مراجعت سرگی شوهر دو مش از خدمت عسکری وارد صحنه فلم گیری شد۰

وی بعداز فلـــم(سر گـذشت عاشقان) در فلـــم دیگر نقش یك معلم را بازی‌نمود و خلاصه در هرفلمی که حصه گرفت موفقیت های هر چه بیشتری بدست آورد وشهرت و محبوبیت زیاد تری کسب نمود ۰

کویچینکو ، در هر فلمی که نقشی را ایفا میکند وقار زنانه اش رادر نظر هاجلوه میدهد سناریوی آخرین فلمی که‌توسط (بولی‌رزمان) بنام (زن عجیب)تهیه گردیده ، طوری به رشته تحریر در آمده که مناسبت زیادی به کرکتر، ایرنیا دارد ۰

در ایـــن فلم ۰ ایرنیا ، در نقش ،سیویل یووا ، که یـــك زن با زیبایی خارق العاده است بازی نمود واز زیر ضربات ، از هـــم پاشیدن خانواده اش ،جدایی‌از پسرش ، اشتباه اش ، در مورد مرد قلب ودوستداشتنی اش، قهرمانانه وبا احساسات سر شار از احترام واتکا به شخصیت و نفس خود بدر شد۰

ایرنیا کویچینکو ، این ستاره قهرمان میگوید :

«من دراکت وتمثیل نقش‌خود غرق میشوم ونقش‌من، بکلی مرااز خود م می‌برد وحتی احساسات وشکل‌ظاهر ی ام رادگرگون‌میسازد»

راستی ایـــن حقیقت را انسان در بازی های فلمی وتمثیل های تیاتری ایرنیا کویچینکو به روشنی مشاهده مینماید ۰

ایرنیا کویچنکو که فارغ التحصیل مدرسه هنرتیاتر (شچرگن) میباشد شهرت زیادی‌در تیاتر (وختانگوف) دارد ۰

کویچینکو در مقابـــل هر چیز بـــه خصوص در برابر کتاب خواندن کار وعمل‌وتربیه اطفالش خیلی تندعمل میکند ۰ همچنان‌وی به بر قراری رابطه بین مردمان وکتاب و موسیقی ومحیط ماحول شان ، خیلی حریص است ودر مقابل هر واقعه ایکه در اطراف وی روی بدهد جدی عمل میکند بنابر همین دلیل است که نقشس زنان قرن نزده رادر فلم هابه صورت خیلی طبیعی بازی مینماید ۰

این ستاره آسمان سینمای اتحاد شوروی‌در جریان ده سال کار هنری خویش ، نقش های زنده ای را که هنوز از خاطر هافراموش نگردیده تمثیل کرده است ، و هنوز هـــم در تـلاش در خششس هر چه بیشتر وانجام کار های هر چه بهتر و موفقانه تر ، بـــه سرمی برد ۰

وچنانکه شاعر مورد علاقه او میگوید:

«در روح من صلح وآشتی وجودنـدارد۰»

ایرنیا نیز همان طور در جنگ بازند گــی زیست می نماید ۰

از مسکو نیوز

ترجمه الف عبیدی

فرهنگ شگوفان بلغاریا

سرعت وتوسعه راکه فرهنگ بلغاریادرسی وپنج سال اخیر بعـــد از تاسیس جامعه سوسیالیستی نصیب شده درتاریخ آن کشور قبلا دیده نشده است برای اثبات اینموضوع می بینیم که بعد از بدست گرفتن قـــدرت توسط خلق آنکشور تاکنون بیش از یـك هزار ملیون جلدکتاب بچاپ رسیده۰ سینمای بلغاریا توانسته در مدت یك سال موفق به ساختن چهار صد وشصت فلم هنری اطلاعاتی مستند وکارتون شود در سال گذشته سیزده هزارودوصدوچهل و هشت کـانسرت در آن کشور داده شده که بیش از سه ملیـــون شصت وهشت هزار نفر از آن تماشا کرده اند .

درپنج سال اخیر یکهزارو چهار صدوسی نمایشگاه هنری دایر گردیده که در آنها آثار نقاشی مجسمه سازی ، نجاری، رسامی‌به نمایش گذاشته شده این نمایشگاه ها مورد تماشای نه ملیون وششصد هزار نفر قرار گرفته است در پهلوی آن تیاتر بلغاریا نیز موفقیت های چشم گیری را نصیب شـده وتوانسته است سی وشش درامه راکه از آن جمله هشت آن اوپرا وکمیدی موزیکـال و یازده آن نمایش پوپت شو بوده روی‌صحنه بیاورد وبیش ازپنج ملیون نفر این نمایشات راتماشا کرده اند .

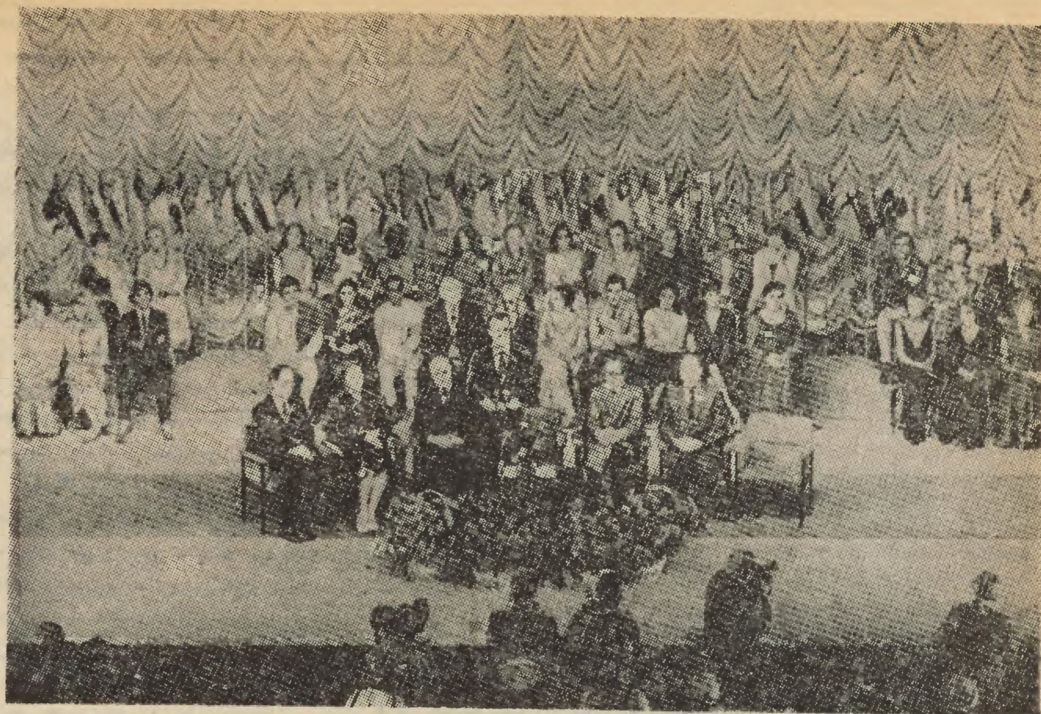
این بود ارقام وحقایق درین باره،لاکن این ارقام وقتی یك شخص بداند که پایه هنـر بلغاریا استوار به هنر عامیانه خلق آنکشور است وهمیشه در بین خلق محبوبیت زیـاد داشته ومورد پسند آنها قرار گرفته آ نقدر تعجب آور نیست۰ این هنر ازمیان مردم بـر خاسته ودر خدمت آنها قرار میگیرد .

در تمام دوره ثمر بخش اعمار جامعـه سوسیالستی دموکراتیك بودن هنر در تمام ساحه های هنری مهم وبا ارزش تلقی شده واز اهمیت ویژۀ در قسمت حقوق نوآموزان و سر برآوردگان مشهور ادبیات تیاتر نقاشی موسیقی سینما وغیره بر خورد دار بوده‌است

بقیه‌درصفحه ۴۳



یك ممثل‌اماتور



نمایی ازافتتاح فستیوال بین‌المللی فیلم‌درسال‌جاری درمسکو

ترجمه ونگارش •

یوسفزی

فستیوال‌های بین‌المللی نمایش فلم وکتب بحیث وسیله مؤثر درایجاد تفاهم وتحکیم دوستی بین خلقها وتقویه صلح در جهان



ازفستیوال‌های بین‌المللی‌نمایش‌فلم و کتب‌که اخیرا در مسکودایر شد ملیون هـانفر دیدن کردند وبیش از (۱۰۰)کشورمختلـف‌جهان در آن اشتراك ورزیدند •

درین شکی نیست که علاوه بر تبادله آثار مطبوع مترقی و هیات های فرهنگی وکلتوری بین ملل ، تدویر نمایشگاه های آثار هنری علمی وتخنیکی نیز در ایجاد تفاهـم بین‌ملل بمنظور تقویه هر چه بیشتر صلح‌وامنیت‌بین‌المللی کمك می‌نماید • در پرتواین انگیزه عالی بشری است که‌وقتا فوقتاچنین نمایشگاه هایی‌درکشور های مختلف جهان‌دایر میگردد تاز زمینه تبادله بهتر تجارب بشری را فراهم سازد •

کشور اتحاد شوروی‌سوسیالیستی براساس پالیسی همز یستی مسالمت آمیز و توسعه دیتانت وتفاهـم بـین ملـل‌دارای‌سیستم های مختلف اجتماعی و سیاسی از طـر ق مختلف عمل نموده وبا بتکاراتی در زمینه دست زده است •

تدویر فستیوال های بین‌المللی منـظم‌فلم کتب وسایر پیشرفت های علمی هنری درآن کشور از عـلاقه مسکو در مـورد نما یندگی میکنند •

اتحادشوروی چندی قبل‌دو فستیوال بزرگ بین المللی رادر مورد فلم وکتب در مسکو دایر کرد که طرف علاقمندی اشتراك کنندگان وصاحبان ذوق قرار گرفت‌تدویر چنین‌فستیوال ها فرصت خوبی برای شرکت کنندگان جهته آگاهی شان از پیشرفت های علمی و هنری دول دارای سیستم مختلف محسوب میگردد وزمینه تبادل‌تجارب‌را فـرا هم میکند•

بدون شك تدویرفستیوال‌های فلم درمسکو اکنون جز تاریخ‌شده وشکـــل عنعنه‌رابخود گرفته است •

از بیست‌سال به‌این طرف علاقمندان‌فلم وهنر بعداز هر دوسال‌در مسکو اجتماع‌میکنند تا همدیگر را بهترشناخته ،آثارهنری‌یکدیگر راارزیابی‌کنندواز هنرفلم سازی‌درخدمت‌صلح‌و همکاری بین‌المللی‌استفاده نمایند وباینوسیله برغنای تجارب خویش بیفـــزایند•

ماهیت دموکراتیك وبشری فیستوال های بین‌المللی فلم مسکو وعلاقه آن برای انکشاف صنعت فلم سازی در کشور های در حـال انکشاف در شهرت چنین فیستوال ها افزوده وطور روز افزون پر ستیـــژ آن رابالابرده است •

در فیستوال بین المللی فلم در مسکو که یازدهمن فیستوال نمایش فلم‌در اتحاد شوروی میباشد (۵۰۰) فلم مختلف شامـــل‌موضوعات فیچری ، فلم های مستند و فلم های مخصوص اطفـــال نمـــایش داده شدوطرف دلچسپی شرکت کنند گان وبینندگان واقـــع گردید •

بدون شك تدویر این فیستوال که در آن (۱۰٤)کشورمختلف‌به شمول‌موسسات‌بین‌المللی دیگر ، ملل متحد یونسکو، نهضت های آزادی بخش چیلی وفلسطین شرکت کردند درتحکیم دوستی بین کشور هاو همچنان گسترش‌دیتانت کمك خواهد کرد• نکته قابل ملاحظه درمورد فیستوال اخیر فلم در مسکو این بود که دراین فیستوال‌فلمهای از کشورهـــای‌بـه نمایش گذاشته شده‌بود که سابقه تـــولیـد فلم نداشتند بطور مثال فلم های از جمهوری سوسیالیستی ویتنام ، بعضی کشور های عربی وافریقایی که درین فیستوال نمایش‌داده



نمایندگان یك تعداد کشور هادر فستیوال فلم باهم صحبت میکنند



اولین آموزش درصنف



یکی از نقاط قابل تذکر این است که در بسیاری کشور ها، صنعت فلم سازی اکنون توسط کسانی انکشاف داده می‌شود که خود در موسسهٔ سینما توگرافی تحصیل کرده و در زمینه تجارب خوبی آموخته اند .

در یازدهمین فستیوال بین المللی فلـــم در مسکو که مصادف با شصتمین سالگرد سینمای اتحاد شوروی بود در مورد تاریـــخ فلم سازی و نمایشات آن نیز روشنی انداخته شد و از مساعی هنرمندان بشر دوست در زمینه قدردانی بعمل آمد .

خلق اتحـادشوروی درپهـــلوی سا یـــر معروفیت های که برای انکشا ف جامعه بشری واستفاده از علم و هنر در خدمت صلح وبشریت بعمل میاورند به انکشاف هنر وسینما نیز عـــلاقه زیاد دارند . طبق احصائیه های منتشره روزانه (۱ر۲۰۰ر۰۰۰) نفر در اتحاد شوروی سینما می‌بینند این چنین معنی دارد که سالانه در اتحاد شوروی (۴۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰) تماشاچی موجـــود است. فلم سازان اتحاد شوروی عقیده دارند که نباید وقت این ملیون ها تماشاچی بادیدن فلم های خراب ضایـــع شود . ازاین رهگذر پیوسته کوشش بعمل می‌آید تا فلم های آموزنده مطابق ایجابات عصر وزمان به خلق آنکشور نمایش داده شود. اتحادشوروی امسال شصتمین سالگرد سینمای آنکشور رابحیث یك حادثه دلچسپ در آنکشور تجلیل نمود .

در صنعت فلم سازی اتحاد شوروی علاوه بر هنر مندان مرد باید نقش زنان رانیز تاکید کرد. درزمان موجود بیش از (۱۰۰) زن فلمهای فیچری، مستند و علمی راتولید می نمایند.

دردهمین فستیوال بین المللی فلـــم در مسکو جایزه بزرگ بیك زن تعلق گرفت. واقعا مشکل است تا تاریخ سینمای اتحاد شوروی رابدون سهم زنان مورد مطالعه قرار د هیم و نقش آن هارا در زمینه پیشرفت وانکشاف هنر فلم سازی در اتحاد شوروی کم شماریم.

صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی کمك خواهد کرد . واین گام بزرگی در راه تحقق ارمان های مقدس بشری مبنی بر کوشش جهت نیل بیك جامعه مرفه . آزاد وزیست در صلح خواهد بود که بیش از هر چیز دیگر در شرایط کنونی جهانیان به آن نیاز دارند.

دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو.

در دهمین نمایشگاه بین المللی کتاب که اخیرا در مسکو دایر شد قریب (۲۰۰) موسسه طبع وفروش کـــتب ، بیش از (۷۰) کشور علاوه بر نمایندگان ملل متحد یونسکو .موسسه

شد در صحنه بین المللی جدید اند. شرکت کنندگان فستیوال از مشاهده فلم های مختلف وآموزنده ابراز مسرت کردند .شرکت کنندگان فستیوال بین المللی فلم درمورد پیشر فـــت های مزید ومثمر هنر فلم سازی واستفاده ازآن درخدمت خلق تبادله افکار کـــردنـــد.



شرکت کنندگان فستیوال فلم از تاسیسات مختلف درمسکو دیدن کردند

تدویر یازدهمین فستیوال بین المللی فلم در مسکو یکی از بهترین حوادث سینمایی در سال جاری بود که نمایندگان شرکت های مختلف در فستیوال مذکور شر کت کردند. شعار این فستیوال که عبارت از مفهوم انسانیت در هنر سینما، هنر برای صلح و همکاری بین کشور ها ، بود در تقویه مفکوره های عالی بشری . محبت با خلـــق وایجاد آثار مزید کلتوری نقش به‌سزایی خواهد داشت.

فستیوال فلم مسکو رامیتوان از یك نقطه نظر، یك اجتماع حرفـــه وران دانست کـــه شرکت کنندگان در ساحات مربوط تبادل معلومات کردند. بطورعموم فستیوال‌های مسکو در ایجاد تماس های نزدیك ، دوستی بزرگتر بین ملل وتفاهم بین خلق ها کمك نموده وهــــــم در تقویه وتحکیم صلح جهانی مـــوثر بوده است .

فستیوال فلم مسکو عـــلاوه برایجاد تفاهم یك مسابقه دلچسپ در زمینه فلم سازی بوده درانکشاف این هنر کمك شایانی خواهد کرد.

از آنجائیکه وسایل سمعی وبصری ، فلم وسینما ازجمله وسایل مهم وموثر مخابراتی است بناء بایدآنها کاملا درخـــدمت خلـــق وبرای رفاه بشریت بکار رود و ایجاد آیدال های عالی بشری را میان جوامع بشری تشویق وتقویه نماید .

بدون شك یازدهمین فستیوال بین المللی فلم که در ماه اسد گذشته در مسکو دایر شد در ادامه عنعنه و مبارزه برای آزادی، دموکراسی

کاربین المللی، کامیکان شوروی صلح جهانی وسایر موسسات بین‌المللی شرکت کردند .

از آنجائیکه کتب وآثار مطبوع مترقی در تشکل ذهنیت های انقـلابی و مترقی افراد تاثیر بزرگ دارد، ملیون‌ها نفر ازنمایشگــاه کتب مسکو دیدن کردند .

تدویر دهمین نمایشگاه کتب در مسکو در واقع تبارزعملی از موافقاتی است کـــه در هلسنگی در ساحه تبادله کلتوری بین کشور ها حاصل گردیده است . تدویر نمایشگاه کتب مسکو فرصت خوبی مبنی بر تبادل نظریات برای ناشران کشور های سوسیالیستی در حال انکشاف وسرمایداری محسوب گردیده علاوه بر پهلوی تجارتی آن یك پیروزی در ساحه گسترش علم وفرهنگ بشمارمیرود.

نمایشگاه کتب مسکو به اشتراك کنندگان موقـــع داد تا طـــور همه جانبه مسیرکتب و نشریه هارا مورد مطالعه قرار دهند و بــــر تولید کتب مفید تاکید ورزند کذا درنمایشگاه مذکور تاکید شد تا کتب مترقی و خواندنی زیاد تر جهت بلند بردن سطح دانش افـــراد ورشد شعور سیاسی آن هاتهیه‌و چاپ شود. تاازهمین طریق نسل جوان کنونی بهتـــر بتوانند مسوولیت های بزرگی اجتماعی خویش راد ربرابر خلـــق کشور های شان انجام داده در تقویه صلح و همکاری بین المللی بیش از پیش سهیم گردند.

بقیه‌درصفحه ۴۳



این هنرمند راجع به انکشاف مزید صنعت فلم سازی در اتحادشوروی واستفاده ازآن در خدمت خلـــق خوشبین است.

هلال عید از پس پنجره

بابا کوهی

کلبه نیمه تاریک باوضع ملال آور ودلگیرش درسکوت شب فرو رفته بود. نم تاکمر کش دیوارها بالا رفته بود - دیوار های دو دزده‌نم هارا می‌مکیدند .

بوی رطوبت ازدرودیوار بلند بود. فضای کلبه دلتنگ کننده به نظر می‌آمد . آواز تنفس پسرك ومادرش که‌پهلو ی هم خفته بودند - درهم می‌آمیخت -وآرامش کلبه را برهم می‌زد .

صدای شرشر خفیفی از گوشهٔ بلند شد- حشره کوچکی بود که راه میرفت . حشره‌از لانه‌اش بیرون خزیده بود تا چیزی بیابد. شاید دنبال‌چیزی می‌گشت تا بخورد. حشره گرسنه می‌نمود از طرز خز یدنش معلوم‌بود. باسستی وتنبلی راه میرفت .

شب همه جارا در آغوش سکوت‌خوابانده بود. آرامش کلبه را تنها حشره گرسنه برهم می‌زد . از پنجره شکسته کلبه - گوشه از آسمان پرستاره به نظر میخورد .

آسمان صاف وروشن بود . هوای‌خنك پاییزی از پنجره سکسته‌بدرون می‌آمد.

سطح کلبه رابوریای نم زده پوشانیده‌بود. روی بور یا بسترنگ وورفته پهن بود . پسرك ومادرش درزیر لحاف چرکین‌وفرسوده پهلوی‌هم خوابیده بودند . در یك گوشه سطلی نیمه از آب قرار داشت. درکنج دیگر کلبه قطی های خالی و مقدار هیزم بالای هم انبار شده بودند .

دستك های سقف - سیاه و خمیده به نظرمی‌آمدند- که‌درآن ا شیای مختلفی را آویزان‌کرده‌بودند. مانند طنا ب -سبد بوریایی - هریکین دود زده وداس وتبر. از پنجره شکسته نسیم خنك شبانگاهی به‌درون می‌آمد ودرلحاف تنك وکم پخته نفوذمی‌نمود. لحاف، سردی راگذشتانده و به تن پسرك‌و مادرش انتقال میداد.

پسر ومادر خود را در زیر لحاف کنجلك کرده‌بودند. سردی آزار شان میداد، پسرك از اثر سرما بیدار گشت . بسیار خنك خورده بود، پنجه هایش کرخت شده بودند. روده های خالیش قرقر میکرد . معده اش از گرسنگی مالش میخورد - چون گر سنه خفته بود . چیزی نداشتند که بخورند -چیزی نیافته بودند که‌بخورند ، حشره کو چك نیز شرشر کنان اینسو وآنسو میرفت. او هم چیزی برای خوردن نیافته بود. پسرك غلتی زد وخود را بمادرش فشرد . با چشمان نیمه باز - مادرش رانگریست . مادر خوابیده بود ویا چنان وانمود میکرد که خواب است . چون میدانست که اگر چشم بگشاید - حتما پسرك از گرسنگی شکایت می‌کند - وازاو تقاضای خوردنی می‌نماید .

پسرك آهی بر آورد - وبعد سر خود را زیر لحاف پیچید - دستهایش راوسط هردو رانش قراردادوخود را کنجلك‌کرد . پلکهایش رابهم فشرد و کوشید تادوباره بخوابد .خواب به‌سراغش نمی‌آمد. سردی مسی آزردش. سکمش قرقر میکرد وپاهایش سرد شده بودند .

صدای شرشر حشره گرسنه - اورا بخود متوجه گردانید. از صداتر سید . صدا که تکرار شد - بیشتر ترسید . لحظاتی گوش فرا داد تاباز صدارا بشنود - ولی دیگر صدایی برنخاست . نفس اش زیر لحاف تنگی کرد - سرش را بیرون کشید . اولین چیزی که در چشمش راه یافت، ماه بود. ماه نوچنان داس از کناره آسمان پیدا بود تصویر ماه در سطل آب وانعکاس آن در دیوار سیاه کلبه خود نمایی می‌کرد .

آسمان ستاره ریز بود و همهمه کنگ شب با هوای سرد شبانگاهی بداخل‌می‌آمد . صدای شرشر حشره لحظه آرام گرفت . شایدحشره گرسنه به سوراخش بر گشته بود . پلکهای پسرك دو باره گرم شدند . و دقایق بعد خوابش برد .

آهسته آهسته خرخر میکرد. پلکها یش نیمه باز بودند - گویی در انتظار چیزی بود. پسرك خواب می‌دید. خواب‌می‌دید که قطی های کنج کلبه - پراز غذاهای رنگارنگ‌شده اند یك قطی پراز فرنی- یکی پر از حلواو دیگری پراز پلو. چند تا قطی راکلچه‌وکیك پر ساخته بود .

باز دید که شاخه های باریك هیزم تل شده در کنج کلبه - بشکل کرم های که‌در جوی کنار سرك دیده بود ، در آمده -وبسوی قطی ها هجوم می‌برند - تاکلچه های اورا بخورند . ولی او نگذاشت تاکلچه هایش را کرم هابخورند - و مانع خوردن آنها شد .

کرمی را که از همه بزرگتر بود ، بالگد کوبید - ودیگری راکه به‌قطی فرنی‌سرفروبرده بود بادست گرفت . اما نتوانست آنرا از قطی‌جدا نسازد . گویی به‌قطی چسپیده بود، هر چه زور زد - زور ش نکشید . یکبار قطی چپه شد وفرنی هاهمه بزمین ریخت -خوابهای شیرین پسرك ادامه یافت : باز دیدکه سطل آب شان پراز شیریخ‌شده‌است، با عجله‌شروع بخوردن شیریخ نمود. دید که شیریخ ازلای انگشتانش می‌ریزد -ولی اوبی پروا همچنان میخورد . آنقدر میخورد که‌لبهایش را یسخ می‌زند .انگشتانش از شدت سردی کبود میشوند وتنش می‌لرزد . بالرزش تنش از خواب می‌پرد . می‌بیند هیچکدام از آن چیز های را که دیده بود - نیست . نه شیر یخ ونه چیزی های دیگر .

لحاف‌از بالایش بیك سورفته بود. ازسردی می‌لرزید. رطوبت ونم مفاصلش را بدرد آورده بود. یکباردلش پر غصه شد. غسم سردی قلبش را پرساخت -و شروع نمود به گریه کردن -گریست وگریست‌تامادرش بیدارشد. زن باخونسردی پرسید :

(چی ؟ چه گپ شده بچیم؟ چرا گریه می‌کنی ها ...؟)

واو در حالیکه هق هق می گریست گفت : (شیریخ... شیریخ مه میخوایم ... شیریخ مه چه شد ؟)

زن در حالیکه لحاف را بالای پسرك می کشید گفت : (خو کوبچیم ... شیریخه چه میکنی خود ماگرم نمی‌آییم ... تو شیریخ میخواهی ...)

وپسرك باز هم گریست .

دریناثنا غرشی درآسمان پیچید و بعد صدایی تر کید .

صدای توپ بود- صدای‌توپی که آمدن‌عید را اعلام میداشت . پسرك از غرش صدای توپ ترسید واز گریه کردن باز ماند. شیریخ یادش رفت، گرسنگی اش رافراموش کرد. سراسیمه خودرا بمادرش چسپاند .

زن در حالیکه اورا در آغوش می‌فشرد - گفت: (نترس بچیم ... چیزی نیس ...توپهای عیدی ... صبح‌عید میشه...عیدقربانس مردم صبح قربانی می‌کنن .... صبح ....)

پسرك که کمی آرامش یافته بود -باصدای لرزان پرسید : (عید چیس؟) زن چیزی نگفت خود را بخواب زد -ولی پسر دست‌بردار نبود باز هم پرسید که مادر عید چیست؟ میخواست بداند که عید چیست؟ وچرا بخاطر عید توپ می‌زنند؟

عیددرذهن کودکانه‌او ناآشنا بود. عیدرانمی شناخت. اوعید رانمیدانست ، گرسنگی را خوبتر می‌شناخت ، تاعیدا سرماوخنك را می شناخت . قطی های خالی وهیزم روی هم ریخته کنج کلبه را می‌شناخت . ولی عیدرا تاهنوز نشناخته بود .

پسرك میخواست بداند که عید چگونه‌چیز است؟ آیامثل قطی های خالی است؟ آیا مانند لحاف فرسوده شان سرد است؟ یا مثل چیز های دیگر که در کلبه داشتند سیاه ودود زده است ؟

باز از مادرش پرسید : (چرا صبح عیدس ....چرا هر وقت‌عید نیس؟) مادرکه بی‌حوصله شده‌بود فی البداهه مثل معروف بر ز بانش جاری شد: (هرروز خو عید نیس‌که مردم حلوا بخورن)

وپسرك یکبار فق زد وحلوا حلوا گویان بنای گریه را نهاد- بشکل رقت انگیزی می گریست وحلوا میخواست.

زن که‌از سخن گفته‌گی اش پشیمان گردیده بود - دلداریش داد ونواز شش کرد. ولی او همچنان می‌گریست و هق می‌زد .

مادر که از گرسنگی بی حال وناتوان بود- حوصله نداشت که آرامش بسازدو نوازشش کند. گذاشت تابگرید وهق بزند .

زن‌خود نیز گرسنه بود . معده اش مالش میداد، وجودش دردمی کرد، کمرش‌شخ مانده بود ونم ورطوبت زن را از کارکشیده بود. بادخنکی از پنجره بدرون می‌آمد. چشم زن به‌پنجره شکسته افتاد. هلال عید رادید که از پنجره کله کشك‌میکرد .

هلال درگوشه آسمان مثل پارچه نان‌پوپنك زده درنظر ش بی رنگ جلوه کرد .

هلال بی‌ارزش تراز کار د شکسته‌یی که ازخاکروبه های کوچه یافته بود، به نظرش آمده چنین اندیشید که عیدقربان باهلالش وباغرش توپهایش چیزی بیهوده استند. چون برای او عید وجود نداشت.

پسرك آرام نمی گرفت -وهمچنان‌پیهم می‌گریست .

زن بادر ماندگی گفت : (گریه نکو ....بس اس دگه .... صبح عیدس ... برت حلوا می‌خرم... برت شیریخ می‌خرم ... د گه چیز ام می‌خرم ... گریه نکواونه آسمانه‌سیل کو.... ماه عیده ببی ... هلال عیده ببی‌که چطور ده آسمان ناز کده میره....)

وپسرك‌لحظهٔ از پنجره شکسته ماه‌نورادیدکه در گوشه پائینی آسمان‌ایستاده بود.بعددر حالیکه‌باانگشتش به ماه اشاره می‌کردپرسید: (مادر عید هموس؟)

ومادر جواب داد: (بلی ،جان مادر ،اونه امو عیداس)

پسرك ماه را دیدکه مثل پارچه نان پوپنگ زده - در کنار سفرهٔ آسمان قرار داشت .

ذوق زده گفت : (مادر اخی عید یك تونه نانس؟) وقلبزن ازین سوالدرد گر فت. اشکهایش جاری‌گشت. بغض گلویش رافشرد باگریه گفت: (ها،ها، عیدنانس) وگریه مجالش نداد . صدای شرشر حشره گرسنه‌دوباره‌بر-خاست شاید او هم‌می‌گریست .

پایان



از منابع خارجی

ترجمه-بشیر احدی

گنبدی به ضخامت (۶۵۰) متر در قطب شمال

گنبدهاییکه درمجموع الجزایر زملیا واقـع بوده وبحیرهٔ لابتوف رااز بحیرهٔ کـارا جدا میسازد اکنون بحیث نمونه ومدل تحقیقاتی مورد استفاده دانشمندان قرار داشته است، یکی ازین گنبد هاکه (واویلوف) نا م دارد

درفاصله یکهزارکیلومتری مرکزمجموع الجزایر (زملیا) موقعیت دارد • از سه‌سال به اینطرف دانشمندان شوروی درین محله مصروف انجام یکسلسله تحقیقات وتتبعات علمی میباشند • رفتن به مرکز مجموع‌الجزایر (زملیا) ذریعه طیاره کار مشکلی نیست وروی همر فته مردم میتوانند ذریعه یك پرواز مستقیم خویشتن را به مرکز کنبد (زملیا) برسانند • دانشمندان مدعی اند که در هنگام پرواز طیارات نـوع (ان ـ۲) باد های خیلی شدیدی از طـــرف شمال بطرف جنوب میوزد که البته وقت‌پرواز طولانی تر میگردد • حقیقت اینست که محل متذکره توسط دانشمندان شوروی به‌حیث یك مرکزریسرچ تعیین گردیده وفعالیتهای چند جانبه در آن ادامه دارد • تاچندی قبل نیـــز مرکز تحقیقات قطب شمال در مرکز ایـــن گنبد یخ مانند که در اثر سرمای شدیـــد به کنده یخی مبدل گشته کدام انستیتوت تحقیقاتی نداشت • در حالیکه اینك زیر نظر تیم تحقیقاتی لیننگراد اخیرا یك مرکز ریسرچ در موضع متذکره تاسیس وبه کار انداخته شده است •

سوال اینست که‌آیا در طی‌سه سال گذشته درمجموع الجزایر (زملیا) چه‌نوع کارهایـــی صورت گرفته است ؟ در جواب باید گفت که مهمترین کار های انجام شده درین موضع همانا انجام تحقیق پیرامون کتله،انرژی وتاثیرات منظومه شمسی بالای گنبدیخ‌مانند بوده است•

دانشمندان کوشیده اند تااندازه تـابش و انعکاس نور خورشید رادرسطـح گنبد معیـن واندازه گیری نمایند وهمچنان سرعت ذ و ب شدن گنبد یخ رادر روز های آفتابی اندازه‌ـ گیری نمایند . برحسب اطلاعات واصله‌معلوم گردیده که گنبدمذکورباداشتن مساحت(۱۸۰۰) کیلومتر مربـــع و ضخامت(۶۵۰) متر درحدود (۷۲۵) متر از سطح بحر ارتفاع داشته است• از انجاییکه در اطراف وجوانب این یخ (گنبد مانند) پستی وبلندی دیده نمیشود بـــرای دانشمندان وسیاحین خیلی دلچسپ بوده‌است• معمولا پس از باریدن برف در اثر وزش باد های قطبی ذرات برف باهم تدریجا رسوب‌نموده ودرنتیجه همچو یخهای گنبد مانند رابوجـود می‌آورد• ضایعات وارده اگر احیانا بـو قـوع بپیوندد همانا ذوب شدن یـخ در روز های آفتابی میباشد جزیرهٔ «انقلاب اکتوبر» کـــه قسمتی از نواحی مجموع الجزایر (زملیا) ر ا تشکیل میدهد یك جزیرهٔ قطبی بوده و یك دشت ریگزار میباشد• سطح این جزیره توسط یخ پوشیده شده که از مسافه خیلی دور در برابر نور خورشید مانند شیشه‌ای برنگ آبی مایل به سبز جلب نظر مینماید . در برخی از قسمت های آفتابی این جزیره دیوارهای یخ به چشم میخورد که سطح شیشه مانند را از خطر وزش بادهای قطبی حمایت می کنـد • دربعضی نواحی دیگران‌این‌منطقه‌بعضاسبزه‌وگل نیز به‌چشم میخورد در یـــن منطقـــه اندازه ورطوبت نسبتی درسطح بحر وهمچنان‌بلندتر ازآن در مدت یکسال معمـولا از (۵۰ تـا ۲۰۰) ملی متر میرسد ولی باید گفت‌که طبق اندازه گیریهای اخیر معیار رطوبت نسبتی در گردونواحی ستیشن تحقیقاتی «واویلوف» بین (۴۰۰) الی (۴۵۰) ملی متر میرسد علاوه باید کردکه خصوصیات اقلیمی وشرایط جو د ر سایر حصص مجموع‌الجزایر (زملیا) به مراتب سخت تر بوده است .

مواشی و حیوانات مشهور یکه در یـــن مجموع الجزایر جلب نظر میکند همانا گوسفند های صحرایی وخرس های قطبی‌میباشد گذشته ازآن در برخی حصص مرکزی این مجموع ـ الجزایر نمونه های از پرندگان نیز به سطح میخوردکه تاحال(۱۵)نوع‌آن توسط دانشمندان ثبت گردیده است هکذا درین مجموع‌الجزایر چندین جهیل نیز به نظر میخورد که درموقع ذوب شدن یخ، آب های آنهانسبت به حدعادی چندین مرتبه بلند میرود . تاحال در حصهٔ موجودیت‌اجسام بیالوژیکی‌درین مجموع‌الجزایر کدام خبری نیست ولی دانشمندان مدعی اند که‌امکان موجودیت این نوع اجسام‌درنواحـی گنبـد (زملیا) بیشتـر متصـور است حقیقت اینست که مجموع الجزایر (زملیا) در بدو ـ پیدایش بیابان نبوده است بلکه دراثر تکامل وسرازیر شدن کتله هـــای یخ وتابش نـــور خورشید (روزهای آفتابی) به شکل موجوده تکامل نموده است در سواحـــل این بیابان

بقیه‌درصفحه۴۳

تازه هایی از هفت اقلیم

ترجمه و تنظیم: میرحسام الدین برومند

امروزدر تمام جهان ۱٦۰۰۰۰۰۰۰۰ طفل زندگی و ۳٦ فیصد نفوس کرهٔ زمین رامیسازد

از ۷ـ سپتمبر الی ۱۰ سپتمبر کنفرانسی به سویه جهانی پیرامون یك آینده خوشبخت ویك فضای آگنده از صلح برای همه اطفال به‌اشتراك نمایندگان ملل زیادی دا یــر گردید وضمن آمادگی های در جــریان سال بین المللی کودك تجاو یزی اتخاذ گردیـد. به‌تاسی ازین امر اینك گــزارشی در زمینــه ارائه میگردد:

یك‌زندگی خوشبخت وآینده کاملا سعادتبار برای همه‌اطفال جهان‌آمریست‌که همه والدین آنراخواهانند ۰ بانظرداشت این‌اصل‌نماینده گان مختلف امور اجتماعی ، دانشمندان وارگان‌های مذهب در کنفرانس ، روی حقوق طفل تاکید بعمل وردند۰ « رامش چندرا » رئیس سازمان صلح جهانی که وظیفهٔ انعقاد جلسه را بعهده داشت ضمن گفتارش علاوه کرد: اگــر قــرار باشد که‌کشوری کودك نداشته باشد، کشور مزبور آینده ندارد، مابزرگسالان در وا قــع کودکان دیروزی هستیم که بزرگ شده ایم تنها با این فرق که اطفال امروزی ضما نت خوشبختی خودرا کرده نمیتوانند وآن بجهت آنکه دربسیاری جوامع سیستم استثمارمسلط است. گذشته ازهمه نادشواری هاو سختــی های فراوان ملل جهان مابه ناراحتی کودکان وظایف شان سازند بهمین منوال هر فرد در صدد آن باشد که اعلامیهٔ حقوق طفل کــه بیست سال قبل‌توسط ملل متحد فیصلهٔ آن صورت‌گرفته‌بودتا چه‌حد عملی گردیده است وخود در راه تحقق بخشیدن اعلامیهٔ مزبــور چه‌کرده میتواند؟ فرید ابراوون ر ئیسه‌سازمان بین المللی دموکراتیك زنان که‌جز سهمگیر- ندگان کنفرانس بودبه‌اتفاق حاضرین‌مجلس بحیث رئیس کنفرانس انتخاب ودر مــورد میگردد کنونکه سال بین المللی کودك در حال سپری شدن است. مگربه اطفال چــه کمکی میشود کرد ؟ آ یا اختصــاص دادن سالی بنام سال بین المللی کودك ، یــك کنفرانس ویاروز جهانی کودك برای پروبلم های فراوانی که اطفال بدان روبرو اندوبرای حل این سوال عمدهٔ بشریت چه مفادی خواهد داشت ؟؟ درواقع مفاد زیــادی دارد و ارج گذاشتن به مقام کودك است اما حکومات ملل گیتی باید در صدد راه حل‌وپروبلم‌های اطفال شان باشند ومسوولین امور راازفامیل گرفته تا مراکز تربیوی بطور جدی متوجــه

مسئلهٔ حقوق اطفال درکنفرانس مسکو مورد بحث وارزیابی قرار گرفت .
اطفال نیازمند صلح عام وتام اند .

پروبلم های کودکان در کشور های جهان اشارهٔ مجموطی نمودهٔ وراه های را برای بهبود و ضــع کــو د کــا ن پیشنها د کــرد امــر و ز در تمــام جهان (۱٦۰۰۰۰۰۰۰۰) کودك زندگی میکنند که‌ایــن رقم ۳٦ فیصد نفوس کرهٔ زمین را میسازد که به(۳۰۰۰) لسان تکلم مینمایند که اساس اینهمه‌اطفال بایستی وظایف پرنسیپ های حقوق بین‌المللی کودك بدون تعصب ومسئله راسیزم ، رنگ جلد،جنسیت، اصلیت، نژاد وغیــره از آن هاوارسی‌بعمل‌آمده،خوراك پوشاك‌وادویه لاز مه بر ایشان داده شود لاکن پس از اعلامیــه حقوق طفل در طول این بیست سال تغییراتی در زمینه‌رونما گردیده است. آنعده ازکشور ها که بحقوق واقعی خود دست یافته وبــر استثمار وبهره کشی پایان بخشیده انــد اطفال شان ازحقوق اصلی‌خود مستفید گردیده است که این مطابق پرنسیپ های اعلامیــه حقوق طفل است . در بسیاری از کشور های آسیا ، افریقا وامریکای لاتین مساعی همه جانبه بخاطر حفظ‌الصحه، تربیت وغیره‌مبزول گردیده است لاکن تلاش هــای استعمار ، ارتجاع ، استعمارنو ونژاد پرستی عــواقب مخرب وتباه کن برای اطفال وموقعیت آنان بار آورده است که آنرا میتوان بس ترازید خواند . آنجا که جنگ مسلط است اطفال هم میمیرند واین بخاطریست که‌پس از سال ۱۹٤۵ امپریالیزم مسوول (۱۱۵) جنگ‌خوانده شده برسبیل مثال از هرصد مرده ویا زخمی شدید درخاك ویتنام (٦۰) نفرآن اطفال بوده اند، این‌جنگ (۱۰۰۰۰۰۰) یتیم بجاگذاشت در اثر حمله‌چین برخاك ویتنام شمار قربانیان ویتیم های‌آن به‌هزاران تن‌رسید که بسیاری مکاتب وکودکستان ها نیز تخریب گردید . جنگ در لبنان (۵۰۰۰) طفل را بلعید ، عدهٔ کثیری از اطفال معصوم عربــی در اسارت نظامیان اسرائیل گرفته شدند که مجموعاً (۲۷۰۰۰۰) طفل در تحت شرایط غیر قابل تحمل درسر پناه‌های دشمن زندگی میکردند. بعنوان برده‌ها بزندگی فلاکتبار ادامه دادند که این همه‌وهمه ازجهت تدابیر دیکتاتورانه زور گویان واستثمار گران ناشی میشود . کنفرانس دهندگان در مورد و ضع ر قتبار کودکان چیلی که‌اخیــرا دست بـــه‌اعتصاب نخوردن غذا زدند وعلت آن همان سر نوشت شوم وکشنده واز دست دادن والدیــن شان میباشد . نظربه احصائیه های دقیق سالانه یکصد میلیون طفل متولد میگردد که‌هشتاد میلیون بدون کمك‌های لازم‌دریافت‌دارو،رنج و درد، دست وپامیزنند از هرپنج طفل‌ی یکی آن قبل از رسیدن بسن پنج سالگی میمیرد۰ فعلا (٦۰۰) میلیون طفل در منتهای گرسنگی نفس میکشند مگر مسوول این‌امرجزامپریالیزم دیگری میتواند باشد ؟

در حال حاضر اپرتاید و نژاد پرستی‌بیحد اوج گرفته‌است ازهمین بابت‌در (ترانسکای) که‌مربوط به قلمرو سیاحان افریقاست (۲۱٦) طفل از هر هزار ازبی توجهی میمیرد۰ در (یوهانسبورك) ازهرهزار نفر (۹۵)طفل سیاه و(٦ـ۸) نفر از هر هزار کودك سفید پوستان میمیرند۰ آخر چرا اینهمه تنا قض؟؟ دراثــر عوامل ناشی از اپرتاید یك دکتور بــرای (٤٤۰۰) کودك سیاهپوست میرسد در حالیکه محض برای (٤۰۰)نفر سفیدپوست‌یك دکتــور خدمت میکند ۰ (٦۰۵) تفرجگاه برای اطفال سفید پوست وفقط (٤۰) تفرجگاه برای اطفال سیاهپو ست سا خــتــه شده ۰ بــه همین ترتیب معاش یك معلم سیاهپوســت مناصفه‌ویا یك چهـــارم حصهٔ معاش یــك معلم سفید پوست است واین بدین مفهوم که‌ازده پرنسیب اعلامیه حقوق طفل اکثرایکی آن نیز رعایت نمیگردد۰ در کشورهای‌سرمایه داری‌وخاصتا کشور هاییکه‌مسابقات‌تسلیحاتی‌در آنجاها مسلط است فرق فاحشی دیده می‌شود واین بدانجهت که حزینه های گزافی صرف تولید سلاح ها گردیده وفقر راسبب‌شده‌است۰ در شرایط موجوده در اضلاع متحده امریکا که‌غنی ترین کشور های کاپیتالیستی ا ست چهل فیصد اطفال در مریضی ونا توانــی مادی بسر میبرند۰ درجمهوریت فد را لــی آلمان (۱۰۰۰۰۰۰) طفل بیهترین زندگی را نصیب اند حالانکه (۷۵۰۰۰۰) طفل‌دیگردرآنجا حتی از داشتن بستر خواب محروم انــد ۰ (٦۰۰۰۰۰۰) کودك کمتر از پانزده ساله در ایتالیا (۱۰ـ۲۰) ساعت روزانه برای گرفتن مزد ورفــع گرسنگی شاقه ترین کار هــا را انجام میدهند وچه دلخراش است که بخاطر رهایی از فقر وزندگی فلا کتبار ازسال۱۹٦٤ ـ۱۹۷٤ شمار خود کشی بین اطفال پنج الی چهارده ساله دوچندان شده. در کنفــرانس روی سلوك والدین اشاره بعمل آمد تاوالدین سلوك خودرا در برابر کودکان تغییر بدهند۰ شاملین کنفرانس خلع‌سلاح‌جهانی راگام‌موثری برای رهایی اطفال از رنج ، فقر ومریضی وانمود کرده گفتند که هدف عمدهٔ کنفرانس شانرا خلع سلاح تشکیل میدهد ، بدان‌منظور که سالانه در جهان (٤۰) ملــیارد دا لــر برای تجهیزات وسلاح بــه مصرف میــر سد فقط یك فیصد پول متذکره کافی است که هیچ‌طفل گرسنه‌نماند۰ یك زره‌پوش‌اتومی‌همانقدر قیمت دارد که باآن پول میشود. یك موسسه کارگری بــرای جذب (۵۲۰) نــفر دا شت واین تعداد اطفال رادرآن بکار گماشت۰ باپول یك (اف ـ۱٤) میشود که مکتب ساخت۰ برای ساختن قایق های تحت الارضی اتومی امریکا همانقدر پول مصرف گردید که میشود باآن برای شانزده میلیون طفل وسایل درسی‌و آموزشی فراهم آورد ۰ پس خاتمه دادن به مسابقات تسلیحاتی‌حلال‌این پرووبلم‌میتواند بشمار آید با اینهم اگر در زمینه مسابقات تسلیحاتی صرفه‌جویی‌بعمل‌آید تاسال(۲۰۰۰) میلادی پروبلم کودکان جهان حل میگردد۰ در اثر فعالیت های امپریالیزم است که‌ازاثر آن مرگ اطفال قوس صعودی خودرا پیموده‌از هرهزار کودك (۱۵۰)نفر نوزاد، ۱۱۳تن‌شیر- خوار از جمله هزار کودك میمیرد۰ حدمعیاری

سن در کشور های پیشرفته (۶۰)سالگی‌ودر سایرکشورها(۵۶) تثبیت گـردیـده که معمولا به (۴۶) سالگی نمیرسند جهانیان‌بادرك رسالت های عظیم انساندوستی بایستی به نژاد پرستی جنگ‌و غیره خاتمه داده وبرای تدارك دارو ، لباس ، غذا، هنر ، سپورت‌و غیره برای دطفال بکوشند . تامفکوره حقوق طفل تحقق یافته باشد.سی وششمین اجلاسیه کمیسیون حـقوق بشر قرار است درفبروری ومارچ (۱۹۸۰) در ژنیو دایر گردد اماکنفرانس منعقده مسکو در مـوردحقوق‌طفل به‌ارتباط‌سال بین المللی کودك . در واقـع پایهٔ مستحکمی است برای تحقق اعلامیه وحقوق طفل که‌کشور های عضو ملل متحد در زمینه تحقق بخشیدن مرام ایـــن‌کونونیسون بایست‌بیشتربکوشد.

بطـور قطع کنـفرانس مسکـو آ غـا ز گردید. باتوجه به اینکه اتحاد شوروی‌وتمام کشور های سو سیالستی همه وقت به‌تمامی حقوق بشری‌بالخاصه حقوق اطفال توجه‌جدی داشته وزمینه رابرای رشد کودکان‌درفـضای عاری از استثمار فراهم آورده اند.

طراح رقص(دانس)مدرن وتیاتر بالشوی

در تیاتر بالشوی در مسکو نـمـا یشنا مـه تو سط اپرا ی کمو نیست هنگری «بیلابار-کوك» تمثیل یافت که از روی خلاصه نمایشنا مهٔ درامهٔ از «مور یس میتر لنگ» که

اسرار یك قصر مرموزرا از آنسوی هـفت در وازه تا ریك نشان میداد . برای باراول تـهیه ونـمایش داده شـد. ودرآن از دوك مریش آبی «و روح پراز در دوالم او درنظر تما شا گر پرده برداشته شد که انتبا هی بود در نما یشنا مهٔ پارچهٔ هنری مذکور بعلاوه **هنر پیشگان هنگری از رژیسور اپرای بودا پســت،اندراس میکو)، رئیسمـوریـك «جانوس فر سیرك » نیز دعوت بعمل آمده** بود .

... واما نخستین اپرای کومیك ازفولفگانگ آمادویس موزارت)بنـام(کـوزی تگ آما دویس موزارت بنام کو زی- خان تو تی) بود که تو سط هنر پیشگا ن لیننگرادی «ناتالیا کا سا تکینا » و «ولادیمیر واسیلو ف »اجرا شد درین پارچه سعـی

شد هبودکه هنر تمثیلی را از طریق‌آشتی دادن رقص باساز تبارز دهند و کمی بعد تر

تیا تر با لشوی به‌مرحله سو می‌پاگذاشت **اپرای (پاغنده های برف) از نیکـو لا ی**

ریمسکی کو رزا کو ف) در پلان نمایشات تیاتر با لشوی پذیر فته شد سر دستـه

موزیك « الکسندر لا زارف » اپرای مذ کور را چنین تعریف کرده بود : بنظر من ایـن

یك قصه شعر گونه برای کود کا نسـت ما درین پا رچهٔ نما یش سعی ورز یدهایم **که این پارچه رانه بشکل افسا نه ها ی** کو د کا نه بلکه بشکل افسا نه کـــه بیا نگر خصلت های نیك انسا نی با سند

عرضه کنیم وا حسا سات انسا نی رابه کاوش گیر یم . الحق (نما یشنا مه‌پاغنده های بر ف) نما یشنا مهٔ مدرنی بوده است

هم‌چنان‌در نــمایشنامه «پـــیکر» که یك پارچه «هجو نا مه » بهتر است نا-مش کنیم در ا صل رو ما نیست از «وتسیما» .نشا نداده شده که چسا ن یکنفر باگرایش به فلسفه «هوپور تو نیزم »آد م‌بدی بار آمده است .

در تیا تر با لشوی بار بار گو شـــه های متعددی از زندگی مردمان انعکا س‌یافته واز تحقیقا ت در مورد انسا ن ها ی که‌در خیمه ها با **مشقت اطـــفال شانرابـــزرگ** میسا ختند گر فته تا انسا ن ها ئیکه به چشمگیر ترین کشفیا ت وتر قیا ت نا یـل آمدند ودر نها یت تضاد میا ن نوو کهنه.

... ودر تیاتر با لشوی بود که چهرهٔ فروز ان هنری دیگری با درخشش خـاص نور افشانی‌کـــرد(ایزادورا دولـــگـــاف) وی را بنیا نـگذار رقـــص (دانس مدرن)می



۲ـ(ایز ودورا)کود کا نش را در آغوش کشیده.

خوانند ودر واقع همین (ایـزادورا) بودکـه صنعت رقص های مدرن قرن بیست‌راطرح ریزی کرد و هم او بود که ابتکا رات او در زمینه رقص محافل (سازو رقص) رامتاثر ساخت وی از نخستین ایجاد گران صنا یع هنری است که زاد گا هش را بسو ی‌اتحاد-شو روی ترك گفت و آنجابطور د ستجمعی پس از پیو ستن با سایر حلقه ها ی هنر رقص ، واضح صنعت های بخصو ص هنر ی خاصتا در زمینه رقص شد .

(اناتولی‌لونـا تستاسکی) یکی از کمیسار ها در شوروی مینو یسد : گر چه رقص دانس وی زیاد دلچسپ است لاکن دلچسپ تراز همه **اقامت اودر روسیه انقلابـی بس** قابل تمجید و تحسین است . وو صو فاصلا به نژاد «دیرین » متعلق بوده که دراه‌ریکا تولد یا فته است ، کودکی بیش نبود کـه برقص علاقمند گشت نامبرده چون استعداد شایانی در خود میدید دنباله او استعدادش **گردید ودر فرجام استعدادش برای او افتخار** آورد. رقصی‌که (ایزا دورا) آنرا بو جود آورد دو پهلو داشت رقص مدرن وکلا سیك این رقص به گونهٔ دیگری اجراء میشدوغیر **ازرقص هــای بالت، پــاز و پیرو و یت** رقص کا ملا متحرك که دریك آن همه اعضا یانر مش خا صی که از طرف رقا صه‌بدا ن داده‌شده‌بود، **به‌اطراف وجود بشکل معجــزه** آسایی می‌چرخید. **(ایـز ا دورا) مـعـمولا** با پا ی بر هنه میر قصید . این رقا صه‌زباد



۴ـ«آفو پیکو ووز »در میا ن جمعی ز با یسکل سواران حین مسا بقه وتصویر تنهایی اش .

تر از سرود ها ئیکه از روی سمفو نی های **معروف تهیه شده بود، میر قصید. بـدون** تعصب هنری دیگران به هنراو خیره میشد ند **(ایز ودورا)تکنیك ها ی فراوان به هنـــر** رقص بخشید و رو نق داد، رقصی که و ی طرا حش است بر رقاصه تسلط می بخشـــد **که‌برهمه حصص ونقاط وجـودش حا کمیت** پیدا کند حتی بر قسمت های غیر اراد ی چون پلك ها و غیره . رقص ها ی را کـــه **ایزادو را ایجادگرش بود همه را بـو جود می‌آورد از ینرو ست که‌نقد نویسی متذکـر** میگردد : رقص ها ی (ایز ودو را) منبع **خوشی های‌بی پایانیست در جون ۱۹۲۱ بود** که در اتحاد شوروی ا زین هنر پیشه‌صاحب نام از طرف مقاما ت هنر ی د عو ت بعمل آمد . وی در خاطرات زند گیش مینو یسد به محض آنکه در خا ك شو روی در محلی بنا م (ریفال)پاگذاشتم قلبم تند ترازهمیشه میزد وبمن نوید میداد: خـو ش باش کـــه تو در سر زمینی آمده ای که اصلا دیگـر چیزی بنام استثمار وجود ندارد ، پس من **دراصل در جهان نوینی پـــا گـذ اشتهام.** **(ایزو دورا) همواره بدین اند یشه بودکه رقص درآینده چه‌شکلی بخود خواهد گر فت، وتکامل آن چگونه خواهـــدبود؟ و بهمین ملحوظ مبتکر مذکور واضح میـتود هـای** بیشما ر هنری در ساحهٔ رقص میا شـــد که به حلقه ها ی هنری و برا ی رقا صه‌ها به‌ار ث گذاشت . امروز در مکاتب ومراکز بیشماری از هنر وی استفاده میشود .

وی با ری در مورد مو قف اجتما عـــی اطفال گفته بود : من برا ی همه کود کان **جهان سعادت معیشت وشادابی میخواهـم** امروز در مکتب هنری که بنام (ایز ودو را) مسماست **ودریك ویـلای قشنگ بنا یافته،** میتو د ها ی رقص نامبرده به سایر بـــن تد ریس میشود . رقا صه صا حب نام‌مذکور چهل نفر رابه عنوا ن شا گر دان ممتاز بر گزید که یکی از آن دختر خوانده ا ش‌بنام (ایر ما) بود که از ۳۰ دسمبر ۱۹۲۱ تمر-ینات اساسی را با وی آغاز نمود کنو ن در پهلوی سا یر پلان ها ی آمو زشــــی

بقیه‌درصفحه۴۲



۳ـ(ایزو دورا) اینبار شو هر شاعر ش.

از نیو تایمز

هدف عمدهٔ دیتانت

ترجمه: ضیاء

سی‌وچهارمین اجلاس عمومی ملل‌متحد در ۱۸ سپتمبر در نیویارك گشایش یافت ۰ این مجمع که‌از اشتراك نمایندگان ۱۵۱ کشور جهان تشکیل‌یافته‌است، جهانیان‌آنرا بمثا به یکی ازپرقدرت ترین وباصلاحیت ترین‌سازمان های بین‌المللی می‌پندارند ملل متحد بااشتراك خلقهای دیگر جهان‌سهم‌اساسی وعمده رادرراه جلوگیری ازجنگ، استحکام صلح، کا هش مسابقه تسلیحاتی ذیل‌به خلع‌سلاح ایفا نموده است ۰

اجندای سی وچارمین اجلاس این مجمع را تقریبا بیش از ۱۲۵ موضوع تشکیل میدهد ولی موضوع عمده راکه نمایندگان کشورهای مختلف برآن تاکید می‌ورزند مساله دیتانت است ۰

دیدار اخیر برژنف کارتردر ویانا وامضای قرارداد سالت ـ۲ فرصت مساعدی را برای مساعی هر چه‌بیشتر ملل‌متحد در راه استحکام صلح جهانی ودیتانت سیاسی ونظامی فراهم ساخت ۰ ملل متحد بایست از چنین فرصتی به نفــع بشریت استفاده بعمل آورد ۰ تحقق دیتانت مساعی مشترك تمام کشور هارا بدون درنظرداشت ملحوظات سیستم اجتماعی وسعت قلمرو ، موقعیت جغرافیایی . انکشاف اقتصاد وصرفنظر ازاینکه عضو بلاك های‌نظامی می‌باشند یاخیر نیازمند است۰ بناء مجمع عمومی ملل‌متحد میدان وفرصت مناسبی دارد تاتدابیر لازم جهت پیشبردجریان‌دیتانت‌اتخاذ داشته وآنرا به‌تمام قاره ها وسعت د هــد

انکشاف بین المللی‌نمایانگر آنست که در برابر امر دیتانت تاهنوز مخالفین بی شماری موجود است **که‌فعالیت آنها ازانظاردول** صلح دوست ملل‌متحد دورنیست ۰ سران‌پنتا گون، ملیتاریست های ناتووحلقات نظامی صنعتــی غرب پلان های را برای تسریع هر چه بیشتر وسایل تسلیحاتی گسترش میدهند ومی‌کوشند تولید سلاح های جدید بالیستکی و غیره را تحت عنوان صف آرایی اروپای غربی‌توسعــه دهند وآنرا علیه اتحاد شوروی بکار برند ۰ تبلیغات کهن وزهر آگین علیه اتحاد شوروی یکبار دیگر برای کتمان این پلان های خطرناك براه انداخته شده‌است ۰ ازمدت هابه اینطرف بدترین دشمنان صلح از جانب‌متحدین‌چپ‌نمای امپریالیزم‌حمایت‌می‌کردند تانیروی‌هستوی‌خویش را بالابرده ودر جستجوی (تدارك یك جنگ جدید) می‌باشند ۰

آینده دیتانت وامنیت بین المللی تا اندازه زیاد اکنون منوط به توقف دادن مسا بقــه تسلیحاتی می‌باشد ۰

همچنان حل مساله خلــع سلاح اهمیت مقدم کسب کرده است که حل بسیاری از مسایل دیگر جهانی مثلاء تهیه انرژی وغذا، امحای امراض ، نافع ساختن منابــع ابحارو فضای خارجی و رفع عقب ماندگــی بسیاری از کشور ها را تسهیل می‌نماید ۰

اجندای سی وچارمین اسامبله عمومی ملل متحد تقریبا شامل بیست موضوعی بودکه با خلــع سلاح ارتباط می‌گرفت که بسیاری این موضوعات درملل‌متحد به ابتکار اتحاد ـ شوروی سوسیالیستی دیگر مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفت ۰

سلاح های هستوی به‌صورت مشخصی برای بشریت وبرای موجودیت هر چــه‌بیشتر تمدن خطــر ناك مــی باشد این امر جوابگوی این‌سوال می‌باشد که‌چرا بــرای خلــع سلاح هستوی‌توجه درجه اول معطوف گردد؟

اتحاد شوروی به همرایی کشور های دیگر سوسیالیستی درکمیته خلع‌سلاح پیشنها دی را پیرامون پایان دادن تولید تمام انــواع سلاح های هستوی وتقلیل تدریجی وامحای کامل ذخایر آن طرح‌نموده‌است۰ اتحادشوروی ومتحدین آن درسال جاری همواره مذاکراتی مناسبی رابا دول دارای نیروهای هستوی و همچنان بادول غیر هستوی‌براه انداخته است۰ این ابتکار به صورت همه جانبه در کمیته خلع‌سلاح از جانب کشور های غیر منسلك وتعدادی از کشور های غربی حمایت گردید۰ بهرحال بحث روی این مطلب ازسبب‌مقاومت سردمداران امپریالیزم ومتحدین آن به تاخیر افتاد ۰

به منظور پاسخ به خواست‌بسیاری ازکشور های غیر هستوی ، وبه‌منظورتضمین‌امنیت‌آنها اتحاد شوروی از سال ۱۹۷۸ اعلام داشت که هیچگاه ازسلاحهای هستوی دست داشته خود بر ضد کشور های که تولید وبدست آوردن این سلاحها را تحریم می‌نمایند استفاده‌بعمل نخواهد آورد۰ ابتکار اتحاد شوروی درسی‌ـ وسومین اسامبله عمومی برای تشکیل مجلس تضمین امنیت به کشور های غیرهستــوی و

مذاکرات مفیدی که‌پیرامون این مساله بعــدا درکمیته خلع‌سلاح آغازیافت شا هد اثبـات این امر می‌باشد ۰ بر گذاری چنین یك‌مجلس اکنون از جانب اکثریت کشور های عضو‌ملل‌ـ متحد که‌از تهــدید سلاح هستوی خواهــان مصوونیت می‌باشد حمایت می‌گردد ۰

طرح مسوده مواد عمده قرار داد منــع سلاح های رادیو لوژیکی یکی ازنتایج مــذ اکرات بین شوروی و امریکا در کمیته خلــع‌سلاح می‌باشد یقینااین‌امر یك قدم مثــبت درراه فراهم آوری امکانات‌جلوگیری از تولیدیاذخیره واستعمال یکی از خطرناك ترین سلاحهای کشتار دسته جمعی به شمار می‌رود ۰ اکنون ضرورت آن احساس می‌شود تااین مسوده هر چه به سرعت ممکنه مراحل نهایی خود راطی نماید تادر عرضه خلع سلاح یك مـــوافقه دیگر پذیرفته شود ۰

علی‌الرغم‌انکشاف مذاکرات‌شوروی ـ امریکا وبریتانیا درباره منع آزمایشات سلا حها ی هستوی، طرح مسوده قرار داد این مسالــه به صورت غیر عادلانه به تاخیر مواجه گردیده است ۰ اتحاد شوروی بطور ثابت قدم در راه عقد موافقه های بین المللی پیرامون ایــن مسایل مساعی بخرج می‌دهد وعقیده دارد که سی وچارمین اسامبله‌عمومی توجه‌ویژه خودرا درباره این مسایل معطوف خواهد داشت ۰

توجه زیاد مجدد ا باید به‌مساله عدم‌انتشار سلاح هستوی معطوف گردد۰ گسترش (مجمع هستوی) به‌جامعه بین المللی خطرنــاك‌است۰

این خطر بیش ازهمه درجاه طلبی‌هستوی افریقای جنوبی . اسرائیل وبعضی کشور های دیگر بخوبی نمایان بدست آوردن سلا حهای هستوی بوسیله کشور های که پیوسته علیه همسایه‌گان خودمرتکب فعالیت های تجا وزـ کارانه‌می‌کردند۰سرزمین‌های اجنبی‌رابا استعمال قوه تصرف می‌نمایند وآزادی خلقها را حذف می‌دارند نتایــــج وخیمی را برای صلح‌بار می‌آورد ۰ همچنان درسی وچار مین اجلاس باید تدابیر جدی‌اتخاذ گردد تاکنترول شدید از جانب نمایندگی بین المللی انرژی اتومی بالای استعمال تکنالوژی ومواد هستوی توسط دول غیر هستوی وضع گردد ومساعی اعظمــی بخرج داده شود تا اعضای پیمان عدم‌انتشار سلاحهای هستوی افزایش یابند ۰

برعلاوه اخذ تدابیر جهت تقلیل مسابقــه تسلیحاتی باید مساله تضمین‌سیاسی وقانون امنیت کشور ها مورد بحث قرار گیرد اکثریت اعضای ملل متحد خواهان اند ، از استعمال قوای هستوی وسلاحهای قرار دادی اجتناب بعمل آید ۰ وروابط بین المللی در چار چوب موازین ملل‌متحد بر قرار گــردد ۰ معذا نیاز مبرم است تاباسرعت هرچه ممکنه‌مسوده‌یك موافقه بین المللی در مورد عــدم استعمــال قوه در روابط بین المللی تکمیل گردد۰نتایج چنیــن مــو ا فقــه مسلما دست آنها ئیراکه خــواهــان مسا بقه تسلیحــا تــی و حتــی خواهان بکاربردن آن می‌باشند می‌بندد۰

همچنان سی وچارمین اجلاس مجمع عمومی ملل‌متحد بایدتوجه خاص خودرا به انکشاف وخیم درشرق‌میانه معطوف دارد۰ معاملهٔ‌جداگانه مصر واسرائیل که علیه سعادت خلقهای‌عرب ودرخفای آنها عقدگردیده است بطور خطرـ ناك ووخیمی تشنج را دراین منطقه تشدید نموده است ۰ یکی از نتایج ناگوار این معامله تشدید عملیات تجاوز کارانه اسرائیل‌است۰

انتظار می‌رود این اجلاس فرصت خواهدیابد تاموافقه مشترك کشور های راکه از داعیــه عادلانه خلقهای عرب حمایت می‌دارند بپذیرد وبه‌حل مناسب وپایدار مساله شر ق میــانه باشرکت تمام‌احزاب (بشمول‌سازمان آزادیبخش فلسطین به‌مثابه نما ینده قانونی فلسطینی ها نایل آید۰ برای نیل به‌یك صلح پایدار در شرق میانه باید فیصله های شورای امنیت اسامبله عمومی دردست اجرا قرار گیرد ۰ اتحاد شوروی بطور خلل ناپذیر خواهان صلح عادلانه ومصوون دراین منطقه می‌باشد وانتظار دارد. اسرائیل ازسرزمین های اشغالی شان ۱۹۶۷ رانده شوند و حقوق انکار ناپذیــر فلسطینی هابه شمول حق‌تشکیل‌دولت‌مستقل اعاده گردد که مسلمااین امر امنیت کشورهای این منطقه را تضمین خواهد کر د ۰

از طرف حلقات‌ملیتارلیستی‌امپریالیزم تلاش های مداوم بکار برده می شود تا ملل متحدرا ازموضع آن درمورد مساله حــل نــا شده سایپریوت‌خارج سازد ۰چنین مانورهای نامریی چیزی جز مخالفت باخلق سایپریوت‌نمی‌باشد۰ ملل‌متحد تصامیمی را مبنی بر اصول اساسی اتخاذ کرده‌است که‌برای حل این مساله کمك می‌نماید ۰

سی و چارمین اجلاس ملل متحد قادراست نقش مهمی رادر حمایت از مبارزات آزادیبخش خلقها برضد استعمار نژاد پرستی واپارتاید ایفاء نماید۰

این سوال تاریخی بایددرمورد افر یقــای جنوبی حل وفصل شود :

آیا زمبابوی ونامیبیا استقلال واقعی خویش را کسب خواهد کردویااینکه اسیران استعمار نو باقی خواهند ماند ؟

نژاد پرستان ودوستان غربی آنها مانور های تازهٔ را بکار می برند وصرف با تغییــرات شکلی میخواهندرژیم های دست‌نشانده وفادار خودرا باخلق این سرزمین تحمیل نمایند . ملل متحد باید تدابیر موثری بکار برد تابه صورت فوری قدرت به نمایندگان اصیــل خلقهای این کشور ها (نیرو های وطنپرست زمبابوی ونامیبیا) انتقال یابد .

سیاست اپارتاید که بو سیله زمامداران افریقای جنوبی برعلیه سیاه پوستان بکاربرده میشود باید به‌شدت محکوم گردد۰

بقیه‌درصفحه۴۷

ترجمه الف عبیدی

از مسکو نیوز

کتاب در خدمت صلح

نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو



هال بتوریچ ناشر مشهور شوروی که برماهیت کتب تاکید میکند

دومین نمایشگاه بین المللی کتاب باشعار (کتاب در خدمت صلح وترقی) بـــه اشتراك دو هزار موسسه وشرکت چاپ کننده کتاب بیش از هفتاد کشور جهان ملـل متحـد، یونسکو ، کومیکان ، سازمان بین المللی کارودیگر موسسات بین‌المللی در مـــسکو گشایش یافته است درین نمایشگاه بیش از یکصدو پنجاه هزار کتاب به‌نمایش گذاشته شده است ٠

بمناسبت تدویراین‌نمایشگاه لیوندبریژنیف پیام شادباشی عنوانی‌اشتراك‌کنندگان‌نمایشگاه فرستاده است‌وی در پیامش اظهار امیدواری کرده تاکتب به نمایش گذاشته شده تااندازه زیاد موافق به شعار این نمایشگاه (کتاب‌در خدمت صلح وترقی) باشد ٠

وی همچنان گفته است‌که عقیده دارد دومین نمایشگاه بین المللی کتاب در مـــسکوزمینه بهبود همکاری واقعی رابخاطر تبادله بهترکتب دربین ممالك اشتراك کننده، ایجاد می‌نماید وهـــــم در انکشاف کلتورو همکاری فرهنگی وتقویه همسایگی نیك دربین این کشور ها تسهیلاتی را فراهم خواهد ساخت ٠

در دومین نمایشگاه بین المللی کتاب در مسکو تعداد اشتراك کننده گان نسبت بـــه نمایشگاه اول کتاب که در سال ۱۹۷۷ درین شهر دایر شده بـــود بهتر است باینترتیب که در نمایشگاه اول کتاب به تعداد یکهزار وپنجصد موسسه نشر کتاب از ٦٧ کشور جهان اشتراك نموده بود٠ در حالیکه دریـن نمایشگاه تنها در تعداد کشور ها، موسسات وسازمانها افزایش بعمل آمده بلکه ساحـــه نمایشگاه نیز توسعه یافته است ٠



شاگردان از ابتدای تحصیل به کتاب‌وکتابخانه علاقه نشان میدهند

در نمایشگاه امسال به تعداد موسسات چاپ وفروش کتاب از ممالك سرمایه داری بیش از چهل موسسه دیگر نسبت به‌نمایشگاه اول افزایش بعمل آمده در این نمایشگاه موسسات چاپ و فروش کتاب از کشور های بلجیم ایتالیا ٠ ناروی . ایالات متحده امریکا سویدن وجاپان وهم انستیتوت ملی کتاب از هسپانیا ومرکز فرهنگی بریتانیا اشتراك نموده اند ٠

دراشتراك وسهم گیری کشورهای روبـه انکشاف نیز افزایش بعمل آمده است آثار ادبیات کشور های الجیریا انگولا ارجنتاین بنگله‌دیش ،کانا، هند. کانگو ،لبنان، مکسیکو ،کشور های آسیایی افریقایی وامریکایی‌لاتین به نمایش گذاشته شده است ٠

کشور های بولیویا ،مالیزیا، تایلندفلیپین ولایبریا برای اولین مرتبه درین نمایشگاه حصه گرفته بودند ٠

ازجنجائیکه ایـــن نما یشگاه‌در سال بین‌المللی طفل ودر آستانه شروع بیست دومین بازی های اولمپیك در مسکو دایر شده است کتب تحت عناوین (اطفال وکتاب) و (سپورت وادبیات از چندین کشور) درنمایشگاه بـــه نمایش گذاشته شده است ٠

یك تعداد زیاد از موسسات شوروی غرض مفاهمه بااشتراك کنندگان در زمینه نشر کتاب آمادگی گرفته بودند وهـــــم یك تعداد از ناشرین کتب اتحاد شوروی که درآن کشور به‌نشر ادبیات کشور های دیگر می‌پردازند درپهلوی غرفه های کشور های خارجی‌برای خود غرفه های باز نموده بودند همچنان در ضمن جلسات درین نمایشگاه مذاکراتـی در باره خرید وفروش صورت گرفت و موضوع اصلی بحث اشتراك‌کننده‌گان امسال نمایشگاه رامسئله طبع وپخش کتب برای کودکان ونو جوانان تشکیل میداد ٠

برای اینکه‌اقامت‌اشتراك کننده‌گان‌نمایشگاه در مسکو برای شان مفید وخوش گوار بـوده باشد یك پروگرام وسیعی غرض‌فراهـــم ساختن‌هرگونه‌تسهیلات‌برای شان در نظـــر گرفته شده بود ٠

فعالیت غرض خریداری حـــق الامتیازچاپ کتب ادبی علمی وهنری غرض ترجمه ونشر دوباره آنها به کمك (موسسه حـق الا متیاز) شوروی صورت گرفته است خریداری کتب آماده شده همه بوسیله موسسه سرتاسری کتاب بنام (مژدو نـرو نایا کنیگا) صورت می‌گیرد ٠

شعار نمایشگاه دوم بین المللی مسکو (کتاب در خدمت صلح وترقی) است وایـــن اولین نمایشگاه است که اشتراك کننده‌گان آن باخود قبلا تصمیم گرفته اند تاچه نوع‌کتاب را باد ر نظر داشت شرایط اشتراك وموافـــق باشعار نمایشگاه باخود به مسکو بیاورند ٠ کتبیکه مغایراین شعار وشرایط اشتراك در نمایشگاه مسکو بوده است به نمایش‌گذاشته نشده است ٠





وظایف جوانان

امروز جامعه مادر مرحله گذار از کهنه به نو قرار دارد والبته ناگفته نباید گذشت که در این گذار جوانان ما نقش ارزنده وسهمی بزرگی دارند . برای سازندگی و اعمار یک افغانستان جدید وشگوفان که تمام افراد آن زندگی آرام ومسعودی داشته باشند جوانان ما وظیفه دارند تا باکار **وپیکار انقلابی این زمینه را مهیا سازند.**

این امر وقتی میسر میگردد که جوانان ما وظایف خویش را بدرستی بدانند و باپیکار انقلابی وظیفه اصلی وایمانی خودرا که عبارت از باسواد ساختن افراد بی سواد کشوراست بصورت اعلی انجام دهند .

امروز کشور های مترقی که توانسته اند جامعه فاقد استثمار فرد از فرد را بنیان گذارند همه از برکت تلاش جوانان مبارز وپرتوان **وبادرک آنان است که در راه محو** بی سوادی با دولت های خویش همکاری صمیمانه نموده اند .

دست یافتن به یک زندگی ایده آل ناممکن است مگر اینکه انسان سواد و دانش مترقی داشته باشد .

امروز وظیفه هرجوان بادرک وبااحساس است که این بلای خانمان سوزرا ازجامعه اش **ازمملکت اش واز میهنش بدور سازد.**

این یک حقیقت روشن وانکار ناپذیر است که بدون دانش ومهارت های فنی که همه آن زاده سواد وعلم است نمیتوان بجامعه خوشبخت رسید. این دانش بشری. این علم وبالاخره **این سواد است که انسان هارا قادرساخته تا بزرگترین مشکلات زندگی فایق آیند وآن چیزهاییکه درگذشته ازجمله ناممکن هاشمرده میشد امروز ممکن وعملی گردد.**

بشر ازبرکت سواد وعلمش توانست به **کائینات دست یابد وبه سیارات دور دست سفر کند واز رازهای نهفته آنها پرده بردارد.**

این سواد وعلم ودانش بشری است که **انسان راقادر ساخت که بر طبیعت غلبه کند وراه تازه برای بشر بگشاید. زندگی درسایه علم ودانش وتکنالوژی معاصر چه زیبا وپر ثمر است. پس بیایید ای جوانان رزمنده وانقلابی دست بدست هم داده درراه محو بی سوادی ازکشور که بزرگترین دشمن تمدن وبشریت شمرده میشود همکاری صمیمانه نماییم وباگسترش سواد ودانش زمینه یک زندگی آبرومند وایده آل رابرای تمام خلق های این سرزمین مهیا سازیم .**

هدایت الله وفا

ازدواج وجوانان

بخواسته بقای نسل . بمنظور وقعی گذاشتن به احساسهای انسانی وبا در نظرداشت خواص فطری و طبیعی و بالاخره جهت تحقق یابی تحول در زندگی بکنواخت . ازدواج لازمه طبیعت بشری بوده، برعلاوه آنکه انسان . چه زن ویا مرد از حیات تجرد رهایی می یابد، **باارضای عواطف واقناع غرایز** وانگیزه های روانی .به زندگی مشترک ادامه داده و یک بدیگر مشاور ، **همکار** ودر حالات مختلف زندگی همدیگر را کمک مینمایند .

در جوامع مختلف همنظری و تن دادن به ازدواج . نظر به عرف و عادات آنها صورت گرفته . دختران و پسران نظر به توافق روحی ، بعد از مطالعات قبلی اینکه بین آنها صورت میگیرد . تن به ازدواج داده و به زندگی مشترک آغاز مینمایند.

در کشور عزیز ما ، به ازدواجها وابراز توافق روحی دختران و پسران به گونه گون شکل ترتیب اثر داده میشود .بعضا این گونه گونی . مسا له بغرنجی را در فامیل های دختران وپسران ایجادمینماید.

اگر از نحوه ابراز توافق روحی دختران و پسرانیکه دارای علم و تحصیل نیستند، بگذریم و صرف مثالی از طبقه منور وروشنفکر بدهیم . به انواع مختلف خواستگاری و تن دهی به ازدواج ها بر میخوریم ،که بدنیست به سبیل مثال از چند شکل آن یادآوری نموده و **نقاط** ضعیف آنرا بر شمیریم .

۱ـموافقه قبلی که بین دختر و پسرصورت میگیرد و مبنی بر آنست که دو جوان یکدیگر را به تمام معنا درک کرده ، کردارو پندار یکی ، برای دیگر خوش آیند بوده ودر آخر، این تحلیل و نظر اندازی به دورنمای زندگی آینده ، می خواهند به عقد هم آیند و زندگی ایده آل خود راشروع نمایند .

البته خواستگاری در این گونه پیوند های معقول به اشکال مواجه نشده ودر ازدواج این گروپ جوانان کدام مانع وجود **نداشته ، بدون آنکه کسی دیگر درمورد** مداخله کند خود شان با یک تصمیم قاطع زمینه های ازدواج خویش را فراهم نموده وبرای فامیل های خود درد سرخلق نمیکنند البته فامیل های دختران نیز بایک سنجش وارزیابی همه جانبه ،بصورت روشنفکرانه در مورد اقدام مینمایند .

۲ـشکل خواستگاری که . عده ای جوانان نسبت **کمرویی ، جبن وکم جراتی نمی** توانند مستقیما یک با دیگر ابراز علاقه، نظر نموده و در مورد ازدواج خویش تصمیم بگیرند . باید گفت :

در این قسمت دو علت عمده وجود دارد، اول آنکه، برای دختران و پسران . نسبت کوتاه نظری ها و تعصبات زمینه های ملاقات مهیا نشده ودر محافل . مجالس و کلوپ های جوانان، نظر به عللی اشتراک

بقیه درصفحه ۵۶



جوانان ومساله زندگی

وقتیکه به زندگی فعلی خود مینگرم که بادست آشیانه خوشبختی وسعادت خود را واژگون ساختم ودر این واژگونی هیچکسی مقصر نیست جز خودم . امروز در پیشمانی عجیبی قرار دارم . پیشمانی که به قیمت زندگیم تمام شد .

بدنیست شما هم از زندگیم، از اشتباهی که مرتکب شدم باخبر شوید وپند بگیریدکه

من دختر هژده ساله بودم که باپسرماما یم ازدواج کردم، اگرچه این ازدواج روی علاقه وعشق استوار بود وهمین عشق طرفین بود که مارا باهم پیوند داد وزندگی خانوادگی **را برایمان بنیان گذارد. سال اول زندگی** بدون کدام مشکل وپروبلمی سپری شد تا اینکه ما صاحب طفلی شدیم . با تولددخترم زندگی خانوادگی ماشیرین تر از گذشته شد وبیشتر برکانون گرم خانوادگی ماتاثیر گذاشت روزها، هفته ها وماه ها گذشت تا بالاخره اولین کودکمان دو ساله شد .

شوهرم در طول این سه سال زندگی مشترکمان از هیچگونه تلاش برای خوشبختی ماکوتاهی نکرد، همینطور روز های سعادت بار زندگی ما میگذشت تا اینکه آن دوست شوهرم به زندگی ماراه باز کرد وبا بازشدن پای او در زندگی ما وضع رفتار و کردار شوهرم نیز تغییر یافت .

شوهرم احمدکه به زندگی خانوادگی اش سخت علاقمند بود وکمتر اتفاق می افتد که ازخانه اش غیبت نماید دیگربه مردگریزپا وفراری مبدل شد، اوآن احمد مهربان بزن **وکودکش نبود، شب ها تا دیروقت بخانه** نمی آمد، روز بروز درآمدش کمتر می یافت وپول ذخیره که داشتیم آهسته آهسته تمام شد . شب مست ولایعقل به منزل می آمد و گاهی هم یک تادوهفته به منزل برنمی گشت. این غیبت ها درمورد کار اداری اش نیز اثر گذاشت وآهسته آهسته صدای شکایت موسسه اش وکارکنان آن بلند گردید . تابالاخره اورا از کار برکنار نمودند و او مجبور گشت که بایک عالم قرض به خانه برگردد .

بافروش لوازم خانه فروض بی شمار آشنایان ودوستانش را پرداخت ودیگر د ر زندگی ما چیزی باقی نبود که بتوان روی‌آن حساب کرد .

برای ادامه زندگی مان مجبور شدم که خودم کاری برای خویش دست وپا نمایم . پس از جستجوی زیاد بالاخره کاری برای خویش در یکی از موسسات پیدا نمودم و شامل کار شدم با معاش ناچیزی که‌میگرفتم زندگی خویش را به مشکل پیش می بردم باتمام این مشکلات بازهم شوهرم از شب زنده‌داری ورفیق بازی خویش دست برنداشت و باز هم همینکه از کار به خانه برمیگشتم شوهرم از منزل بیرون می رفت وخدا میداند که چه وقت شب در حالیکه دست ازپا نمی شناخت به خانه برمی گشت این وضع‌آهسته آهسته شوهرم را عصبانی، تندخو وگریزان از زندگی ساخت تا جاییکه دیگرخانه به منزله زندان برایش شده بود .

پس از یکسال دیگر شوهرم آن احمد سابق نبود. اوبه مردی تبدیل شده بود که هرچیز رااز عینك سیاه وبدبینی نگاه میکرد. به کوچکترین موضوعی بهانه میگرفت واین بهانه گیری ها آنقدر جدی میشد که صدای داد وفریاد ما بلند میشد وحتی بعضی اوقات همسایه هامداخله میکردند . این وضع رفته رفته حوصلهٔ مرا نیز از بین برد ویك روز موقعیکه او سخت عصبانی بودوپی بهانه میگشت من بادرشتی هرچه بیشتر برایش گفتم : احمد دیگر زندگی با تو برایم غیر مقدور شده است. توبا این حال ووضعی که داری هم من وهم کودکمان را به بدبختی میکشانی • تو نمیدانی که چه میکنی،صحت وسلامتی خودرا که بزرگترین دارایی هر انسان است از دست دادی، کانون گرم خانوادگی راکه هرکس درآرزوی داشتن به مانند زندگی مابود همه را با عیاشی های بی مورد خودبه بادفنا دادی اقتصاد فا میل را ازبین بردی، کار ووظیفه خودرا از دست دادی بالاخره به مردی تبدیل شدی که جز خودش هیچ چیز دیگر را نمی خواهد و لی ایکاش این خود خواهی توهم از روی عقل ومنطق می بود . باچنین شرایط من دیگر نمیتوانم با تو زندگی کنم و البته سرنوشت کودکمان نیز معلوم است او با من خواهد بود زیرا توحتی قادربه نگهداری خود نیستی. بدین ترتیب ازتومی خواهم که جداشوم وتو میتوانی که در این مورد تصمیم خود را بگیری .

شوهرم با شنیدن این کلمات خاموش شد، دیگر چیزی نگفت، به‌نقطهٔ دوردستی متوجه گشت ودقایق چند به همین منوال باقی ماند . تا اینکه بخود آمد وبا نگا هی پرتعجب به من نگریست . می خواست‌چیزی بگوید ولی سکوت کرد، این سکوتش تادو روز ادامه داشت تا اینکه بازمن برایش یاد آوری کردم که دیگر نمیتوانم با او زندگی کنم . بالاخره سکوتش را شکستاند و گفت: میدانم که در این مدت چقدر اشتباهی‌بزرگی را مرتکب شده ام، چقدر ترا رنج داده م، زندگی خودرا برباد کردم ولی هرکس د ر زندگی اشتباه میکند ومن هم این اشتباه را مرتکب شده ام . تو مرا ببخش ویکبار دیگر برایم موقع بده تا زندگی را دو باره از سرآغاز کنیم بتو قول میدهم همه چیز را

بقیه در صفحه۵۵

می‌ستاییم‌مادروطن‌را


انجیلا «نثار»

ای مادر وطن !

ای کانون آرزو هاکه در فروغ مهر تو جهان را زیباتر از آنچه که هست می‌بینیم، زیبا می بینیم نه بخاطر آنکه ما زیباه‌ی‌بینیم بلکه خودش گرانبار وسرشار ازز یبا ییست، وهمه هستی را رنگ دیگری بخشیده است. رنگ زندگی وامید، کوشش وتلاش .

حب تو خون به رگهای مامی جوشاند و توان زندگی می بخشد . بشر باداشتن لطف ومهبت تو نیرو میگیرد وبمقابل هیولای جانفرسای زندگی وپدیده های سرکش‌طبیعت می رزمد وآنها را رام خودمیسازد .

مادر ! اگر حب تو در نهاد فرزندانت نمی بود، امکان داشت که طبیعت اینقدر قشنگ وزیبا خود نمایی‌کند ؟ نه . هرگزنه!

توهستی مایی !. تو! منبع الهام هاوسروش های ما هستی ...! ترا ستایش میکنیم که مهرت حدوحصری ندارد، از مهرتو و آفتاب تو جهان ماروشن ومغز ما انباشته از امیدها است .

امید هاییکه به آرزوی آبادانی تو ای مادروطن که‌هیچگاه از مخیله زدوده نمیشوند، بلکه بطور مضاعف خلق میگردند وآهسته آهسته تحقق می یابند .

ای مادر پاك سرشت!

ما از تو مرهون وبتو وفا داریم، زیرامهرت درخون ماعجین است .

بپاس شکران وحفظ نام نامیت ای مادر وطن ، خون گرم نثار میکنیم وسررادرکف وجان را نثار خاکت میکنیم .

مشکلات‌جوانان

تاثیر معاشران ناآهل ، نداشتن هدف،عدم مسئولیت وفقدان مهارت های‌فنی، ترك‌تحصیل خطراتی است که‌جوانان یك کشور راتهدید میکند.

پریشانی وبیماری وعدم تعادل روانی برای جوانان‌امروز مشکل‌به‌وجودمی‌آورداعتیادوفراوانی بی‌بندوباری بی‌اعتنایی به‌خانواده پرخاشگری وحتی دزدی مال‌مردم اینها همه آثاریك‌بیماری مزمن وروانی واجتماعی هستند که باید اول علت هاوریشه های آن کشف وشناخته گردد آنگاه به معالجه وتداوی آن پرداخت ما از فرصتی که‌به دستما آمده استفاده میکنیم وبا کشف بعضی ازعلت هاکه جوانان باآن‌مواجه اند درمعرض قضاوت وانتقاد قرار میدهیم که البته علت هابه اشکال گونگاون بوده که ما صرف شمه ازآن رایاد آور میشویم:

۱- سست شدن روابط خانوادگی دردوران های گذ شته پدران چه‌باسواد وچه‌بیسواد صنعتگر وکارگر وچه‌ماموردولت‌درخانواده ها حاکم مطلق بدون چون و چرا بوده اند و رفتار وکردار وشخصیت فرزندان ز یر نفوذ پدران درخانه وبازار شکل میگرفت • کودکان پس ازتحصیل علم‌یا شاگردی‌ازپدر شغل‌شان از پیش معین آماده بود داماد وعروس میشدند وخانواده تشکیل میدادند تامی‌آمدند که‌خودرا بشناسند وبه‌اطراف خود نگاه کنند درانبوه از مسولیت‌ها غوطه‌ورمیگشتند اما امروزفرزندان غالباء از شعاع‌نفوذوسلطه‌پدران دور شده‌اند وازقیود سنت‌هاوعادات وتعهدات‌گذشته‌رسته‌اند فرزندان سواد آموخته انددراجتماعات‌گوناگون تجربه های کسب کرده‌اندوازآزادی‌بهره‌برده‌اند ولی درپهلوی جوانان هستند جو ا نانی که در کمال بی انصافی وناجوانمردی حرمت‌پدران شان را نمیدنند واز شناساندن پدران‌زحمت کش وکارگرخود به دیگران شرم دارندتوسعه وفراوانی این نوع تربیت هادر میان‌جوانان ازاین نوع‌طرزفکر وتربیته سرچشمه‌میگرفت که‌خوشبختانه‌باپیروزی‌انقلاب ثور این‌نوع طرز تفکرازمیان رفته است•

۲-ورود معاشران ناآهل وفاسدوبیکاره در زندگی ، جوانان رابه منجلاب فسادسوق‌میدهد که‌خوشبختانه کنون جلوآن گرفته شده است

۳-هدف ونداشتن احساس‌مسولیت ونداشتن مهارت های فنی از خطرناك ترین عوامل‌فرو افتادن نو جوانان وجوانان در باتلاق‌های‌فساد وناهنجاری های اخلاقی وروحی‌است ماکمتر جوانان ماهریانیمه ماهروفعال رادیده‌ایم که‌به اعتیادودیگرآزاری یاخودآزاری گرویده‌باشند اصلانفس‌داشتن کار ومهارت‌شغلی‌وامکان‌انتخاب کار مناسب میزان آلوده‌گی هاراکم میکند.

دراخیر باید گفت بی‌تفاوتی‌های که‌در ادوارگذشته در جامعه‌ما حکمفرمایی داشت متاءسفانه یکعده جوانان مارا از راه‌اصلی وحقیقی‌بدور نگهداشته بود که‌خوشبختانه با پیروزی انقلاب ظفرمند ثورتمام این ناهنجاری هاوبی تفاوتی ها ازمیان برداشته شده وامروزجوانان مادر پرتو انقلاب ثور ،راه حقیقی که‌نوید دهندهٔ آزادی ،برابری وبرادری است باز یافته اند.

اندیشه‌های جوانان

غلام نبی :

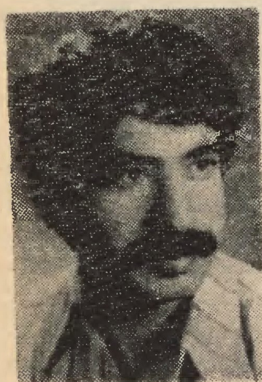
جوانان ویا جوا نانیکه مبا رزه را دراین راه و ظیفه اصلی و ایمانی خود مید ا نند به‌عقیده من جوان واقعی و قابل ستا یش است .

جوان حقیقی که موفقیت و سعا دت‌کشورش را در محو بی سوادی میداند بر ا ی از بین بردن این نقیصه اجتما عی از هیچگونه تلاش خود داری نمیکند•

امروز فقر اجتما عی که بیشتر دا منگیر کشور ها ی فقیر شده است همه در اثر بی سوادی است .



کشور ما افغانستان پس از انقلاب‌پیروزمند ثور با پلان های انقلابی که همه اش نویددهنده یك زندگی مسعود و سعادت باری است میکوشد تا فقر وبی چاره‌گی را از دامان این کشور پاك نماید . در این جا وظیفه هرفرد وطن پرست است که با دو لت خلقی شان از هیچگونه همکاری‌دریغ نه ورزند .



عنایت‌الله (کارون)

به عقیده من اصلاح یك جامعه بستگی‌و ار تباط مستقیم به اخلاق فردی آن جا معه دارد . و قتی یك جامعه میتوا ند به زندگی ایده آل خو یش دست بیا بد که افراد آن جامعه وظا یف خویش را بد رستی در ك نما یند . را ه رستگاری هم در این است که‌هرفردی از اجتماع بر ا ی شگو فان سا ختن جا معه اش و ظایف سپرده شده را بصو ر ت احسن در کما ل ایمان داری وامانت اجرا نمایند ودر رفع نقیصه های زند گی اجتما عی بکو شند .



ترجمه وتلخیص (لیلا حیرت)

تضادهای دموگرافیک در تولیدمثل

عصر ماعصرانتقال‌از تولیدمثل نیمه حیوانی ونیمه بیولوژیک به‌عصر تولیدمثل انسانی می‌باشد یعنی که‌انسان ها به‌همان تعداد اولادمیخواهند که آرزو دارند واز عهده تربیه آنها بدرشده می‌توانند و برای این منظور موسسات (رهنمای خانواده ها) بمیان آمده است ـ اما این انتقال در مناطق مختلف به شکل نامنظم جریان دارد مثلا ساکنین شهر تمایل زیاد بداشتن فامیل های کوچک داشته واز کثرت اولاد حتی الامکان جلو گیری می‌نمایند .

اگر بامعیار های مترقی سنجیده‌شود این تمایل دو جنبهٔ متضاد دارد ـ نقایص اخلاقی وروانی آن روشن وعیان است چنانچه فامیل هائیکه یك فرزنددارند موجب‌خود خواهی‌وخود پرستی در طفل شده و آن کودك را (نازدانه) تربیه می‌کنند که با ینصورت تمایل و ارتباط طفل را نسبت بفامیل و روابط وی رابا مردم دیگر واجتماع وراجع بوظیفه او تحت تاثیر قرار می‌دهد .

نقص اقتصادی آن نیز هوید او ثابت است باپیشرفت جامعه و توسعه تولید ضرورت‌زیاد برای کار انسانی احساس میشود که نمی توان تنها به‌ثمر بخشی بیشتر کار اتکا کرد. ویا ضرورت روزافزون نیروی‌کار انسانی رانادیده گرفت .

ولی با اینهمه جلو گیری از تولید مثل بیشتر، نفع زیادی هم باخود دارد که از آن چشم پوشی شده نمی تواند.

بنابران بادر نظر داشت ایجابات عصر کنونی از مدتی است که بااین مفکوره یعنی (تولید مثل بیشتر) مبارزه جریان دارد وبا تکامل جوامع بشری این سیستم مناسبات جدیدی رابین زن و مرد پی ریزی می‌نماید وهردو یعنی زن و شوهر میخواهند ازیك یادو طفل بیشتر نداشته باشند . ایجاد تغییرات (تولید مثل جزء انقلاب های مترقی اجتماعی‌بوده‌به‌همه سویه پیش می‌رود:

۱ـ در صنایع
۲ـ در جامعه
۳ـ در فامیل

زن از موقف یك مولد خانگی قدم فراتر گذاشته وبه‌یك مولد اجتماعی مبدل‌می گرددو باین صورت بامرد دریك صف وردیف قرار گرفته از مزایای برابری ومساوات قانونی برخوردار می‌شود.

اگر طور ساده گفته شود زن همانند مردو برابر به او به قوهٔ محرکه جامعه تبدل می‌یابد.

جامعه شناسان می‌گویند (وضع نامساعدزن بعداز آوردن اولین طفل متظاهر می‌گردد که‌با تزاید تعداد اطفال ازآن‌هم‌بدتر شده می‌رود..)

داشتن اولادکم بمعنی تغییراختلاف بیولوژیك زن ومرد هم می‌باشد ـ این حادثه وضع نامساعد بیولوژیکی ـ اجتماعی زن رااز میان برداشته آن رابا مرد در حال تساوی قرار می‌دهد ونیز یك وسیله است برای تضعیف تضاد های جدید در وضع زن که از اثراین جریان تضاد بین موقف اودر وظایف خانگی‌و صنایع ضعیف شده ، وفشار را بالای او کم نموده حتی‌بسیاری‌ازخانم های شهری را ازفشارهای روانی وازدست دادن وضع صحی محافظت می کند که این عمل آنهارا یاری می‌نماید تادر حیات اجتماعی و اجرای کار های حیاتی مستقیما شرکت جویند.

پس داشتن (اطفال کم) یك پدیده‌دوگانه و متضاد بوده مملو از سود و اضرار اجتماعی است ـ زن ها در عصر فعلی بعوض اینکه ۱۵ تا ۱۶ سال خود را در تولید مثل بخرچ‌دهند قوای خود را از سه تا ٤سال مصرف می نمایند ـ همین حادثه بزن ها کمك می نماید تا تساوی خود را بامردان حاصل دارند و با تغییر تقسیم کاراجتماعی بین زن و مرد ـ زن به یك اعمار کننده فعال جامعه ویك عضو حساس و مهم اجتماع مبدل شود .

با آنهم تنقیص سرعت تولید مثل در همه فامیل ها متجانس نبوده تمایل در زن ها با زهم متفاوت است لیکن‌در حدود هشتاد فیصد خانم ها علاقه دارنداز ۲ الی سه طفل داشته باشند . دیموگرافر ها نیز بهمین عقیده اند که ۲ یا۳ طفل برای یك فامیل تعداد ایدیال اطفال می باشد بعبارت دیگر این یك کیفیت حتمی است که باید هر فامیل بهمین شماره‌اولاد داشته باشند . زیرا این تعداد کیفیت تربیه را بهتر نگهداشته واز عدم دلچسپی‌مادر به سود و زیان جامعه جلو گیری می نماید .

تغییر نوع فعالیت حیاتی تمام سیستم ضروریات زن هاومیزان ارزش های آنها را بشمول تمایل آنها بسوی اطفال تحت تاثیر قرار داده در سیستم ارزش های‌گذشته معنی حیات یك زن عبارت بود از مادر بودن خانم بودن ، وزن خانه بودن و خدمت کردن به شوهر واطفالش در خانه .

درین سیستم ها اطفال در ردیف عالی قرار داشتند ـ پرستیژ زن با تعداد اطفال در فامیل تناسب مستقیم داشت یعنی بهمان اندازه ایکه دارای تعداد بیشتر اطفال می بودند بهمان اندازه وظایف شان را در حیات‌بهتر انجام می دادند . اما در سیستم ارزش های جدید اجتماعی مفهوم حیات زن در ترکیب نقش های خانگی واجتماعی او قرار دارد و اعتبارات نوینی را در او می پروراند که حصول استقلال مادی واخلاقی در درجه اول قرار می گیرد که این ارزش های جدید پهلو به پهلوی ارزش های کهن قرار گرفته یکدیگر را تحت تاثیر قرار می دهد .

باید گفت که سیستم ضرورت های زن ها بسیار مغلق ومتضاد شده می رود ومشکل است تمام احتیاجات شان پوره شود ـ سادگی ضرورت های آنها در گذشته بشمول شوهر ـ اطفال و خانه تدریجا خود را عقب کشیده ـ اطفال در قطار ارزش های جدید یك موقف وسطی را اشغال می نماید ـ ازدیاد نقش های زن در جامعه یکی بالای دیگری تاثیر نموده واجرای آنها را مشکلتر می سازد وبه انرژی روانی وجسمی بیشتری نیاز دارد.

همه میدانند که اکثر خانم ها (مخصوصا مادران جوان) دو بخش کار در روز دارند ـ کاردروظیفه وکار در خانه. کاری را که دردفتر انجام می دهند با کاری که در خانه اجرا می کنند ارتباط داشته ورسالت خانگی زن با ساعات‌فراغت او از کار در خارج از خانه رقیب بوده بسیار خسته کن واقع می شود ـ همه اینها بصورت مزمن بر قوای روانی و جسمی خانم ها سنگینی وارد می کند ـ احتمال دارد

که زن در برابر این فشار های دو گانه واین ثقلت‌های عایده ازکار دفتر وکار های خانه با تنقیص تعداد اطفال عکس العمل‌نشان دهد ـ همین بار سنگین عده زیادی ازخانم ها را از پیشبرد درست و موثر وظایف شان باز داشته است . این موضوع درعصر موجود برای ایجاد یك فامیل و جامعه سالم اهمیت بیشتری کسب نموده و مسی کوشند برای زن ها تسهیلات ممکنه و لازمه فراهم نمایند .

برانی تنوری بادنجان سیاه

بادنجان سیاه را پاك شسته چوبك آنرادور نموده سپس بادنجان هارا نصف کنید وآنرا درمیان پطنوس داش چیده ودر میان داش بگذارید با حرارت عادی برای مدت نیم ساعت بادنجان هاپخته می شود آنگاه آنهارا از داش کشیده بروی غوری بگذارید قروت تهیه شده باسیر را بالای آن انداخته بعداز انداختن روغن، نعنای خشك و کشنیز غذای مذکور آماده صرف می باشد .

همچنان در جاهاییکه داش موجود نیست بادنجان هارادر دیوار تنور می زنند تا گفته نماند که بدین شکل نیز خوراك مذکور خیلی لذیذ وخوش مزه می باشد ، ازین جهت است که خوراکه مذکور بنام برانی تنوری یادمی شود .

دبریالي ژباړه

که‌غواړی د خپل پوستکی ښکلا وساتی بهی وخوری

زموږ دهیواد دبی شماره او خوندورو میو و څخه یو هم بهی ده چی د هیواد په گوټ گوټ کی پر یمانه لا سته راځی ددی میوی ونی زیاتره په ځنگلی ډول موجودی دی او پیوندولو ته یی زیاته پاملرنه نده شوی خو ځرنگه چه لید ل شویدی پیوندی بهی ددی میوی د ډیرو ښو لونو څخه شمیر ل کیږی چی ډیری خوندوری او زیاتره په اومه ډول خوړل کیږی چی ډیر لوړ غذائی ارزښت لری.

ځنگلی او غیر پیوندی بهی که اومه استعمال شی کوز ښت خو ندلری مگر دانی یی چی د بهی دانی په نامه مشهوری دی پر یمانه لعاب لری چی ددوا په جوړولو او صنعت کی تری گټه اخیستل کیږی او همدا رنگه د بهی میوی څخه که‌څه‌هم پیوندی وی یاغیر پیوندی مربا جوړیږی چی دگیډی لپاره مقوی او اسهال ته گټه رسوی او هغو کسانو ته چی د گیډی ناروغی او یا د گیډی زخم ولری دښو غذاگانو څخه شمیر ل کیږی . هغو کسانو ته چی بر انشیت او یا د نری رنځ په ناروغی اخته وی د بهی خوراك گټور تمامیږی ترڅو کولای شی دبهی داو مه او پخ کړ ومیو و څخه استفاده وکړی .

که د بهی دمیوی داوبو څخه جلی تیاره شی د کو چنیا نو لپاره ښه گټوره غذا شمیرل کیږی چی هم ئی ودی ته گټه رسوی او هم د هغوی د گیډ ی زهر جن مواد له منځه وړی . هغه کسان چی دنا روغی څخه نوی خلاصون موندلی وی او د نقاهت په دوره کی وی د هغو لپاره هم بهی ښه غذاده چی هم په اومه ډول او هم پخ کړ شوی بهی څخه گټه واخلی .

بهی دار نگه میوه ده چی پر یما نه ویتا-مینو نه او معدنی مالگی لری . ویتا مین (ای) په لرلو سره دکو چنیا نو ودی ته گټه رسوی اودلیدو قوه زیاتوی د (بی) ویتامینو په لر لو سره اعصاب تقویه کوی دویتامین (بی-٦) په لرلو سره د امید وارو ښځو دزړه بد والی او کانگو څخه مخنیوی کوی . لدی کبله ده چی باید امید وارو ښځوته توصیه شی چی دحا ملگی په وخت کی د بهی د میوی‌او او بو څخه گټه‌واخلی تر څو له یوی خوا خپله روغتیا و سا تی او له بلی خوا په را تلونکی کی ښکلی او روغ کوچنیان ولری د بهی داوبو او سکنجبین خو راك معده کو چنی کوی او دهغه خو راك د غذاڅخه دمخه اشتها زیاتوی او په‌هیڅ ډول‌دپرخوری سبب نگرځی. که‌چیری مزی خلك دووړی د خو راك د مخه د بهی داوبو څخه استفاده وکړ ی او یا دا چی یوه دانه بهی و خوری سره لد ی چی ښه اشتها به ولری ډیر لږ غذا داخیستلو څخه وروسته مړ یږی او نو رئی ډوډی خو راك ته‌خو ا نه اوړی همدا رنگه بهی یو لړ نور مخصوص ویتا-مینو نه‌لری چی دروغتیا په سا تلو او دعمر په‌اوږدیدل باندی ښه اغیزه لری او پوستکی نرم او ښکلی ساتی‌بهی‌داز راز ډولو نه لری چه‌په غوره ډول خوازه‌بهی، تروه بهی او میخوشه بهی پیژندل شو یدی.

دخوا ږه بهی خوراك غم او خفگان کموی اوروحی خوښی منځ ته راوړی ددی ډول بهی داو بو خوراك گیډه او کلمی نر می سا تی او که زیات و خوړل شی قبضیت له منځه وړی او همدا رنگه دسږ و دی‌او تشو یش په تداوی کی ښه اغیزه لری‌سر بیره پر دی د ستر گو داوبو و هلو اوبهیدو د بهید لو څخه مخنیو ی کو ی . دبهی‌یو ډول (خا صتاً پیوند ی بهی)قلبی او رو حی غیښلتیا منځ ته راوړی دنا رسید لی او خام بهی زوول دخو لی بد بوی لــه منځــه وړی .

دبهی خوراك لدی کبله چی ویتامین (ای) لری دا امید وارو ښځو دزیان څخه مخنیوی کوی اودرحم چاپیریال دجنین دسا لمی ودی لپاره مسا عد سا تی .. بهی ځگر ته گټه رسوی و د زړ ه او د ځگر دشحمی کید لو مخنیوی کوی او ددی ناروغیو په تداوی کی ښه اغیزه لری همدا رنگه په‌ځوی او ځنو نو کی دا‌سهال د تداوی لپاره به‌ئی بهی په تنا ره کی پخو ل اوبیا له هغه به ئی خوراك توصیه کیده ځرنگه چه تجر بو ښو د لی ده دا کار گټور تمامیږی د میخو ش بهی خو راك گیډی ته گټه رسوی او د غذا‌په هضم کی مر ستــه کوی که د بهی مر با د نعنا داو بو سره یو ځای تیا ر شی سر دردی له منځــه وړی او د کا نگو لپاره ښه در مل بلــل کیږی او همدا رنگه سینه نر موی او نفس تنگی له منځه وړی . که دبهی شر بـــت د لیمو او بو سره یو ځای استعمال شی غم اوخپگان کموی . که دبهی دو نی شگو-فی وایشول شی د ټو خی او نفس تنگـی لپاره ښه در مل بلل کیږی . که دبهـی په او بو کی پو در جو ړ کړ شی‌دمخ گنجی کموی. که‌دبهی‌دمیوی‌او دو نو دپاڼو څخــه پټی جوړ ی شی د پو ستکی د سو و اوتودو داو په تداوی کی ښه اغیزه اچوی همدا-رنگه که د حشر ا تو په چیچل شوی ځا یونو باندی دا پټی کیښودل شی پر سوب بی کمو ی او زهر جن مواد و په ایستلو کی مر سته کوی پد ی شرط چی شخص ور - سره حسا سیت و نلری که‌د مخه واز مایل شی ښه به وی .

دبهی دمیوی دپوستکی لمر نـی طبقــه دا سهال د در مل بلل کیږی مگر استعما ل ئی آواز ته زیان رسوی او یواځی په وینی ور کوو نکی اسها ل کی ددر مل په تو گه استعما لیږی .که د ځنگلی بهی دانی وا- یشو ل شی خو راك یی ستو نی او سینه نر موی او ټوخی اسا نو ی . که‌دبهی دانی لعاب پد ی شر ط چی خوله ور سره حسا سیت ونلری پر مخ با ند ی‌وموښل شی دلمر پواسطه دپوستکی د سو ځو لو څخه مخنیوی کوی او دمخ پوستکی نر م او ښکلی سا تی نو لد ی کبله ددی یی شمیره

گټوپه نظر کی نیو لو سره چه بهی لری گرانو و طنو ا لو ته مشو ره ورکووچی ددی گټور ی میوی خو راك او استعما ل ته دی پا ملر نه و کړی او هغو خلکو ته چی ددی میوی د خصو صیا تو په باب کم معلو ما ت لری لازم تو ضیحا ت ور کړی.

نوزادو شیر مادر



شیر مادر مهمترین نعمتی است که مـا در باید برای فرزند خود بدهد وهرگز از این وظیفه مقدس سرباز نزند . زیرا شیر مادر به اندازه ای مفید ومقوی است که میتواند جای انواع واقسام ویتامین ها وانزایم ها را بگیرد، ونوزادان رادر مقابل امراض مختلف وقایه نماید ، خلاصه شیر مادر حاوی چنان ترکیبی میباشد که نظیر آن درهیچ غذای دیگر پیدانمیشود.

در ماه های قبل از تولد جنین از طریق یك عضو فوق العاده مهم تغذیه میکند پس از تولد وظیفه تغذیه را از طریق شیردادن مادر بعهده می گیرد وشیر همان مقاومتی را که نطفه در داخل رحم دارد خواهد داشت .

شیر مادر دارای مزیت دیگری که عبارت از مقاومت در مقابل امراض است هم‌میباشد یعنی زمانیکه سیستم مقاومت او تکمیل و آماده نشده است از مصونیت مادر برخوردار خواهد شد .

نزد اغلب مردم این سوال پیش می آید کهاگر مادر کدام الرژی یا الرژیهای داشته باشد آیا ازطریق شیر بکودك سرایت‌نخواهد گردد؟

متخصصین وداکتران اطفال باین نتیجه رسیده اند که آلرژی ازطریق شیر مادر به طفل داده نخواهد شد آنها در مطالعات وتتبعات خود دیده اند که اگر طفلی شیر پودری ترکیبی ویا شیرگاو بخورد بیشتر به الرژی یا حساسیت مبتلا می شود .

اطفالیکه از شیرمادر تغذیه میکنند اکثرا لاغروبه اصطلاح تسمه بوده ودارای گوشت وعضله قوی می باشند واین امتیاز بزرگی است . چون طفل دارای چربی کمتر خواهد بود زیرا سلولهای چربی عامل چاقی ولاغری میباشد .

از عوامل قابل توجه در شیرمادر یکی هم اینست که شیر مادر روده های کودك راکه درموقع تولد کاملا خالی از باکتری ومیکروب است هم برای هضم وهم برای مبارزه با باکتریها آماده میکند و ناگفته نماند که شیرمادر دارای پروتینی است کــه برای مقاومت تمام بدن ضرورت میباشد .

بقیه در صفحه ٥٢



دکتور اسد الله حبیب

به‌مردی ازدنیای سرمایه

من از دیار محلات شکوه آگینم
واز دیار گذر های خشم‌و عصیا نم
من از چنان شهرم
که‌سرگذشت سرکهایش قهریك باور
وکوچه ها ی شبش را فروغ یك امید
من از چنان شهرم
که خاك باغچه اش
رود به خوا ب جهنم زبی نصیبی آب
مگر درخت در ختش
شراب غیرت کار یگرانه نو شیده
به بازوان کمانگیر چون مظاهر آرش
وچون سپاه ظفر مند
زدختران کواکب
زره وخود بهارینه هدیه میگیرند

* * *

منم زاهل چنان ده
که مرد ها وزنان
در آن فصیل حیات اند
زبی نصیبی نان
ولی زمین کهنسال ،این زمین قد یم
زشیر مادر دهقان اوبه هرسالی
به باز گشت شباب
به‌باز گشت شبابش امید میبندد
وگاو ها ش همه از «شما ر گاو زمین»
که سدههای عریض
زمان سنگ تراشیده
سنگ سابیده
نهاده بر سر شان
ویوغ عصر فضا را پذیره میگر دند .

* * *

من از دیار چنا نم‌که اسپها یش رخش
ودرنگاه یلانش تواضع رستم.

* * *

وشهر من آنجاست
که خوا ب تا نك در آن
زنعر ههای خیابان عور مختل شد
وزبر شست سپا هی
چوقلب شیفتگان میتپید نبض تفنگ
ودر اسا رت زراد خانه ی نمناك
به‌گو شهای مسلسل
صدای پا ی نبردی زجاده می آمد

* * *

که روزی از همه روز
هزار مرد اصیل
نهاده برلب فریاد کوچه مهرسکوت
نهاده برلب فریاد خویش مهر سکوت
فشرده برلب دندان
ومهر ازلب سرد تفنگها کندند
ومهر از لب تانك
واز زبان مسلسل
که گو ش داشت به‌در
مگر به شب یا روز
کسی لبش خاموش
ودردلش فریاد
نفس نفس زده باری زکوچه هابرسد.

* * *

من از دیار سکوت مصممانه مرد م
واز دیار خرو ش تفنگها استم

***

تو،ایکه دردل شهرت چنان تراکم جنگل
نها لهای بلند شعار میروید
وکار خانه و مکتب
چودایه های دونوزاد اعتصاب و تظاهر
ومرد مت در راه
سرود عا صی نفرین بورژوا برلب
زخانه تا در زندان
وشا عران دلیر ت رسای بهره کشان را
به‌سنگفرش سرکها
توسط قلم دنده پلیس نویسند

***

تو، ای هجوم جثیم نگا ههـــای شکا یت
تو، ای که در سخنت امتناع
ودر نظرت امتناع
وبر لبت فریاد
ودردلت فریاد
فرو بند لب وزود تر همه مهر
به‌شوق از لب سرد سلاحها بر دار
که‌در سکوت دراز
چه‌مژد هها که‌به ذهن تفنگ میمیرد
چه مژد هها ست که‌در مغـــز تا نــك
میپو سد

* * *

تفنگ نعره زنان خوشتر است
ومرد تلخ وخموش !
کابل -چهار شنبه اول قوس ۱۳۵۷

گرانه‌وطنه!

ای زما گرانه وطنه
ای زما روحه ، زمانته
ستاله دښتو میروجار شم
یوځل نه شم ، به زر وارشم
ستا سپیره خاوره کیمیا ده
زندگی ده ، مسیحا ده
ستا هر غرکان دی دزرو
ډك دی ډك خاص له گوهرو
زموږ دلوړهمت مثال دی
ښکارندوی زموږ داقبال دی
موږ ته درس دسرلوړی دی
رهنما دلوړ فکری دی
زموږ همت هرچاته ښیی
زموږعظمت دنیاته ښیی
هسی لوړچه دی هرغردی
هومره لوړ دازموږنظردی
ستا هر سیند ډك له لالونو
مالامال غوټو له فیضونو

هریو مست روان شنیږی
خی، خپی وهی ، غړمبیږی
آبادی له غوټو زیږی
سر سبزی له دوی نه کیږی

ستا له دښتو میرو جار شم
ستا له ښکلیو دروجار شم
ستا لوگی شمه دغرونو
سپیلنی ستا د سیندونو

نور به بیاهم ویران نه‌یی
نوربه پس تر جهان نه یی
خکه اوس ستا به درو کی
ستاپه دښتو او ښارو کی
دوحدت ساه وی چلیږی
بلبلان دزیار چغیږی
ستا پیشرفت نن ورخ شعاردی !
ستا خدمت د غوټو کار دی !
بسری



مشعل فرهنگ

عشق میخواهدکه سازدشیشه هاازسنگ ما
در رگ تاك است جاری بادهٔ بیرنگ ما
چشم اگرباشدجهان علم‌ودانش روشن است
تاابد از مشعل فرهنگ پیش آهنگ ما
پاکی احساس ماآیینه داروحـــدت است
نیست جزمعنای ناب عشق درفرهنگ مـــا
تاکه فقر وجهل برخلق وطن حاکم بـود
سنگهای دست بیداد است وپای لنگ ما
از شکست خود چوزلف او بلند آوازه ایم
هست دلهای پریشان مسند و اورنگ ما
باهمه پهناوری چونماه در آیینه هـــا
جای دارد مهر تو درسینه های تنگ مـــا

حیدری پنجشیری

ستا هیواده مبارک شه

ای دخلکو افتخاره !
اوس پو هیږی چی به نا کی
دخلقی دولت رښا کی
پدی نن او په صبا کی
دیو ستر شعار تر لاندی
دروندون ټیوه بلیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی
دا خواره واره قومو نه
پرکنی او ولسونه
ستا دغیری زیار کښان ټول
خواره واره ملیتو نه
دیو سور بیرغ تر لاندی
په یوه ټغر ټولیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

نور به ستا لویه ټبر کښی
ای هیواده مصئونیت وی
ته پوهیږی چی هیواده
قانونیت وی عدالت وی
دا مو خلکو ته شعار دی
تو لی چاری مو سمیږی
ستا هیواده مبارک شه
اساسی قانون جوړیږی

* * *

دانسان ظلم وعلی
دردبد لی انسا نانو
وچی شو نلهی سپیره مخی
ئم زیلی زیار کښا نو
له سپیرو دوړ نه پاکه
خړو خا ورو نه جګیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

دا دخلکو انقلاب دی
داد خوا رو او کار ګردی !
دمظلودو انقلاب دی
دهر چا اودیز ګردی
دابی ساری انقلاب دی
په ټبر کښی هم خو ځیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی
دا قانون خلقی قانون دی

داموزیری دزوندون دی
انقلاب په مخه دړو می
دازمونږ زیری دسمون دی
دخلقی فکر ځپی به
په همه و کی خپر یږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

چی مرام مو شی تر سره
نه‌به لوږه وی نه‌تنده
نه‌بی کوره نه بربنده
ژوند به ډکه وی له خونده
هرو ګړی دهیوادنه
کور، ډوډی ،کالی رسیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

چی مو دا قانون جوړیږی
وچ ډاګو نه به‌سمسور شی
دخا ینو ګو ډاګیا نو
تور مخو نه به لاتور شی
دا خلقی ضد عناصر به
له دی نور هم رسوا کیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

چی‌په تاکی ای هیواده
فیو ډالیزم په ملا مات شو
استعمار شوله نا بوده
دامپر یا لیزم مری قات شو
په‌خلقی عدل وطنه !
ګو ډا ګی په محکو میږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

* * *

چی قا نو ن در کښی شی جوړه
ستا شی زړه ور با ندی ښاده
ملاتړلی درته ولاړیو
خو دښمن دی شی بر باده
ستادلاری نه‌به‌نه‌اوړو
که‌مو سر راته غوځیږی
ستا هیواده مبارک شه !
اساسی قانون جوړیږی

فاروق (حریق)

موج شکن

تو ای سنگ سرسخت خاموش ساحل
که آرام بر طرف دریا نشستی
نترسیدی از موجهای خر و شان
چنا ن کوه سنگین بیك جا نشستی
اگر گشت دریا گرفتار توفا ن
تو در جای خود محکم و استواری
اگر آفتاب و اگر ابرو باران
تو بر آنچه پیش آیدت برد باری
ز دریا بسی سهمگین موج خیزد
خروشان و جوشان وبی تاب و سرکش
شتابنده سوی تو امواج و خشی
ولی نیست ترسی تو را زین کشاکش
نه از انقلاب هوا در هراسی
نه از خشم دریا بو حشت د چا ری
حوادث ترا خم به ابرو نیا ر د

تو ای مظهر سختی و پا ید ا ری
ز آسیب دوران بسی لطمه د ید ی
و لی شاد و مغرور بر جا نشستی
شگفت آ یـد م ز ین همه استقامت
که امواج دریا شگن را شکستی
بسی دیده یی لطمه و فتنه اما
چنا ن کوه بر جای خود استواری
بما ن سخت در جایگاه بلند ت
میند یش از کو ه یی یا نهنگی
چو امواج دریا شکن را شکستی
تو دیگر نه آن خاك نرمی که سنگی
کند با تو دریا اگر شوخ چشمی
زند باد و توفان ترا تا ز یا نه
دل از تند باد حوادث ملرزان
که‌هستی توبرجای خود جا ودانه

ابراهیم صهبا

راتلونکی ستاده

هیر کره اشنا ترخه دردونه هیر کړه
دتیر مهال ویرجن غمونه هیر کړه
غم دنیکه‌رغی راتلونکی نن وخوره
تیر شوی خوشی داستانونه هیر کړه

خکه چی هغه مایوسی نه ډك دی
له حسرتو نو میدی نه ډك دی
چی سوچ کول پکښی فایده نه لری
بلکی د ویری بیزاری نه ډك دی

پرون خو تیر دی د نن غم وکړه
نو و غو ښتنو سره سم و کړ ه
زما نه شاته را ستنیږ ی بیا نه
و ړ ا ندی ګام و ا خله اوبیا تم وکړه

د مستقبل ا فق ځلا نده ښکا ر ی
ستا هر کلیو ته و یا نده ښکاری
و ر ته ور درومه په متینو ګامو
ستا کا میا بی هلته ځپا نده ښکاری

راتلونکی ستاده که یی ښه تقدیر کړی
د یا لکتیکی یی که پوره تقدیر کړی
د شر ایطو د خیر او تـل کـی
په پیش بینی هره شیبه تقدیر کړی

بیا د ی په بر خه سر لو ړ ی ګورم
مبا ر ز ه کی کا میا بی ګورم
د ا د تا ر یخ د تجر بو حکم د ی
مثمره ستا فدا کا ر ی ګـو ر م

نو زیاتی هیر کړه ټول دردونه اشنا
د ا خو ر ونکی شا ن خیالونه اشنا
خکه چی وخت دویر او ساندونه دی
و ړ ا ند ی لا واخله قدمونه اشنا

رازقی نریوال

جنگ ضد جنگ

به یك دست بیل وبه دستی تفنگ
روانیم د ر راه عمران صلح
تجا و ز گر و فتنه جو نیستیم
نبرد آ ز ما ی و ستیز نده ایم
به تاریخ باری نظر کن ، ببین
که راندند بی آبرو خصم را
همان خصم مغرور و بالنده را

به یك دست بمب وبه دستی کلنگ
بد و ن تو قف ، بدون درنگ
بود جنگ ما جنگی بر ضد جنگ
شده خاور از خون ما لاله رنگ
نبرد دلیران ما با فرنگ
به مشتو به‌داس‌و به چوب‌وبه‌سنگ
همان صاحب توپ وتانگ وتفنگ

جهانخواره بلعیده بود این وطن
کشیدیم چو ماهی ز کام نهنگ

آذرخش (حافظی)

دنیای اطفال

اسامبله بین‌المللی اطفال در بلغاریا

در اسامبله عمومی اطفال تحت عنوان‌درفش صلح که از طرف بلغاریا تنظیم گردیده بود هشتاد مملکت ویکهزار کودك اشتراك نموده بودند .

درین اسامبله اطفال در ساحات موزیك، آواز، اشعار ، ترانه های رنگین، رسامی ها وهنر های پلاستیك حصه گرفته بودنـــد ، نماینده مخصوص سکرتریت سال بین‌المللی طفل داکتر استیفن ال وابالم هم از تاریـــخ پانزده تا بیست وپنج اگست اشتراك نموده بود .

در اخیر اسامبله اطفال اشتراك کننـــده یکدرخواستی ازپدران، مادران، خواهـــران و برادران خود نمودند وخواهش شان تحـــت عنوان درفش صلح و شعار اتحاد، ابتـکارو صلح این بودکه بکوشید وفضای بمیـــا ن بیاورید تا اطفال جامعه با خوشی زندگی‌نموده واطفال یك سعادتی رابین بدی وخوبی بوجود بیاورند، تمام کدورتها را از بین بردارند .

کودکانیکه درین اسامبله اشتـراك نمـوده بودند گفتند که درین ده روز ما رسامـــی نمودیم ، آواز خواندیم، شعر نوشتیم‌ودنیای که در اطراف ماوجود داشت مملو از صفاو صمیمیت ،محبت. ودوستی بودکه پیشرفت‌علم ساینس وتکنالوجی ایـــن سعادت را بیشتر ساخته بود.

دراسامبله جهانی اطفال، از کشور عزیـــز مـــا هـــم دعوت شده بـــود جهـت آ گاهـــی خـــوا نند گـــان مجله ژ و نـــدون مـــا بـــا دوکتور سونارام رئیس موسسه صحت طفل وسکرتر سکرتریت سال بین المللی کودك **پیرامون سفرشان مصاحبه‌ای نمودیم کهاینـــك** تقدیم می شود:

لطفا درباره اسامبله بین المللی طفل کـــه در صوفیه برگذار گردیده بود برای مـــا **معلومات بدهید.**

در جواب گفت :

اسامبله‌بین المللی‌اطفال ازتاریخ‌پانزده الی بیست‌وپنج اگست۱۹۷۹درشهر صوفیه پایتخت بلغاریا تحت عنوان فرشتگان صلح دایـــر گردید ودرین اسامبله از کشور ماافغانستان بیست وچار کودك ازتمام کودکستانها، مکاتب ابتدایی ومکتـــب نرسنگ باسه مربی کـــه ریاست آنهارا اینجانب بعهده داشتم اشتراك نمودیـــم . وهمچنـــان یکـــهزار کـــودك از هشتاد کشور جهان درین اسامبله شرکـــت نموده بودند .

اسامبله رارفیق تودور ژیف کوف ر ئیس شورای دولتی جمهوریت مردم بلغاریا بعداز یك مارش عظیم افتتاح ودرضمن پروگرامهای رسمی، پیامهای روسای یکتعداد ممالـــك اشتراك کننده‌که بمناسبت اسامبله‌بین‌المللی اطفال صادر شده بود قرائت گردید .

وی افزود :

درین مدت پروگرامهای موسیقی‌و ادبیـــات فلکلوریك اطفال ممالك مختلف به معـــرض نمایش گذاشته شد وهمچنان نمایشگـــاه رسامی اطفال بشمول رسامی اطفال افغانستان در مرکز موسیقی وکارنیوال افتتاح گردید.

درین اسامبله یك‌یك نفر بنمـــا یند گـــی‌از اطفال اشتراك کننده، جلسه ای در مـــورد اهمیت صلح در جهان وضرورت آن بـــرای پیشبرد حیات اطفال دایر واز طرف اطفـــال بحث مفصل صورت گرفته ودر اخیر جلسه اطفال متذکره پیشنهاد یه تحت عنوان «خطاب **به‌والدین » راترتیب نموده وبعد پیشنهاد یه** متذکره توسط نمایندگان اطفال در عمارت پارلمان تصویب گردید که درجلسات مذکور **یك طفل به اسم شکریه از افغانستان نیـــز** اشتراك نموده بود .

همچنان ساختمان یادگاری که به افتخار **اسامبله بین المللی اطفال قبلا اعمار گردیده** بود توسط لودمیلازف کود رئیس کمیـــته برگذاری اسامبله بین المللی اطفال درحضور دایرکتر یونسکو واطفال ممالك اشتراك‌کننده افتتاح ویك کودك افغان بنمایندگی از اطفال افغانستان یك عدد زنگ راکه در ساختمان **یادگـــاری نصب گردیـــده بـــود بـــه صدا** **درآورد .**

داکتر سونارام رئیس موسسه صحت طفل وسکرتر سکرتریت سال بین المللی طفل **در افغانستان افزود :**

یك سمپوزیم دیگر تحت عنوان اتحاد، ابتکار وزیبایی در هوتل ویتشا در صوفیه‌دایر گردید که درین سمپوزیم آنعده ازروسای هیت که در مسایل اطفال زیاد علاقمند بودند اشتراك نمودند که اینجانب بحیث نماینده افغانستان اشتراك داشتم .

این اسامبله بعد از دعوتی که به تاریخ بیست وپنج اگست از طرف رئیس شورای دولتی جمهوری مردم بلغاریا برای تمام‌اطفال **اشتراك کننده د ر عمارت ریاست جمهوری** **مردم بلغاریا** ترتیب یافته بود به پایان‌رسید.

از دکتور سونارام پرسیده شد که اطفال کشور ما درمدت اقامت خویش از کجا هـــا دیدن نمودند ؟

در جواب گفت : **اطفال افغانستان** در مدت اقامت خویش از یك دهکده کوهستانی که بصورت موزیم درآورده شده ویك فابریکه نساجی ویکی از کودکستانهای شهر صوفیه ویك شفاخانه مرکز اورتوپیدی اطفال دیدن نمودند **واز طرف** پرسونل فابریکه نساجی از اطفال افغانستان پذیرایی گرم بعمل آمده وتحفه های نیز برای اطفال افغانستان اهداء نمودند .

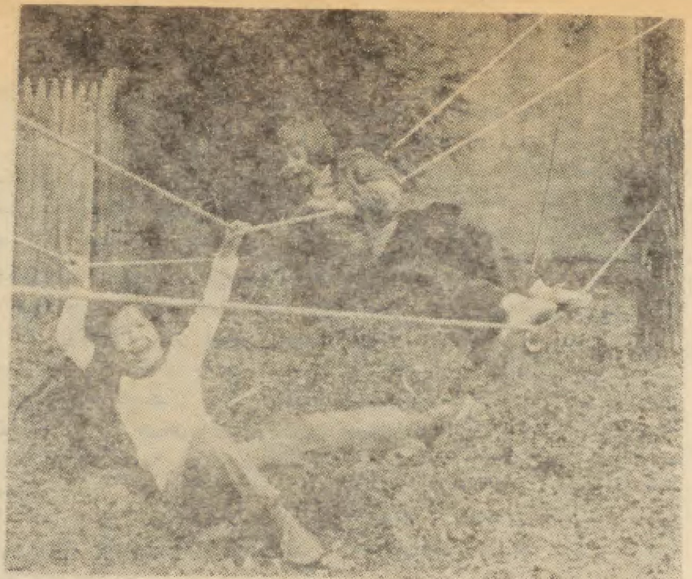
پرسیده شد که اطفال افغانستان چـــه سوغاتی با خود به آن سرزمین برده‌بودند؟

در جواب گفت : نمایشات هنری، لباسهای **فلکلوریك بازیورات محلی واتن ملی‌زیباترین** سوغاتی بودکه اطفال ما برای سایر اطفـــال پیشکش نمودند . که در هرجا موردا ستقبال

بقیه در صفحه ٥٦



در عکس بالا شارژ دافیر سفارت بلغاریا و نما یند گان یونیسیف با یکعده اطفال‌دیده می شوند .



کارشناسان وروانشناسان معتقدند که‌نقاشی‌وهنرهای زیبا آگاهی بدنی اطفال را تحریک کرده ومهارت های جسمی‌وعقلی‌راکاهش‌میدهد

ترجمه‌از: نصیر ابوی

رول نقاشی در آموزش اطفال

ـ هم پاشیدن هنر های زیبا پیوند ها ی عاطفی کودك را عمیق تر واستوارتر میسازد .

ـاطفال درمکاتب باپروگرام های وسیع آرت ونقاشی بارموز خواندن ونوشتن و حل مسایل ریاضی بیشتر آشنامی شوند !

انبوه اطلاعات وپژوهش ها نشان میدهد . پروگرام های وسیع با درونمایه هر گسترش **نقاشی اطفال ونوجوانان را برای** شناخت واقعیت ها یاری میکند . وبه آنها این توانایی را می دهد کـــه واقعیت ها و برداشت هارا زودتر درك کنند وآنرا به‌حافظه بسپارند . نقاشی ها ومفاهیم سمبولیك ومانند این ومغز را توانایی میدهد تا مسایل را آنچنان که است درك وتشخیص نمایــد . ازین جاست که امروز حلقه های روانشناسی کودك این موضوع را باشدید هر چه بیشتر بازگو میکند . وبادرك این واقعیت و موثریت **آن میکو شد پروگرام هـای نـقا شی‌رادر کودکستان هاومکاتب تعمیم دهند.**

بدین روال امروز به درستی ثابت شده است که نبودن چنین پروگرام هامغز طفل **رادریك حالت پیشرفت رو حی ومغزی قرار** میدهد **ومغزطفل را ازشناخت واقعیت‌هـابدور** میسازد. پس ازین جاست که پروگرام های وسیع نقاشی **رادرمکاتب وکودکستان ها یـك** اصل مهم تلقی می نمایند. با پیاده نما یی سری پروگرام های نقاشی در اطفال کنجکاوی



استفاده از روشهای نقاشی میتوان بیشتر برمسایل مغلق ریاضی ، مفاهیم ادبی‌وخواندن آشناشند

طبیعی تحریك شده وآنها را وامیدارد که به کلمه‌نه، نمیدانم، آشناشوند زیرا بکار بری **روش های گفته‌شده ظرفیت برداشت ذهن را** گسترش میدهد.

امروز دانشمندان **کوشش دارند که‌باعملی** نمودن چنین پروگرام هاونقاشی بهتر آنهابه ارزش خویش پی برده ودرخور اعتماد بنفس احساس میکنند . به شخصیت خویش آگاهی یافته وخودش را بشناسد . حدوده موثریت آن **بقدری است که** کارشناسان حتی عملی نمودن این پروگرام هارا در خارج صنف نیز توصیه **می نمایند .**

آمار نشان میدهد که نبودن پروگرام های گفته‌شده **طفل رادریك حالت خستگی جسمی** وروحی قرار میدهد .

برعکس پروگرام های مرتبه به فرد توانایی **جسمی وعضلاتی‌میدهد وطفل راهمیشه دریك** سطح خوب فزیولوژی وروحی **قرار میدهد .**

امروز نقاشی در پهلوی سر گرمی هـا **برای آموزش مضامین ریاضی و اد بیـات** بکار میرود ومغز اطفال را قدرت خلا قیت میدهد وبه اواسلوب های نوآوری ، نوآفرین وابتکار میدهد . به اصول های بالا طفـل دست، چشم روان وذهن خـودرا هماهنگ میسازد واین مسئله قدرت برداشت ذهنی اطفال را وسعت می بخشد .

طرح ودیزاین ومفاهیم سمبولیك آن چنان که مسلم است برداشت ها وقدرت گـرفت آنرا در پروسه حافظه پایدار تر میسازد وبا گذشت زمان وپابه سن گذاشتن این اصل محکم تر میگردد . این عقیده به تازگـی پا گرفته است که برای تحریك سیستم های روان جسمی طفل یك سلسله تفکرهمه جانبه نیاز دارد .

بسر رسیدن این روند **احتیاج بــه درك** درست واقعیت ها به اسلوب برنامه هـای نقاشی دارد. باشناخت ارتباط وپیوند نقاشی وساینس امروز این عقیده محکم شده‌است که‌باهم گام شدن ایندو روان پر سش هـا درگیری های روحی د حقیقت سهم زدایی‌شده وذهن را ازیك حالت یکنواختی وخستگی بدر میکند چنانچه یکی از معلمین روانشناسی عقیده دارد. «ساینس وآرت را بـندرستی نمیتوان تفکیك کـرد فقط از روی اساسات **ومتودها آرت بازگو کننده وساینس باز گـو** کننده عملی‌واقعیت ها‌وانعکاس آنهامیباشد.»

برنارد شاو نویسنده مشهور عقیده داشت: «هنرهای زیبا اساسا بی رنج وعذاب معلم و رهنما است البته این عقیده شاو واقعیـت همراه باطنز است . وی نقاشی را در تکامل شخصیت طفل مهم می پنداشت .

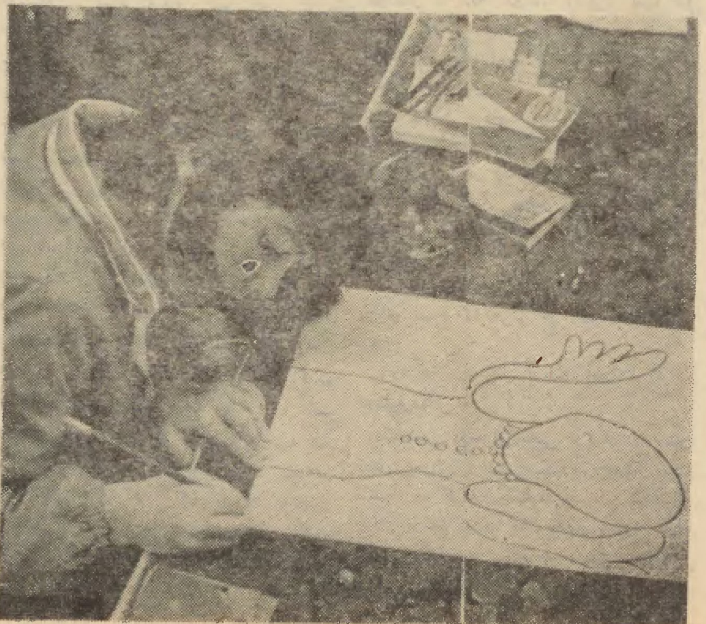
چنانچه ضمن نظرخ واهی ها وهمه پرسی ها نقاشی را مکمل دیگر دانستنی ها خوانده اند . وامروز بازده این تاثیرات بو سیله مانیتورها بدرستی ضبط وشناخته شده است یابه عباره دیگر نقاشی هسته **همه** آموزش‌ها **است‌هنرهای زیبا (رقص،موزیك ونقاشی...) شـدیدی است برای کودك همه واقعیت ها...**

دریافت شده است که پیش ازسـن شش مغز به افزایش (ماده خاکستری) وحجـم سلولی اش (نیورون ها) میکوشد با گذشت زمان این نیورون هابه پیوند های درونی‌اش ادامه داده وهمراه باآن احساس تماس،درك نیز افزایش می یابد بایك روندن ناشناخته (که بعدها ساینس با عکسبرداری فکر آنرا حل خواهد کرد!) این ادراکـــات به عنوان **آمــوزش در مغـز منعکس وذخیره میشود.** اگر این پیوند ها ومکانیزم هادر شــروع طفولیت ونوجوانی شکل نگیرند وبه فعالیـت نپردازند خیلی دیر در جوانی تشکیل میشوند واین مسئله ایست که روان کاوان آنـــرا نمیخواهند . زیرا تحقیقات علمی نشان‌میدهد **که‌این پیشرفت‌مغزی، مغز را به‌یك حا لـت** بحرانی قرار داده باعث خورد شدن واز کار افتیدن آن میگردد . از سوی دیگر چـون این پیوند هابه تانی تشکیل شده اند ووقت کافی برای ایجاد این ارتباطات نبوده است، ظرفیت برداشت ذهن را کاهش میدهد .

چنانچه اینگونه پسرفت ها وتخریبـــات نسجی وخورد شدن مغز به قوه برداشت ذهن دست برد زده وبه قوای ذهنی وفکری طـفل صدمه می زند .

گروه بندی مغزبه دونیم کره جب وراست راهی است که مارابه شناخت مرکز آموزش بالاخص آموزش بوسیله آرت و نقا شـی توانایی میدهد . مطابق به تیوری های قبول

بقیه درصفحه ۴۲



نقاشی بهتر ... خلاقیت،ابتکارونوآوری!...

دریك دشت وسیع وبیابان پایان ناپذیر، سوداگر معروف شهر- کارل لنگ مان - با جوالی که‌بار سفر اورا برپشت دارد ویکنفر داباشی که رهنمای راه وی بوده ووظیفه دارد برعلاوهٔ حفاظت جان سوداگر، جوالی را نیز سریعا به پیش براند . درحال پیمودن راه دور ودراز دیده میشوند. سوداگر رو به هر دونفر نموده میگوید : عجله کنید. حیوان های تنبل . تادوروز دیگر باید به استیشن هان برسیم . در اینصورت یکروز بیشتر از دیگر سوداگران آنجاخواهیم بود.

بعد روبه تماشاچیان نموده وخودرا معرفی میدارد . بزرگترین سوداگر شهر هستم . کارل لنگ مان... بلی نام مه‌کارل‌لنگ‌مان به همهٔ گوشها آشناست . می خواهم که به جورگابرم. در جورگا (کمی آهسته) می خواهندکه حق استخراج تیل راليلام کنند.. يك ليلام بزرگ ... رقبای زیادی بدنبال ما هستند . هرکس که‌اول اونجه برسه ، فایدهٔ بزرگی ره کمایی خواهد کد ... البته که به اساس ابتکار، انرژی وهوشیاری خدادادی که مه دارم ، توانستیم که ای حیوانهای بیکاره‌ره مجبورکنم، کار یکروزه ره به نیم روز انجام بتن، متاسفانه که دیگر سوداگر ان هم در راه هستند وسریع حرکت میکنند ...

برتولت برشت

ترجمه ی دکتور نجیب الله یوسفی

قاعده‌واستثنا

جوالی

اوبا دور بینش به‌عقب مینگرد ... آها ... هنوز مثل مورچه ها دیده میشن، ولی‌عنقریب خواهند رسید ...

بعد روبه داباشی نموده میگوید : چرا جوالی ره مجبور نمیسازی که تیزتر راه بره؛ مه تره بری همی پیسه میتم که اوره‌بدوانی. اما توفقط که همرایش هواخوری بری ... کفایت نیس. می فهمی که پیسه ازجیب مه میره، ازی خاطر چرتت هم خراب نیس ... بعدبه قهر به طرف داباشی رفته وفریادمیزند: آیامی فهمی که ای سفر چند تمام میشه؟... البته که نمی فهمی ، اگه میفهمی هم، شاید نگویی. بمه چی ؟ اماخوب هوشته بگی. اگه چالاکی کنی واز اخلاق مه سؤاستفاده کنی به مجردیکه در جورگا برسیم به اداره‌کار میرم ومیگم که تره دیگه هیچ‌کار نتن ، شاید جزاهای دیگه هم در انتظارت باشه...

داباشی بـه جوالـی : کوشش کوکه‌یکزره تیزتر بری ...

سوداگر: صدایت به داباشی نمی مانه . توهیچوقت نمیتانی يك داباشی خوب‌شوی.... مه بایديك داباشی دیگه میگرفتم... وای... آنها عنقریب میرسن ... خطاب به‌داباشی : -بزنش میگم جوالی ره بزن کـه‌زود، زود بره،... گرچه که مه در حیاتم طرفدار لت وکوب نبودیم ونیستم ، ولـی حـالا مجبور هستم ... اگه مه اول نرسم ، تباه میشم. زندگی از دستم میره .. سرمایه، پولم، های چرب وچغت میتمشان کـه بدونـد ... وقتیکه به جور گارسیدم (به عقب به هردو نگاه میکند) حق تانه میتم ... کی ماندنی تان هستم ... همیشه رقبای مه به تعقیب مه هستند ... امشو نمیمانم که کس خو‌کنه. تاصبح میدوانمشان ، به ای ترتیب میتانم از سر اونا پیش شوم واز چشمشان خوده گـم کنم .. باز او نموست که یکروز بیشتر از همه خوده به هان میرسانم .. او از خوشی به غزلسرایی میپردازد :

ثمربی خوابی هایم، پیشقدمی منست
ثمرلت و کوبم - پیشقدمی منست
آدم ضعیف عقب میماند وآدم قوی
همیشه پیشقدم است .

استیشن هان، مانند يك قصبهٔ روستایی کوچك است وبجز از چند خانه که در دور ونزديك دیده میشوند . دیگر هیچ درخت وآبادی به نظرنمی خورد . اصلا همه چیز تحت تاثیر دشت وبیابان قرار گرفته که این ده یا قصبه روستایی را احاطه کرده است. در گوشهٔ ازده رستورانت کـوچکی دیده میشود که يك نفر منحیث گارسون در آن کار میکند .

سوداگر : آه .. ای هم استیشن هان ... خدایا شکر، مایکـروز بیشتر از همـه رسیدیم ... داباشی وجوالی هم‌که جانشان برآمد، فکر میکنم که دلشان خوب کوفت کده باشه وازمه ناراضی باشن ؟... اصلانه آخرمه پف وپناه میشم . خطاب به داباشی فکر میکنم که‌برادر ته بجای جوالی آوردی. اعتراف کو... اگه برادرت نیس، خویشای تس ... ازی خاطرنمی زنیش... مه خوشماره میشناسـم .. دسـت تـان یکیس ... در حرامزادگی وچالاکی جوك ومانند ندارین ... بزن ... میگم بزنیش یامه موقوفت میکنم.. معاش تا م نمیتم .. تومیتانی بازبری وسره عرض کنی. دستت تالندن آزاد(سراسیمه..) خدایا ... اوناحالی میاین، گیر ما میکنن ازمایش میشن ... اوه ...

جوالی به داباشی : مره بزن ... اماهوش کوکه جای مره نشکنانی ... اگه جا یسم بشکنه، مه نمیتانم به جورگا برسم واو هم معاشمه نمیته .

داباشی جوالی رامیزند ... صدایی ازعقب شنیده میشود ،.. وی .. آهای .. شمـاره میگم ... همی راه به جورگامیره ... صبر کنین. ملم میایم .. صبر کنین ....

سوداگر هرگز جواب نمیدهد وبه عقـب هم نمی نگرد. اوفوق العاده دست وپاچه‌است وبعد باخود میگوید: خدا پای تانه بشکنانه که هرگز آمده نتانین ... (بعد با خود) سه روزبه جورگا مانده. دوروز اوله خو بزورلت وکوب میدوانمشان و روز سوم که‌شد وعـده تنها وجود اینها بلکه مغز اینها هم معنـی سرعت وسریع بودن درزندگی ره نمی فامه. همیطور س که اینها درزندگی پس ماندن. انسانهای کم جنس... فقط در زمین چسپیده باشن ... جرئت هم ندارن کـه چیـز ی بگوین ... می‌فامند که اینجه مردمس ... پولیس اس ... خوبس که پولیسس که‌برای آرامش ورفاه مردم شو وروز کارمیکنن ...

دونفر پولیس که‌موظفین استیشن هـان هستند آهسته به سوداگر نزديك شده وبعد از ادای احترام میپرسند : خیریتس صاحب؟ مانده نباشین ... انشاالله که‌درراه تکلیف ندیدین ... چطور همرای نوکر هایتان‌راضی هستین ؟

سوداگر : بلی . بلی ... (بطرف داباشی وجوالی‌باکنایه نگاه میکند) وبعد ادامه میدهد. خیرو خیرت است ... سفر چهار روزه ره‌به سه روز تمام کدم جاده ها بسیار خراب‌بود ولی مه ده زندگی عادت کدیم همیشه‌چیزیره که تصمیم بگیرم ، حتما اوره انجام میتم . چطور است از این ببعد . راه چطور است؟ راستی چی میایه ؟

پولیس : حالا محترم . فکر میکنم کـه دشت وبیابان اصلا شروع شوه. شما روز ها انسانی ره ده راه نخواهین دید . دشـت و بیابان به معنی واقعیش ...

سوداگر :آیا ده‌راه‌کدام ماموریت‌پولیس خواهد بود یا نی ؟

پولیس ها در حالیکه آهسته دور میشوند ، جواب میدهند . نخیر صاحب ، مـاآخرین پولیس هایی هستیم که‌شما اینجا می بینین.

سوداگر بعد از شنیدن این حرفهـا ، متفکر میشود . داباشی که در گوشه‌نزديك جوالی نشسته است خطاب به‌جوالی میگوید: از وقتیکه سوداگر شنیده که ده راه دیـگه پولیس نیس ، بلکل‌حیران شده ،

سوداگر گارسون (پیشخدمت): اوبچه، بری داباشی صاحب يك چای ببر ...

داباشی : (می خنـددو میگو یـد) صدایش کاملا فـرق کده، چقـدر لهجـه دوستانه ره بخود گرفته . فقط بگوئی کـه ازی کده آدم شریف وخوب دیگـر اصلا پیدانشه،...

- بعد داباشی از جایش برخاسته وبـا خود ادامه میدهد: اما فکر نـمی کنم کـه تغییر اخـلاق سوداگر بخاطرای باشه که‌مـا فاصلهٔ چهار روزه ره به سه روز طی کدیم. جوالی بیچاره هنوز ماندگی خوده نگرفته ، نمی فامم که چطور مه ای جوالی ره با ای وضع وحالش به جورگا برسانم . زدن که ده ای حالت فایده ندار ه، ازهمه کـه‌ده‌ای رفتار دوستانه ساختگی سوداگر مره ناراحت میسازه، مه فکر میکنم که او حتما کدام پلانی ده کلیش داره، چرت میزنه ... فکـر نمی‌کنم که‌چرت زدن او به نفع ما بـا شه، افکار نواو پلان های نوشیطانی برضد ماخواهد بود. خیر، هرچه که اوکنه، میتانه، مامجبور هستیم که صبر وحوصله کنیم واگه نکنیم طبیعیست که رخصت مامیکنه ومزد ماره هم نمی ته . ده ای دشت خدا، چه بخوریم ؟ باز چی کنیم ؟

سوداگر مثل اینکه فکری به مغـز ش خطور کرده باشد از جایش می خیزد وبطرف داباشی میرود وخطاب به باشی میگویـد : بگی، سگرت ... مه می فامم که به خاطر يك سگرت خوده ده آتش میاندازی . خدارا شکرکوکه مابه اندازه کافی سگرت‌داریم. فکر میکنم که اگرماسه دفعه هم به جورگا بریم وپس بیاییم، بازهم سگرت ما خـلاص نمیشه .

داباشی سگرت را گرفته وبا کنایه می گوید : سگرت ما ...

سوداگر : بشینیم. دوست خوب. چرا نمی شینی، ایطور سفرها دو انسان ره بهم نزديك میسازه، خوب اگه دلت نمیشه، میتانی‌ایستاده باشی ، هرچه که دلت است . شما البتـه رسم ورواج دیگی دارین . در شرایط عادی. مه همرای تو، ده‌يك غوری نان نمی خـوردم. البته که برای توهم کسر شان است کـه همرای يك جوالی یکجا ی نان بخـوری . همینطور نیس ؟

خوب ای فر قها بیست که‌زندگی روی او می چرخه. اما مامیتانیم یکجای سگـرت بکشیم . (داباشی سکوت میکند) سوداگر ادامه میدهد :

نی ؟ نمیتانیم ؟

بعد سوداگر به بازوی داباشی زده خنده کرده میگوید : ازت خوشم میایه. ای هم يك نوع وقار است. خوب (به جوالی اشاره میکنه) برو وکالاره سرش جمع کو، کوشش کوکه او (آب) یادت نـره. شنیدم کـه ده دشت هیچ او پیدا نمیشه .... راستی دوست خوب، می خواستم يك موضوع دیگه‌ره‌بریت بگویم ...(بطرف جوالی میبیند که جـوالـی بروی زمین نشسته وباسنگ ریزه که دردست دارد بزمین خط میکشد) بعد داباشی رابطرف خود نزديك ساخته به وی به آهستگی می گوید) : آیا متوجه شدی‌که وقتی جوالی ره میزنی وسرش پتکه میکنی او چطورچپ چپ طرفت سیل میکنه مه‌ده چشمانش چیز هـای بدەرا میخوانم در روزهای آینـده بـا یـد که بسیار مواظبش باشی. آدم خطرناك است. کوشش کو ... ما نباید از دیگران پس‌باشیم. بدوانیش ، اگه ندوید، بزنیش، یقینا فکر میکنم که او آدم بسیار چالاك و خطرنـاك خواهد بود . ده دشت هم که شنیدی، نه‌آدم است ونه پولیس ، ... شاید او وقتیکه ده بیابان برسه ، چهره اصلیش ره نشان بته، متوجیش باش . توانسان بهتر از اوستی، مزد توزیادتر از اوس ومجبور هم نیستی که جوال ببری . ای امتیاز توحس کینه ونفرت اوره نسبت به توبیدارمیکنه. مواظب خودت باش، (به دلسوزی) زیاد نزدیکش نرو ...

- داباشی بدون اینکه جواب بدهد داخل سرای عقبی، که جوالی در آنجا نشسته‌است، میشود .

سوداگر در جایش نشسته باخود می‌گوید: عجیب‌مردمانی .

-داباشی درسرای عقبی ازکـار (بستره بستن) جوالی مراقبت میکند . بعدم آنجـا نشسته وبه کشیدن سگرت میپردازد . وقتیکه جوالی ازجمع بندی کالا خلاص میشود بطرف داباشی رفته وبه پهلوی او مینشیند .داباشی برایش سگرتی را که از سوداگر گـر فته است .تعارف میکنه .

جوالی خطاب به داباشی : ای سوداگـر همیشه میگه که ماخدمت بزرگ به انسانها

میکنیم. جای تیل ره میگسه پیدا میکنیم وقتیکه تیل اززمین برآمد عیکه بعدمیتا نسن زندگی مردم ره بهتر بسازن. خط ریل آباد میکنن ... خط ریل ... خوب اگه راستی خط ریل آباد شود. بازمه چی کنم ؟ از چی زندگی کنم ؟ دیگه جوالی نخواهد بود که مه ببرم ...

دا باشی خطاب به جوالی : آرام باش ، به ای زودی که‌خط ریل نخو ا هد آ مد ،

جوالی : مه‌گپ های تره نمی‌فهمم·

د ا بـا شی : هـیچکس ای مو ضوع ره نمی فهمه .

جوالی : شنیدم که راه ازی ببعـد خراب میشه، خداکنه که پا های مه از کارنمانه .

دا باشی : خداکنه .

جوالی : میگن که ده اینجـه دزددزدی زیاد است چطور ؟

دا باشی : امروز وقتیکه از شهر رفتیم باز معلوم میشه که آیادزد است یا نیست . اما مه هم شنیدم که ده ای نزدیکی ها هرنوع جانور پیدا میشه .

جوالی : توراه ره بلد هستی ؟

دا باشی : آ، بلی ...

ـ سوداگر که صدا را میشنود ، آهسته آهسته به پشت دروازه می آید تاحرفهـای آنهارا خوب شنیده بتواند .

جوالی خطاب به دا باشی : شنیدم که یك دریای وسیع ده راه میایه، آیامه از اودریا تیر شده میتانم ؟

دا باشی : دری وقت سال معمولا دریـا طغیانیست وتیر شدن از او مشکل خواهدبود. اگر سیل آمده باشه خو بسیار خطـرناك است .

سوداگر به حسادت میگوید : او همرای مه گپ نمیزنه امابپهلوی جوالی‌میشینه وهمرایش سگرت میکشه .

جوالی : خوب اگه سیل آمده بود بازمه چه کنم ؟

دا باشی : اگر سیل آمده بود بایدهشت روز صبر کنی. البته بعداز هشت روز اودریا کم خواهد شد وبازبی خطر از دریاتیر شده خواهد تانیستیم .

سوداگر : خوب ببین تو. اوحتی بجوالی مشوره میته. ... **هشت‌روز صبرکنه‌که جان قیمتدارش به خطر نیافته**... ای بسیار آدم دورویه است . آدم موزی و خطرناك . اوبه هیچوجه به درد ای سفر نمی خوره، اخلاق اینها یکیس، آدمهای کم جنس ... مه باید متوجه باشم . ده ای دشتیکه ماده پیش روی داریم، دونفر ویکنفر، که هیچوقت برابـر نیست ... مه یقین دام‌که ای جوالی اول ده گفت اومیکنه تا اینکه ده گفت مه کنه . بهتر است پیش ازینکه به دشت وبیابـان برسیم مه خوده از شر بکیش خلاص کنم... اوطرف هردوی آنها میرود. بعد خطاب بـه دا باشی میگوید : مه بری توگفتم که ازکار های او مراقبت کو. ببین که باره خوب‌بسته کنه. حالی می بینم که آیا توکارهای خوده خوب انجام دادی یانی ؟

ـبعد اوریسمان بستره را تـا و قتی کش میکنه که ریسمان بسکلد ... وبعدا اینرا بهانه کرده وبه دا باشی میگوید : آیابستره بستن همیس ؟ وقتیکه ریسمان ده‌دشت‌کنده شوه. یکروز باید صبر کنیم . البته که ای بنفع شماس، مقصد تو همیس که‌مازیـاد ده راه باشیم . استراحت ، ای هدف توس ....

دا باشی : مه هیچ استراحت نمی خوایم... واوریسمان هم کنده نمیشد، اگه شماهمرایش زور نمیزدین .

سوداگر: چی ؟، چی‌گفتی ؟ حالی تو اینقه شدی که ده روی مه هم گپ میزنی ، (بطرف دا باشی به خشم میدودومیپرسد) : آیاریسمان کنده شد یامه قصدا کندم. زود باش،بگو، اگه جرئت داری خوبگی، توارزش اعتمادره نداری، اصلا تو ارزش هیچ‌چیز را نداری. اشتباه از مه بودکه به تونزدیکی کـدم . تره مثل انسان دانستم وهمرایت عمل انسانی کدم . شما اصلا عادت ندارین که همرایتان خوبی شوه، مه به دا باشی که جوالی از او نترسه، ضرورت ندارم . توبهتر میبود کـه **جوالـی مـی‌شدی ازی کـه دا باشی شدی مه‌دلایـل زیاد دارم. فکر میکنم که‌تو مـی** خواهی جوالی را برضد مه تحریك کنی .

دا باشی: کدام دلایل ؟

سوداگر : به تومربوط نیس . از همیـن لحظه توبرطرف هستی، برو گمشو .

دا باشی : اما شما نمیتانین که مره ده نیم راه برطرف کنین .

سوداگر : توباید خوش هم باشی که مه تره به پولیس نشان نمیتم واز تو شکایـت نمی‌کنم · **مخصوصا اگه مه به دفتر کارای موضوع ره اطلاع بتم، دیگه ده عمرت روی کاره نخواهی دید** . اینه، اینم پیسه‌کارت، فقط تاهمین دقیقه به ساعت (خودنگاه نموده گارسون رستورانت را صدا میزند) .

سوداگر : اوبچه : اینجه بیا: تو شاهد هستی‌که مه پیسه ای آدمه دادم. وبعدخطاب به دا باشی . بهتر است ده جورگا قراره منحوسته به کس نشان نتی ..

سوداگر : دا باشی را از بالا به پا یان وبرعکس نگاه میکند ومیگوید : ازتو هـیچ چیز ساخته نخواهد شد .

بعد باگارسون داخل اتاق عقبی شده وبه وی میگوید : ماهمین لحظه حرکت میکنیم ومیریم . واگه ده راه صدمهٔ به جانم برسه ویك تار موی ازسرم کم شوه، اینمی آدم (به جوالی اشاره میکند)مسوول‌اس. توشاهد هستی که مه تنها همرای اینمی آدم ازینجه رفتم . .

گارسون با حرکات ودست خود نشـا ن میدهد که چیزی نمی فهمد . سوداگر کـه از موضوع ناراحت میشود میگوید : خدایا، ای هم نمی فممه، پس هیچ کسی پیدانخواهد شد که بگویدمه بکجا رفتم . خطرناکتر از همه ایس که اینها هم می فهمند کـه یه شاهدی ندارم که از مرگ وزندگیم شهادت بته .

ـ بعـد ا او مـی نشینـد و به نوشتن‌نامه میپردازد ...

ـ دا باشی خطاب به جوالی : مه اصـــلا اشتباه کدم که پهلوی تو نشستم . فکرته

بگی، وازی آدم بسیار احتیاط کو. (بعد او پتك آب خودرا بیرون می آورد وبرای‌جوالی میدهد ومیگوید) : ای پتك اوه بگی. شاید روزی بدردت بخوره، پتس‌کوکه نبینه، اگه نی از پشت میگیره ... واه واهم که چندان بلد نیستی چی خواهد کدی ؟... خوب گوش کو، مه برت راه را نشان میتم (می خواهد پهلوی جوالی بنشیند) .

جوالی : نی، نکو، اگه اوببینه که‌توهمرای مه گپ میزنی، مره هم جواب میته. بازمه چیزی ندارم که بخورم وزنده بمانم . او میتانه حتی مزد مره هم نته. مه‌که نمیتانم ازخود دفاع کنم. توبی فهمی که مه هنوز عضو اتحادیه جوالی هاهم نیستم که اتحادیه از مه دفاع کنه . ازی خاطر مه باید حوصله کنم هرچه که بسرمه بیاره. چاره ندارم . خدا پرده کنه .

سوداگر به‌گارسون : ای مکتو به بکسی وصبابه مردمای دیگه که به جورگا میرن ، بته،... مه همرای جوالی میرم .

گارسون به علامت سر اشاره میکنه و مکتوب را میگیرد ومیگوید : اما جوالی که راه ره بلد نیست .

ـ سوداگر باخود میگوید : آها، اوگپه **خوب می‌فهمه ! حتما ازی موضوع ها زیـاد** دیده . دلش نمیشه که در چنین مـواردی شهادت بته، ... (برمیگردد وبه گـارسون آمرانه میگوید:) اوبچه ، برو به جوالی راه جورگاره خوب نشان بته .

گارسون بطرف جوالی به سرای عقبـی میرود وبه اوراه را تشریح میکند . جوالی بعداز هرجمله گارسون زود زود به علامت سر اشاره میکند که موضوع را خوب‌فهمیده است .

سوداگر باخود صحبت میکند : مه میتانم پیش بینی کنم که ده راه حتما جنگی میان‌ما رخ خواهد داد . (تفنگچه خودرا بیرون می آورد وآنرا پاك نموده بـه آواز خوانـی میپردازد) .

ـ آدم ضعیف میمیرد وآدم قوی به پیش میرود .

ـ چرا زمین رایگان تیل رادر اختیار ما بگذارد .

ـ چرا جوالی اصلا بار ببرد .

ـ جوالی ... وزمین .

ـ ودرین مبارزه .

ـ آدم ضعیف میمیرد وآدم قوی به پیش میرود .

بعد به اتاق عقبی رفته وآمرانه از جوالی میپرسد . خوب، حالاراه ره بلد شدی ؟

جوالی : بلی صاحب .

سوداگر : خوب پس حرکت .

آنهابه پیش میروند . دا باشی وگارسون باقی میمانند . دا باشی به گارسون میگوید: فکر نمی‌کنم اوراه ره خوب بلد شده باشه...

خوب . خدا همرایش ...

بیابان خطر :

جوالی در اثنای رفتار آوازمی خواند :

ـ من به جورگا میروم .

ـ بدون خستگی ، راه میروم .

ـ دزدان نمیتوانند مانع رفتن من به‌جورگا شوند .

من بخاطر نان‌ومزد کارم به‌جورگاه میروم·

سوداگر به حسادت : ای چطور آدم بی غم است . درین بیا بانیکه پر از خطراست، دزد، جن، پری هرچه پیدا میشه، اوازبجاییکه بترسه · وحشت داشته باشه، بیت می‌خوانه (وبرای اینکه ترس خودرا عقب زده باشه به جوالی میگوید: ازی باشی لعنتی هیچوقت خوشم نامده بود، آدم دورویه بود، گاهی اینطور وگاهی اوطور، آدم بی شرف. اصـلا آبرو وحیثیت نداشت، اصلا ...

جوالی حرف اورا قطع میکند : بلی‌صاحب وبه آوازخوانی ادامه میدهد .

ـ راه تاجورگا دشوار خواهد بود .

ـ خداکند پا های مه کارازنماند .

ـ درد وفغان من تاجورگا بی حد خواهد بود .

ـ امادر جورگا ، مزدکار، استراحـــت، استراحت .

سوداگر که وحشتش زیاد شده اســت خطاب به جوالی میگوید : تو چرا اینقـدر خوش هستی . چرابیت می خوانی ، توازدزد ها نمیترسی ها؟ فکر میکنی که اگه آمدن، **آمدن دیگه چیزی ره که ازتو میگیرن مـال** تونیس که جگرت خون شوه ودلت بسوزه، **تومی فهمی که مال مره میبرند وبارتره سبك** میسازن .

جوالی بدون رغبت بازهم آوازمی خواند:

ـ خانمم درجورگا منتظرمه است .

ـ بچه‌گکم هم ده جورگا منتظرمه است .

سوداگر: آواز اورا قطع کرده ومیگوید: ازبیت خواندنت خوشم نمیایه . دیگه حـق **نداری که‌بیت بخوانی ··· ماکه دلیل نداریم که بیت بخوانیم، ازبس‌که بلند می خوانی، کم است که صدایت، به جورگا برسه، وقتی که دزدان صدایته‌بشوند، همه‌خواهدآمدن.... (برای آرامش خاطر جوالی) صباکه رسیدیم بازبخوان تاکه میتانی وتاکه دلت اسـت . امامروز نمی خواهم صدایته بشنوم**.

جوالی : خوب صاحب .

سوداگر که‌چند قدم پیشتر از جوالی‌میرود با خود میگوید : وای اگر کس بیایه وهمه چیزه بگیره ، اگه چورتش هم خراب شوه. اواگه شیر آدمه خورده باشه . اگه انسان **باشه، اصل ونسب داشته باشه، باید ازمال مه مثل مال خودش حفاظت کنه، امامی فهمم که او ای کاره هیچوقت نمیکنه ... گپ هم همرای مه نمیزنه، که بفهمم ده دلش چیس ؟ دلم میشه که کلیشه واز کنم وببینیم کـه چه گپ هاده مابینش است ...**

ـ جوالی که متفکرانه به عقب سوداگرراه خودرا دنبال میکند، سر خـود را شور داده بدون ارتباط موضوع می خندد .

ـ سوداگر ادامه میدهد چرا خنده میکنه؟ اصلا کدام گپ نشده که خنده داشته باشه. راجع به چه خنده میکنه؟ چرا اصلا مـره میمانه که مه پیش پیش برم در حالیکه راه‌ره او بلد است او باید پیش پیش بره ... چه مقصد داره ؟مره‌کی میبره ؟...

سوداگر به پشت خود نگاه میکند و بـا تعجب میبیند که جوالی چاپ های پای خودرا که برروی ریگ نقش میبندند. با دستمال پاك نموده وبه جلو میرود .

سوداگر از دیدن این صحنه به وحشـت آمده باصدای بلند، مملو از ترس، میپرسد چی میکنی ؟

جوالی : مه صاحب چاپ های پای مساره پاك میکنم .

سوداگر : چرا ؟

جوالی : بخاطر دزدها صاحب، دزدا ...

«باقیدارد»

دتعلیمی مرکز دفو لکو ریکـــونڅا ګانو یوه په زړه پوری صحنه

د«غیور» ژباړه

دبالت دنڅاګانونوی تعلیمی مرکزونه

دبالت کلمه یوازی څـو کالـه د مخه دشو روی اتحاد دقزا قستـــان په جمهور یت کی مرو جه شوه‌او دادی اوس دغه هنزی پد یده‌دعصری تیا تر او عصری او پړا تر څنګ‌د هغه‌ځای دځوا نوهنر مندا نو دباره په زړه پوری مشغو لیت تشکیلوی.

دقزا قستان جمهو ریت چـــــی دشو روی اتحاد په مر کزی آسیـا کی مو قعیت لری په څو وروستیو کلو نو کی دتیا تر او عصری او- پرا تر څنګ دبا لت دبیلا بیلـو نڅا ګانو په برخه کی هم دلیدو وړ تحولات او بر یالیتو بو نه ترګوتو کړ یدی . ددی له پاره چی دبا لت‌د عصری پارچو د اجرا کو لو او پـــه ضمن کی په دغه په زړه پوری‌هنری رشته کی دځوا نو هنر مندا نود پتو استعدادو نو دپاره غوره او پـه زړه پوری شرایط او امکا نات تر- ګوتوشوی دی‌یو زیات شمیر انسا مبلو نه په دغه جمهور یت کـــی جوړ اود هغو په ترڅ دکلا سیکو او عصری نڅاګا نو پرو ګرا مو نه اجرا کیږی . ددغو انسا مبلو غړی دپار- باسی چی دکلا سیکو او عصـــری نڅا ګا نو دتر سره کو لو په ترڅ‌کی

دفو لکور برخه هم تمثیله کاندی. لدی کبله چی دآلما تادآرت او هنـر تر بیوی ښوونځی چی سږ کـــال د هغه دجو ړیدو پنځه څلو یشتمـــه کالیزه ونما نځله شوه‌داو پــــرا، بالت او تیا تر په برخه کی زیا تې تجر بی لری او شو روی تولنی ته‌یی یو زیات شمیر روزل شوی ځــوان استعداد ونه وړا ندی کړی نو ځکه د۱۹۷۸ کال دشروع کید لو څخــه راپه دیخوا پر یکړه وشوه چی ددغه ښوو نځی یو زیات شمیر پخوانی فا رغان دقزا قستان دنوی تیا تـر

پاتی په ٤۷ مخ کی



د «الماتا» دآرت او هنر په تعلیمی‌مر کز کی دکارګری ښځی له پاره دبا لت دنڅا دور ځنیـــوپرو ګرا مو نو یوه منظره

ستراتیژی سیاسی و نظامی انگلیس در افغانستان

امیر محمد یعقوب پسر امیر شیر علی به قشون انگلیس تسلیم گردید و بانها پیوست. معاهده‌ی ننگین گندمك (۱۸۷۹)را با انگلیس امضاء و طوق ستم و سلسی را به گردن کشور ما انداخت وهم چنان یك قسمت وسیع دیگر مناطق شرقی مملکت را بدشمن دادو اقامت قشون انگلیس را در افغانستان باحق مداخله ی نماینده ی سیاسی آن در امور داخلی کشور و تمدید لین تلگراف انگلیس را ناکابل قبول نمود. این عمل انگلیس تا اندازه‌ی وحشیانه وظالمانه بود که حتی یکی از اعضای شورای اجرائیه لارد لیتن گورنر جنرال هندوستان (سرالکساندر ار بوت نات) به لندن نوشت که: «الحاق افغانستان به بریتانیا خلاف حقوق نوع بشر است و یکنفر حکمدار یعنی امیر محمد یعقوب نمی تواند مملکت را تحت دومنیون خارجی بگذارد.

امیر عبد الرحمن که سه صد هزار سپاهی داوطلب ملی در معیت خود داشت، بدون جنگ قشون محصور، هراسان و شکست خورده ی انگلیس را از شمشیر قهر خلق افغانستان نجات داد و بر معاهدات مطلوبه ی انگلیس امضاء گذاشت. او تمام ولایات مهمه ی شرقی افغانستان را طبق معاهده‌ی ننگین دیورند «۱۸۹۳» بدشمن مغلوب بسپرد واستقلال کشور را فدای دوستی!؟ باانگلیس نمود(در حقیقت امیر عبدالرحمن برای اینکه سلطنت وحکمروائی ظالمانه ی خود را محفوظ وادامه دهد به همه تعهدات ننگین و ساخت و بافت با انگلیس پرداخت) امیرحبیب‌الله طبق معاهده ی ۱۹۰۵ تمام تعهدات پدر رابا انگلیس صمیما نه رعایت نمود واز وضع پریشان انگلیس در طول جنگ بین المللی‌اول برای استقلال افغانستان و برای اعاده ی سر زمین های غصب‌شده هیچ گونه اقدامی نکرد.

(این امیر دست نشانده نیز یگانه هدفش دوام سلطنت و دوام عیاشی های بی حدوحصرش بود). از همین‌روانگلیس ها در مبارزات نظامی و سیاسی خود و هم چنان فعالیت های تبلیغاتی خود درافغانستان موفق شدند.

ولی باید دانست که خلق آزاده‌ی افغانستان در مواقع خطیر مقدرات خودرا تابع رفتار ارتجاعی ووطن فروشانه ی امرا و شهزاده گان دشمن پرست نکرده است زیرا اگر چنین می بود شکی نیست که کشور محبوب مابا تمامیت خود ازروی نقشه ی دنیا معدوم می شد. وقتی‌که‌حکومات دست نشانده وارتجاعی افغانستان برای حفظ منافع و دربار خود شمشیر دفاع از کشور را بر زمین می گذاشتند این خلق ما بود که باسر بازی های بی‌نظیراز موجودیت خودو کشور خود دفاع می کردند. از همین سبب هنگامیکه دولت انگلیس مستقیما با خلق مواجه می شد با وجود داشتن قدرت فراوان مغلوب می گردید چنانچه درجنگ اول افغان و انگلیس خلق شجیع افغانستان اردوی انگلیس را تباه، افسران شانرا مقتول، شاه شجاع (حامی وهمکاری انگلیس) را معدوم نموده، زنان و مردان انگلیس را بگروگان گرفتند. عهد نامه ی را که خود می خواستند (۱۸۴۲) بسو ید وبالای انگلیس ها امضاء کردند. هم چنین در جنگ دوم خلق افغانستان سپاه انگلیس رادرهم شکستند. جنرال فریدریك رابرتس را در چار دیوار شیر پور کابل مثلی مرغی در قفس نگهداشتند. در جنگ مشهور و تاریخی میوند قشون انگلیس را مثل گو سفند ذبح نمودند و جنرال «بر روز» مانند قاصد پوسته فرار کرد. حامیان رسوای دولت انگلیس چون سردارشیرعلی وسردارولی محمدلاتی تا کراچی شتابان گریختند و سر کیونار ی کنترولر دولت افغانستان راباقصرش مثل شمعی بسوختند با لاخره انگلیسها که برای اشغال جاودانی و تجزیه ی ابدی !؟ واندا ختن طوق و سلسی بگردن خلق افغانستان آمده بودند مثل بقایای یك گله ی تاز یانه خورده. نفس های آخرین خود راتا هند رسانیدند.

اما خلق شکست نا پذیر افغانستان با رشادت وغیرت بی نظیری که در جهان نشان نداده چرا گذاشت حدود کشور او روز بروز کوچکتر واستقلال او معروض خطر واقع گردد ودر هنگامیکه بر دشمن غالب بود زیر بار معاهدات غاصبانه‌ی او رفت ؟. این موضوع از آن سبب است که خلق افغانستان از یکطرف مورد حمله‌ی قشون انگلیس ودیگر دشمنان واقع می شد واز طرف دیگر جاسوسان و دشمن پرستان در افغانستان تبلیغات وسیعی را براه می اندازند که باید از شاه و امیر اطاعت‌عام وتام صورت گیرد(البته که اطاعت اولی لامربه همه واجب بودولی آن اولی لامری که خود نیزاحکام شرعی واز همه مهم تر حب الوطن من الایمان راتائید و عملی می نمود در حالیکه شاهان وامیران آن دوره همه چیز واز جمله وطن را فدای منافع شخصی خود می کردند وبا دشمن دین، خلق ووطن دست دوستی وبرادری می دادند که قطعا حکم این‌قبیل امراقابل‌تطبیق نیست).

ولی‌به تحریك و تبلیغ دروغین دشمنان کشور و خلق ما اعتماد عام تام به شاهان وامرای دست نشانده‌و اطاعت بی‌قیدو شرط از آنها علت آن شد که هر پادشاهی بتوانند بشکل آزادانه با دشمن دین، وطن وخلق داخل زدوبند شود و آنطور یکه بخواهد اجراآت نماید. با وجود این همه آن عده خلق هموطن ما که خارج سرحدات ما باقی مانده بودند و خودرا تابع احکام ارتجاعی امراو طبقات‌حاکمه ی ارتجاعی نمی دیدند ونمی دانستند صد سال دیگر به جنگها ی‌دفاعی وحفظ آزادی خودبا انگلیسها مشغول ودر طول یکقرن تقریبا نود جنگ خورد وبزرگ در مقابل انگلیسها انجام دادند و تنها در مدت سی سال انگلیسها سی و هفت سفر بری برضد سرحدات آزاد افغانی نموده اند وبا نهم نتوانستند آزادی و استقلال‌ایشان را سلب نمایند. از همینجاست که حتی دشمن مجبور به اعتراف شد و گفت‌ازین افغانها ی تند طبع و جنگ آور و متعصب و آزادی دوست جنگجو یانی بهتری در جهان نیست. گریفن‌در یاد داشت های (۱۸۷٦) خود نوشت که: سفر بری ها ی انگلیس در مقابل سرحدات آزاد افغانی از جهتی مکرر صورت می گرفت تا هر قبیله بطور جداگانه اندازه ی قدرت‌انگلیس رامعاینه کند. لیتن که از ضربات‌ملی خلق افغانستان بسیار منزجر شده بود، در مورد سرحدات آزاد افغانی چنین گفت: منظره ی سر حد در جهان نظیر ندارد. زیرا یك قدرت بزرگ متمدن! (انگلیس) پس ازبیست وپنج سال اشغال مسالمت‌آمیز هنوز نفوذ مطلوبی بر همسایگان نیمه وحشی ؟! خود ندارد و قلمرو بریتانیا در فاصله ی یکروزه راه از بزرگترین قشله ی نظامی آن، منطقه ی نامحفوظ بوده و حیات انگلیس در فاصله ی یك میلی سرحد آن معروض به خطر است.

انگلیسها در مکاتبات و معاهدات‌سیاسی خود در برابر دولت های ضعیف افغانستان حتی در استعمال القاب وعنوان والفاظ برتری خود را حفظ کرده و امیر دوست محمد، امیرمحمد یعقوب‌وامیرعبدالرحمن را «هنر ها ینس» (والاحضرت) خطاب می کردند در حالیکه طرف مکاتبه ی این پادشاهان افغانستان گورنرجنرال‌های هند‌وحتی در شکل عالی ترآن‌سکرتر امور خارجی هند بود. نام و عنوان انگلیس ها مقدم ذکر می شد واز القاب انگلیس ها مقدم ذکر می شد واز القاب پادشاه‌افغانستان تنها «جناب» نوشته‌می شد. این موضوع در پهلوی آنکه نمایانگر کبرو نخوت انگلیسی بود در عین حال از آن عقداتی ناشی می شد که در اثر شکست ها و ضربه ها ی وارده از طرف خلق افغانستان در ذهن دربارو طبقات حاکمه ی انگلیس پیدا شده بود. چنانچه برای تلافی از یك اضمحلال تاریخی خود در افغانستان بعد از عبور چهل سال، معاهده ی سابقه رادر کندمك‌وبنام کندمك بالای امیر محمد یعقوب خان تسلیم شده امضاء کردند.

مثلیکه با لاحصار کابل را درانتقام قتل کیوناری ویران کرده بودند ویا بازار های کابل را بخون خواهی مکناتن و برنس آتش زدند.

برای اینکه برخورد توهین آمیز انگلیس ها را در قبال دولت افغانستان‌خوبتر دیده بتوانیم دراینجا ماده‌ی‌اول‌عهدنامه ی مورخ ۳۰ مارچ ۱۸۵۵ بین امیردوست محمد خان و انگلیس ها را بطور مثال‌ذکر می کنیم:

«ما بین آنربیل ایست اندیا کمپنی و جناب امیر دوست محمد خان والی کابل !وآن ممالك افغانستان که درقبضه‌ی او می باشد و ورثای امیر مذکور صلح ودوستی دایمی خواهد بود». معاهده‌دیورند مورخ ۱۲ نوامبر ۱۸۹۳ با امیر عبدالرحمن اینطور شروع می شود!»معاهده بین جناب امیر عبدالرحمن خان جی، سی، اس ای امیر افغانستان وحدود متعلقه‌ی‌آن‌در یکطرف وسرهنری مارتیمودیورند کی، سی، آئی، سی، اس، ای مارن سکرتری دولت عالیه ی هند و نائب ووکیل از جانب دولت عالیه طرف دیگر ....».

ادامه‌دارد

سرگرمی ها مسابقات

تهیه وتنظیم از_ صالح‌محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع مصئونیت، قانو نیت وعدالت

اول مصونیت :

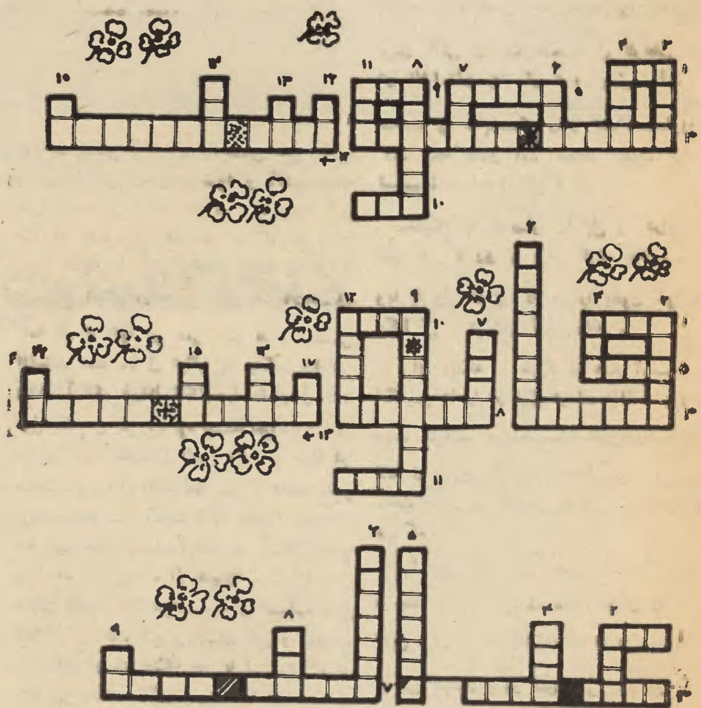
۱_ یکی ازشعارهای خلق‌جهان_۲_ نصف اسم یکی‌ازشعرای‌ادبیات دری _۳_مرتجع‌ترین رادیوی جهان. بیام‌قوماندان دلیر انقلا ب ثور ماه سنبله ۱۳۵۸ مصادف به این روزاز رادیو تلویزیون خلـــق افغانستان قرائت گردید _٤_ پرده _٥_ استثمار گـر _٦_ صفت‌گلها_۷_ دشمنان خلق‌که در..... آ ن اخوان‌الشیاطین قرار دارد نابود سازید _۸_ داود غدار حکومت قلابی خودرا به این نام یاد میکرد _۹_۰۰۰۰ ۰۰۰ تاریخ است که دشمنان رسوا میگردد _ ۱۰_ از دشمنان۰۰۰ ۰۰۰۰ نداریم تا آخرین رمـق حیات برای نابودی آنها میرزمیم _ ۱۱_درویش بی‌سر_ ۱۲_ یکی از مجلات خانوادگی _ یکی ازمکتب های ادبی که افکار خلـــق را واقعبینانه بررسی می‌نماید_۱۳_ ضمیراشاره _۱٤_ ۰۰۰ طوفان ۰۰۰خلق‌دشمنان رابه‌گورستان میسپارد ۱۵_ ضد زیاد _۱٦_ با ستون هفده جـدول قانونیت جای علم وهنر میگردد .

دوم قا نو نیت :

۱_ انقلاب ثور را به آن‌صفت نسبت دهید ۲_ یکی از کشور های که در آن جامعه بدون استثمار فرد از فرد بنیان گذاری شد وبنام جمهوری خلق ۰۰۰۰ یاد میشود _۳_ یکی از بنیان فلسفه کلاسیزم _٤_ رادمردان بی مردان _٥_ سبز شدن _٦_ کشورآزادگـان _۷_ از مباحث که به نفع طبقه کارگر است _۸_یکی از کشور هایکه استعمار گری‌وظیفه آنها بود . _۹_ از کشور های امریکای‌لاتین _۱۰_ عالم کـه علمش بی انتهاست _۱۱_ فلم‌به‌اشتراك‌وجنتی‌مالا_۱۲_ یکی‌ازآوازخوانهای محبوب رادیو تلویزیون خلـــق افغانستان _۱۳_ یکی از روز نامه های کشور ما_اصطلاح اقتصادی در هر جامعه رول مهم دارد _۱٤_ از ولسوالی های کشورما _۱٥_ میهن است _۱٦_ خلق بر ۰۰۰ کا سه لیسان حـلقـه به گوش انگلیس نفرین میفرستد _۱۷_مریض دارد .

سوم عدا لت :

۱_ ارگان نشراتی کمیته مرکزی جمهوری دموکراتیك افغانستان_۲_ یکی از کتاب‌های آسمانی _۳_ عبارت ازدانش _حزب به پشتو _٤_ مرکز یکی از کشور های سوسیالیستی _٥_ نویسنده کتاب قمار باز _٦_ اصطلاح سیاسی است بهره کشی وبرده داری کشور ها است از طرف ممالك امپریالیستی _۷_ عبارت است ازنظریات سیاسی،حقوقی فلسفی، اخلاقی و هنری جامعه وگذار شهای سازمانها وموسسات مربوطه به آگاهی‌اجتماعی _ گهواره انقلاب _۸_ از جمله شعار نان ،لباس ومسکن _۹_ جاویدان به پشتو .



طرح کنند گان فریبا وفرح‌سامع‌از مـکتب‌توتیا سید نورمحمد شاه مینه.

این رسام، نقاش ،مجسمه ساز وشاعـــرکیست؟

اگر دختری را دیدید که زیبا بود ومعنی عشق را فهمید وناز نکرد وروح مرد راشناخت ترا بخدا دست اورا دردست شاعر وآرتیست بگذارید . زیرا دنیا ازین دختر هارا کم دیده است ولی برای ایجاد نبوغ در وجود ایـــن رسام وپیکر تراش چنین دختری را تقدیربه اوداد . دختری بود که مظهر زیبایی ایتالیا بود .

عشق حقیقی رادرك‌مینمودوهرگز ناز نمیکرد وروح اورا نیز میشناخت ومیدانست که چه آتش فروزانی در نهاد این مرد شعله ورشده وعشق او چگونه نبوغ ویرا تحریك کرده متجلی ساخته است . این دختر (لویی جیادو مدیسی) بود . او شب‌هایی دراز بیدارنشسته دروصف زیبایی پیکر وقیافه او شعرمیسرود ونبوغ‌خودراپر ورش میداد غزلیات که ازقلم وفکر اودر این هنگام بروی کاغذ میامدبهترین نمودار چگونگی ایجاد نبوغ در وجود یـــك شاعر است. اتنها درشعر وشاعری نا بغـــه نبود، بلـــکه در آرت، مـــجسمه سا ز ی ومعماری‌نیزاستاد بشمارمیرودولی شهرت‌بیشتر اودر رشته نقاشی ودر همین هنر بود کـــه آثار فنا ناپذیری از خود به یاد گار گذاشت

اودر ششم ماه‌مارچ سال۱٤۷٥ در شهر کاپر_ زقدم بعرصه وجود گذاشت پدرش بعد از تولد اوبه فلورانس موطن اصلی خود بازگشت ودرین شهر پسرش را بیك زن مجسمه ساز سپرد اودر آغوش دایه اش بزرگ میشد و چنانکه خودش بعد ها میگفت عشق وعلاقه‌به سنگتراشي ومجسمه سازی راتوام باشیـر از



پستان زن سنگتراش میمکید وقتی بزرگ شد او نخواست کاردیگری به‌جزازمجسمه سا ز ی اشتغال ورزد او هنررا دوست داشت وبا آنکه پدر وکاکا یش بزور شلاق میخواستند ایـــن علاقه رااز او سلب کنند او بیش ازپیش باین هنر متمایل میشد وبالاخره اصراری‌که درین راه بخرچ داد پدر خود را مجبور ساخت‌که

طبق مفکوره او رفتار کند اودر سیزده سالگی نزد برادران گیریلا ندیو از نقاشان مشهور فلورانس مشغول فراگرفتن اصول نقاشی‌شد او نسبت علاقه که‌به مجسمه سازی داشت‌در مکتب لور نتز دو مدیسی شامل شد اودرین مکتب روزی ازیك‌پارچه مرمریك‌مجسمه ساخت وهنگام پاککاری بود که لورنتز به او نزدیك شده وگفت ایـــن مجسمه پیر مردی است امـا دندانهـایش مـکمـل در صو ر ت اشخاصیکه به این عمر برسندجزدوسه‌دندانی زیاد تر نمیداشته باشند او بدون کدام‌مشکل

بامیخ یکی ازدندانهای خورا کشید و ایـــن عمل را چنین انجام داد که لورنتزخیران گشت وبعد از آن به بولینیا رفت چون او عاشق لولی جیادو ... بود در آن شهر طاقت نیاورد ودو باره به شهر فلورانس رفـــت او که درین موقـــع که آغاز جوانی او بود آثاری را ساخت که اورا بنام بزرگترین نابغه آنزمان معرفی ساخت زمانی اوبه شهرت رسید ازاو دعوت بعمل آمد که به روم برود اودر ساختن روم شهرت بزرگی راکسب نمود ودر سال ۱۵۰۱ به فلورانس مراجعه کرد. نه سال بعد ماموریت یافت تا طاق کلیسای سیستین را تزئین کند در سال ۱۵۳٤ پاپ پل سوم اورا بنام معمار - آرتیست و مجسمه ساز مخصوص واتیکان انتخاب کرد زمانیکه طاق کلیسا رامیساخت باشاعره که شو هرش مرده بود آشنا شد وشاعر فلورانس رابطه اورا معنوی دانسته اند بااین زن پیدا کرد اواز اولین عشق خود تااین عشق بزن علاقه مندنشد ودر این زمان درپناه محبت این زن بسرودن غزلهای پرداخت وعشق زندرهنگام پیری مرهمی برای التیام داغ قلب افسرده خویش یافت .

ولی دوران این عشق کوتاه بود زیرا محبوب اودر سال ۱۵٤۷ مرد وضربتی بزرگی بروح او ووارد ساخت او پس از مرگ معشوق خود سالهای دراز بزندگی ادامه داد شهرت فراوانی در شاعری -آرت -معماری و مجسمه سازی بدست آورد . او بخاطر محبوبش زن نگرفت وتاآخر زندگی درتنهایی ورنج بسر بـــــرد تاانیکه درسال ۱۵٦٤ بدرود حیات گفت. حالا اگر از بیو گرافی وپور تریت او چیزی فهمیده باشید اسم اورا برای مابنویسید مطلب فوق رابرای ماملکه جان ازلیسه سیدنورمحمد شاه مینه ارسال نموده است .

راجع به زن چه میدانید ؟



زن موجودیست زیبا. کـــه شاعـران ، آرتیستان وهمه هنرمندان در مدح و زیبایی زنان گفته وپرداخته اند همه زیبایی ها رابه آنها شباهت داده اند حتی چشما ن آهوان راولی زنان مشهوری هم هستند که نا مهای شان در تاریخ شجاعت ، کار، زیبایی عشق وبالاخره در فضا نوردی وغیره ثبت تاریخ گردیده است . حالاشما هم راجع بـه زن بنویسید وبایك قطعه فوتوی خویش آنـــرا برای ما ارسال دارید تا بنام خود تان چاپ گردد .

این انفجارمربوط کجاست؟



در جهان انفجارات زیادی رخداده است وهزاران انسان بی گناه. اطفال وزنان را در اعماق خود فرو برده است اما این انفجار باهمه آنهاتفاوت داردانفجاری بودکه تاریخ جهان آنرا فراموش نخواهد کرد حتی انسانهای که در مناطق دور دست آن انفجار زندگـــــی میکردند تحت تاثیرآن قرار گرفتند . فقط برای مابنویسید که این کدام انفجار و در کدام کشور جهان صورت گرفته است ؟



صحنه کدام فلم ؟

این صحنه یکی ازفلمهای است که در آن اجتماع همه مواهب خود را از اودریغ داشت خانه ، پدرومادر ، غذا ، تحصیل ، حمایت وقانون و ..... عشق را ... واین غنچه نوشگفته ی لطیف را مبدل کرد به سنگ سخت وخشن. حالاشمابه سوالات ذیل جواب بگوید .

۱- ستاره این فلم کی بود ؟

۲- اسم فلم را نیز برای مابنویسید .

۳- کدام هنرمنددرین فلم کارنموده است؟

٤- آیا در کابل این فلم نمایش داده شده است ؟

۵- آخرین فلم ستاره همین فلم کدام است ؟

بعداز حل آن برای مایك قطعه فوتوی خـو یش را نیز ارسال داشته تابنام خودتان چاپ گردد.

این تابلو از کدام زمان وچه را تمثیل میکند ؟

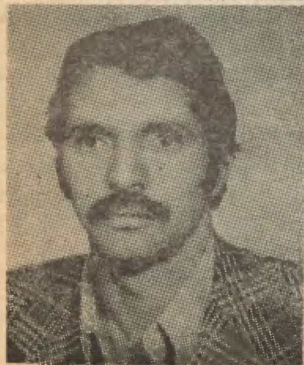


تاریخ جهان از روی آثار تاریخی آینده را روشن سازد مثلا دوره کوشانی ها، سلطان سکندر، زمان مغول، چنگیز، سلطان محمود غزنوی وامثال آنها که آثار باستانی وغیره تاریخ آن زمان رازنده میسازد درین کلیشه هم ما آنرا چاپ کـــردیم از افراد یـــك قوم است وبکدام نوع ظلم مصروف میباشند اگر بحل آن موفق شدید برای ما نیز حل آنرا ارسال دارید .

این مردکیست ؟



ایـــن چهره یکی از نویسند گـــان مشهور جهان است این فوتویش زمانی گرفته شده است که اونویسنده گمنامی بود تااینکـه قدرت نویسنده گی اوعالمگیر شد ودرضمن یك نقل دیگری هم برای تان داده میتوانیم که او دارای چهار زن بودوبه سگارزیاد علاقه داشت اگراسم اورا وبیوگرافی اش رامیدانید برای مابنویسید .



محمد ظریف «خندان» یك تن ازحل کنندگان جدول مسابقات

سینما برای انقلاب از هر هنری مهمتر است

آیز نشتین و فلم کشتی پو تمکین

هنرسینما ، هنر جوانی است • هنری که در آن علوم مختلف در حال هماهنگی وزایش های بوده وراه هنری شدن را در پیش گرفته است .

سالهاست که تلاش می کنند تا نامی البته بامسماء برای قرن مابیابند •

بودند گروهی که قرن مارا قرن اتم نام گذاری کردند وهستند هنوز هم کسانیکه به این قرن پر آشوب نامهای چنین ویا چنان رابادلایلی پوچ وکم بها انتخاب می کنند وبر خط مقطع اندیشه های ره گم کن خویش پایین وبالا می روند .

درین رستاخیز آشفته فکری ها .. گروهی عظیم براین عقیده اند که قرن ما قرن سینماست .. قرن هنریکه در زایش و فرسایش نوها **وکهنه هاودرتعیین سر نوشت انسان نقشی** قابل ملاحظه داشته ویکی از نبردگاه های عظیمی در تسلسل منطقی مبارزات انقلابی بوده است .

از هنر سینما با آنکه تلاش های مسخره **آمیز اولی ها را هم بحساب آوریم درحدود** نود سال می گذرد .

اما باوجود کوتاهی راه ••• نوابغ این هنر زیادند ...

یکی از برجسته ترین چهره های که در سپیده دم این هنر چون آفتاب می درخشد **سرگی آیز نشتین نابغه بی مانند اتحاد** شوروی است که امروز نظرات اودر سرتا سر دانشگاه های سینما توگرافی جهان تدریس میشود وسر مشق تمام هنرمندان قرار می گیرد .

هنر سینما اصلا در اروپا وامریکا پابعرصه **وجود گذاشت ، استعداد های بورژوایی وخرده** بورژوایی اروپایی وامریکایی قسما درین راه کشفیاتی کردند وراه را بشکل تقریبا غیر سیستماتیك اندکی روشن ساختند .

ادوین پورتر- دیوید وارد گریفیت وچارلی چاپلین نمونه های درخشان این کنگوری هستند .

آنها که در جامعهٔ امپریالستی زندگی می کردند مبنای فلم سازی شان را باوجود افکار قسما انسانی شان که از مضمون مترقی بودن عاری بوده. بازار وپول سازی تشکیل میداد تا ازیکطرف باز بتوانند فلم بسازند **واز جانب دیگر تاحدی صاحب آرگاه وبارگاه** شخصی هم شوند .

در همین وقت در بسیاری از کشور های واز آن مثل توبرهٔ مداری ها برای خالی کردن جیب خلق آله استفاده می کردند .

ظهور آیزنشتاین مصادف است با ظهور جنگ خانمانسوز اول جهان وانقلاب کبیر اکتوبر .

جنگ درازوپا وامریکا ... مغز ها را به اصطلاح کچری قروت کرده بود .

خرده بورژواهای قلم بدست وهنرمند نما های تر است ها و کار تل ها را رنگین می ساختند و مکا تب هنری بیهوده گرای مثل داد ائیسم وایسم های دیگر را به نفع ار با با نشان یکی پی دیگری به **بازار عرضه می نمودند•**

اما انقلاب اکتوبر ... بر خلاف غرب زمین راه شگوفانی استعداد های واقعی خلقی را باز گذاشت و در نتیجه فرهنگ انسانی خلقی را اتنظیم و تدوین کرد وبر غنا ی آن افزود .

ایز نشتاین در ین جوشش وخروشش فر- هنگی معماری و مهندسی را رها کردو به تیاتر و تماشا خانه ها روی آورد.

میلاد هنری ایز نشتا ین معا صر دوره **ایست که در آن آخرین مرده دودهای جنگ اول جهانی از فراز بامهای اروپا** وداع می کند .

اروپا از بوی گوشت انسا نهای سوخته **انباشته است وجنایت وآدمکشی حتی** بر ساخت مقدس هنر هم حکو مت می کند .

جامعه گریزی و بیهوده گری حتی دامن پاك نهضت های انقلابی را هم گاه گاهی لکه دار می ساخت .

در آن روز گاران چنین پنداشته میشد که افکار بیمار گونه ضد ریالیست های غربی یکه تاز میدان هنر وادبیات جهانست .

کی باید به این همه دن کیشوت بازی **ها وپهلوان پنبه بازی های بی مغزانه** پایان میداد• **جهان منتظر هنر مندان** واقعی بود .

وایز نشتا ین پاسخی بود برای یك چنین نیاز جامعه جهانی. او مثل همدوره **های نابغه خود -پودوفکین وداوچنکو** از بازیچه تیاتر بر قیکه در «هالی وود» **این مرکز آدمکشان هنری-برای فریب** انسان - بشکل دیو ظا هر می شد -سینمای علمی وانقلابی جهان را بوجود آورد .

این سینما - در همان آغاز پیدا یش خود یکی از موثر ترین سلاح های برنده بود که بدست پر و لتاریا افتاد و در راه خدمت با نسان بکار گر فته شد .

موسیو رکو ریکی از معرو فترین منقد ین سینمایی فر انسه می نویسد .

درفلم پوتمکین برای نخستین بار سینما نه تنها بعنوان هنر، بلکه بعنوان علم نیز شناخته شد .

بلی نام ایزنشتاین بانام فلم کشتی پو تمکین یکی است اگر سخن از ایزنشتاین باشد .. همه فکر می کنند که حرف **برسر فلم پوتمکین است وبرعکس•**

ایز نشتا ین بعد از روی صحنه آوردن آخرین نما یشنامه اش که ماسك **ضد گاز نام داشت در سال ۱۳۲٤ وارد** سینما شد .

وفلم مشهور اعتصاب را که خود بامقا- یسه فلم های معاصرش شاهکاری است بی نظیر - سا خت و به هنر دوستا ن تقدیم کرد .

انقلاب سو سیا لیستی اکتو بر در روسیه شو روی زمانی به پیروزی رسید که همه سا زمان ها و سا ختما ن های مر بوط هنر سینما تقر یبا بطور کلی یا و یران شده بود و یا کا ملا از کا ر افتا ده بود .

وقتی در نخستین سا عا ت انقلاب رهبر خرد مند انقلاب اکتوبر اعلام داشت که سینما بر ا ی انقلاب از هر هنری مهمتر است . پوچ اند یشان کج بحث را بخنده وا داشت .. چو ن در روسیه اسا ساسینما بی آباد نما نده بود واز جا نب دیگر سینما **هنوز مثل کودکی بود ، که تازه خودرا** بسینه کش می کند .

ولی همین اعلامیه کو تاه رهبر شو روی نشان داد که او چقدر هنر فهم بود و چقدر مسا یل روز را د قیق ارزیا بی می کرد .

بعد از این اعلامیه در شوروي فلم سازی کا ملا راه و رسم د یگری در پیش گرفت.

حزب اعلام داشت که انقلاب اکتو بر باید در هنر ها هم ظهور خود را تکمیل کند وبر تری فر هنگی خود را بر فر هنگ پوسیده بو رژوایی با ثبات بر ساند .

از گفتن اینکه :- برادر همین کشورعقب مانده و همین هنر عقب ما نده بشدت جلو گیری بعمل آمد و دست شیا دا نیکه با کج و کور کرد ن خود . بخود نا م هنر مند داده بودند بکلی از دا من هنر کو تاه شد ... هنر مندان واقعی که تا آن زمان کسی سلام شان را و علیك نمی گرفت بر کر سی های خود تکیه زدند وانقلاب هنری اکتو بر را در قلمرو هنر به پیروزی رساندند.

سرگی آیز نیشتاین یکی از ین فر زندان وا قعی طبقه کا ر گر بود که به حق او ر می توان رهبر انقلاب سینما ی شو روی نامید .



آیز نشتین ،نابغه جهان سینما

جهان هنوز سینما را تیاتر برقی می نامدند.

ایز نشتا ین معتقد بود که و سعت فهم یك هنر مند و سعت هنر او ست .

او می گفت :ـ چطور امکا ن دارد از انقلاب سو سیا لیستی با فر هنگ فیو دالی ویابورژ وایی آمیخته **باچند شعار حـــمایت بعمل آورد .**

او همیشه گفته ها ی رهبر شوروی راسر مشق خود قرار می داد . و حتی بر ای تاکید بیشتر انها را بر کاغذ ها می نو شت ودر اتاق خوا ب خود می او یخت ایز نشتا ین **می گوید .**

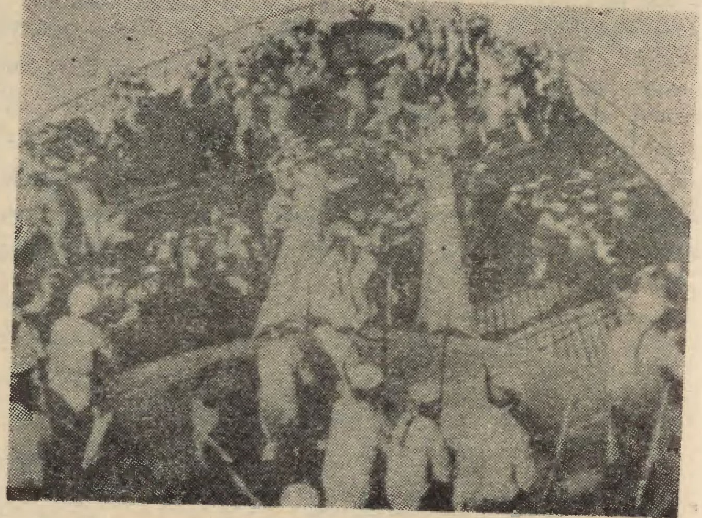
با چند شعار نمیتوان هنر ها ی بورژوایی وفیو دا لی را هنر نو ین نامید و آن هارا در خد مت طبقات زحمتکش قر ار داده .

در مبارزه علیه امپر یالیزم و فیودالیسم یکی از مهمتر ین سنگر ها سنگر فر هنگی است .

ودر ست از همینجا بود که نا گها ن در جهان فر هنگی کـ املا نوین ظهو ر کرد.

ارتور نایت منتقد مـــعروف امریـــکایـــی می نو یسد .

فقط هنگا می که سینما ی ارو پا روبه



پوستری از کشتی پوتمکین

انحطاط می رفت د نیا ی غرب از جنبش سینما ی نیرو مندی که در شوروی پد ید می آمد آگا ه شد .انقلاب ۱۹۱۷ عمـــلا روسیه را از سایر مما لك اروپا ی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر فر هنگی بکلی جدا کرده بود .

این اعترا فات خود میتوا ند سر مشق جنبش ها ی فر هنگی برای کشور هـــای **تازه باستقلال رسیده جهان باشد•**

کتاب تاریخ سینما می نو یسد .

مسا فرا نی که از شوروی می آمد ند از تجر بیا ت جسو رانه در زمینه ها ی هنری خبر می‌آورند **در موسیقی از صـــدای ماشین ها و چکش ها الهام می گـــرفتند** تا هنر خلقی رانه تنها از نظر شـکـــل بلکه از نگا ه مضمو ن نیز بو جود آورد ه باشد .

اری ایز نشتا ین پو دو فکین داو چنکو **واستانیسلافسکی ودیگران رهبری هـــنر** را که در دست لو مین هاـ عنا صر بـــی طبقه و روسپی هاو آنچنا نی ها بود ه گرفت و بد ست رهبران انقلابی کار ها داد.

استانیسلافسکی می گـــوید :ـ

چطور می توا ن با روسپی هاو انچنا نی های که خلق ها از نام شان ننگ دا رند هنر خلقی ایجاد کرد . هنر خلق را با ید تو سط فر زندان شر ا فتمند خلق بو جود آورد .

هنر فاسد ـ توسط مردمان فاسد ایجاد اداره و پیش برده می شود .

ماباید لو مین ها را تجدید تر بیت کنیم که اراده داریم و می کنیم ولی بسرعـــت لازم است علاوه شو دکه تجد ید تر بیت آنها کا ملا طولانی و پروسه در د نا کخواهد بود .

ایز نشتا ین سا حه کا ر خود را از هنر مند نما ها ظا هرا ء بشکل بسیا ر بی رحمانه خیشاوه کر دو حتی به د شمنان شخصی خود که مایه واند و خته داشتند **کارها را سپرد و آنهـــا را درراه ایجاد** سینما ی انقلابی باخود همد ست سا خت.

وبدینسان بـــود که **ایـــز نشتایـــن معمار-** کسیکه هر گز تعلیمات عالی سینما یـــی یا هنر ی ندا شت بصورت نا بغه سینمـــا ظا هر شدو جها ن را در حیر ت فرو برد .

او با فلم اعتصاب وارد تا ریخ شگو فان هنر سینما شد و تا پایان عمر پر از نـــو آوری ها ی خود همچنان راه تکا مل هنری رابا رشا دت ودلیری بی نظیری بد و ن هیچ وقفه و یا مسا محه ای پیمود .

* * *

فیلم پو تمکین فیلم تاریخ سینما ست. کتا بی ا ست برای کسا نیکه سینما را بعنوا ن یك هنر ـ یك سلاح تیو ریك در **نبـــرد نور وظلمت مـــی شناسنـــد واز** مسخره بازی های احمقا نه و فیلم هند ی بازی های کو د کا نه بیزار ند فیلم پوتمکین برای سینما گران جهان از هر کجا یـــی که باشد ـ امر یکایی اسیا یی یا استر- الیا یی ـافر یقا یی و ارو پا یی سر چشمه فیا ضی ا ست پر از ظرافت های پا یا ن ناپذیر هنری و ر یالیسم انقلابی.

ایز نشتا این و هنر مندان انقلابی معاصر- ش همه به معنی وا قعی کلمی هنر مند بو د.

او فرق اثر هنری و مقا له ها ی سیا سی را می دا نست ایز نشتا ین معتقد بود که- مخلو ط کر د ن هنر با مقاله سیا ســـی خیا نت به هنر و اند یشه های انقلا بـــی است او هنر طبقا تی خلق می کر د کـــه **الزاما سرشـــت سیاســـی دارد وآشکـــارا** در صف کار گران جهان ایستاده ا ست. با این صورت او هنر سیا سی خلق مـــی **کردنه مقاله یـــا شـــعار سیاسی•**

ایز نشتا ین ریا لیسم را با جا دوی **رمانیسم انقلابی‌عجیـــن کردو مثل گورکـــی به کنایه واستعـــاره وسمبـــول عـــالی** سینما یی رو ی آورد و تو سط آن هـــا هنر ی بمیان آورد که سو زو سا زان تامغز استخو ا ن آدمی نفوذ می کند و مغز ها را با پیام های انقلابی خود با رور می سازد .

ایز نشتین در فیلم بی صدای پو تمکین چند نو آوری کرده است .

۱ـفیلم بی داستا نی سا خته که درآن هنر نما یشا ت خود داستا نی است بزرگ و گویا .

۲ـدر فیلم پو تمکین او بر خلاف معمو ل **که بایدقهـــر مانی بـــاشدیا باصطـــلاح** بچه ای ودختری و از ین نوع راارا جیف از همه مردم استفاده کرده و در آن نشا ن داده که واقعا تا ریخ را توده ها مـــی سازند .

۳ـدر کشتی پو تمکین ا کثر یت فر یب **به تمام چهره های مـــردمـــان عـــادی** شو روی ا ست واز هنر پیشه ها کمتـر استفاده شد ه .

ایز نشتا ین به خلق واستعداد آنهـــا ایمان دا شت و این ایما ن خود را در طی این فلم با ثبات رسا نید .

٤ـاستعاره ـکنایه و سمبو ل ها ی سینما- یی بوجود آورد و در رنگین ریا لیزم سینما- **یی از آن استفاده کردسمبولیزم سینمایـــی** در دست ایز شتا ین کا ملا شکل ومضمون نوی دارد و در راه های نوی بکار گر فتـــه شده است .

این رو ش ایز نشتین تا امروز هم سر- مشق سینما ی انقلابی جها نست .

پودو فکین کار گردان انقلابـــی‌سینمای شو روی در فیلم عظیم «مادر » نیز از ین شیوه ریا لیستیك کار گرفته .

منتقدان‌سینما یی را عقیده بر ا نست که در پیدا یش ای ن راه و رو ش فز یو لوژست معروف شوروی دکتور پاو لف نیز دست‌داشته وآن را انعکاسا ت مشر و طه سینما یی‌نام گذاری کرده است .

٥ـیکی از مهمتر ین کا ر های ایـــز- **نشتایـــن درین فیلم مـــسله پیوندیابـــا- صطـــلاح خـــارجـــی آن (ادت) یا مونتاژ** است . چیز یکه تا پایان عمر بشر ی در **سینما به همان شیوه ایز نشتاین مـــورد** استفاده قرار خواهد گر فت تا سا ل ۱۳۲۵ اصلا کسی بفکر پیو ند فیلم آنهم بعنوا ن یکی از مهمتر ین عوا مل فیلم سازی‌نبود.

آیز نشتیاین با مطالعه خط هیرو غلـــیفی جا پا نی که برای نشا ن دادن گر یه از چشم و آب یا مثلا برای افاده اندوه ازقلـــ **کـــار مـــی گیرنـــد یا فت که‌از** گذاشتن دو تصو یر در کنار هم مرا حل **کمی افاده مـــطلب ، پروسه زایش‌مفهوم** **یاکیفیت بمنصه ظهور میرسید•**

او مخصو صا از پیو ند دو تصو یـــر میخوا ست جا ذبه تکا ن یا «شا ك اتر کشن» **بوجود آورد • واین اصطلاح‌جاذبـــه‌تـکان** خود نیز از سا خته های ایز نشتا یـــن است در ینباره بگفته فدا یکو فلینی‌بزر- گتر ین دایر کترا یتا لوی جها ن گو ش **میدهیم که می گوید:**

ایز نشتا ین فقط در فیلم در خشا ن‌پو- تمکین کتاب کا ملی بر ای راهنما یـــی کا ر گر دانا ن فیلم پد ید آورده است .

٦ـشاید بزرگترین **کشـــف‌ایزنشتایـــن کشف اختـــلاف بین زمان واقعی‌وزمان‌روی** پرده است که در اصطلاح سینما یی که‌آن **را‌(فلمـــك تایم) می نامند•**

او از طر یق پیوند یا ادیت شا ت های **فلم در طی هر سیکونس ترتیب‌زمان واقعی** و زمان فلم رابهم زد .

او نسبیت زمان را درك کرده می گفت: **یك لحظه پر درد به نظر ابـــدی‌مـــی‌آیـــد** وسا لها خو شی چون د می می گذرد .

این خلا قیت در خشا ن هنری را مادر **صحنه زینه های ادسادرفیلم پـــوتمکیـــن** بخو بی مشا هد ه می کنیم زینه هـــا بسیار کو تاه هستند چنا نکه شاید با قدم عادی طی کردن آن زیاد تر از یك د قیقه را در بر نگیرد و لی فیلم آن را چـــون **لحظـات درد انگیـز قتـل عـام طولانی تـر** می کند . طوریکه گستر ش سینما یـــی زمان به کا ملتر ین وپیچیده تر ین و در عین حا ل هنر ی تر ین شکل خود مـــی

او زینه های ادسا را سمبو ل انقلا ب ۱۹۰۵ تشخیص داد و بر هر پله آن‌مبارزات **طبقـاتی نفرت مردم از رژیم‌تزاری حـصیان** و طغیا ن را تر سیم کرد .

پایان خو شی فیلم هم حرف ها یـــی دارد . هنگا میکه کشتی پو تمکین در حال فرار به کشتی های لنگر اندا خته تزار ها نزد یك می شود هیجان به آسما ن می **رود ولی وقتی آنها بسوی انقلابیون آتـش نمی کنند • فیلم مفهوم دیـــگری افاده‌مـــی کند• مفهومی از ضعف تزار ها نارضا یتـی** مردم و همد لی همه خلق ها با انقلاب...

سمبول های دقیق واز نو سا خته شدهٔ انقلابی ایز نشتا ین درین فیلم بسیـــار **حیرت آوروپر بارتر از تـصویـــرهـــاست•**

او کلمه فرانسوی مو نتاژ را که معنی **پیوند کردن را دارا است بـــمعنـــی‌پیوند** سر یع بکار می برد که تا امرو زنیزهمین مفهو م را افاده می کند .

ادیت به هر نوع پیوند اطلاق می شو ددر حالیکه مونتاژ در هنر سینما به پیو نـــد سر یع وتکا ن دهنده اطلاق می گر دد و بس .

واین خود از اختر ا عات ایز نشتا یـــن است .

۷ـایز نشتا ین با همین فیلم پو تمکیـــن برای او لین با ر در جها ن ثا بت کر د،

بقیه‌درصفحه۴۳

بقیه صفحه ۱۰

مسابقه تسلیحاتی...

به‌امر مشترك تمام خلـق های جها ن مبـدل گردیده است . با ملاحظه افزایش خطر جنگ که با تشکیل ناتو بوجود آمده ، حامیان صلح مبارزه وسیعی را که هدف آن ایجاد یـك سیستم امنیت جمعی ، ممنوعیت سلاح های تخریب کتلوی وپایان مسابقه تسلیحاتی بود، براه انداختند .

اما جنگ طلبان به ثمر رساندن نقشه های خودرا دوام دادند . درهمان سال ۱۹٤۹(سال تاسیس ناتو) قوای نظامی امریکا ساختمان طیاره را بنام دراپ شات ، طیاره جنگی ضد اتحاد شوروی . را انکشاف بخشید . این امر نشان داد که چرا امپریالیست هاسازمان های تجاوز گر نظیر ناتورا بوجود آوردند و مسابقه تسلیحاتی را دامن می‌زدند . طیاره فوق الذکر جهت پرتاب سه صدبم اتومی بالای اتحادشوروی تنها طی اولین ماه جنگ، تهیه شده بود .

طبیعتا بامحاصره کامل شبکه از پـایگاه هـای نظامی کشور های سوسیالستی در سال ۱۹۵۵ پیمان وارسا راپایه گذاشتند. کـه، دارای خصوصیت دفاعی بوده ، برای الحاق هریك از کشور ها باز می‌باشد .

این‌سازمان به دفعات پیشنهاد اتی جهت عقد يك‌معاهده عدم تجاوز بین‌این سازمـان ودول عضو ناتو ، انحلال این پایگاه ها، یا منحل‌ساختن سازمان های‌نظامی‌خودوپیمان ناتو نموده است.

درنیمه اخیر دهٔ ۱۹۵۰اتحاد شوروی‌چندین ودم یکجانبه در جهت خلـع‌سلاح برداشت طور مثال ، این کشور تعدادنفرات قوای‌مسلح خود را بیش از دو ملیون نفر کاهش داد و همزمان با آن کاهش های موثری در تجهیزات و مصارف نظامی خود بعمل آورد . در دسمبر ۱۹۶۳ دولت اتحاد شوروی باز هم تصمیم‌خود را جهت اقدام به تقلیل یکجانبه تجهیزات نظامی اعلام داشت . گر چه ، این اعلامیه حسن نیت در غرب مورد استقبال واقـــع نشد .

معهذا ،اتحاد شوروی‌برای هشت‌سال مابعد مصارف دفاعی خود را افزایش نداد . شش سال قبل اتحاد شوروی پیشنهاد جدیدی به اسامبله عمومی ملل متحد تقدیـم نمودکه هدف آن تقلیل ده‌فیصد بودجه های نظامـی کشور های عضو دایمی شورای امنیت وصرف قسمتی از این پول ذخیره شده را جهت‌کمك به‌کشور های روبه انکشاف مطالبه نمـود، مانند دفعات قبل ، پیشنهاد اتحاد شوروی به حمایت از جانب اعضای دایمی شورای امنیت ، مواجه نگردید .

بمنظور رهایی ازمساله بودجهٔ نـظامی، اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۸ پیشنهادجدیدی نمود وآن اینکه کشورهای دارای بیشتر ین ظرفیت اقتصادی و نظامی موافقه نمایند که بودجه های نظامی شان نه بـر اساس یـك فیصدی معین ، بلکه به‌مقدار زیاد طورمشابه کاهش یابد ، این تقلیل از سال۱۹۷۹ آغاز وتاسه سال ما بعد توسعه داده شود .

ده‌فیصد وجود ذخیره شده‌به ازدیاد کمك به کشور های روبه انکشاف مصرف گردد . این پیشنها د وسیعا از جانب کشور های‌روبه انکشاف دراسامبله عمومی ملل متحد حمایت گردید . کمیته‌مشورتی‌سیاسی پیمان وارساطی اعلامیه که‌در نوامبر ۱۹۷۸ نشرگردید آمادگی قبلی خودرا جهت انجام پیشنهاد فوق بیان نمود.

مفکوره کاهش بودجه های نظامی همچنـان طرفداران روز افزونی در میان مردم عوام غرب حلقه های سیاسی وعلمی آن‌کشور ها.می‌باید دردهه گذشته کشورهای عضو ناتو يك‌هزار-وسه صدبلیون دالر جهت اهداف نظامی به مصرف رسانده اند . در سال ۱۹۷۸ مصارف نظامی کشور های عضو ناتو تقریبا به‌یکصد-وهشتاد بلیون دالر رسید .به قول متخصصین آنها درنظر دارند بین سال‌های۱۹۷۸-۱۹۸۳ تقریبا تریلیون دالر دیگری وقف‌هیولای‌جنگ بنمایند . دریکی از مصاحبه های اخیر خود رئیس جمهور کارتر گفت که هدف کشورش وسایر دول عضو ناتو این بوده تاسطح حقیقی مصارف دفاعی را بالاببرند .

در حال حاضر ، نوعی توازن قوابین ناتو وپیمان وارسا وجود دارد. در چنین اوضاعی افزایش بودجه های نظامی واز دیاد ذخایـر سلاح ها به منزله آن است‌که جانب مقابل (ناتو) به حفظ اندازه موجودِ نیروها به مصالحه تن نمی دهد ، که در حقیقت به مفهوم تشدید فعالیت بخاطر تزئید مسابقه‌تسلیحاتی وحصول برتری بالای کشورهای سوسیالیستی میباشد.

اتحاد شوروی ، همراه باسایر کشور های سوسیالیستی ، پروگرام مهم عمیق وموثری را بمنظور کاهش مسابقه تسلیحاتی پیشنهاد نموده اند . این پروگرام ودیگر اسناد در اعلامیه دول عضو پیمان وارسا گنجانیده‌شده است . لیونیدبرژنیف طی‌مصاحبه که‌درجنوری ۱۹۷۹ با مبصر مجله تایم بعمل آورد گفت که اتحاد شوروی به احراز برتری بالای غرب سعی نه‌نموده چیزیکه اصلا بـه آن نیـاز نداشته به غیر از يك امنیت قابل اعتماد، آنچه لیونیدٔ برژنیف متذکرگردید دارای‌اهمیت بسیار است ، در صورتیکه مسابقه تسلیحاتی منع گردد ، نقشه های‌نظامی ایکه طرح‌می‌گردند کاهش یابند وفضای سیاسی‌روابط بین المللی عادی گردد .

بقیه‌صفحه ۳۳

رول نقاشی...

شده درین مورد نیم کره چپ مسوول‌تجزیه وتحلیل مسایل، آموزش ، به‌شمول حـــل مسایل پیچیده ریاضی میباشد .

داکتر هوستون وماستر شای اگرچـه از تیوری تحریك فزیکی دماغ بوسیله آرت طفره می روند امابه صراحت درین مـورد میگویند : آرت بامؤثریت اش در پیشبـرد قوای دماغی وبدنی رول ارزنده دارد .

آرت آگاهی وسیع بدنی را تحریك‌کرده وممانعت های‌رشدی‌عضلی‌راتقلیل‌وکاهش‌میدهد. تضعیف میکانیزم گفته شد ممانعت هـــای سیستمی را درقشر دماغ بمیان آورده وازین جاست‌که بی نظمی هادر تعیین وتغییرمسایل احساسات وحرکات بمیان می‌آیـد. بصورت عموم حرکات و احساس دربدو امریك‌ارتبـاط باهمی ناگسستنی داشته ممانعت مقابل یکی در حقیقت دست رد گذاشتن مقابل دومـــی پنداشته میشود .

کادر های روان شناسی کودك عمل کرد بالاراضمن آزمایشات متعدد در نمایشگاه های نقاشی ضمن تحقیقات (بیوفیدیك)«مد تیشن» (خلسه روانی) تحقیق‌وبررسی‌کرده اند و به درستی این عقیده رادر مورد رول نقاشـــی تایید وتاکید کرده اند . این پروگرام د ر مکاتب بایدطوری تنظیم شودکه‌برای اطفـــال ونوجوانان پروگرام های مختلفی مدنظرگرفته شود، بالاخص نوجوانان ساعات بیشتری از نقاشی در اختیار داشته باشند . پروگرام‌های مطروحه در کودکستان ها تازیرسن سه بـه صورت آزاد، وتازیر سن شش به‌صورت رسم های سمبولیك بایستی ادامه یابد تابه خدمت گیری شیوه طفل‌ونوجوانان محیط اش را بـه کمك شناخت وضع روحی وفزیکی بهتر اش بشناسد . آنعده اطفالی که نمیتوانند بـر مسایل پیچیده ریاضی چیره‌شوند به مـرور زمان علاقه شان به درس وصنف کم‌میشود. برای جلوگیری ازین امر دو راهی بایدانتخاب شود اول اینکه معلم باید وضع روحـــی و مشکلات شاگردانش رادرك کند، و دلایـــل بی علاقگی وی را با جروبحث هـــا ی زیاد صمیمانه حل کند یااینکه معلم بکوشد تـــا شیوه های نقاشی استعدادهای نهفته‌شاگردش رابه او بفهماند . وبه اوحس اعتماد بنفس ببخشد . تنها باروش بالا است که شاگرد میتواند بدرستی بر مسایل وفورمول هـــا ی مغلق ریاضی وشیمی موفق بدر آید. زیـــرا گرفت وبرداشت ذهنی درین سن زیاداست. به عنوان مثال روان شناسی گفته است : «امروز به درستی همشاگـــردی های دوره ابتدایی بانام های شان زشت ها وحرکـات کودکانه شان بیادم است اما باور کنید نام چهره همشاگردی های دوره پوهنتون راتاحدی فراموش کرده ام». پس معلمین وفامیل هـــا بالاخص به این نکته توجه نمایند که‌استعداد های نقاشی اطفال را ارج گذاری نمایند وبه پرورش آن بکوشند تادر آینده بتـــوان استعداد سرشار آنها رادر مطالعه، سا یتس وتحلیل مسایل مغلق طبیعی به‌مشاهده گرفت آری ! نسل های آینده رافروهر، دوراز روان پریشی ها، وسعت روان، حس اعتماد به‌نفس وسرشار از انرژی باید تربیه کرد .

بقیه صفحه ۲۳

طرح رقص،...

مکاتب هنری رقص دانس (ایزودورا) فـرا گرفته میشود ازنگاه وی کودکان در پهـلوی فراگیری اساسات وقاعده های‌رقص بـایستی اززیبایی شناسی وتربیه جسمانی خـوبـــی برخوردار باشددرپرو گرام‌های‌ایزودورا بیشتر ازآثار کمپوزیتور و آهنـگسازان مشهـور کمپوزیـــتور ؟ و آ هنگسازان مشهـور وشناخته شده بین‌المللی (مارسایلا، گـار-ماکنولی بتهو فن وچا یـکوفسکی) استفاده بعمل می آمد .

وی در همین تیاتر بانما یش خا ص رقص وپا یکو بی ها ئیکه با سرود ها ی انقلابی بخا طر پیروزی انقلاب کبیر اکتو بر براه افتیده بود در تکا مل پرو سه انقلاب‌شوروی سهم گر فت که تما م سرود ها را خودتهیه و تنظیم داشته بود (ایز ودو را)هر چند که زیاد به لسا ن شوروی تسلطنداشت باآنهم اتحادشوروی ومردمان آنرا دو ست داشت که این نا شی از علاقه فرا وا ن اوبه جها ن سو سیا لیزم و کشور ها ی سوسیا-لیستی بودبخاطر علاقمندی به‌ایـــن سیستم گزیده جهانی بودکه باشاعـر تـو ا نـــا ی شوروی (زرگی لیسینین) از طریق از دواج پیو ند یا فت لاکن بسیا رزود دمر گ‌سرا-غش شتافت چه‌وی درسپتمبر ۱۹۲۷ بامرگ پیو ست پس از مر گش ستد یو ی‌تیا تر ، مکتب و چند مرکز دیگر هنری بخا طـــر خد ما ت‌ارز شمند اته (ایز ودو را) بـــه اسمش مسما ء گردید «ایرما» دختر خوا نده اش پس از مــــر گ او مشعلدار هنـر ش گردید بخاطر ارج گذاری به مقام هنـر ی ایزودورا در محافـل هنری که بتاز گی هـا در سا لروز مر گ او تجلیل گر د ید در حدود ٤ملیو ن تما شا گر یکبار دیگر توسط رقاصه های دنباله رو او، یکباردیگر شا هـد رقص های گونه گونه بودند ، صر فنظراز اینکه رقص مدرن اورا گاه بیگاه بـــاز ی مینما یند .

بقیه صفحه۲۱

گنبدی باضخامت...

بعضا جهیل هـــای مملو ازآب گـرم توسط دانشمندان شوروی کشف گردیده که از آب مذکور برای امراض جلدی استفاده شـــده میتواند در اثر تحقیقاتیکه اخیرا توسط تیم تحقیقاتی لیننگراد صورت‌گرفته معلوم‌گردیده که درروز های آفتابی درجهٔ رطوبت نسبتـــی در گرد ونواحی گنبد چندین درجه پاییـــن می افتد واین نشان میدهد که گویا درجهٔ حرارت تحت‌الارضی درین محل بیشتر ازنواحی دیگر میباشد برای اینکه اکتشافات بیشتری درزمینه صورت گرفته باشد چندی قبل یـك سیمینار دوهفته ای جهت معلوم نمودن وبوجود آمدن این گنبد بزرگ در لیننگراد برگزار گردید . اشتراك کنندگان درین سیمینـــار منجمله سایر مسایل در مورد طریقهٔ برمه ـ کردن دریخ مطالعاتی دستگـــا هـــای رادار جریانات پروژه های هایدرومیترولوژیکـــی و تلسکوب های مطالعات اجرام سماوی بحث ومذاکره بعمل آمد .

همچنان توقع میرود تادر سیمینار هـــای آینده پیراموِن سوراخهاییکه در برخی ا ز قسمت های این مجموع الجزایر به ظهـــور رسیده زنظر ادوار تاریخی (حـــال وماضی) روشنی انداخته شود سوراخهای مذکور اخیرا ازین لحاظ توجه سیاحان را جلب نموده که نظیر آنرا در مناطق مسکونی نمیتوان یافت برمه کنندگان کتله های یخ را از چا هـای عمیق با طرز مخصوصی بیرون میاورندبرای ذخیره نمودن سمپل های یخ محل‌مخصوص‌بنام یخـدان در جوار گنبدبزرگ‌ساخته‌شده‌است.

هسته یخهاییکه از چاهای برمه شده‌بیرون می آید خاصیت ضد ملوث شدن را داشتـــه وهوای ملوث در طول تاریخ‌درآن نفوذ نکرده است .

ازنظر دانشمندان این حادثه نیزیك حادثه شگفت انگیز وتعجب آور است زیرا مساله حفظ محیط زیست در سال های اخیر توجـه همه دانشمندان را بخود معطوف نموده است در عین حال باید گفت اقلیم گنبد بـــزرگ در روز های آفتابی خـــیلی تغییرات‌ودریـن روز ها یعنی روز های آفتابی درجه حرارت سطح زمین وهمچنان رطوبت نسبتی نسبت به روزهای غیر آفتابی چند مرتبه بلندتر است . در اثرکاوش برمه کاران بمشاهـــده رسیده است که در موسم بارندگی مخصوصا ماه های «دسمبرـ فبروری» درجه حـــرارت آب هـــای جهیل مذکره خیلی گرمتر میگردد واین‌خود نشاندهندهٔ آنست که در فاصلهٔ (۴۰) کیلو متری سطح‌زمین مراکزمتعدد(ترموجیولوژیکی) موجود است . باید گفت که فشار زیاد د ر روزهای وزش باد قطرات یخ را مانند دانه‌های شفاف بلورین در سطح یخها نمودار میسازد واین دلیل آنستکه بعضی اوقات از توته های یخ درآب انداخته شود که در اثر حـــرارت ترموجیولوژیکی منفجر میگردد . مطالعـــا ت نشان داده است که بعضی از توته های این یخ به چند توته منقسم شده وهیچگاه ذوب نشده است .

گذشته از آن در برخی از طبقات پایین تر گنبد بزرگ آنقدر زیاد تازه بنظر نمیخورد ایکن ضخامت آن بقدر ضخامت طبقات یخهای دیگر نبوده است .

پس از آنکه توته های یخ درگنبد بزرگ ارزیابی گردید معلوم شدکه تاثیرات اقلیمی ومخصـوصا وزیدن هوا در ساختمان و تشکل کتله های یخ در مجموع الجـــزایر «زملیا» قابل یادآوری است . دانشمندان تا حال‌برای انجام‌کاوشهای علمی خویش از طبقات بایوسفیر زمین کارگرفته اند که به تاسی ازین مفکوره بعدازین میتوان مرکز گنبد بزرگ رابحیث یك ستیشن تحقیقات بایوسیریکی استعمال نمود این مسله چه معنی دارد ؟ معنـــی آن اینست که ستیشن طوری موقعیت یافته کـه تمام آلودگی های جوزمین راکه مخصوصـا ازطبقه اتومسفیر نشات می نماید از خـــود بدور میراند وهیچ اثری از همچو آلودگی ها درقرب وجوار این ستیشن به مشاهده نمیرسد ویك دلیل عمدهٔ آن اینست که مجموع‌الجزایر (زملیا) از ساحهٔ اتومسفیر زمین خیلی هابدور افتاده است در صورتیکه دانشمندان بخواهند میتوانند در نقطهٔ که جاذبه زمین درجه صفر باشد بادرنظرداشت فکتـــور «فاصله ووقـت» تاثیرات اتومسفیر را اندازه گیری نماید .

نقطه تعجب اینستکه در ستیشن (واویلوف) نه تنها اجسام ووسایط مورد تجربه وآزمایش قرار میگیرد بلکه میتوان انسانها را نیز درین ستیشن مورد معاینات فزیکی ، روحی وجسمی قرار داد .

در چندماه اخیرکه آوازه تتبعا ت علمـــی مربوط قطب شمال به هرطرف پخش گردیده بسیاری از دانشمندان امور عمرانی وخانه‌سازی به صوب قطب شمال رهسپار شدند و برطبق اطلاعات واصله در طی سه سال گذشتـــــه بیش از (۷۰) نفر مهندس ومعمار دریـــن ستیشن تحت تربیه وپرورش قرار گرفته‌است که البته درین جمله چنـــدتن از دانشمندان شعبهٔ (گلاسیولوژی) شهر ماسکو نیز سهـم داشته است . در اخیر باید گفت که گنبد (واویلوف) را میتوان یك مودلی از تحـولات طبیعی قطب شمال محسوب نمودکه اینك امروز تحت کنترول بشر قرار گرفته و هر لحظـــه درمورد آن کاوشهای علمی صورت میگیرد .

بقیه صفحه ۴۰

سینما برای انقلاب

که فیلم های مستند یا دا کو نتر ی مثـل فیلم های دیگر از صغری‌و کبری هنـــری مملو وا نبا شته است ، ودر تبین ارتستیك با فیلم ها ی داستا نی فر قی ندارد.ولـی آیا با همین چند شماره میتوا ن تما م نو آوری های ایز نشتا ین را درین فیلم شمار کرد ؟ نه هر گز!

او درین فیلم نو آوری های زیا د ی‌کرده که بر رسی د قیق و هنری آنها به ساعت هابحث ضرورت دارد.

آیز نشتا ین کتاب های زیادی در با ره سینما نو شته که امروزه در هر فا کو لته سینما یی ، چه هنری باشد ویا انگلیس یا امر یکا یی تدریس میشود .

او فیلم ها ی زیادی ساخت و به ا کثر کشور ها ی جها ن مسا فر ت کرد ..

او در کنا ر فیلم سازی در دانشگاه های هنری جها ن سخنرا نی های زیادی کردکه تا امروز تند نو یس آن ها دست بد ست می گر دد .

بلی آیز نشتا ین یك انقلابی وا قعـــی بود و هر گز به ببرو کرا سی هنر ی تسلیم نشد .. محرو میت ها را بخا طرایجاد هنر خا لص انقلابی قبول کرد .

سر انجام ایز نشتا ین بعد از سا ختن چندین فیلم با شکوه. درسال۱۹۴۸بـــعمر ۴۹ سالگی با دل پر درد چشم از جهـــان پو شید و هزار ها طرح پر شکو ه سینمایی را با خود بگور ستان برد .

پایان

بقیه صفحه ۱۷

فرهنگ...

وهم آشنا ساختن مردم با هنر های زیبا در جامعه سوسیالستی این کشور یك‌فکتور مهم تلقـی میشود .

رویداد عمده دیگر در زندگی هنری مردم آنکشور تدویرفیستوالهاوتجلیل های‌مخصوص هنری درتمام‌نقاط آنکشوراست این‌فیستوال‌ها ومحافل هنر را در خدمت عامه قرار میدهد و زمینه نزد یکتر شدن هنرمندان وزحمت کشان را فراهم میسازد. اینها همچـــنان هنر را در میان ملت میبرند وباعث ازدیـاد انکشاف فرهنگی ملیونها نفر میگردند وهم سطح آگاهی خلق رادر قسمت هنر هـــای زیبا بلند میبرند .

قبل از پیـروزی انقلاب سوسیالستی در بلغاریا آثار عمده به جزاز آثار ونوشتـــه های ایوان وزوف عمده ترین نویسنده وپدر ادبیات بلغاریا وجود نداشت مگـــر بعد از انقلاب سپتمبر بابمیان آمدن آثار دمتریموف دیمترتلیف، جورجی کراسلاتوف، امل‌ستانیف وغیره بلغاریادر صحنه بین‌المللی بادرخشش خاص ظاهـر شـــد .

مشهور ترین کتابها درسی وپنج سال اخیر توسط جوانان واشخاص دارای سنین متوسط تالیف شده .

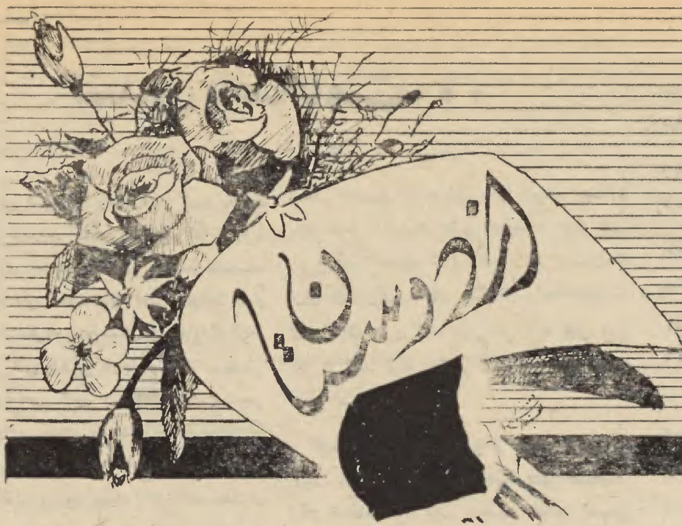
ایـــن مولفین جوان عمیقتر در مشکلات‌زندگی معاصر نفوذ می کنند . از جمله ایشان‌میتوان ازپاول وژحینوف، اندری گلیاشکی ،بوگومیل اینوف ، اوپلوپتروف، دنیمترووا نامبرد.این ها مانند کهکشان روشن ونویسندگان‌بااستعداد میخواهند چهره ادبیات امروز بلغاریا راروشن سازند.

شعر نیز به‌مدارج بلند ایدیالوژیکی دست یافته‌است . آثار ایلیساویتا، بگـــریانا، ویسلین خانچیف لیوبو میرلیچیف ....درین زمینه‌قابل یاد آوری است درقـــسمت شرح انکشافاتیکه توسط فر هنگ سوسیالیستی‌در ساحه های مختلف صورت‌گرفته بایدبه‌پیشرفت های نقاشی رسامی موزیك ویتاتر اشاره‌نمود

خوانندگان مشهوربین‌المللی چون‌نیکولاـ جیواوف، الیابشکوف، الچیف، یوان فیونیف وغیره کمپوزرهای معروف‌مانند. لیوبرومیرپاـ پکوف ، ویسیلین ستویانوف ،را درموسیقی نام برد .

دست آوردهای مدرن هنری دربلغاریا در خارج ازان کشور نیز شهرت زیاد پیداکرده وجز کلتورجهان شده است کتب تالیف‌شده دربلغاریا در اتحاد شوروی درغرب‌وشرق‌درهر کجایکه خوانندگان مترقی وکنجکاو وجوددارد ترجمه وبه‌شماره‌های‌متعدد‌به چاپ‌رسیده‌است کانسرت‌ها وانسمبل های که توسط‌تك‌نوازان وهنرمندان بلغاریا در پاریس ،مسکو، لندن، روم ،نیویارك ودیگر شهرهای جهان‌اجراشده باحرارت زیاد ازطرف‌هزاران نفر مورداستقبال قرار گرفته است .

باتعیین یك آغاز مناسب وجهت معین‌ودرست کلتور مدرن سوسیالیستی دربلغاریا راه‌خودرا بطرف‌مدارج عالیترخواهد پیمود.



مادر وطن

ای وطن نغمه سازت جهان گرفت‌کنون
خصم ترا آتش به دامان گر فت‌کنون
بد خوا هی توکه از درد مینا لـدمدام
بهر تزویر دامن قرآن گر فت کنون
اخوان که بیما رست در فکرتفرقه ما
جمعی رابه حیله کفر ایمان‌گرفت‌کنون
شکست انقلاب خلقست امر محـال
کاین نقد خون صد انسان گر فت‌کنون
درس آزادگی آموز از مادر وطـن

تادر عصر صه‌گیتی‌فکرجوان‌گرفت‌کنون
میرسد تا کهکشان پرواز سفینه مـا
گلبا نك هستی راه آسمان گرفت‌کنون
چراغ شوق سوزد در گلستا ن وجود
که حاصل بازو خود دهقان گرفت‌کنون
سرکش آرین سرودی در گلشن ادب
نوای بلبل شو ریده فغان گرفت‌کنون

ناصر ارین

از ـ فرهاد «لبیب»

صبح امید

سحردمید ، نزید دگر گرانی وخواب
بجنب زبستر تاریـك روسوی آفتاب
عذاب ظلمت شبهای پر زیأس بس است
به قلب صامت ظلمت چو آفتاب بتاب
یارآن شب های بی‌ستاره ببرازخاطرخود
پاك از سر بنماگرد کلورت چوسحاب
داغ هـا از بـدل دشمن مـا همت‌ما
خیز انداز تو غوغا در این دیر خراب
هادی ماکه شد این نور جهانتاب(فرهاد)
باز هم خواب چوزنبور نبود کار صواب

نوشته- عزیز آسوده طهماس

... وفردا روز عید بود !

روی دیوار کاهگلی کرتی نسواری رنگی آویزان بود ، اندکی رنگ ورورفته معلوم می‌شد ، شاریدگی هایی هم در دهان آستین وگردن آن دیده میشد گـویی کرتـی درآن دیوار چیز اضافی بنظر می‌آمد. هیچ تناسبی نداشت . بیقواره وبد نما .

پسرکی کوچك باولع آنرا می‌نگریست . وبا نگاه آنرا می‌لیسید ، وبرق سروری در سیمایش می‌دوید ، پسرك ده یازده ساله‌یی بود باچهرۀ زرد وچشمانی فرو رفته . لحاف کهنه وچرکین رویش پهن بود، میـخواست بر خیزد ، بسوی کرتی روی دیوار از جـا جنبید، اما احساس میکردکـه دوباره بسوی زمین کشیده میشود ، پایش در پارگی‌لحاف گیر مانده بود .

دوباره سر جا یش آرام گرفت • گویـی تصمیمش را برای بر خاستن عوض کـرده بود یکباردیگر دیوار خانه‌رااز نظر گذشتاند فردا روز عید است ، واواین کرتی را می پوشد ، فردا برای او عیدی خواهندداد و...

دلش مالامال از ذوق وشادی شد وآهسته آهسته پلك هایش سنگینی میکرد .

صدای زنی از بیرون شنیده شد، قاسم ! بچیم ! چراغه رخصت کوکه اینالی صا حب خانه باز غالمغال میکنه ...

درصدای زن ناراحتی وکر ختی محسوسی نمودار بود، پسرك باعجله برخاست وچـراغ را خاموش کرد ، خانه دیگر تاریك شـده بود . پسرك دو باره در جایش آرام گرفت ، وچشم از دیواری که کرتی برآن آویختـه شده بود، دور نمیکرد لحظه یی بعد خواب در چشمانش خانه کرد .

گرمی نفسهایی را روی گونه اش احساس نمود . چشمانش را کشود، دیدمادرش هنوز خواب است . چین‌ها وخط هایی در چهـره مادرش بنظر می آمد . خستگی وگـذشت سالیان دراز، بارنجی جانکاه ودیر پای بر چهره زن نشانه گذاشته بود. پسرك لحظه‌یی به‌قیافه مادرش خیره ماند. او شبهای دیگـر هم به این قیافۀ تکیده وخسته نگاه کـرده بود ، ولی حالامثل اینکه قیافۀ مادرش‌غمگین تر وشکسته تر شده بود. میخواست بیدارش کند. میخواست با او گپ بزند. وبپرسدکه: چرامادر؟ چرا غمگین هستی ؟ آخر سباعید اس، همه خوشحال هستن ، تو چراغمگیـن هستی ؟ اما جرات اینکار را نداشت ، زیرا میترسید که مادرش او را لت وکوب نکند. دیروز هم یکبار او رالت کرد ودستانش را سیاه وکبود ساخته بود با خودش در جدال بود: دیروز خومه سنگ بازی میکدم کـه مره زد، اماحالی خو سنگ بازی نمی کنم ، ازش پرسان میکنیم که چرا غمگین اس ، چرا خوشحالی نمیکنه کــه سبا عیـد اس همسایه های ماهمۀ شان خوشحال هستن زن ها، بچه ها، همه خوش استن، بری خـود کالای نو ساختن. جانو ، قیام وحمیدك هـم حمام میرفتن که سبا عید اس، عین حاجـی فیض الدین دکاندار هم ریش خوده رنگ کده، همگی تیاری گر فتـن اما ننیمه چـرا اینالی سوب میشه تاحالی ازخو بیدارنشده...

باردیگر نفسهای مادرش گونه هـای پسرك راتندتر نوازش داد. وبعد اندکی بخود جنبید ودستش راکه زیر پهلویش شده بود بیرون آورد وروی زنخش قرار داد، دست‌های‌مادرش پر از چملکیها بود شفافیتی در پوستش دیده نمیشد، مثل اینکه بـوی صابون کالاشویـی میداد از چند روز پیش کالای همسایه ها را شسته بود. از این بوی هیچ خوشش نمی‌آمد، این بو دیگر برایش نامطبوع شده بود و کسل کننده .

خورخور خواب هنوز هم خانه را انباشته بود . بانوعی نگرانی اطرافش را نگریست

از ماسکو نیوز

ترجمه محمدیوسف (شیرزاد)

روز بین المللی ناشنوایان

بیست ودو سال پیش در اولین‌فدراسیون جهانی ناشنوایان بیست وسه دسمبر روزبین- المللی ناشنوایان اعلان گردید .

به صورت مجموعی چهل ملیون نفر معیوب وناشنوا ازشصت وسه‌کشور جهان در یـن فدراسیون تنظیم‌شدند. کانگرس هشتم‌فدراسیون جهانی ناشنوایان که تابستان سال گذشته در بلغاریا برگذار شد یـك ر و یـداد بزرگی در زندگی ناشنوایان بشمار می‌رود. درین کانگرس چار هزار ویکصد نفر نماینده از شصت ویك کشور جهان اشتراك کرده بودند. درضمن‌اشتراك کنندگان این‌فدراسیون با اشخاص معیوب وناشنوای کشور مهماندار (بلغاریا) از نزدیك باز دید بعمل آوردند. علاوه بران برگذاری این کانگرس عملی‌بودبه نفع وپیشرفت جهان که با عملی نمودن‌تصامیم آن امروز دربلغاریا طفلی ناشنوایی‌وجودندارد که‌زمینه آموزش مخصوص در کودکستانها وهم امکانات آموزش مخصوص به سویه متو سط وعالی برایش درین موسسات وجود نداشته باشد . پیشس ازانقلاب‌سوسیالیستی در ۱۹۴۴ چارده فیصد از اطفال ناشنوا موفــق به فراگرفتن آموزش شده بودند مگـر در یـن او اخر مکتب وفرا گرفتن آموزش به یك‌پیمانه وسیعی بامیتود های جـدید سمعی‌وبصری و میتودهای انکشافی در زمینه‌تدریس به مشاهده می‌رسد .

مادرش آرام خوابیده بود. اوهمیشه همینطور میخوابید . یك پهلو کنجلك وبا دست وپای جمع کرده .

خوشحالی پوشیدن کرتی دلش را به تپش می انداخت . دلش میخواست برخیزد ویکبار دیگر آنرا بپوشد . دیروز چند بار آنرا پوشید . مادرش تکمه های نوی برایش دوخت وکاج های آنرا دوباره بخیه کرد.

خودش هم نمیدانست که چرا ازین کرتی خوشش می آید، اما همینقدر می دانست وبیادش بودکه از همان روزیکه بچه همسایه ایشان جمشید. تازه آنرا پوشیده بود او از این کرتی خیلی خوشش آمد .

جمشید هرروز که آنرا می پوشید . با موتری سیاهرنگ با پدرش به شهر میرفت. بچه های کوچه هم جمشید را دوست‌داشتند. مثل اینکه همه میخواستند با او بازی کنند . همه بچه ها .

بازهم احساس خوشحالی دلش را انباشته ساخت . حالا او همان کرتی رادر اختیار داشت . درست روبرویش بردیوار آویخته بود .

دیروز چاشت وقتی به خانه‌همسایه رفت خودش را ازترس مادر جمشید پشت درخت چاروبته بلندی پنهان کرد. بوی غذاهای سرخ کرده، بوی گوشت وبرنج دم کرده، فضارا پرساخته بود. وزن همسایه رادید که نیم تنه اش را از ارسی منزل دوم بیرون کرده وکرتی رابه حویلی انداخت وبه مادرش گفت :

ننه قاسم ـ چه شدی ؟ بیگی که غیری میگفتی واق وسوق میکدی . بیگی وازسرما دست وردار ... ومادرش با چشمان اشك‌آلود آنرا گرفت وبکراست بخانه آمد . او هم دنبالش آمد . در خانه که دید آستینش گل آلود بود .

چشم های مادرش هم سرخ بودوورم کرده. مادر باگوشه چادر چرك سوخته اش گونه هایش را پاك کرد .

وقتی آنراپوشید بشدت احساس خوشحالی میکرد. مادرش هم لبخند می زد. چقدر این لبخند برایش گوارا ولذت آور بود . هیچوقت لبخندی اینگونه دلپذیر در چهره مادرش رنگ نگرفته بود. وهیچگاهی او مادرش را بدانگونه شاد ندیده بود .

باآنهم چشمانش مرطوب واشك آلود بود. دهانش راباز کردکه از مادرش بپرسد: چراگریه میکنی مادر؟ امامادر تار های کرتی رابا انگشتان کفیده‌اش می کند وگویی فکر های دور و درازی در ذهنش می لغزید . قیافه‌اش راکه زیر بار رنجی جانکاه می‌لمید، استوار نگهمیداشت . مگر لب های ترك‌خورده وخشك زن، آهسته جنبید . صدای گنگی شنیده میشد، آهسته گفت: « اگه پدر میداشتی .. اگه ...» وگویی‌حرفهای‌دیگرش رابالعاب دهن فرت‌کرد.

پسرك اینطرف وآنطرف دوید، باخوشحالی دستانش رادر جیب های دوطرف کرتی فرو برده بود. بعد ایستاد چشمانش را به مادرش دوخت وگفت : اوه ... ننه باش جیب های بغلیشه ببالم که پیسه اس یانه ؟

ومادر ... مثل اینکه گلویش بندیده باشد جویده جویده گفت : نه ! قاسم‌بچیم ده کرتی‌کهنه کسی پیسه خوده نمیمانه .

دستان کوچك وریزه ریزه قاسم درجیب هایی که سوراخ شده بود باپین و بالا میرفت . وخطوط چهره اش لحظه به‌لحظه تغییر می نمود .

مادرش بدیوار تکیه داده بود. خیره خیره حرکات پسرش رامی نگریست . قاسم پس از پالیدن جیب هاکودکانه پرسید : ننه ! حالی سبا خوعید اس نی ؟ مادر با حسرت جواب داد : هان عید اس بچیم .

پسر متملقانه ادامه داد : ننه کسی که کالای نو بپوشد اوره دیگاعیدی میتن ؟ حالی مه هم که ای کرتی ره بپوشم مرام عیدی میتن ؟

مادر سکوت کرده بود. وکودك دو باره سوالش را تکرار کرد ومادر ناچار درجوابش گفت :

هان بچیم نره مه عیدی میتم ... تو بچه مه هستی .. هرکس بچه خوده عیدی میته . وقاسم دنبالهٔ فکر های مادرش را گرفت ... افتوکه برآید وعید شوه همه عیدی می‌کنن‌ ده کوچه بچه هاهم میاین . جانو، قسام، حمیدك .

جمشید هم دگه کالای نو خوده پوشیده میایه . حالی خومره بچا میمانن که کنیشان بازی کنیم ... مره نخات زدن ...اگه‌بزنن.. اونا پیسای عیدی خوده میارن واز بازار هر چیز میخرن .. مگه‌مره خونمیتن،مره‌ننیم عیدی میته .. ننیم پیسه از کجا کنه ؟ ننیم ... ننیم ... ودیگر پلکهایش سنگینی کرد چشمانش بسته شد وبخواب رفت .

روشنی در پهنهٔ آسمان دویده بود . صدای آذان خروسان ازدور دست ها دنبال هم به گوش می آمد. پرندگان هم‌میخواندند پسرك ازین پهلو به آن پهلومیشد ناآرام وسراسیمه بود. خانه خاموش بود .

صدای جرق جرق شنیده شد. پسرك دندانهایش رامیخایید. مادرچشمانش راگشود. ازلای مژه هابه پسرش نگاه کرد . پسرش در خواب لبخند میزد . مادر دوباره چشمانش را بست .

ننه .. ننه چه شدی ؟ ننه ! مادر آشفته وخسته سرش را بلندکرد پسرك دستش را دراز کرده‌بود. مادر جوابش داد: چرابچیم، چرا جان مادر ؟

ولی چشمان پسرك بسته بود. مثل اینکه خواب می دید . مادر لختی به پسرش نگاه کرد. بعد دو باره رویش را پنهان کرد . صدای پسرك دوباره بلند شد: ننه چه‌شدی؟ مره عیدی بتی نی، کل بچا از هرکس عیدی گرفتن، توچرا مره‌عیدی نمیتی ؟ ننه ! ننه!

زن دو باره سراسیمه از خواب پرید . چرا قاسم جان ! جان مادر ؟

چشمان خواب آلود زن که سرخ وورم کرده بود، پر از اشك شد، اندوهی ژرف وگنگ بردلش نشست . گویی با ناخن هاسینه اش خراشیده میشد. پهنای آسمان با سپیده شیری رنگ صبحگاهی آغشته بود .

کرتی نسواری رنگ که درهوای نیمه روشن صبح سیاه بنظر میامد برگل میخ روی دیوار آویخته بود .

مادر دستش را دراز کرداز زیر بالش دستمال چرکین وکثیفی رابیرون کرده . گره رابا انگشتان لاغر و استخوانیش کشود ، سکه یی در روشنی صبح برق زد. آنرا در میان مشتش فشرد .

وباز هم جرق جرق جویدن دندان شنیده شد ودنبال آن صدای پسرك که میگفت : ننه چه شدی ؟ مره عیدی بتی نی . کل بچا عیدی گرفتن ...

مادر دستش را دراز کرد پسرش رابه آغوشش فشرد .

بانگ خروسی از خانهٔ همسایه بلند شد، ونفسهای گرم مادر چهرهٔ پسر را نوازش میداد وسکه یی در مشت گره کردهٔ زن‌قرار داشت وصدای پسرك همچنان شنیده میشد : ننه ...! ننه ...!

از عبدالمجید سپند

محو بی سوادی

ای خلقهای افغان
کوشید از دل وجان

رزمندگان دوران
در محو بی سوادی

* * *

روز وطن سیاه بود
در بین توده وخلق
ای نسل قهرمانان

در عهد ارتجاع بود
علم و هنر گناه بود
کوشید از دل و جان

در محو بی سوادی

علم است راه بینت
درتاریکی وجهل است
در روشنی عرفان

بکشا کنون جبینت
دشمن چو در کمینت
کوشید از دل و جان

در محو بی سوادی

ای آنکه مستمندی
تا کی در آتش یاس
دور افگنید حرمان

تا چند این پسندی
در سوز چون سپندی
کوشید از دل و جان

در محو بی سوادی

داغدیده

نه ازرنج می هراسم نه زداربـاك دارم   جگر هزار داغـی دل چاك چاك دارم
غم والتهاب قلبم بود از برای مردم   که به میهنم محبت وبه خلق غمگسارم
ز شکنجه هاودهشت، نشوم اسیروحشت   که‌نبردباتبهکار بـود این همیشه کارم
نه من‌آن شکسته بالم،که ززندگی‌بنالم   زنبرد زندگانی نه گهی فرو گـذارم
وطن ای نوزادگاهم ، دمنت بود پناهم   دل وجان خویشتن رابرهی تومی سپارم
بدلم شکست‌گاهی ، نکند نفوذ وراهی   که چوموج پر خروشم وچوکوه‌پایدارم

اگر از شکنجه میرم، واگرزنند تیرم،
غم ودردبی نوایان بود آخرین شعارم

امین‌الله «همکار»

رازقی نریوال

دهیوادودانی

لکه خنگه ارپا لی مو چی د نور انقلاب کړ
نو وطنه !تابه هم داسی ودان کړو
لکه ستا په بنو ریدلو چی نړی وخوږیدله
لاتر دی به دی هم گوره لکه زړه د ټول جهان کړو
انقلاب سری پلو شی چی دی خپر پړی هری خوا ته
لاتر دینه ستا هرگوټ به خلیدونکی ځرا غان کړو
په قلم ، لور او سټك زموږ وکړودا هوډ کـړی
هره دښته او میره به دی آباد او گلستان کړو
هر عسکر دی ملا تړلی اووسله په لاس تیار دی
له‌یوی مخی به محـوه ستا بـد ذاته دښمنان کړو
ستا په سره خلقی سنگر کی انقلاب ته دفاع کیږی
دی سنگر کی خوبه خاوری اخوا تیان او انگلیسان کړو
لکه خنگه چی نړی دی انقلاب ته پـه تعجب شوه
ودانی چا رو کی هم به دی جهان‌ځانته حیران کړو
موږ له سرو ما له نیریو څو چی نه په امان او سی
داخپل ځان خوبه له تانه سپیلنی غوندی قربان کړو
دغه هوډی ستا د ټولو کار گرانو بزگرانو
ستا دسترو پر گـنیو دسپیڅلو سر و خلقیا نو

آتشفشانی های خطرناک جهان

چاه‌های عمیق حرارتی

آتشفشانی در جهان امروز

پترول یگانه موادی نیست که کاملا متکی به آن بود بلکه منابـــع دیگری نیزدر اعماق زمین وجود دارند که میتواند نیازمندی بشر را درمورد رفـــع نماید و منابـــع انرژی تنها وتنها متکی به منابـــع حرارتی اعماق زمین نبوده بلکه مواد دیگری نیز وجود دارد که‌این کـار را انجام‌میدهد چنانچه‌درجزیره ها وایی ریشهٔ یکنوع نبـات است که تا حـــدودی نیاز مندی انرژی حرارتی رامرفوع مـی‌سازد درجزیره هاوایی درشهر اوهایو کــه دارای ۸۰۰۰۰۰ نفوس بوده موادصنایعه طبیعی‌ونباتی راجهت تولید انرژی جـــمـع واز آن استفاده بعمل‌میاورند که‌این استفاده تاحدودی نیازمندی وانکای مارا به پترول کمتر ساخته است •

درآنجاییکه تکنالوژی رشد کافی نموده و منابع انرژی حرارتی در اعماق زمیـــن نیـز مشهور است دانشمندان اظهار عقیده میکنندکه درآینده تکالیف اجتماع بشری نسبت بـــه انرژی ناحدودی رفـــع خواهدشد•

جزیره هاوایی یکی از پنجاومین ایا لـت اضلاع متحده است که‌نفوس آن‌نسبت بـــه سایر ایالات متفرق بوده وتعداد آتش‌فشان در آنجا به کثرت دیده میشود دانشمندان در تلاش اند تاچاه های محل آتش فشانی رادر-یابند تااز آن بتوانند استفاده اعظمی‌درجامعه بشری بعمل آورند شش سال قبل پوهنتون هاوایی درمورد تحقیقات بعمل آورد که‌درحدود دوسال قبل متخصصین موفـــق به کشف‌چاه عمیق حرارتی گردیدند که در حدود ۳۵۷ درجه سانتی گرید در عمق ۱۹٦۰ متر حرارت قابل ملاحظه داشته است این‌چاه حرارتی‌هرروزمورد معاینه‌ومطالعه قرار داشته‌وبعداز ٤۲ روز تحقیق ثابت گردید که چاه حرارتی مذکور حرارت زیادی داشته که ازآن میتوان سه میگاه وات دستگاه حرارتی رابدوران انداخت •

یکی از پروفیسوران که مشغول تحقیق و مطالعه انرژی حرارتی اعماق زمین است به‌اثر کشف این حادثه جنین نظر میدهد که آبهای گرم در اعماق زمین وجود دارندکه از مجراهای آتش فشانی در بحر در حدود ٦۵ کیلو متر جریان یافته وبعدا باآب مخلوط میگرددبه‌نظر اواین منابـــع تاکنون پیمانه و مقدار آن‌اندازه نشده وگفته میشود که در حدود هزار میگاوات انرژی برقی را میتواند تولید نمایند •

به گفته محقیقین ودانشمندان مربوط چاه های حراتی که تا حدودی به اثر تاثیرات آتش فشان ها بوجود میایند سالانه میتوانند ۵۰۰ میگاه وات انـرژی برقی راتولید نمایند کـه این انرژی برقی حرارتی را برای شهر یکه دارای نیم‌میلیون نفوس باشد درمدت‌یـکسال تدارك نموده بتواند•

به اثر حفریات وتحقیقات گفته مـی شود که چاه های عمیق حرارتی در مجاورت سایر منابـــع آتش فشانی‌دیده میشودکه درصورت امکان میتوان از منابـــع ذخیره وی حرارتی آن استفاده شایان بعمل آورد •

برای اینکه از ین منابـــع ذخیره وی استفاده شایان بعمل آوریم بودجه هنگفت جهت پیشبرد این کار ضرورت بوده‌تابتوان موفقیت های درزمینه رونما گـردد و ایـــن تلاش هادرحلقه‌های علوم‌به‌شدت هرچه بیشتر جریان دارد•

درسال ۱۹۵۵ به اثر آتش فشان که‌در جزیره هاوایی بوقوع پیوست و مقدار زیاد لاوا ازدهانه آتش فشان خارج‌گردید تاکنون دریای از سنگ های خاکی رنگ از آنجا بسوی دریاها وابحار جریان دارد آتش‌فشان مذکور برای بار دوم در سال ۱۹۷۷ بوقوع پیوست دانشمندان معتقدند که در مدت۲۰ سال‌آینده بتواندمنابع انرژی‌حرارتی‌زیاد تری رادر جهت استفاده عا لـــم بشریت کشف نمایند •



یك جیالوجست هنگامی که‌فعالیت آتشفشان رامطالعه می‌نماید•

د٣٦ مخ پاتې

دبالت دنڅاګانو..

په تر بیوی چارو کی ونډه‌وا خلــی او خپل رول ولو بوی . په څــو وروستیو کلو نو کی دقزا کستان‌د عصری با لت دتعلیمی او تر بیوی پرو ګرا مو نو دغوره انسجام دپاره دفولکور یکونڅا ګانو اانسا مبــل هم جوړ شو یدی . دیوی ورو ستی احصا ییوی را پور له مخی اوس اوس دقزا کستان دآرت او هنری په‌صر فوی او تعلیمی مر کز کــی دقزا کستان دجمهور یت دبیلابیلو سیمو څخه څه دپاسه دری ســوه هلکان او نجو نی دبا لت دډول ډول نڅاګانو په زده کو لوبوخت دی.د جوړ شوی پرو ګرام له مخی هغــه هلکان او نجو نی چی د١٢ ـ١٤ کلونو یوری عمر لری دکلا سیکــو نڅاګانو اسا سات او علمی‌پرنسیپونه زده کوی .١٥ـ٢٠ کلن نجو نــی

او هلکان ډیر مشکل او پیچلــــی درسو نه او کمپو زو نه زده کوی‌او لکه‌چی په دغه برخه کی ورو ستیو راپور ونو وښودل یوا زی‌د١٩٧٩ یال په اوږدو کی ددغه رازشاګردانو پواسطه څلور ډوله شوی کمپو زونه دستیژ ډګر ته وړا ندی شوی‌دی . باید وویل شی چی ددغه ډول پارچو او کمپو زونو دوړاندی کو لو او ښو دلو په برخه کی دقزا کستان‌د جمهور یت ددو لتی اکا ډمی دتیاتر، بالت وپرا کار کوو نکی هم ونډه اخلی ، څرنګه چی (بایی) دقزاکستان دجمهور یت دآرت او هنر دودی او پرا ختیا په برخه کی ستره ونډه اخیستی ده نو ځکه ددغه جمهور یت دلوړو مقا ماتو دپر یکړی له‌مخی‌دهغه ځای ددو لتی اکا ډمی تعلیمی او تر بیوی مر کز د«ابایی» پا نامـــــه نو مول شو یدی ، دیو لړ مخصوصو درسو نو او لکچرو نو په مرستـــه ددغه تعلیمی مر کز شا ګردان او زده کوونکی دآرت او هنر دڅا نوی دوری تعلیمی پرو ګرا مونه‌تعقیبوی. په داسی حال کی چی دقزا کستان دجمهور یت دنورو سیمو شا ګردان او زده کوو نکی ددغه تعلیمی مرکز په لیلیه کی ژوند کوی دمسکــو، لیننګراد ، اودغه راز دشو روی ـ اتحاد دی‌ورو ښا رو نو او سترو مر کزو نو ښوو نکی ، هنر مندان، کمپو زران او استا دان په ټا نوی‌او دهغی څخه په لوی و تعلیمی کدرونو



(ندږدا ،تیخو نووا) دلنینګراد دیوی ښو نکی تر لار ښوو نی‌لاندی دنــڅا دیوی پار چی داجرا کو لوپه‌حال کی .

کی شا ګردا نرته لار ښوو نه کوی او دهغوی دعلمی تطبیقا تو په برخه کی ونډه اخلی .

حقیقت دادی چی د«الماتا»دآرت او هنر دښښو ونځی یو زیات شمیر دپخوا نیو مناز عا تو همدا اوس‌د بالت، او پراوو تیا تر په بیلا بیلو برخو کی پوره شهر ت ګټلی او لانور هم ددوی خلاقه قدر تو نه‌اوپت استعدادو نه دغو ړیدو په حال کی دی. د(الماتا) داوپرا ، با لت او تیاتر تعلیمی مر کز اوس دمسکو، کیف لیننګراد اودشوروی اتحادد نورو تیا ترو نو او اوپرا ګا نبوسره پوره رقا بت کو لای شی .د ١٩٧٢ کال څخه تر اوسه پوښری دالما تــا دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی پنځه ملی مسا بقــی او دری نړ ـ یوا لی مسا بقی جوړی شوی او ټاکل شو یده چی د١٩٧٢ کال تــرورو ـ ستیو ورځو پوری په دغه مر کزکی در ی نوری مسا بقی هم جوړی‌شی.

دقزا کستان‌دتیا تر ، با لت او اوپرا په ښوو نځی کی دهلکانواو نجونو دپټو استعدادو نو دروز لود دپاره دسمعی او بصری وا حدونو څخه زیاته او څو اړ خیزی‌استفادی صورت نیسی او با ید وویل شــی چی په دغه برخه کی دتعلیمی‌تلوـ یزیون او تر بیوی ګیست ونډه زیاته ده . دهغه دوه مهم تحولات او انکشا فو نه چی د١٩٧٨ کال څخه را په دیخوا دقزا کستان دآرت او هنر په تعلیمی مر کز کی رامنځ‌ته شوی دی هغه دد غــه مر کـــز په لیلیه کارو نو کی دیو لـــړ نوو تحو لاتو او په هغه کی دځینو سو سیا لیستی ورو نــو هیوادود شا ګردانو دشا ملید لو څخه عبارت

دی .دډور تنی اصل له مخی‌د١٩٧٨ کال دجنو ری دمیا شتی دشروع څخه را په یخوا دپو لنډ، چکوسلوا ـ کیا، دآلمان ددمو کار تیک جمهورـ یت ، بلغار یا او هنګری یو زیات څوا نو هلکا نو او نجو نو ته ددغه تعلیمی اختصا صی مر کز په بیـلا

بیلو رشتو کی دزده کړی چا نس ور کړ شوی‌دی . سږ کال دلو مړی ځل دپاره ددغه تعلیمی مر کـــزد ټانوی دوری شا ګردا نو او زه کوـ ونکو ته بلنه ور کړی شوه چی بلغار ا ته سفر وکړی او هلتـــــه دتوری سمندر کی په سوا حللو کی‌د هغه هیواد دتور ستکی تا سیساتواو دوی ښو نکی تر لار ښوو نی لاندی

ټاکل شو ده چی په ١٩٨٠ کال کی دالماتا دآرت او هنر دتعلیمی مر کز ددواړو دورو شا ګران د آلمان دمو کرا تیک‌جمهور ت او پو لنډ هیوادو تو په سفر وکړی .

بقیه صفحه ٢٤

هدف عمدهٔ دیتانت...

اتحادشوروی بطورجدی علیه نژادپرستان افریقای جنوبی قدعلم کرده است ومی طلبد تا هرچه زودتر این سیاست غیر انسانی خاتمه یابد. به‌تمام خلقهای مستعمره باید فرصت‌ومجال داده شود تا به اساس حق خود ارادیت بــه استقلال خود نایل آیند .

ملل متحد روزتا روز به این عقیده میرسد خطـری که ازطـرف متحدین چـپ نـمای امپر یالیزم متوجه است نه‌تنها دامنگیر کشور همجوار آن بوده بلکه صلح جهانی‌را به مخاطره می اندازد .

تهاجم همه‌جانبه متحدین‌چپ نمای امپریالیزم برعلیه ویتنام‌وتلاشهای مداوم آنهابرای‌مداخله در امور ویتنام، کمپوچیا. لاوس ودول دیگر جنوب شرق آسیا واد عای حق «آموخـتن درس » عبرت به کشور های که در بــرابر قدرت‌بزرگ‌متحدین چپ‌نمای‌امپریالیزم‌مقاومت‌می ورزند مغایرت مشهود به اساسات ملل متحد به شمار میرود . چنین نوع فعالیت ها برای کشوری که عضویت دایمی سازمان امنیت را دارد کاملا غیر مجاز بشمار میرود و دول‌عضو ملل متحد به چنین سیاستی اجازه فعالیـت نخواهد داد در جهان بحیث سیاست ملل‌متحد

در عرصه اقتصادی، اتحاد شوروی کمافی‌سابق از مبارزه دول در حال رشد برای تـا سیس مناسبات اقتصادی بین المللی مبنی براصول عادلانه ودیموکراتیك حمایت کرده است .

عدم انکشاف محسوس وقابل ملاحظه بـرای بهبود بخشیدن موفقیت اقتصادی کشورهای جهان سوم نتیجه مستقیم سیاست قدرت های سر مایه‌داری بـزرگ بشمار میرود کــه میخواهند استعمار اقتصادی ر احفظ نمایـند ویه استثمار وغارت منابع طبیعی دول‌درحال رشد ادامه دهند .

سی‌وچارمین اجلاس عمومی ملل‌متحد که اندکی بعد از سالروز چهلمین سال آغـاز جنگ جهانی دوم ، جنگی کـه خا طـرات خرابکارانه وخونریـزی های بـرای همـه‌در اذهان بشریت باقی ماند منعقد گشت؟

خاطره ملیون ها انسان کـه درین جنـگ خانمانسوز جان های شرین خود را از دست دادند • نسل کنونی را مجبور مـی‌سازدتـا برای جلوگیری از تکرار چنین تراژیدی‌تمام مساعی خویش را بخرج دهند . سازمان‌ملل متحد که در نتیجه پیروزی‌علیه فاشیزم‌اساس گذاشته شد می کوشد نـسل های آیـنده را ازخطر جنگ وارهاند . مبارزه برای این هدف در اجلاس جاری نیز ادامه خواهد یافت.

وظایف مهم وپر مسولیتی در برابراسامبله عمومی ملل متحد قــرار دارد . توقع خلق سراسر جهان اینست تافعالیت‌های این‌اسامبله در راه توسعه پروسه دیتانت ، تحکیم‌صلح، خلع سلاح واقعی ایشان‌از همکاری های همه جانبه براساس اصول همزیستی مسالمت‌آمیز گسترش یابد.

هغوی چی ژوندی دی

«ژان لافایت»

تیریسی

هغه موږ ته کیسه کو له پس‌له هغه‌چی له‌عملیاتو څخه خلاصیده د خپلی ښځی سره هوا خوری ته او خپل هغه ورو ستی مر می یی د هیټلرود یو صا حب منصب په زړه کی تشو له او اوس دی غوا ړی چی زمو ږ د هغی نقشی په هکله و غږیږی چی په تطبیق یی بریالـی شوی نه‌و. پس له دی کیسی نه سو داگر (سر بر) دخپلو خبرو نه خوا شینی غو ندی ښکا ری سیمون ئی پراوزه وروهی او وایی:

–فکر یی مه کوه نه خو ملا مت نه وی ور وره !

موږ په حقیقت کی پداسی ځای کی یوچی دو یر غږ یدو فر صت نلرو دا ځکه چی ویریغږ یدوته‌مونه‌پریږدی. دشپی په‌نیمایی‌کی یوه کا سه اش مو ږته را کو ل کیږی هریوه ته‌یواځی یـولیتر رسیږی د سړی تن په سیږی خو اوږه له مینځه نه ځـی

دشپی له‌خوا یوه ټوټه ډوډی او یـوه ټوټه (سو سیسو ن) زمو ږور ځنی‌خواړه‌تشکیلوی دا هغه خواړه دی چی د کا ل په دری سوه پنځه شپیتو ور ځو کی تکراریږی یواځـی په‌اونی کی‌یـوه شپه (دچـارشنبی په شپه) یوه اندازه دمار گرین غوړی او یـوه قا شو غه مربا موږ ته را کو ی.

پس له غر می نه اندر ه مو ږ ته دیرونی میلمستیا په‌هکله غږیږ:

–ورو ټو زه نوران خوږه ډوډی هم نـه خوړم او یوا ځی مربا خوړم .

موږ یی لاد اردو گا ه‌غولی ته‌نه یو‌بیولی یو څه لمر شه چی سړی خپل ځان تو د کړی . کله‌چی دبـلو ک مشر موږ پوښتی چی غوا ړو بهر ته لاړ شو که نه تـــول په یو غږ وا یو چی موږ غواړو بهر ته لاړ شو خو دامو له یاده ایستلی دی چی بـه

خـانونو کی مو یواځی یو بنیان او یو نیکر دی او بس دارد و گا ه غو لی د هغو تیږ و څخه جو ړ شوی دی چی شو ی شوی ندی. ساړه عجیبه سوز لری سړ‌یادلگیږی،

بـزی مو سری شوی دی خـو او س نشی کیدا ی چی بیر ته و گر ځو .زموږ کا ر‌یی کړی دی د کړ کی تر شا (اشتو ب)دبلوک رئیس موږ باندی دملنډی په تو گه خـاندی

موږنه‌پوهیدلو چی څـه‌نقشه یی زموږ پـه هکله جوړه کړی ده لږ وروسته هغه دلمـر ډیری لری وړانگی چی موږ ته رسید لی د وریځو د ټو ټو لاندی پټیږی . یو ساعتو نکی د ځا رنی د برج له سر نه بد اسی حا ل کی چی خپل بر ستن یی پر اوږ و با ند ی اچولی موږ ته گوری زموږ بښی تور بخونی شو ی دی ښا یی چی کو م عکس العمل و ښیو او که نه تونو ر خو کـه به میره شی . دوه دوه کـه یو بل ته مخا مـــخ دریږو اوپه ورزشی حر کاتو پیل کوو خـو ژر ستړی کیږو . او س اسما ن تور شوی دی با را ن وروورو او ری . د هغو بسونوپه څیر چی په یوه تو فانی هوا کی گیر شوی وی یو ځای سره ټو لیږو هر یو هڅه کوی چی منځنی ځای ته ځان ورسوی غاښو نـه مو یو له بله سره لگیږی .

دوه کسه‌یی حاله‌گیږی په‌لندی اونم ناگی مـخکی بانــدی لویږی په‌همـــدی و خت کی د بلو ک رئیس په خپله ټر مه بستره‌کی خپل غرمنی خوب‌کوی.

یعنی څه ؟ داسی خو نشی کیدا ی چی خپل ځانونه مرگ‌ته تسلیم کړو . یوبل په‌سوك و هو یـوبل ټیل و هو چی کــه تاوده شو. شارلووایی :

–ملگرو زموږ وارهم دارسیږی!

اندره چغه کوی .

–زموږ وارهم دارسیږی .

فرا نسو یا ن په یو غږ وایی .

–زموږ وار به هم راور سیږی .

او یو بل ټینگ په غیږو کی نیسو.

دبخوانیو خلکو تجربه :

–او هیر ی مو ږ په کو مه سیمه کی یو.

–زه یو هیر م چی موږ ته علیم په لا س کی بند یا ن یو .

–موږ دمرگ په‌یوه اردو گاه کی یـو. د نا زی په یو ه اردو گاه کی . هغـه اردو گاه چی کـه سړی هلته مـر نشی وژنی یی. پدغه اردوگاه کی غذایـی رژیـم او دکا ر اندازه داسی سنجو ل شوی ده چی که یو غښتلی او رو غ سړی دلته را شی دشپږو میاشتو نه زیات مقاومـت و نشی کړای لمری هغه کسا ن له منځه و ړ ل کیږی چی کلیمیان ، یهـو د یـان اوکمو-نیستا ن دی .

تر او سه پوری په زر گو نه کلیمیا ن

یی د هغو سترو تیز ود با سه لاندی غورځولی‌دی. ځنی وختونه هغوی پدی مجبـور-وی چی په هغو ځایونو کی چی سر تگ الوزول کیږی باتی شی او پـدی تـو گـه دا نسا نا نو غو ښی او هډو کی دتیږ و له ټو ټو سره یو ځای هوا ته الوزی .

داس- اس کار دانسان ښکار کـو ل دی . ځنی و ختو نه سا تو نکی یو د بله سره شر ط تړی چی کو م یو به و کو لی شی دیوی ورځی په اوږدو کی ترټولو نـه زیات انسانان ښکـار کـړی . دو روستیو در یو کلو نو په اوږ دو کی یوا ځی پـه انسا ن سو زو نکو کو رو کی پنځـــه خلوېښت زره کسه‌ژوندی‌سوځول‌شوی دی .

البته هغه بند یا ن چی په لمړی سر کی دگاز په کوټو کـی وژل کـیږی او دجیل-خانی نمری ور با ند ی لیکل شوی نه دی دد‌غو کسا نو څخه مستثنی دی . په ښکاره توگه پس له‌دی نه‌چی ستا لینگراد اشغـال شوی دی دو زلو شمیر لږشوی دی خوددغه اردو گا ه څخه ځان ژغورل نا ممکنـــــه بر یښی .

دغه سړی چی له ما سره غږ یږی یــو الماني دفاشیزم ضد سړی دی چی ما هغـه د جگړی نه دمخه په با ریس کی لید لی و دغه سړی دزر گو نو تنو دوزلو شا هد دی ددی لپاره چی تل ئی ز ما په‌غوږ کی و یل: (نه لاړ او سه دو ی‌نه پیژنی) کله چـــی یوسړی د فاشیستانو منگولو ته ولو یـږی د ژغورنی هیله باید و نلری . خو زه خپل ژوند ی با ته کید و ته حیرا ن یم اوداسی عقیده لر م چی هیڅکله تو لی هیلـــــی له منځه ند ی تللی . زه نه غواړم چـــی عر شم او داسی حس کو م چی دغه تو لی سنو نزی به وز غمم ، پدی شر ط چـــی د لاری په نیما ئی کی می ونه وژنی پد غسی شرا یطو کی ز مو ږ لپاره یوا ځنی لاره ژوند ته ادامه ور کو ل دی ا و په همدغه وخت کی داسی احسا س کو م چی زما تول‌وطنوال له ما سره هم عقیده دی .

* * *

دا اته ورځی کیږی چی موږ پد غــــه اردو گاه کی یو . موږ یی داو لسم دمر بلوك څخه اووم نمبر بلوك ته لیږ دو لـی یو . پد غه بلو ك کی موږ له هغو بندیا نو سره چی د (رو منو یل) دبند یخا نی‌څخه

ټوی را غلی دی مخا مخ کیږو . دوی پس له مو ږ څخه دلته را ستانه شوی دی.(ناتاو) هم ددوی په‌ډله کی‌دی . ما ونښو کـښتر ای

چی‌هغه وگورم داځکه چی هغـــه د ستنیدو په‌وخت کـی د ننـه په کتارکـی سگرټ

څکولی واوله همدی امله یی ښه و هلـی اوټکولی واودهغه ټپ له کبله چی پـه شو نډی کی ئی پیدا شوی و رو غو ن‌نه

یی بیولی وبه ځای کی‌یی (روبس) و ینم هغه زموږ نه مخکی اردو گــاه ته راغلـی

و او ز مو ږ په گاو نډی بلو ك کی اوسیده هغه ښه دی رو حیه ئی لکه د تل په شان غښتلی ده له لیری نه ما ته خا ند ی د هغو ویښتا نو څخه ئی چی په رو منو یل کـی دهغه پر مخ با ند ی پرا ته وو کو مـــه نښه نښانه نشته . اوهمدا راز دیو خـوان

لیکوا ل سره اشنا شو ی یم . دی (پل) نو میږی مو ږ یوله بله سره مینه لرو.

موږ یی نن سهار شپا رسم نمبر بلو ك ته‌لیږ دولی یوداهم یودفرانطین سو یـو بلوکونو څخه دی چی دنوروبلو کو نو څخه دیو اغزی لرو نکی مزی په واسطه بیل‌شوی

دی او هیڅوك حق نلری له دغه د یوا ل څخه تیر شی .

یکشنبه ده نن په چا با ند ی کا رنکوی دهغه دیوا ل له سر نه چی زمو ږ په‌څنگ‌ورو خواو کی را تا و شوی دی ، نور بند یان وینوچی دارداگاه په‌پراخه غولی کی. دی خوا هغه‌خواگرځی اردوگاه دپسرلنی‌لمردوړا نگـو لاندی دجشن اواختر بڼه غـو ر ه کـړ یده

د یو ار کسانو څخه دسند ری غږ اوږ یدل کیږی . دلته هرشی دوی بڼی لری. یــوه یی غولونکی ظاهری بڼــه چی ددی بڼی ترشا دبل ونکی او د و یـر ی بڼه پـټـه شوی ده . دغه ار دو گا ه د هیټلری پوځی اردگاوو کوچنی بڼه ښکاره کـو ی . لـه یوی خوانه ستری‌کارخانی اودنگی مـا ڼی-گانی اوکلاسیکی سندری داهماغه ظاهری بڼه اوله بلی خوانه اردوگاوی اوجیل‌خانی. له‌یوی خوا نه ژوند د خپلی ټولی ښکلا سره ښکاری او له بلی خوا نه مر یتو ب ، عبو د یـــت فشا ر او مر گ ټول شیا ن ټپهد ید وی یوه مصنو عی نړی چی دهغی خا ص شرایط ټول متضاد شیا ن ښکاروی داسی نړی چی یوه مور هم شا عر او سر با ز زیږوی اوهم خیږو نکی حیو انا ت او وژونکی موجودا ت خوك کولی شی سو چ وکړی هغه سړی چی اوس د پسر لنی لمر په تو دو خه کی‌ناست دی او خا ند ی سبا به دیوا س ساس دنا معلو م قهر له امله په انسا ن سو خوونکی کوره کی و نه سو ځول شی ؟

ځ رد گاه دبند یانې ژوند په همد غو دوو بنو اومتضادو واقعیتو نو کی نغښتی دی . خو موږ لاتر اوسه دغه حقیقت باندی نه یو هیږو او د هغه په اړخونو باندی سو چ نه کوو . موږ اوس یوازی د یوی خیالی خپلواکی په سوچ کی یو چی زموږ نور ملگری د اردو گاه په سترمیدان کی د هغی ته بر خور داره دی .

موږ دلته ټول دری سوه تنه دبیلو بیلو ملیتونو څخه یو، فرانسویان ، بلژیکیان اسپانویان ، روسان یوگوسلاویان، چکان، ، یونانیان ، لوکزامبورگیان، رومانیان، پولندیان او المانیان. موږ یی د جزامیانو په څیر له نورو څخه بیل کړی یو ، موږ یی ظاهرا د علمی تجربی لپاره ساتلی یو ـ هماغسی چی ما را ناو سوی ددغه کار لپاره ساتی خو په هرصورت نه پوهیږو چی کوم سرنوشت زموږ په انتظار باسی .

موږ پنځه دیرش کسه فرانسویان یو ۰ شارلو ، ریموند ، اندره ،پتس لوئی ،سمون زه او ځنی نور کسان چی ورو ورو له هغوی سره هم اشنا کیږو د مثال په توگه دکانونو یو کارگر چی (فرانسوا) نومیږی۰

دی د هغه کاروان جزو چی یو کال مخ کی یی دلته راوستی ؤ دی زموږ تر ټولو نه مخ کی دی ، دی او (باگوستا)چی دسنیدو په وخت کی یی یو سلو پنځه دیرش کیلو وزن درلوده اوس یوازی خلور شپیته کیلو وزن لری دهغی پنځه دیرش کسیزی فرانسوی ډلی څخه پاتی دی .

فرانسوا موږ ته نصیحت کوی‌چی :

ـ پرته د ځو کسو څخه ټول المانی‌بندیان جنایتکاران دی . دوی دهغو اردو گاوو څښتنان دی چی هلته انسانان دبخوا په څیروژل کیږی ۰ دوی خاص مسوولیتونه دلدی او امتیازونه لری . او هغه روسان چی دلته‌دی یادهغو اوکرائینی گروند گرو څخه دی چی دکار کولو لپاره المان ته راغلی دی اویا هغه غله اوجنایتکاران دی چی دالمانیانو په واسطه د جیل خانو څخه خوشی شوی اودلته راوستل شوی دی باید له هغو څخه هم ډډه وشی یو لندبان او کم تر کمه دالمانیانو په اندازه خطرناک دی یوگوسلاویان ډیر زړه ور خلک دی او د پخوانیو سرتیرو له ډلو څخه دی . چکان او هسپانیویان هم ښه خلک دی خود دوی اړیکی موږ سره ښه نه دی . او بالاخره فرانسویان او بلژیکیان تر ټولو نه زیات تر ازار لاندی دی خو اوس ددی لپاره چی ددوی شمیر زیات‌شوی دی ښائی چی وضع بدلون ومومی .

(فرانسوا) زموږ له غږ څخه قوت اخلی او سر له دی چی‌ډیر رنځونه اوکړوانه یی لیدلی دی خوزړه ورتیا یی همداسی خوندی پاتی شوی ده،دی ئی دتبلیغاتی باټو دځیرولو په تور په ۱۹٤۱ کال کی بندی کړی دی .

موږ هریو خپل هغه سگریټونه‌چه‌دغدو پیسو په بدل کی مو لاس‌ته راوړی ووهغه ته ورباندی کوو . ما خپله په څلور سوو فرانکو باندی اتیا دانی سگرت اخستی و(فرانسوا)په ډیر شوق سگرت څکوی، پس له‌ډیری مودی څخه سگرت څکولی دی له همدی کبله لکه د مستو کسانو خوندی زنگیږی .

ـ خپل سگرټونه بی ځایه مصرف نکړی ځکه چی دلته سگرت دسرو زرو ارزښت لری . په سگرت کولی شی چی هر څه واخلی لکه ښوروا ، ډوډی ، مربا ...او هر څه چی وغواړی خو نن شپه باید ځارنه وکړی چی خوک ئی غلا نکړی .

رښتیا دغه بلژیکی ملگری چی زما خواته راځی څوک دی . راته اشنا ښکاری ښایی چی دی می کوم ځای کی لیدلی وی .

ـ سمانه پیژنی؟ ښه سوچ وکړه ، موږ پخوا څو ځلی په‌پاریس کی سره لیدلی دی هغه زما نوم اخلی خوزه ئی کولی چی هغه وپیژنم .

ـ ژول ؤ ...

ـ ممکنه نده .

ـ ولی وروره زه پخپله یم . دنوی‌کیلو پر ځای یوازی اوه څلویښت کیلو وزن لرم خو ځرنگه چی وینی حال می دومره بد ندی . څه خبری دی ، څه خبرونه؟

سره غږیږو . دهغو خاطراتو په یادولو سره چی د گډی مبارزی په اوږدو کی راته پاتی دی د (ژول) سترگی د رڼائی څخه بریښی . هغه هم له هغو کسانو څخه دی چی اراده یی له مینځه نده تللی له ټولو ملگرو سره ټینگ‌لاس ورکوی . داسی ښکاری چی د یوی کورنی په چاپیریال کی یو .

ـ آیا خوک دلته دتښتیدو په سوچ کی لویږی ؟ (دغه پوښتنه ریموند کوی).

ـ تر اوسه پوری هیڅ کوم تښتیدونکی په تیښته بریالی شوی ندی . تیر کال یو بندی خپل ځان په هغه صندوق کی چی په‌موټر باندی باریده پټ ، کړ خو گیرشو ۰ ټول ورځ دسپاو نه تر بیگاه پوری دروازی سره پداسی حال کی چی‌مخ یی ددیواله خوا ته وو درول شوه‌داځای دهغو کسانو لپاره دی چی په مرگ محکومیږی ۰ په هماغه شپه اس‌اس‌هغه په ډیرو تشریفاتو سره د دار خواته بوته .دیوزیک

یوه ډله چی دکارنیوال دلوبغاړو کالی یی آغوستی ؤ ددغه تشریفاتی ډلی په سر کی روان و اوبی له ځنډه ئی دغه فرانسوی سندره غږوله (زه به منتظریم ... دتاد بیرته ستنیدلو لپاره ۰۰ شپی او ورځی ...) په هغه گاډی کی چی دغه بندی پکی سپور ودغه اعلانونه ترسترگو کیدل .

(ماغوښتنه چی له یخنی نه‌وتښتم خو دادی اوس به په کور کی ښه تودشم...)

هغه بی له دی نه چی یو ټکی وغږیږی داردو گاه دټولو بندیانو اوپای ته دنه رسیدونکی سندرو په‌وړاندی ساه ورکړه

دنازی دجیل خانونه تیښته‌اسانه‌نه‌ده۰

(سریر) وایی :

ـ هو کی رښتیا ده . زه اوس پوهیږم‌چی موږ یو ډیر ښه فرصت له لاسه ورکړی دی . لازمه وه چی ددغه فرصت نه مو په اور گاډی کی گټه اخیستی . دمثال په توگه داسی کیدای چی دیوه ساتونکی وسله مو ور څخه اخیستی وای او بیا مو دتیښتی دپاره اقدام کړی وای .

ریمون ځواب ورکوی :

ـ ددغه کار خطری بیخی زیاتی وی. په لمړی سر کی معلومه نه وه چی ټولو بندیانو به له موږ سره لاس یو کاوه که‌نه ؟ په‌دوهم پړاوکی که څوک‌نیول کیده دهغه په واسطه به‌نور ملگری هم نیول کیدل او که فرضا هیڅ یونه نیول کیده‌د کومه ځایه معلوم چی ټول بندیان به په تیښته بریالی کیدل که ځنگه ؟

ژول وایی :

ـ شاید دغه ټکی رښتیا وی خو سره له دی ددی ارزښت یی درلوده هر څه چی کیده ددی ځای نه به ښه ؤ .

وروسته بیا ما څو ځلی پدی هکله سوچ وکړ۰کله‌چی‌په‌اورگاډی‌کی (سیمون) دساتونکی وسلی ته ځیردی په ناچاری سره می منله چی ځنی مخصوص وختونه دلیونتوب څخه ډک کارونه په حماسو شرایطو کی ډیر عاقلانه بریښی .

کله چی اوس گورم دهغو پنځه پنځوسو کسانو څخه چی‌په اور گاډی کی و یوازی لس کسه پاتی دی پدی باور پیدا کوم چی‌که دنیمائی برخی ملگرو د سر په قیمت تمامیده ه باید په هغه اقدام چی (سریر)سنجولی و لاس‌پوری کیدای ۰

کله چی پدی هکله ډیر سوچ کوم‌دی نتیجی ته رسیږم چی که بیا داسی فرصت لاس ته راغی باید ور څخه گټه واخستل شی۰ هو کی ددغه تدریجی اوورځنی مرگ څخه ددغه د سپکاوی څخه ډک مرگ‌څخه، ددغه دځاروی په څیر ژوند څخه اودجلادانو دسپک نظر لاندی مرگ څخه سل ځلی هغه مرگ چی دغلیم سره په جگړه کی چی په ناڅاپی توگه منځ ته راځی ښه دی داسی مرگ چی د غلیم ماشین گنو په وړاندی سړی نه پیښیږی د هغه مرگ په‌پرتله چی دوحشی غلیم تر پښو لاندی منځ ته راځی سل ځلی شرفلری.

ورو سته له دی نه به موږ سره څه وکیږی ؟ فرانسوا هم نه پوهیږی زه ل هم نه پوهیږم . خو حقیقت دادی چی موږ په جیل خانه کی دننه یوی بلی جیل خانی کی لویدلی یو . په هیڅ توگه حق نلرو چی د قرنطین نه بهر چا سره تماس ونیسو . سر له سبا نه باید یوازی دبلوک خواړه وخوړو .

داسی ویل کیږی چی کوم مخصوص غذائی رژیم یی زموږ لپاره ټاکلی دی او که دا رژیم دکارد حذفولو سره یو ځای وی ډیر ښه رژیم به وی .

په هغه کوچنی غولی کی چی سر په سر لویدلی یو دخلکو تگ راتگ نه گورو . اوس موږ هم واه داری جامی آغوستی دی . ددی لپاره چی بندیان وپیژندل شی یوه سور رنگه ریښمه تی په سینی باندی او یو سور رنگه ریښمه‌ئی په پطلانه کی تړلی ده او ددی لپاره چی دبیلو بیلو ملکونو بندیان وپیژندلدی برسیره پر ټاکلو نمرو په‌یوه سور رنگ مثلث کی دهر هیواد دنوم لمړی ټکی لیکل شوی او د فرانسویانو دپیژندنی لپاره د (ف) ټکی دی .

هلته ډیر لیری دغرونو په منځ کی لمر په ډیر برم سره د ټوبیلو په حال کی دی . موږ ته مخامخ له یوه روزان‌څخه سړی شغلی پورته کیږی هلته انسان‌سوزونکی کوری (کرما توریوم) دی یو بلژیکی موږ ته ئږدی کیږی او داسی ښکاری چی یوپټ رازموږ ته وایی ، په ورو او په لږ زیدلی غږ وایی .

زه همدا اوس پوه شوم چی موږ اوتاسی دمرگ په بلوک کی یو .

ژول خپلی اوږی پورته اچوی .

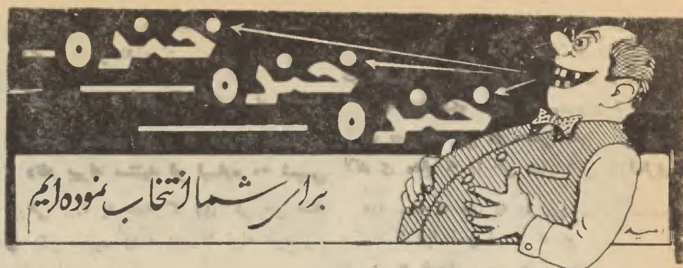
زموږ د ډلی په ځنگ کی اندره دیوه المانی سره معامله کوی غواړی چی د یو سگرت په بدل کی ډوډی واخلی موږ گورو چی‌دهغه دیوی قطی سگرت په بدل کی یوازی یوه ټوټه توره ډوډی اخلی (فرانسوا) اندرو ته گوری اووایی۰

ـ عقل دی بایللی دی د یوی ټوټی توری ډوډی په بدل کی دی یو قطی سگرت ورکړ؟

یو نفر اوس زما لمتونی کش کاږی‌او یو پاکت بوره راته ښیئی ښایی چی پنځه قاشوغی بوره ولری ۰

(دیه سیاست پاپیروس) دوسی کلمی یعنی (لس دانی سگرت)

(نوربیا)





خانم، من اینجانامده‌ام که دعوا کنم. اگر میخواستم دعواکنم میرفتم خانه پیش زنم .

ناچار پول را بیشتر می گیریم

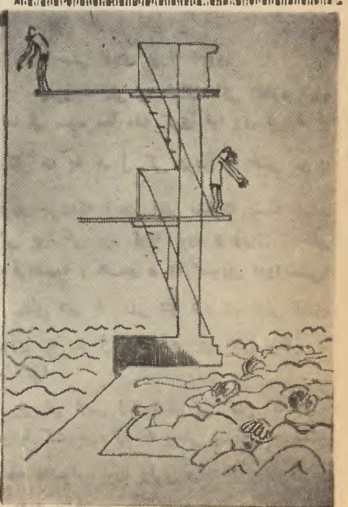
مردی برای‌صرف نان چاشت به رستورانی رفت وسفارش غذا داد ... ولی گارسیون هنوز غذا را روی میزاو نگذاشته بود که یك پیشخدمت دیگر پیش آمد و صورت حساب غذا را باو داد ومطالبه پول کرد ... مشتری که از صورت حساب عصبانی شده بود گفت :

- بسیار عجیب است . من هنوز غذا را نخورده ام ....آنوقت شما از من میخواهید پول بگیرید .

در اینموقع گارسون به قیافه حق بجانبی گفت :

- شما حق دارید قربان .

اما چون شما خوراك خرچنگ رامیخورید وهفته قبل در این رستوران یکنفر بر اثر خوردن خرچنگ مسموم شد ومرد ماناچاریم قبلا پیش بینی لازم را بکنیم !!



بدون شرح

علاقه به صنف!

معلم- احمد زود از صنف برو بیرون .

شاگرد دیگر- معلم صاحب احمد چکار کرد که از صنف بیرونش کردید ؟

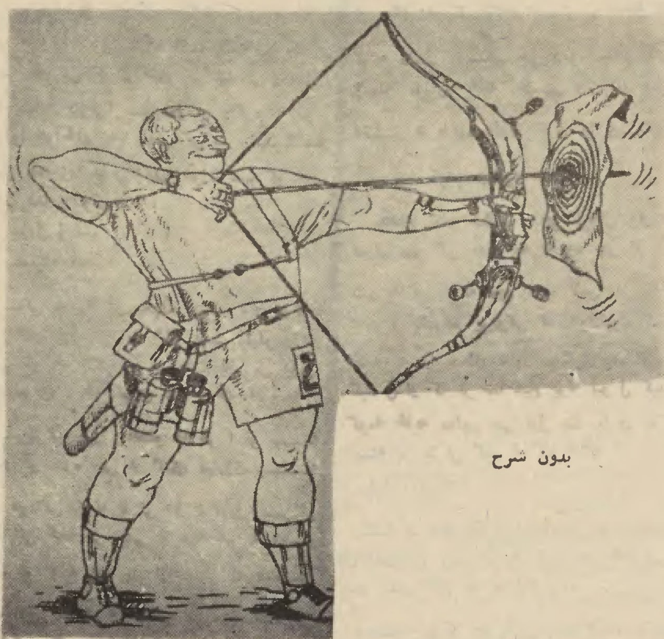
معلم - خاموش باش .... میخواهی چکار

شاگرد - هیچ ... می خواهم منهم همان کار را بکنم .

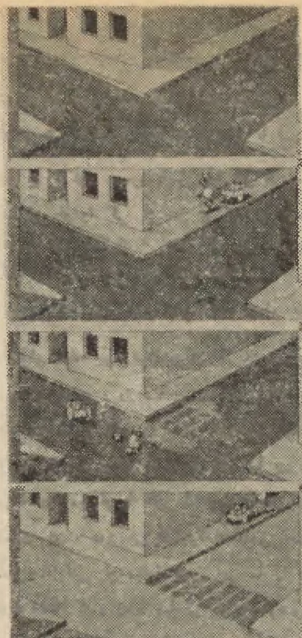
ببخشید حشره شناس نیستم !

مشتری - آقای پیشخدمت ... بیا به بین این چه است که در بین شوربا من دست و پا میزند .

این چه است که در بین شوربای من دست‌و خواهم ... من درس «حشره شناسی» را نخوانده ا م .



بدون شرح



بدون شرح

در مغازه پیراهن‌فروش

خانم پس از مدتها تصمیم میگیرد که برای شوهرش پیراهنی بخرد .

بدینجهت بمغازه پیراهن فروشی رفت و گفت :

- لطفا یك پیراهن پشمی بدهید .

صاحب مغازه یخن پیراهن خودرا نشان داد وگفت یخن اش اینطور باشد ؟

خانم جوابداد :

- نی . یخن اش پاك باشد !!

من‌در آن خانه نارام بودم

خانم میخواست پیشخدمتی جدیدی که هم جوان وهم زیبا بود استخدام کند . ولی برای اینکه از سابقه او اطلاع داشته باشد گفت :

- شما از خانه قبلی چرا بیرون آمدید ؟

پیشخدمت جوان در حالیکه خجالت می کشید گفت :

آخرخانم • من درآنجا بسیارنارام بودم ... چون آقا شبها در خواب مرتب خروویف می کرد !!



مادرجان: نمیدانم چه‌شده که‌دیگر تلویزیون‌تصویر رانشان نمیدهد •

بقیه صفحه ۱۳

صنعت شیشه سازی ...

پس از قرن هژده ساختن کرستیال وبلور در تمام ممالک جهان رواج یافت ولی معروف ترین کرستیال در جهان کرستیال (باکارا) در فرانسه است که به نام شهر مسمی است .

امروز در شوروی واروپای شرقی هم کریستال وبلور ساخته میشود که فرآورده های این صنعت شهرت جهانی دارد .

در قرن هفده که فرانسه با داشتن صنعت- گران ماهر در این حرفه شهرت زیادی یافته بود انگلیسها یکعده ازاین صنعت گران رابا خودبه انگلستان بردند تا این صنعت را در مملکت خویش رواج بدهند .

پس از قرن هژده حکاکی روی فرآورده های بلوری آغاز می یابد . اگر چه این شیوه صدها سال قبل هم رواج داشت چنانچه در بالا از آن تذکر دادیم ولی بعد از قرن هژده تحولاتی درتراش وحکاکی روی فرآورده های بلوری وشیشه یی صورت گرفت که با حکاکی وتراش های قبلی تفاوت زیاد دارد. تاریخ کندن کاری وحکاکی روی کریستال وبلور را میتوان بصورت قطع نیمه دوم قرن هژده خواند وتا امروز این صنعت در تمام جهان رواج دارد .

در کشور عزیز ما افغانستان این صنعت از یکصد سال به اینطرف رواج دارد . امروز در هرات صنعت- گران شیشه را می یابید که با همان وسایل ابتدایی ظروف شیشه یی راتهیه میدارند .

این صنعت دیرینه کشور ما که تاریخ آن تا قرن هشتم می رسد نظربه تغییرات و تحولات آنوقت وهم نظربه بی علاقه گی وعدم تشویق هنرمندان از طرف امراوسلاطین آن ادوار کمتر انکشاف یافت وبه حالت ابتدایی قرار داده شد .

قرن بیستم که دورهٔ انکشاف هنروتکنالوژی بشمارمی آید در این صنعت دیرینه تاثیری نکرد زیرااین صنعت از صد سال به این طرف هرگز تشویق و ترغیب نگردید . به همین صورت هنر شیشه سازی که در کشور ما تاریخ دیرینه ودیرپای دارد و با وجود ضرورت وافری که به فرآورده آن احساس میشود کمتر انکشاف یافت . ولسی بعد از پیروزی انقلاب ثور همانطوریکه در تمام ساحات زندگی خلق ما تحولاتی چشم گیر رونما گردید ومیگردد در صنعت شیشه سازی هم این تحول دیده میشود .

امروز صنعت گراین رشته تشویق میگردد تا در ساخته های خویش تحولاتی مطابق نیاز زمان بوجود بیاورد . وسایل ولوازم که برای انکشاف این صنعت ضرورت است به صنعتگران داده میشود . از ساخته ها وفرآورده های این صنعت گران استفاده میگردد واین عمل باعث میشود که صنعت - گر این رشته بیشتر تشویق گردد وبکارش دلبستگی بیشتری پیدا نماید .

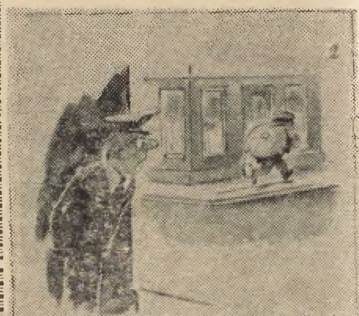
ظروف شیشه یی که اکثرابه رنگ آبی روشن است وبیشتر در دوکان های انتیک - فروشی به فروش می رسد کار صنعت گران هرات بوده . تقریبا میتوان گفت که این صنعت مختص به خود هرات وصنعتگران هرات است . زیرا مواد اولیه که در ساختن این فرآورده ها بکار می رود بیشتر در هرات یافت میشود از همین رو صنعت شیشه سازی در هرات باقی مانده ودر دیگر جا ها کمتر انتشار یافته است .

وقتیکه به این ساخته های هنرمندان ما توجه میکنید وآنرا با دقت ملاحظه مینمایید در آن زیبایی ها وظرافت های مشاهده می نمایید که در کمتر ظروف مشابه آن دیده میشود .

امروز بیشتر جهانگردان وسیاحان که علاقمنداین فرآورده های صنعتگران ماهستند بخاطر اصالت وزیبایی این ساخته ها اند . ازهمین رو در جهان خارج مخصوصا دراروپا خریداران زیادی وجود دارندکه این فرآوردهٔ هنری را بخرند .

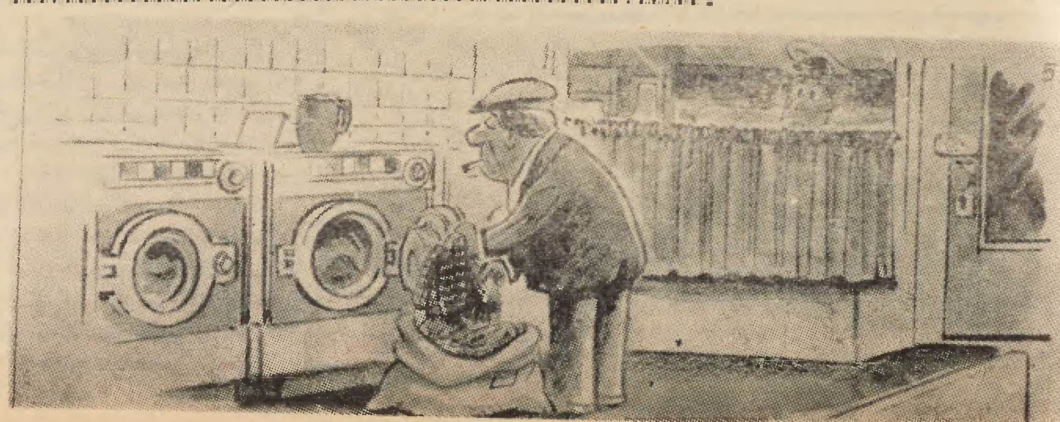
چندی قبل رادیو تلویزیون خلق افغانستان ازورای پرده تلویزیون شیوه تولید این صنعت را به نمایش گذاشت که سخت مورد توجه بینندگان قرار گرفت .











از بالا به پایین بدون شرح

بقیه صفحه ٦

تضادهای عمده

درقبال این نحوبرداشت بایدگفت که نخست در دوجنگ جهانی اول وثوم به سبب خصلت سلاح هایی که در آنها بکار رفت هنوزمساله موجودیت سراسر جامعه بشری مطرح نبود وثانیا اینکه با اینهم ترقیخواهان وپیشگامان نهضت وترقی می کوشیدند تا از درگیری جنگ جلوگیری به عمل آید که مبارزات صلح خواهان راستین در صفحات تاریخ درج است .

با وجود اینکه اگر سلاح های جنگی خصلت مخوف کنونی خودرا نداشت مساله جنگ و صلح با این حدت امروزی مطرح نمی گردید با اینکه شعار خلع سلاح از جمله شعار های اولین رهبران طبقه کارگر به حساب می آید در وضع کنونی سلاح های هسته ای از تکنیک جنگی ، تغییرات کیفی ایجاد کرده است بنا بادرک دقیق از سلاح های امروزی هیچ عقل سلیم حکم نمی کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی ورهایی از قید امپریالیزم کمك می کند . چنانچه لاینوس پولینك دانشمند مترقی امریکا در کتاب خود بنام «نابود باد جنگ» حساب کرده است که (شصت) روز پس از شروع جنگ هسته ای از یکصدونودملیون امریکایی یکصدو هفتاد میلیون نفر نابود خواهد شد وپانزده میلیون نفر ازآن آسیب جدی خواهد دید وتنها پنج میلیون نفر ممکنست بالنسبه سالم بماند . طبیعی است که در مناطق دیگر نیز چنین خواهد بود که با انکشافات بعدی سال های اخیر وضع ازین نیزبدتر پیش بینی می شود .

البته اگر چنین جنگی در گیرد حتما امپریالیزم درآن خواهد سوخت و از آن جز نام نخواهد ماند ولی هیچ انسان ترقیخواه چنین آینده ای را برای بشریت نخواهد پسندید وراه ترقی وتعالی جامعه بشری را از وادی چنین جنگی تجویز نخواهد کرد .

بهر حال امروز نیرو های سازنده سوسیالیزم بمثابه ناقوس مرگ امپریالیزم از صلح وآزادی در جهان دفاع نموده وندای تامین صلح در گیتی در هر گوشه و کنار بلند است وخلق های سراسر جهان شعار مرگ برجنگ وپیروز باد صلح را قهرمانانه بلند نگهداشته وبدین طریق رسالت خویش را نیك درك نموده ومبارزه صلح خواهی بیك مبارزه جهانی مبدل گشته است چنانچه ابتکارات صلح در گیتی غریو نیرومندی را همراه دارد که دژهای پوشالی امپریالیزم را بلرزه در آورده ودر پیکار طبقاتی و آرایش نیرو های خصم در گیتی پیروزی ازآن صلح خواهان و تحول طلبانی است که بانیرومندی تمام در زیر درفش دفاع از صلح جهانی روز بروز بهم میرسند واز صلح وآزادی رفیقانه وصمیمانه حراست وحفاظت می نمایند .

پیروز باد صلح در جهان
سرنگون باد امپریالیزم
مرده باد جنگ طلبان .
برافراشته باددرفش صلح درسراسرجهان.

دکار گرانو بین المللی انقلابی نهضت ډیر لوی او تاریخی بریا لیتوبو ته لاس ته کړیدی. ددی نهضت ډیر لوی بری د سوسیالیستی نړیوال سیستم د حصول څخه عبارت دی. دیوی بی استثماره ټولنی دجوړ ولو او مثال دپانګوالی هیوادو په کارگرانو او زیار کښانو ژور او انقلابی اثر کړی او هغوی یې دامپریالیزم سره مبارزی ته تشویق او ترغیب کړی او د استثمار گرو د قوت او زور په مقابل کی یې د متانت په هکله ورته الهام اخستی دی. اجتماعی قوا چی دسوسیالیزم بری او فتح تضمین او تامینوی او پخپله دپانګوالی په ګیله کی یې وده کړی او قوام نیسی، ورځ په ورځ دفولادو په شان ټینګیږی.

دافریقا، اسیا او لاتینی امریکی په ټو شمیر هیواد و نو کی چی پخوا تر استعمار لاندی وو دنړیوال پرولتاریا څوانی او نوی طبقی مینځته راغلی او پوزیات شمیر مترقی گوندونه یې مینځته راوړل شوی گوندونه ورځ په ورځ زیاتیدونکی بنسټ دبین المللی قواوو په حیث پیژندل کیږی او پوزیات شمیر کار گران او د خلکو بیلابیلی ډلی هغو ته جلب کیږی.

مترقی اوو طن پالونکی کارگران له کارو نو څخه لری کوی، د عمالو یې په رشتو او حکومت کی تور ستو له ترلیبو ی او لیس دد موکراتیکو مطبوعا تو په ضد جابرانه اقدامات سر ته رسوی، اعتصابات منع کوی او په نظامی عملیاتو او اقداماتو لاس پوری کوی خودغه ټول اقدامات دقطعی او وروستی نتیجی دخرگند یدو یعنی دکارگری طبقی دفتحی او دپرولتاریا دیکتا توری د ټینگید و مخه نشی نیولی.

لکه چی داکتو بر ستر انقلاب اودسوسیالیستی نړیوال سیستم مینځته راتگ دهغو شاهد دی.

نن دنړی ټول حالات اواوضاع دپخوا نه زیا ته د کارگری طبقی په گټه ده‌دشوروی اتحاد بری. دنړیوال مترقی سیستم بریالیتوبونه او دپانګوالی هیوادو نو دداخلی بحرانو او کړکیچو نو شدت او په خلکو کی دمترقی گوندو نو ورځ په‌ورځ زیاتیدونکی نفوذ داټول په‌دی د لالت کوی چی په نړی کی دکار گری طبقی دزیاتو بریالیتوبونو دپاره حالات او شرایط لامساعد او مناسب کیږی.

اوس دتاریخی نو یو شرایطو لاندی د زیاترو هیواد و کار گران کو لای شی

ددموکراسی د حصول دپاره مبارزه د جگړی د سوسیالستی انقلابو نو د مینځه راتگ سبب شوی خو لازمه نه ده چی سوسیالستی مقصد ونه حتما دجگړی په نتیجه کی تر لاسه کړو. په تیره بیا ددی کار دپاره د پخوا په نسبت شرایط ډیر مساعد شوید ی.

دا چی حاکمه او استثمار گره طبقه هیڅکله راضی نه ده خپلو ناوړو استعماری عملیاتو ته خاتمه ورکړی نو که دوی دکار گرانو په مقابل کی په تشدد د لاس پوری کړی په‌هغه صورت کی دسوسیالستی مقصد ونو د احراز دپاره سوله نه منونکی وسایل هم په کار یدای شی.

دسولی او هماهنگی دساتنی او د نړیوال مترقی نهضت دیووالی او ټینګښت دپاره هغی اواقدامات لازم دی. او داقدامات تر زیاتی اندازی پوری سرته رسیدلی دی باید پرولتاریا یې نهضت په‌بین المللی سویه ټینګ شی‌اودهوسا اوبی استثمار و ټولنو په جوړولو کی د هیڅ ټول مرستی او کمک نه څا نونه ونه غورځوو.

ددموکراسی د حصول دپاره مبارزه د سوسیالیزم دتا مین او دامپریالیزم زیاتی عاتی په غرض د مبارزی جز دی دمثال په توگه سوسیالستی انقلابونه. ملی آزادی بښونکی انقلابونه، ددموکراسی د پاره دخلکو انقلابونه، بزگری پراخه نهضتونه، دشخصی او مستبد ورژیمو نو او فاشیزم د سقوط او نسکو رولو د پاره اقدامات او دملی مظالمو په ضد اقدامات او نور داټول دامپریالیزم د ملعو نو او منفور رژیمو نو د حتمی سقوط او مرگ اودسوسیالیزم دټینگیدو دپاره شرایط مساعد وی.

داټول انقلابونه صادر ید لای نشی بلکی دپانگوالی د بین المللی او ملی تناقضاتو دشدت په اثر مینځته راځی، نو نړیوال له پرولتاریا او زیار کښ خلک باید یو وی او د (انقلابی ضد) عملیاتو مخه چی امپریالستان یې دخپلو گټو دپاره صادر وی، ونیسی.

مترقی عناصر هیڅکله په‌دی فکر نه دی چی انقلابونه حتما د جگړو په نتیجه کی پیښیږی او که څه هم دواړه نړیوا لی

دعبدالحی را سخ ژباړه

دکارگری طبقی
بین المللی انقلابی نهضت

نړیوال انقلابی نهضت دامپریالیزم په ضد پخپله مبارزه کی زیاتی تجربی زده کړی، دانهضت دایډیالوژی له نظره پخیږی او په مبارزه کی زیات روحی او جسمی قوت لاس ته راوړی.

پانگوالی هیواد ونه پرله پسی د طبقاتی اوسیاسی مبارزو له‌امله لا تشنج کیږی کار گری طبقی او زیار کښانو په پانگوالی هیوادو کی د بر ژوا طبقی حاکمیت ته پرله پسی سختی ضربی واردی کړی دی ددی دپاره چی پانگوال حاکمیت وساتل شی بوږوازی حکومتونه او دپانگی انحصار گران د سختو ظلمونو په څنګ کی نور ټول ټول وسیلی هم استخداموی. د مثال په توگه دکار گری طبقی څینو صنفونو او سازمانونوکی موسسو ته‌رشوت ورکوی، د کار گری اتحاد یې نهضت په بین المللی او ملی سویه درشوت خوا ته بیایی. په صنایعو کی دکارگرانو په ابحادیو او کوپراتیفونو کی متنفذعناصر په اداری او دولتی پستونو کی مقرروی او هغوی په‌دی توگه تطمیع کوی او په پای کی مترقی او کارگری ضد قوا تیسن تصویبوی.

مترقی گوندونه غیر قانونی اعلانوی،

دپانگوالی نظامونو دتشیر سقوط نه مخکی پانگوال دی ته‌مجبور کړی چی د اسی اصلاحی اجرا آت او کارو نه سر ته ورسوی چه دکار گری نهضت په‌گټه او دملی آزادی بښونکی جنبشو نو او داجتماعی ترقی او سولی په گټه وی.

له دی امله چی دپانگی انحصار گران د کارگری طبقی او زیار کښانو لوی دښمنان دی، نو اوس نړیواله پرولتاریا په دی بریالی کیږی چی ټول ملی قوتونه دخپل دی دښمن په ضد یو موټی شی - او دپانگی دانحصار او استبداد په مقابل کی هر ټول د موکراتیک نهضت دنه ماتیدونکی وسیلی په حیث چمتو کړی.

پرولتاریا پخپله مبارزه کی خپله وروره طبقه یعنی بزگران نه دی هیر کړی او ددی شعار دتعمیل دپاره « ځمکه د هغه چاده چی کارپری کوی » دبزگرانو په هرسته مبارزه کوی اوو په یې کړی.

همدا راز پرولتاریا طبقی دبور ژوازی دموکراسی دله مینځه وړ لو او د نورو خلکو په مرسته د فاشیزم د مینځته راوړلو دپاره دپانگوالی دناوړو اقداماتو په مقابل کی مقاومت کړی او دهغوی هر ټول دسیسی بی خنثی کړ بدی.

نوزاد و شیر مادر..

راپور های علمی که‌درباره هزاران نوزاد جمع آوری گردیده نشان میدهد که بیماری ومرگ دربین کودکانیکه از شیر چوشک تغذیه مینمایند بمراتب زیاد بوده و تعداد زیاد آنها به امراض دستگاه هاضمه، تنفس عفونیت گوش مبتلا شده اند.

شیر انسان دارای چربی بیشتر، قند بیشتر پروتین کمتر، کلسیم کمتر وفسفر کمتر، ویتامین ای،بی سی بیشتر، ویتامین بی‌یک کمتر است وبصورت عمومی باید گفت که شیرمادر برای احتیاج کودك ساخته شده و مواد ترکیب دهنده شیر انسان مثل چربی‌ها وانزایم های مختلف دارای خواص کیمیاوی کاملا متفاوت از شیرگاو میباشد.

چربیهاییکه در شیر انسان وجود دارد از انواع چربی های است که مستقیما وارد سلولهای عصبی می شوند وهیچ ربطی به چربی ایکه بصورت کولسترول برای بدن خطرناك‌است ندارد. شیرمادر انزایم‌های داردکه نمی توان مشابه آنرا در شیر گاو ویاسایر شیرهای قوطی یافت. انزایم ها بصورت بهتر جذب سلولهای بدن می شوند وحتما تولید انرژی بیشتر راهم می نمایند.

نکته مهم دیگر اینست که شیر مادر برای خود مادر هم امتیازاتی دارد و برای مادریکه شیر داراست توصیه می گردد تا غذاهای مقوی ومغذی بخورد. غذایش باید درحدود پنجصد کالری داشته باشد تقریبا بیست گرام پروتین را روزانه در طول مدتیکه شیر میدهد در تقسیم اوقات غذای خود بگنجاند. وهمچنان ویتامین های دوران حاملگی باید ادامه بیابد.

درین دوران گاهی اشتها زیاد می گردد واگر باندازه کافی ورزش کنید غذای اضافی باعث چاقی نخواهد شد، غذا وارد سیستم شیر سازی بدن گردیده وبمصرف خواهد رسید.

برای مادر های شیرده گاهی مشکلاتی هم پیش می آید که نباید آنرا نادیده گرفت مثلا بسته شدن وزخم شدن سرپستان که درد زیاد میداشته باشد، مگر مادران نباید با بروز ناراحتی های کوچك فورا دست از شیر دادن بکشند واز چوشك وشیر پودری استفاده نمایند، بلکه میتوانندهدایتی‌دراینمورد از داکتر گرفته ویا سینه دردناك را که شیر کافی ازآن بیرون نمی آید باپارچه‌ای که در آب شیرگرم ترشده است کمپرس نمایند وتا اندازه‌ایکه امکان دارد از آن‌شیر بدوشند تابه حالت عادی بر گردد.

امروز درممالك مترقی اکثرا خانمها از استعمال شیر پودری دست کشیده وخود شان نوزادان خویش را شیر میدهند زیرا بااطلاع ازنتایج مفید درقسمت شیر ما در به اهمیت آن بیشتر از گذشته پی برده اند ومادریکه طفل خود را شیر میدهد هم باید پروگرام شبانه روزی خودرا طوری‌طرح نماید که هم خودش وهم کودکش راحت باشد. اکثر خانمها بابی حوصلگی کودك را برای چند دقیقه شیر میدهند وبعد بی کاری‌می‌روند که اینترتیب غلطاست وبرای‌صحت واستراحت کودك مضر واقع می گردد کودك را باید به‌ترتیبی شیر بدهند که خوب سیر شود. پانزده دقیقه یك پستان وپانزده دقیقه پستان دیگر را بمکد والبته در فاصله هردو پانزده دقیقه کودك بلند گرفته شود تا هوای را که ضمن شیرخوردن بلعیده خارج نمایدکودکیکه سیر باشد وتکه‌هایش خشك باشد برای چند ساعت دیگر آرام می‌خوابد ومادر باخاطر آسوده میتواند وظایف روزمره خودرا تعقیب نماید.

ترجمه : باور «کابلی»

سازمان کشورهای صادر کنندهٔ نفت (اوپک)

این سازمان در سال ۱۹٦۰ از کشور های عمده وغنی صادر کننده نفت جهت دفاع از منافع مشترك اقتصادی شان بمیان آمد . اعضای آن عبارت‌اند از: ونزویلا، عراق، ایران کویت ، عربستان سعودی که در ین اواخر کشور های الجزا یر، گابون، اندونیزیا، قطر لیبیا، نایجیریا وامارات عربی واکوادور نیز باآن ها پیوستند . اجلاسیه های عادی وزرای نفت این کشور ها معمولا سال دوبار درمرکز یکی از کشور های عضو صورت می گیرد که این کنفرانس ها به تصویب یك سلسله قطعنامه هاییکه اکثرا جنبه توصیوی دارند به انجا می‌رسند.

قرار احصاییه ذخایر نفت درین کشورها درسال ۱۹۷۹(۳ر٦۰ ملیارد تن نفت ۸۱فیصد نفت مجموعی در جهان سرمایه داری) تخمین زده شده است . در سال ۱۹۷۸ کشور های عضو این سازمان ۱٤٦۲ ملیون تن طلای سیاه که ٦۲ فیصد مجموع نفت استخراج شده جهان سرمایه داری وممالك روبه انکشاف را دربر می گیرد استخراج نموده‌اند که‌فیصدی قابل ملاحظه ای آن در کشور-های پیشرفته صنعتی به‌مصرف رسیده‌است. نفت صادر شده از طرف کشور های اوپك تاسال ۱۹٦۷ در حدود پنجاه فیصد ودرسال ۱۹۷۳ تقریبا ۷۱ فیصد کل احتیاج انرژی کشور های پیشرفته سرمایداری را مرفوع نموده است . که در سال ۱۹٦۷ بین ٦۳ فیصد الی ٦٥ فیصد بود . در سال ۱۹۷۷ مجموع نفوس کشور های عضو اوپك ۳۰۸ ملیون نفر (یازده فیصد کل نفوس جهان غیر سوسیالیستی ، پانزده فیصد کل نفوس ممالك روبه انکشاف) بود .

از اهداف اصلی وعمده کشور های عضو اوپك بدست آوردن حق کامل و حیثیت ملی شان در راه رهایی از بهره کشی های کمپنی های نفتی ممالك سرمایه داری است که از سالیان درازی باینطرف از منابع نفتی شان سود کامل در کام آنها بوده است می باشد .

دهه شصت سال های تجدید نظربرقرار-دادهای استثمار گرانه کمپنی های نفتی با اعضای اوپك بوده است که در نتیجه آن از اکتوبر ۱۹٦۰ الی اکتوبر ۱۹۷۳ در آمد کشور های عضو اوپك از درك نفت شان از شش دالر فی تن به هفده دالر فی تن بالا رفت . که بالارفتن این فیصدی هم تاثیری بر کمپنی های نفتی غربی وارد نیاورد زیرا این کمپنی هاهم دست به احتکار وبلندبردن قیمت نفت در سایر نقاط جهان زدند چنانچه قرار احصاییه خود منابع اقتصادی جها ن غرب یك تن نفت حاصله ازکشورهای اوپك توسط کمپنی های مربوط به یکصدو پنج دالر فی تن در دنیای غرب به فروش رسیده است که از آن صرف هفده دالر آن به کشور اصلی صادر کننده نفت پر داخته شده‌است.

این تقسیم غیرعادلانه درآمد وچپاول از درآمد ملی شان این ممالك را واداشت تا دست به‌عمل قاطع یعنی مبارزه درراه ملی ساختن منابع نفتی شان بزنند که تا حال کشور های الجزایر عراق ولیبیا با تعیین مشی ضد امپریالیستی ومجادله علیه هرگونه استثمار خارجی شان در سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۷۳ درراه ملی کردن این ثروت ها ی طبیعی شان به موفقیت هایی نایل آمدند . که‌موفقیت این ممالك سبب تشویق سا یر کشور های عضو اوپك گردید درسال ۱۹۷٤ عربستان سعودی، کویت امارات عربی و نایجیریا تمام اسهام کمپنی های نفتی رادر کشور های شان خریداری ودر حدود ٦۰فیصد درآمد حاصله را مال خود ساختند در سال ۱۹۷٦ صد فیصد جایداد واسهام کمپنی های فوق در کشور ونزویلا ملی شد .

در نتیجه این مبارزات پیگیر اگر کشور های عضو اوپك تا سال ۱۹۷۰ یك فیصد نفت را خود شان صادر می کردند تا اواخر ۱۹۷۸ مقدار این صدور بدست خود کشور های عضو تاهشتاد فیصد میرسید . تصاحب دستگاه های استخراج وصدور نفت از طرف کشور های عضو اوپك آنها را قادر ساخت تاخود در تعیین نرخ نفت سهم و حیثیت قابل ملاحظه ای پیدا کرده ودر راه مبارزه بانیوکولونیالیزم به موفقیت های بیشتری دست یابند . یعنی درآمد خالص ملی خودرا از درك صدور نفت از سی ودو ملیارد دالردر سال ۱۹۷۳ به صد ۱۳۰ ملیارد دالر دربن اواخر بالا ببرند .

انفلاسیون اقتصادی لجام گسیخته جها ن سرمایه داری وبلند رفتن قیم مواد صنعتی وسایر اقلام مایحتاج این همه تلاش کشور های عضو اوپك وسایر ممالك روبه انکشاف رادر جهت بلند بردن نرخ نفت ا ز طرف انحصارات سرمایداری خنثی نموده است . قرار نوشته جریده (اکونومیست، انگلیسی) بلند بردن نرخ مواد صنعتی ونیمه صنعتی در ممالك سرمایداری قدرت خرید ممالك عضو اوپك رابین سال های ۱۹۷٤_۱۹۷۸ بیست وهفت فیصدتقلیل بخشیده است واین بدان معنی است که یکصدوسی ملیارد دالر حاصله از درك فروش نفت در ممالك عضو اوپك در سال گذشته عین ارزش مبلغ نودوپنج ملیارد دالر را در سال ۱۹۷۳ دارد. یعنی که کشور های عضو اوپك بناچار ۳۵۰ ملیون تن نفت را از ین درك به رایگان از دست داده است وکشور های عضو اوپك جهت تلافی این نقصان عظیم از سال ۱۹۷٥ به اینطرف چندین بار ضمن اجلاسیه ها و کنفرانس‌های‌مختلف‌ارزش‌نفت رابالاتر برده‌اند که در نتیجه آن در پنج سال اخیر نرخ یك تن نفت در بنادر خلیج فارس از هشتادو پنج دالر به یکصدو هفت دالر بالا رفته است که آخرین بار آن در جنوری ۱۹۷۹ بود که فی تن نفت از نودوهشت دالر به یکصدو هفت دالر رسید.

اما متاسفانه که باهمه این تلاش ها هنوز هم‌دراکثر ممالك او پك رژیم های ارتجاعی ودست نشانده امپریالیزم تسلط‌کامل‌سیاسی دارند وچپاولگران با استفاده ازین دارایی ملی‌مردم آن سرزمین توانسته‌اندقرار احصائیه مجله «مورگان گرانتی تراست» در بانك های غرب‌درحدود یکصدوهشتاد ملیارددالر عایدنفت به حسابات شخصی موجود است .

تنها تشکیل صندوق وجهی کمك کشو ر های اوپك درسال ۱۹۷٥ برای کشور های روبه انکشاف جهان که باسرمایه ابتدایی هژده ملیارد دالر تاسیس یافت وسرمایه‌فعلی آن به٦ر۱ ملیارد دالر میرسد مایه‌امیدواری است

احراز قدرت ممالك تازه به آزادی رسیده برمنابع وتولیدات نفتی شان نه تنها خوداین ممالك را در راه انکشاف سالم اقتصا د ی شان آزادی کامل می‌بخشد، بلکه برای سایر کشور های روبه انکشافی که از آن ها کمك های اقتصادی دریافت میدارندنوید خوبی است .

ژباړونکی. بریالی

په بدن کې دویتامینونو دزیا توالي اغیزې

دویتامینو نو گټې اوپه‌ښکاره ډول دهغو نازیانمند تو ب ددی سبب شوی دی چی مونږبی له تشخیصه دویتامینو نو خوړ لو ته مینه پیداکړو . په هر حال دابايد په یاد ولرو چی ددوا جوړولو د علم له‌نظره ویتامینو نه هغه دواگانی دی، چی باید په دقت او هو ښیاری سره استعما ل شی .

ویتا مینو له لکه ډېرو تینو ، غوړ یو (شحمیاتو)، قند ونو او ځنی نو رد موادوپه شان هغه مغذی موادوی چی دا نسا ن بدن ته د غذا سره دا خلیږی او استقلا بی نورمال جریان پری تطبیق کیږی دکیمیا وی ترکیب له‌نظره مصنوعی ویتامینونه دطبیعی ویتامینونو سره یو شان دی او کوم تو-پیر نلری مگر څر نگه چی دویتامینو ځنی اندازی گټوری دی په عین حال کی د زیا ت مقدار استعمال یی په‌نه انکار یدونکی ډول زیا نمند هم تما میږی .

دنورمال استقلاب یو حالت هم دبدن دداخلی محیط نسبی استقرار دی چی د هیمو-ستازس په‌نوم یادیږ ی . دو یتا مینو نو ټاکلی او مخصوص اندازی دانسان دبدن دانسا جو پواسطه اخیستل کیږی او زیا تی بر خی ئی د هیمو سازس د میخا نیکیت پو سیله ا طر اح کیږی چه د هغو محافظوی وظیفی په بد ن کی محدودی دی .

دهرډول مغذی موادو منظم زیات پکارو-ږلوله کبله که څه‌هم هم غوړی‌وی یاقندونه، مالگی وی یا ویتا مینو نه، په لو مړی‌ړا-وکی وظیفوی اوپه پای کی عضو ی تشوشات او بی نظمی منځ ته راځی .

دویتا مینو نو دزیا تو اندازو منظم استعمال په‌وجود کی یو غیر طبیعی حا لت منځ ته راوړی چی دها یپرو یتا مینو ز س دویتامینونو زیاتوالی په‌نامه یا د یږ ی له کو مه ځایه چی د ځینو نارو غیو په وخت کی‌دو یتامینونو تجویز دیو دواپه څیر صورت مومی پدی بحث کی‌مو ږ دهغو استعمال دیو مقوی مادی په څیر هم څیړو .

ها یپر ویتا مینو زس ، دیویا څو ویتا-مینو دزیات مقدار داستعمال څخه په‌یوه‌اوږده موده کی منځ ته‌را څی چی داحالت دهیمو-ستا زس میخا نیکت دی ته اړ دی تر څو دزیا تی اندازی په خار جولو او اطرا ح پیل وکړی او دا عملیه ان تر هغه و خته پوری دوام کوی که څه هم دویتا مینو استعمال دتشخیص پوسیله بس شوی هم وی . د مثال په ډول که‌یو ناروغ دویتامین سی ډیر قوی کورس واخلی دهغه په نزد دویتا مین سی د کموا لی ا عرا ض دنو دویتا مین د زیاتوالی د اعراضو سره یو ځای پیدا کیږی . تجر بو دا څرگند ه کړی ده چی‌که‌په یوشمیر حیواناتو باندی دویتا مین سی زیا ت مقدار و خوړ ل شی دا حیوا نا ت به د هغو حیوا نا تو په مقایسه چی دنومړی ویتامین طبیعی اندازی اخلی ډ یر ژر دسکور دی په ناروغی اخته کیږی ، عین همد ا حالت په انسا نا نو کی هم پیښیږی . همدا راز حالتونه دنورو ویتامینو دز یات مقدار دتجویز له کبله منځ ته را تلای شی .

دمثال په‌توگه دویتامین ډی دزیا ت‌مقدار داستعما ل په نتیجه کی د کلسیم ما لگی ددی په عو ض چی په هډ و کو کی ذخیره شی د هډ و کو څخه دداخلی اعضا وو انسا جو ته تیر یږی (لکه چی در یکتسن په نارو غی اخته ما شو ما نو کی لید ل‌شوی دی).

دشوروی او په نورو بهر نیو هیوادو نو کی پو ها نو دار قامو یوه مجمو عه استخراج کړی ده چی دهغه بدلو نونو څر گندونکی دی‌کوم چی‌دو یتامینو نو دزیات مقدارداخیستلو له کبله منځ ته راغلی دی .

دهیمو ستاز س میخانیکیت یو ا خی په قسمی ډول دا ضا فی مقدار ویتا مینونو اطرا ح تا مینو لای شی او که دا حالت‌دوام پیدا کړی ځنی مرضی بدلو نونه په‌مشخصه توگه د فوق (ا د ر نیل) د غدی په

پاتی په ٥٥مخ کی

دغلام نبی ژباړه

په‌ژنیو کی‌دسولی‌اوپیاوړتیالپاره‌دبشرپالونکو سترگډون

دسره صلیب دبنسټ‌ایښودونکی او دنوبل دسولی دجایزی دلوړی گټونکی هنری دونانت د(۱۵۰) کالیزی دنمانځلو په‌مناسبت و هغو نړیوالو موسسو ته کوم چی هغوی هم دغه ډول جایزی اخستی دی دیوه کردی هیز غونډه یی په ژنیو جوړه کړه خوپه گډه سره داسی لیاری ولټوی‌چی دنړیوالو موسسو په مرسته دسولی لپاره زیاتی‌هلی ځلی وکړی دموضوع د څیړنی په‌هکله پخپل ډول کی لومړنی کردی میزوو چی په ژنیوکی غونډه وکړه .

دنوبل دسولی دجایزی لومړی گټونی:

دنوبل دسولی لومړی جایزه په ۱۹۵۱کال وجین هنری دونانت ته چاچی دخپل ژوند په ټول عمرکی دانسانانو په منځ کی دبشری‌تودو اوسوځونکو احساساتو په پارو لوسره خپلو مسوولیتو نوته متوجه کړه‌ورکړه‌شوه.

په ۱۸۵۵ کی ده دخوتنو ملگرو سره دنړی دعیسوی خوانا نو ټولنه په پاریس کی جوړه کړه په ۱۸۵۸ کی دده دکتاب یوه برخه دغلامی اومر ئیتوب دمنځه وړلو په هکله په گټورو معلوماتو سره خپره کړه په ۱۸۶۲ کی دی «دسالفرینو دیادونو » په‌نامه یوکتاب خپور کړاوبه دغه‌کتاب کی هغه اصلی‌هدف‌کوم چی دسره صلیب اساس تشکیلوی جوړاو طرح‌کړ اوبه دغه‌طرح کی‌یی‌غوښتی‌دی‌چی‌په‌هر هیواد کی‌دخپلی خوښی کمیټی باید دجگړی په ډگرونو کی له ټپیانوسره لازمی مرستی برابری کړی . اودهغو دساتلو دپاره باید هیواد ونه دبین المللی اوسپیڅلو اصولوپه اساس له دوی سره معامله وکړی .

په ۱۸۶۳کال کی دونانت دلومړنی کمیټی جی وروسته بیاد سره صلیب نړیواله‌کمیټه شوی یوفعال غړی شو . په ۱۸۶٤ کال په دو لنونو باند ی دژینو او کنوانسیون په تصویب او منلوکی بریالی شو . په ۱۸۶۶ کی دونانت دیوه نړیوال کتابتون دبنسټ او تاسیس لپاره یوه پروژه چی په هغه‌کی‌باید دادبیاتو ډیر لوړ آثار نشر او ټول شی په کار واچوله ولی زیاتو جگړودپروژی کارو ځنډ اوه اودغه‌فکوره‌دیونسکوپه‌واسطه واخستل شوه اویه کارو لویده‌اوهغه‌یی ژوندی‌اوپیاوړی کړه .

دجگړی‌دبند یانو حالت دیوی اوږ دی‌مودی لپاره دونانت‌وارخطاکړیده‌په۱۹۶۱کال دپاریس په‌کنفرانسو نوکی دموضوع په ارتباط لیکلی پانی وړاندی کړی . ده یوه نړیواله دعتبره او مشهوره کمیته چی د(جگړی له بند یانو سره څه ډول عمل‌وشی) جوړه کړه ده‌خپلی عقیدی او نظریی چی وروسته بیاد‌بروسل‌د ۱۸۷٤ کال په کنفرانس کی وړاندی کړپه ۱۸۷۲ کال کی په هغو لکچرونوکی چی‌په‌لندن کی‌ورکړه ده (دتمدن او نظم‌لپاره دیوی عمومی اتحاد یی) دتاسیسو لو څخه ملاتړ وکړ او دحکمت دیوی نړیوال محکمی دپکار اچو لو په فکر شو چی دملتونو ترمنځ شخړی شنډی اودهغه په وسیله جگړه له منځه یوسی .

په ۱۸۶۷ کی دونانت په مالی زیان اخته شو. کله چی ده په نړی کی دنوبل دسولی لومړنی جایزه تر لاسه کړه دی یو غربت ځپلی اودخلکو له‌نظره څخه هیراو لیری شوی انسان وواوبه (هیډن) کی‌په‌یوه‌کورکی اوسیده ده خپلی دجایزی پیسی پخپله خوښه دخیریه چاروا وانسانی خدمت‌لپاره‌په میراث پریښودی

دنړی ځینی بشرپالی موسسی چی دنوبل دسولی جایزی ترلاسه کړی‌دی:

۱ـ دسره صلیب نړیواله کمیټه :

دنوبل دسولی جایزی ۱۹۱۷ـ ۱۹۶۳:

دسره صلیب‌نړیواله‌کمیټه‌چی دنیڅه‌کسیزی کمیټی په نتیجه کی ددونانت په ابتکار منځ ته‌راغله او خپلی غونډی‌یی د۱۸۶۳ کال په فبروری کی ددونانت دغوښتنی په اساس چی ددی موسسی بنسټ ایښودونکی دی‌په‌ژینوکی پیل کړی .

دغی کمیټی دژینو دکنوانسیون او دبشر دبین المللی قانون ستره ساتندو یه موسسه ده ، برسیره پردی په ټولو جگړوکی دیوه بیطرفه اومیانځگړی په‌شان ددښمنو او جگړه وکونکو دولتونو ترمنځ عمل کوی اوپه‌جنگی عملیا توکی دجگړی دمصیبت ځپلو سره هر ډول لازمی‌مرستی اودهغوی ساتنه کوی‌اوددوی بدنی او معنوی رنځونه‌او دردونه ارامه وی. په‌حساسه توگه دجگړی دزیانونو اومصیبتونو څخه هر چیری خبر یږی دکوم وخته څخه چی دهغوی په‌اصلاح او جبرانو لوکی کار کړی دغه دسره صلیب نړیواله کمیته خلک‌دجگړی په‌ویره اونفرت پوهوی او انسانان دی ته رابولی چی‌دجگړی مخالف شی دامــو سسه دهمدی لیاری دبشری وروری او ملگری اود بشر دبنه والی لپاره ددوی دمسوولیت فعاله احساساتو ته وده او پراختیا ورکوی.

ددی مؤسسی بشری خدمتو نه‌او عمــلیات دجگړی په ډگرونوکی یوښکاره او څرگنددلیل دی چی سوله اوترون تینگ کړی دشدت او اضطرار په وخت کی ددی موسسی مداخله دسولی‌لپاره یوحتمی کاروی .

۲ـ دنړیوال سره صلیب او سری میاشتی اتحادبه (لیگ) :

دسره صلیب دانحادیی ټو لنی (لیگ) په ۱۹۱۹ کال تاسیس اود سره صلیب ،سری میاشتی او شیر خورشید سرخ دملی ټولنو فدراسیون دی .دغه موسسه دملی ټولنوودی ته‌پراختیا ورکوی ددغوملی ټولنو سره‌دسولی او ارامتیا په‌وختونوکی په فعالیتونــو اود طبیعی ناوړو پیښوکی دوی دنړیوالو مرستوپه مــواز نــه او انډول ساتلو کی همکا ر ی وکړ ی .

لیگ ددونانت دخبروپه اساس عمل کوی: (دساری ناروغیو لکه وبا، سیــلاونو او نــور ناخاپی افتونو او زیانونو اوپیښوپه‌وختونکی دبشر پالنی روحیه چی دغه ملی ټولنی به‌په دغو ټولو شرایطو کی ترکومه ځایه چی توان لری له دغو مصیبت ځپلو سره مرسته.خدمت او خواخوږ ی وکړ ی).

پدی ډول لیگ دخلکو په‌منځ کی دمتقابلــی مرستی اووروری دتفاهم یوه صمیمی او توده فضا منځ ته‌راوړی او خپله دایمی اوهمیشگی مرسته دسولی په برخه کی سرته رسوی.

۳ـ د نړیوالی سولی اداره :

دغه اداره په ۱۸۹۲ کال د ۱۸۹۱ کال دنړی دسولی ددریم کانگرس په دوام په روم کی تاسیسه شوه هدف یی دسولی‌لپاره دبیلوبیلو موسسو په‌کارونو کی‌انډول اودنړیوال کړ کیچونو او جگړ ولپاره دپوره امن اوسوکالی داستقرار او پایښت ته وده او پراختیا ورکول دی .

دغه موسسه دحکومتی اوبین الحکو متــی بدلونونو ترمنځ دمفاهمی وسایل چمتوکوی.دغه اداره په‌سولی پوری تړلی کنفرانسونه او سیمینار ونه په بیلو بیلو موضوع گانوپوری ترتیبوی اودهغو نتیجی نشر ته سپاری .دغی اداری پدی وروستیو وختونوکی دخلــــع سلاح، دملگــرو ملتونو دسولــی دساتلــو عملیات او په یوځی دفاع کی ځنی جوړ ونی دیوه کتــو نکی او وظیــفه پیژ نــدو.نکــی معترض په توگه دمطالعی او څیړ نی لاندی نیسی.

دژینو د سولی دگردی‌میزدگډون کوونکو دغو بنستنو متن :

دسولی لپاره دگردی میز گډون کونکــو موسسو چی پورته ذکرشوی دنړ یوالو کمیټو څخه دغی غوښتنی وکړی: سوله یوازی‌دیوځی نښتو دمنځه وړل او نشته والی نه دی‌بلکی دخپلو موسسو او خلکو په مینځوکی دهمکاری اوگډون یو لړ متحر کی اړیکی دی چی‌دبشر یا انسان دلوړ مقام داحترام‌او ارزښت وړگرځی. دبشر دتباه کونکو وسلو دورځ‌په‌ورځ‌زیاتیدو سره دلوړ اقتصــاد او ټــولنیــزی نــا انډولــی کوم چی بشرپه طبقو ویشی اوهم دبشــر داصلی او اساسی حقوقو او فردی ارزښت ته‌په‌سپکه‌سترگه‌کتلوسره‌هره ورځ‌سوله‌ورانوی اوتهدیدوی.

سوله ډیرو زیاتو هلو ځلوته‌اړتیالری چی پدغه ډول ویر. وحشت اوتهدید و لو باندی بریالی شی اودا په یوه نړی کی هغه وخت امکان لری چی دتشدد اوزور،بی‌عدالتی،ناانډ ولی ، ویری اوډ ر په عوض نړیوال قانون تطبیق‌او دهغه مراعات وشی او هم په هغه‌سره دولتونه پخپله خوښه سره موافقه وکړی چی خپل ملی حاکمیت دهغوی او ټولو په خوښه اودلچسپی سره محدود کړی اوپه هغه سره دولتونه دملتو نو په منځ کی‌دبی‌اعتباری او رسوایی څخه وژغوری او پرځای یی دارامی اوسولی دټینگولو او ځای پــــه‌ځای کولو لاری چاری په کار یووړشی داسی یوه‌سوله منځ ته راوړی چی هر څوک دیوه مسوولیت احساس درک کړی او حتی دانسان دماغومتوب له وخته چی فکر او شعوریی په کار لویږی ضروروروزده کړه شی چی سوله او ۰۰۰۰ څه شی ده او بشریت ته څــــه کوی . دخلکو دښه نیت او رضامندی او هلوځلو برسیره‌د ویړی پواسطه سولی ته زور پام اړولی دی

دنوبل دسولی‌دجایزی دگټونکو دگردی‌میزبرخه والو دحکومتونو څخه غوښتی دی چی دنړیوالو غوښتنلو هیلو او سپار ښتنوته په جدی ډول دوعدی دپرځای کولو سره پوره برخه واخلی په برجسته توگه دملگروملتونو دمنشور دبشر

پەبدن کی دویتامینونو...

هور مو نونو کی و ظیفوی بی کفا یتی را منځ ته کیږی . دمثال پهول په بد ن‌کی دویتا مین (ډی) د زیا توالی به صور ت‌کی لیدل کیږی چی د فو ق الکلی غد ه‌چی داوبو او ما لګی په استقلاب با ند ی‌اغیزه اچوی تر هغه وروسته نشی کو لای دو ینی دپلا زما د سود یم -پتا شیم او د سروکرویا تو نسبت نورمال وسا تی .

مو ږ لاندی دځینو ویتا مینو خوا ص اوپه وجود کی دهغو د زیا توالی نتا یج پـــه لنډ ډول څیړو:

۱ـویتا مین (ب۱) ددی ویتا مین زیا ت مقدار دوینی فشارلوړ وی ، دشحمی اسیدو جو ړید ل تشد ید وی او لازیات مقدارونه ئـی دایتر و سیکلر وزس(دشریانونو(کلکیدل) او دوینی دفشار دلوړ ید لو (ها یپتر نشن) دتحر یکو لو سبب ګرځی . علاوه پر دی ویتا مین دهغو جر یانا تو د فعالیت مخـــه نیسی کوم چی د کو سترو ل جو ړید ل نهی کوی .

۲ـ ویتامین (ب۲) : په غذاکی دسبزیجاتو دغو ړ یو د نه موجو دیت په صورت کـــی ددی ویتا مین دزیات مصرف په‌صورت کی ددی ویتا مین زیات مقدار ونه د ځکردشحمی کید و سبب ګرځی . دا ناروغی د ځینونورو ویتا مینو نو د غلط استعما ل څخه هـــم منځ ته را تلی شی .

۳ـ ویتامین (ب۶): هغه خلك چـی دمعدی دعصاری د اسیدو دزیـا تـوالی څخـه پـه عذاب وی ددی ویتامین د زیات مصـرف په صورت کی دا سید جوړ ید ل لاز یا تیږی.

٤ـ ویتامین (ب۱۲) : ددی ویتامین دزیات مقدار استعما ل نا منا سب دی ځکه یوا ځی ۸ سا عته وروسته ددی ویتامین له مصرف څخه (۸۰ـ۶۰) فیصده اطرا ح کیږی . پـــه هغه نارو غیو کی چی ددی ویتا مین تجویز ته اړتیا پیښیږی لږ مقدار ئی باید تجویز شی. مګرکه چیری یوسړی دایترسیکلر ـ وزس څخه په عذاب وی داو یتا مین په‌ډیر چټکتیا سره دوینی د پرو ترو جیس سویه لوړوی ۰ داویتامین دتومورو نو دموجـــود- یت په صورت کی نشی استعمالیدای .

ـ۵ فولیك اسد: ددی ویتامین د زیـات مقدار استعمال د ملا د یتر د مغز یـــوه نا رو غی د فو نیکو لو ما یلو زس پـــه نا مه منځ ته راوړی .

۶ـ ویامین (سی) : تجربو دا ځـر ګنـده کړیده که چیری ددی ویتا مین ز یا ت‌دوز په حیو ا نا تو کی پیچکا ری شی د قندونو استقلاب چټکتیا مو می او په نتیجه کی په ځکر، پښتو رګو، دوینی در ګـو نو پـــه جدارو نـو کی ګـلا یکو جن هیګوخیره‌کیږی همدا رنګه دو ینی دسپینو کرو یاتو اساسی تعداد لوړ ځی په قلبی ګر ا ف‌کی بـــی نظمی او تشو یش لید ل کیږی . د پښتـــو رګـو بی کفا یتـی منـځ ته‌را ځی او په‌ادرار کی د قند لوړ غیر نـــورمـال مقدار لیـدل کیږی .

۷ـ ویتامین (ای) : ددی ویتامین‌کموالـی غو ښه لبنیا ت سبز یجات او میوی پکـی

او زیاتوالی دواړه د شخص پـــه تکثـر ی وظایفو کی انحطاط منځ ته راوړ ی دویتامین زیات مقدار دجنسی او عصبی سیستم بـــه وظایفو باندی بر عکس تاثیرا چو ی .

ویتامینو نه هغه دواګـــانـی د ی چـی استعما ل نه ئی په ډیر و نارو غیو کی اړتیا پیښیږ ی‌مګر دویتامین تداوی په لوړ مقدار باید په روغتو ن‌کی سر ته ورسیږی پداسی حال کی چی د نو موړی ویتا مین استقلاب په منظم ډول په وجود کی وڅیړل شی اود فوق الکلی د غد ی و ظایف ته یا ملرنـــه وشی .

په ما شو ما نو کی په خا ص ډول ددی خبری پو هید ل داهمیت وړدی چی دویتامین (ډی) د زیا توالی نتا یج او اعرا ض دد ی ویتا مین زیا ت استعما ل څخه (۷ـ۵) کلونو وروسته منځ ته را تلای شی .

بنا پر دی ایا د یو معین ویتا میـــــن ورځنی مقدار یو کا هل او ما شوم پـــــه څومره تجو یز کیږی ؟

هغه غذا چی یو رو غ سړی تری ګټـه اخلی په معمولی ډول دبیل بیل ویتامینو نو کافی مقدار لری په هر حال که چیری ځنی خواړه وته نظر نو ورته ترجیـح ورکړ شی دځینو ویتا مینو کموالی به را منـځ ته‌شی دمثال په ډول یواځی د سپینی ډوډی‌خورا ك دویتا مین (ب۱) کموا لی منځ ته راو ړی د هګیو او لبنیاتو داستعمال د ډېره کـــولو څخه د ویتا مین ای کموا لی منځ ته راځی

د سبز یجا تو څخه ګټه نه ا خیستل ـ دویتا مین (سی) کموا لی منځ ته راوړ ی روغ ماشو مان خپل داړتیاو: ویـــتا مینـو نه‌دیو متوا زن غذا چی حبو با ت ،هګی،

ګټوت ولری اخلی . درمی په مو سم کی یو روغ هلك یا نجلی دویتا مین (ډی) پنځه سوه واحد ته په ورځ کی اړتیا لری دکبانو ځکر د غو ړ یو استعما ل دویتامین دی‌پـــه مقا یسه ګټوره تما میږی مګر ددی ویتامین علاوه کو ل د یو کاهل شخصی په غذا کی نا منا سبه د ه .

ویتامینو نه د ریز ش په وقایه کـــــی حیاتی ارز ښت لری دداسی یو پو لی ویتامین قابلیت استعما ل چی ویتامین (ای ،ب۱، ب۲، سی ،پ پ او ب ۶) دیو کا هل دور ځنی اړ تیا وړویتا مین اندازه و لری دوجـــــود دفعالیت په لوړ والـو کی ګټور تما میږی دویتامین سی استعمال خاص اهمیت لـر ی یوکاهل شخص باید د ورځی په متوســــط ډول (۸۰) ملی ګر ا م‌ویتا مین سی وا خلی چی دریز ش په و قایه کی د ډیر اهمیـت لرو نکی د ی.

ویتا مینو لو جستان دا نـظر لری کلـه چی د سستی لرزی اعرا ض په وجود کـــی ولید ل شی سمد لاسه یو ګر ا م‌اسکوربك اسید (ویتا مین سی) دی دځری پر لـــــه پسی ور ځی لپاره استعما ل شی ځر نګه چی ددی ویتامین زیـاد مقـدار خطر نلری او په سر عت سره ا طر ا ح کیږی . دا با یدیه یا دو لرو چی د کتلو ی دوز استعمال یـی نظر کسری دوزو ته دبدن دو ظیفوی‌محافظوی میخانیکیت په تقویه کی زیا ته اغیزه کـوی یواځـی دابایـد ذ کرشی چی ناروغ دی دوی ویتامین به‌اخیستلو کی ځنـلـه را نو لـــی ځکه چی که څو سا عته هم په استعما ل‌کی ئی تا خیر راشی نود نارو غی کم کو ل به ګران وی مګر بیا هم دنا روغی په سیـــر باندی یو څه تاثیراچوی .

پەژینوکیدسولی...

حقوقو دجهانی اعلامیی او دژینو کنوانسیـون ته‌په ډیر ځیرسره احترام وکړی اوپخپل‌ټینګ او ثابت عزم سره دعمومی خلـــع سلاح او دذروی وسلودتهدید اوویری محوه‌اونابودو- لولوری تـــه پرا ختیا و ر کـړی او دخلکو پـه مــــنـځ کی‌دیـــوه پیاوړی اقـتصاد او ټولنیز عدالت په تامینولو کی زیاتی‌فداکاری وکـړی.

دګردی میز برخه والو حکومتی موسسس دی ته چی پخپلو هلوځلو کی چی دوی پخپله طرح کړی دی دهغو په تامینولواو څارنـــه او تطبیق کی اودو سایلو راغونډ ولوته‌رابولی دغه میز غیر حکومتی موسسی دهغو هلوځلو پرمخ بیولوته رابولی او دبشر سیاسی‌ټولنیز اواقتصادی حقوقوته احترام وکړی‌اوخـپـل کوښښونه دبی وسلی کولـــو له پاره ډیر پیاوړی او زیات‌کړی.

په پای کی دګردی میزد جمعی ارتباطله‌ا وسایلو څخه غوښتی‌دی چی پخپلو هنرونواو مهار تونوکی دسولی دټینګښت ملاتړ ، ساتنی او تنظیم کی ددیر وزیاتو منابعو له لاری خدمت او هلی ځلی وکړی اود خلکو په منځ کی ګډمسوولیت دمساوی حقوقو او عدالـــت روحیی زیاته وپالی او ددوی پاملرنه دفردی او شخصی او ډله ایزو قربانیو او فداکاریواو دهغو دعقیدواو نظر یوپه تعقیبو لوکی پخپل عزم کی یوله بل څخه بیله نه شی ۰

بقیه صفحه ۱۵

رابرت مکنامارا..

پروژو د تمو یل او ما لی مر ستو له پاره‌په مجمو عی او تلو ل‌ارزښت سره (٤) ملیارد دالره وی . چه دغه کار د با نك دغړیو دودی په حا ل کښی هیوادو د پا نګی اچولو دیوی حصی دریمه بر خه اړتیا دتیلو پـــه سکتور کښی ځر ګند وی او په سلو کښی شپیته به دپو رونو دغه پرو ګرا م د ګا ز او تیلو په برخه کښی دزیا تو نیستمنوهیوادو له پاره وی .

بنا غلی مکنا ما را په پای کښی لنډه‌توګه سره وویل .

نړی وال بانك به‌دټولو نړی وا لـو پـر مختیا ئی تو لنو سره یو ځای دنړی د هغه نوی نظام په لور چه‌په یوبل باندی تکیه‌او ویسا لری . په ۱۹۸۰ـ کال او ورو ستـه لسیزه کښی په هراړ خیزه توګه په پو ره جرات ، شهـامت ، او بصیرت سره چـــی تا ریخ ئی په ځر ګند ه توګه زموږ څخه غو ښتنه کوی ،په غړاندو ستر ګو ووینی او هم ددغو سترو مسلو په مقابل کښی‌معطلی ځنـډ او دناکـافی هلو ځلو درندی جز - اوی به دهغو کسانـــو په غاړه وی چه نـه را تلو نکی پیړی کښی مجبوره او مکلـــف دی دهغو تصمیمو نود نتیجو په غیږ کښی چه موږ ئی با ید نن ورځ وینسو ژوند و کړی .

او دغه تصمیمونه باید ډیر ژرو نیـــــول شی .

بقیه‌صفحه ۲۷

جوانان‌ومساله زندگی

از سر بسازم اما من این خواهش ا حمـــد شوهرم را نپذیرفتم واین بزرگترین اشتباه من درزندگی بود .

ـبلـی ، من خواهش شوهرم را نپذیرفتم بالاخره از هم جدا شدیم، اما این جدایی برایمان خیلی گران تمام شد بدین معنی که شوهرم پس از چندی توانست زندگی ازدست رفته خودرا دو باره بسازد و پس ازیـکسال بازنی دیگر ازدواج نمود باازدواج احمد بـه اشتباه خود پی بردم واین شتباه برای من خیلی گران تمام شد . دخترم که تازه ـه ساله شده پدر خودرا می خواهد، وحق‌دارد که از محبت پدری برخوردار باشد و لـــی افسوس که دیگر آن نزاکت سابق بین ما وجود ندارد . ومن در آتش پشیمانی وندامت میسوزم .

این بود اشتباه من که زندگی را سخت گرفتم وبه حرف های همسرم گوش ندادم، اگر چه مقصر اصلی او ست و لی هر کس شاید در زندگی اشتباه کند او هم ایـــن اشتباه را کرد که بادوست نا اهل گـر م گرفت وبالاخره همین دشمن به ظاهر دوست زندگی او ومرا از هم پاشید .

این چند سطر را به‌این خاطرنوشتم‌تاجوانان ماکه زندگی آرام وسعادت بار خانوادگـی دارند یا در آینده خواهند داشت بیشترمتوجه این نکته باشند که اگر در زندگی گذشت نباشد به هیچصورت نمیتوان خوشبخت زیست واین برای هر خانواده امر ضروری است که درمورد روابط خویش با دوستان و آشنایان تاآن‌اندازه مراوده داشته‌باشندکه زندگیشان دستخوش هوا وهوس وبازیچه آ نـــان قرار نگیرد. در انتخاب دوست باید زیاد د قـت کرد تا خانا خواسته به‌سر نوشت من گرفتار نگردند.

صفحه۵۵

بقیه‌صفحه ۲۶

ازدواج وجوانان

نکرده اند که ، با تبادل افکار یك را بطه روانی بین آنها قا یم گردیده ودر تا لیف رو شها ی شا ن مو ثر واقع شده با شد.

علت دیگر آنکه ، بسیاری از فا میـــل ها با و جود داشتن افراد رو شنفکر درخانواده خو یش ، به پاره ای از واقعیت ها پشت‌پازده واحساس جگر گـوشه های شانرا نادیـده میگیرند و کوشش می نمایند که بـصورت حتم نظر خود را بالای دختران فامیل بهـر نحوه ایکه حیله آنها کارگر وا قـــع شود بقبو لانند .

هنگا میکه پسری با تما م و جود خود احسا س مینما ید ، دختری را بر ای‌همسری انتخاب کند اما قسما شرا یط برا یش‌اجازه نمیدهد که بصور ت مـستقیم همراه‌اوبـاب مذاکره با ز نما ید .

در این صورت ، نظر به عرف و عنعنه به فا میل مراجعه نموده ووالدین خود را بـــه خواستگا ری می فر ستد . در همین موا قع صحنه ها ی دید نی ودر نتیجه انتبا هـــی چشمگیر میشود که ، بسیا ری از جوا نا ن وفا میل ها با ین رو شها ی مرو ج آ گا هی کا مل دارند .

هستند عده ای از زنا ن و مردا نیکه در بیـن فامیل ، خودرا به اصطلاح، بـز ر گ وا ختیا ر دار دانسته ، بمجر دیکه ازورود خواستگا ران در فامیل آ گا هی حا صـل مینما یند .

شعله های خود خواهی در آنها اوج‌گرفته و بگفته عوا م «میر غضبی » شا ن شروع میگـــردد بدون سنجش معقـو ل و بروسی آگاهانه ، فضل فروشی نموده و مجرب ترین افراد فامیل خود را معر فی میکننـــد و مو ضو ع اصلی که عبارت از کشو د ن با ب مذاکره و جستجو ی طرق طرح‌دو ستی جدید می‌باشد بکلی فرامرش گـر د یـد و آنقدر احسا سا ت منفی و خود خوا هـــی بر آنها چیره میگر دد‌که ، هیچ گاه‌حاضر نمیشوند ، خواسته و احساس دختر مـورد نظر را ارز یا بی نموده و بعد بز عـــم خو یش از بزر گواری کا ر گرفته وبیك نتیجه قطعی ومثبت برسند .

اصلا در چنین موا قع حق مسلم دختران که عبا رت از ابراز نظر در مورد انتخا ب همسر آینده شا ن است ، سلب گردید ه وآرزو های رو یایی آنها تما ما و یا قسما نقش بر آب میشود .

زیرا چنین «کلان کار» ها با مبا رتـــی که دارند ، اعضا ی فا میل را زیر تا ثیر افکا ر وا هی قرار داده وهر گو نه انتقاد و نظر مثبت آنها را نا دیده گر فته با اخم رویی درصـــدد میشوند که بـصورت حـتمی نظر خود آنها قبول شود .

بعضی دختران با وجو د بر خور دار ی از حقوق مسلم و مساوی در اجتما ع، بـــه اصرار و پا فشا ری چنین اشخاص و قعی گذشته و حاضر میشوند که ، این« عقـــل های کل » سر نو شت آینده شا نـــرا تعیین نما یند و در نتیجه بار گر ان این عقد ه بزرگ روانی را تا زنده اند متحمل گر دند .

اما در مقابل ، دختران دراك و آنها ییکه از جرا ئت اخلاقی بصورت مثبت استفاده مینما یند در چنین موا قع با دلایل منطقی از حق مسلم خو یش دفاع نموده و نمیگذا- رند ، آرما نها ی حیا ت نو ین شان‌بازیچه خوا هشا ت اشخاص احسا سا تی قرارگرفته وتازنده اند ندامت بکشند .

زیرا مثا لها ی داریم که ، در امرازدواج دخترا ن وپسرا ن ، نسبت کو تا ه نظر ی عدهٔ اشخاص و عدم توجه فا میل هـــا بسیا ری از دختران نتوا نسته اند از چانس ها یی در قسمت انتخاب همسر آیند ه خود استفاده نما یند ، تا انکه سن شان ازسن معیا ری از دواج ، سا لها فا صله گر فته است ویا عده ای از دختران به چنـــا ن از دوا جها یی تن داده اند که عا قبـــت نا گوار داشته و نتوا نسته اند یك زند گی با سعادت را دنبا ل نما یند . پس بهترنیست که در چنین عصر علم و دانش ، فا میل‌ها تا حد توا ن زمینه ها ی مثبت پیو ند های جگر گو شه ها یشانر ا بصورت د قیـــق مطا لعه نموده وزند گی آینده دختر ا نو پسر ان خود را نسبت تعصبات و کو تا ه نظری ها به مخا طره قرار نداده وبگذارند، آنها نظر به خوا هش ومیل خو یش درساز- ما ند هی حیا ت نو ین خود قدم های مثبت بردارند. و خوشبختانه باپیروزی انقـــلا ب ثور و فر مان شماره هفتم شورای انقلا بی امروز جوا نان ماخود مالك سر نو شـــت خود شده اند ومیتوا نند زندگی با طبق‌دلخواه خویش بسازید.

بقیه صفحه ۳۲

اسامبله بین المللی ...



برسانند، وآنگاه خود با در نظر داشت ذوق گرم مردم ومهمانان قرار گرفتند .

رئیس موسسه صحت طفل در جواب سوال که‌تدویر چنین سمپوزیم را بـــرای اطفـال تاچه اندازه مفید ودلچسپ می باشد گفت :

تدویر چنین سمپوزیم ها برای اطفـــال نهایت دلچسپ ومفید میباشد زیرا اطفـــل ممالك مختلف که دارای کـلتور ، عادات، لباس، رقص وزبان مختلف میباشد دور هـم جمع شده وباوجود ندانستن زبان با همدیگر مفاهمه می نمایند وبا کلتور همدیگرآشنایی پیدا میکنند. طوریکه در اسامبله بین المللی اطفال منعقده صوفیه دیده شد که اطفال باوجود ندانستن زبان مشترك با یکدیگـــر دوست شدند آدرس ها تبادله نمودنـــد ، عکسهای یادگاری گرفتند، بعضی چیز های کوچك را طور یادگار بیکدیگر دادند ، در رقص ها وبازیهای دستجمعی اشتراك نمودند.

از سکرتر سکرتریت سال بین المللـــی طفل پرسیدیم : اطفال از کشور دوست‌بلغاریا چه ارمغان معنوی باخود بکشور آوردند ؟

چنین پاسخ داد : گروپ اطفالیکه به‌کشور بلغاریا سفر نمودند پیشرفت های یك کشور سوسیالستی را بچشم دیده وامیدواری پیدا نمو دند که دولت جـمهوری ماهم می تواند سویه حیات مردم واطفال را درمدت کـوتاه بهتر بسازد .

مدت سی وپنج سال از انقلاب سوسیالستی کشور بلغاریا می گذرد وکودکـــان ما از نزدیك شاهد آن شدند که تاچه حد ساحات مختلف حیات از نگاه غذا، تحصیل، هنـــر، کلتور وآمادگی همه جانبه برای اطفال آن سرزمین مهیا گردیده است . واطفال ماآرزو دارند که تحصیلات عالی رابه بلغاریا بپایان برسانند والبته این آرزوی خودرا اظهارهم نمودند که به خوشی استقبال شد .

- در آینده بازهم چنین پروگرامی برای اطفال مدنظر خواهد بود ؟

- البته مقامات بین المللی تصمیم گرفته اندکه در سال ۱۹۸۲ ویا ۸۳ یك سمپوزیم جهانی دیگر نیز دایر نمایند که نتایج این سمپوزیم که تحت شعار صلح، ابتکارواتحاد دایر شده بود درآن بررسی خواهد شد ،

در اخیر بحیث نماینده افغانستان ازمهمان نوازی دولت جمهوری بلغاریا که بمناسبت اسامبله سال بین‌المللی اطفال ترتیب‌گردیده بود اظهار شکران مینمایم .

همچنین تشکرات عمیق خودرا بدینوسیله به اداره یونیسف که مصارف مالی این سفر را عهده دار گردیده بودند تقدیم مینمایم..

بقیه صفحه ۷

خلق نیروی پرتوان جامعه

باید زمینه های استثمار فرد از فرد راروز تـا روز بـزداید و خوردن ثمرهٔ کـار کسی دیگر را ننگ تلقی کند . تبلیغ برا ی جنگ ، تبلیغ برای نا برابری ملی ونژادی باید جرم شمرده شود . هیچ کس حـــق نداشته باشد که تساوی حقوق زن ومرد را درنظر وعمل نقض نماید. فحاشی و انـــواع از حرا فات باید از ریشه محو شود . آری همه ی این قیود وامثال آن ، قیو دی‌است انسا نی وعا دلانه .

روحیه ی انتقاد وانتقاد از خود بحیث یك پر نسیپ عام پذیرفته می شود وبدون ایـــن روحیه ایجاد جامعه ی بدون بهره کش‌انسان از انسان کاری است غیر عمـــلی. خلـــق افغانستان باید خود را مالك کشور خود بداند وبا همین رو حیه در صدد آبادی و عمران آن بر آید . قا نو ن اساسی جمهور ی دموکراتیك افغانستان باید به بهتر یـــن و روشن ترین وجه این اصل را انعکا س دهد .

ودر اخیر مو جز اینکه محور ومحتوا ی اصلی قا نو ن اسا سی ما با ید ایـــــن پر نسیپ (چنا نچه رفیق حفیظ‌الله امین به وضوح آنرا بیان داشته اند) باشد که‌بالا- ترین ، عالی ترین و نا فذ ترین قدرت خلق است ، این خلق است که تا ریخرا مـــی سازد، قانون می آفریند و نعمات مـــادی را ایجاد می کند .

خلق ما عقیده ای را سخ وخلل ناپذیر دارد که هما نطور یکه حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان با تا ئید با الفعل و با القوه‌ی خلق کا خ ستمگری قرن های ستمگرا ن را بابراه انداختن انقلاب کارگری و ظفر مند ثور از بیخ و بن ویران کرد . جهت تنظیم حیـات آ بـرو منـد ومرفـه و خو شبخـت خلق نیز با قدم های استوار علمی ، عملی‌و متر قی وانقلابی به پیش خواهد رفت و در پر تو ارزش های این قانون واصل مسئولیت ،قانو نیت و عدالت ، خلق از همه نعمات‌مادی ومعنوی جامعه بر خور دار خواهد بود.زنده باد خلق، آینده از آن ماست از آن خلق افغانستان است .

موریا بهترین ۰۰۰

یك مادر بهر ترتیبیکه باشد به تربیت فرزندان ودیگر امور خانوادگی خویش رسیدگی مینماید . ولی نباید منکر آن شد که بدر شدن از عهده این هردو و ظیفه کاریست مشکل وحوصله و انرژی بسیار بکار دارد .

س- خوب میرمن بادغیسی ، در موردآینده فرزندان تان چه آرزو دارید، یعنی میخواهید که فرزندان شما هم مثل شما قالین باف شوند ویا کدام شغل دیگری را انتخاب کنند ؟

ج- آرزودارم که فرزندانم بدرجه‌اول‌درس بخوانند وتحصیلات‌خودرا تاحد نهایی‌برسانند وآنگاه خود بادر نظر داشت ذوق واستعداد خویش شغل آینده خودرا انتخاب کنند ۰ **وضمنا در پهلوی تحصیل ومطالعه** باید صنعت قالین بافی را نیز بیاموزند .

س- در مورد ازدواج یکدختر در منطقه خود چیزی بگویید ؟

ج- **منطقه ماکه‌دار وچاق (بالامرغاب)است** در سابق یعنی قبل از انقلاب ثور ازدواج یکدختر کاملا به خرید وفروش یك متاع میماند ۰ **مثلا دختری که در قالین‌بافی مهارت زیاد داشت ، مهر او خیلی** زیادی بود. حتی به لك ها افغانی میرسید. ولی یکدختر یایك پسر در انتخاب همسر هیچ صلاحیتی نداشتند ، مسایل به اصطلاح زن گرفتن وشوهر گرفتن از طرف بزرگان فامیل صورت می پذیرفت .

س- در مورد سیالی ها وشریکی های بیمورد چه عقیده دارید ..؟

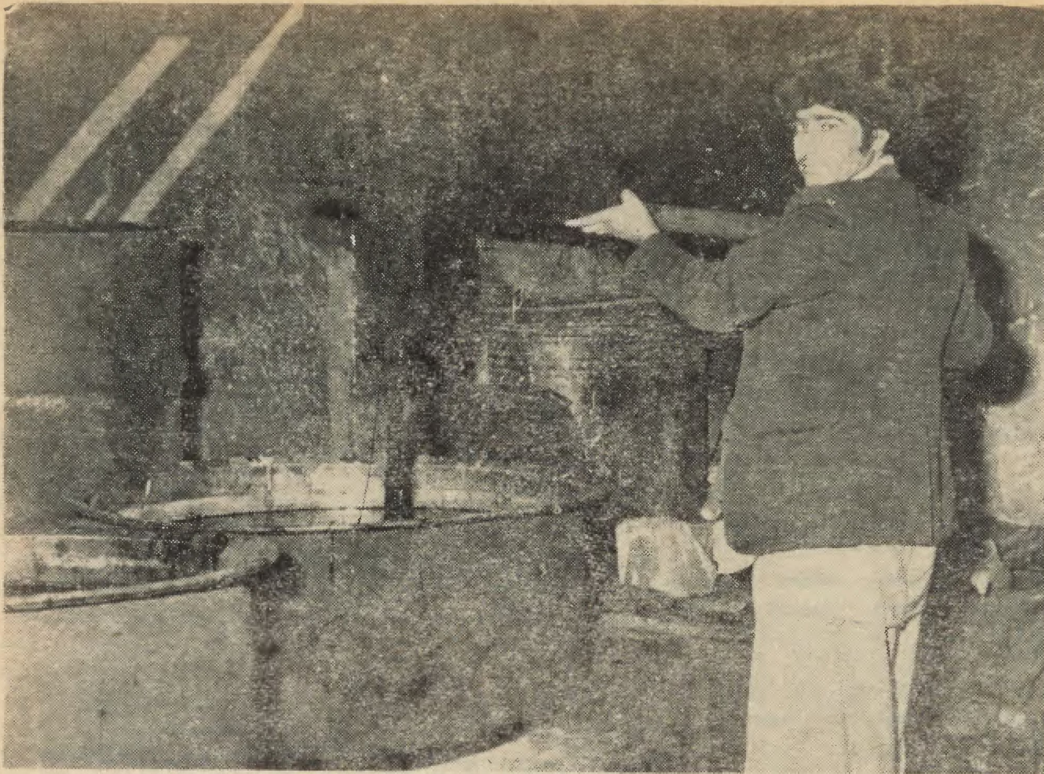
ج- سیالی هاوشریکی ها اصلا بدرد مردم بیکار میخورد .

انسان کارگر وهدفمند اصلافرصت‌آنرانداردکه وقت خودرا صرف این موضوعات اضافی بنماید . مامردم قالین باف باید سیالی مادر آن باشد که **چگونه** بتوانیم قالین بهتر و اعلی تر نسبت بدیگری ببافیم وبا اینکه چطور وبکدام طریق میتوانیم فرزند صالح وسالمی برای جامعه ای خویش تربیت **نماییم که البته این کار یک سیالی** بسیار سالم وانسانی است ...

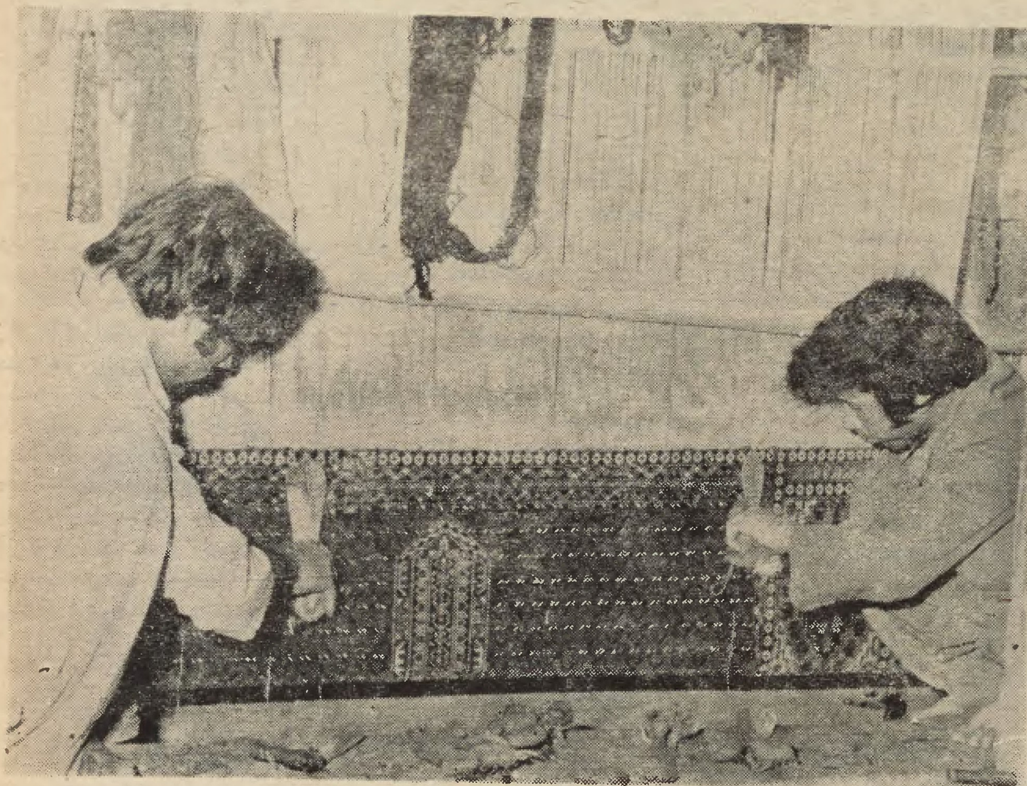
س- بنظر شما یکفامیل خوشبخت. چطور باید باشد ؟

ج- فامیل خوشبخت همان فامیلی را باید **گفت** که پدر ومادر آن فامیل کسانی باشند **که** آرزو **های انسانی داشته و فرزندان** خویش را برای آینده وطن تربیت نمایند . وهردو یعنی پدر ومادر درین راه کمال **دقت و صداقت را مراعات نما یند نه آنکه** مادر وپدر وقت خودرا به جنگ وجدال و **منا قشات بیهوده صرف نمایند۰ من شخصا مادر وپدر های را می شناسم که‌به اندك** موضوعی باهم مناقشه مینمایند وفضای آرام وسعادتمند خانه را بمیدان های نزاع و جنگ **تبدیل مینمایند ۰ درینصورت شما خود** فکر کنید که مادر وپدری که دایم باهم به اصطلاح جنگی هستند وهیچکدامشان زیر بار **حرف دیگری نمی روند فرزندان شان درین** گونه فضای نامساعد چه خواهند آموخت ؟ طبعا جنگ، وسرناسازگاری با اطرافیان خویش .

خوب میرمن بادغیسی از توضیحاتیکه ارای مادادید یك جهان تشکر .



زمانیکه رنگ بته ها برای ساعتها دردیگ‌جوشانده شد، آنگاه‌پشم‌را می اندازندومرحله‌شستشو وخشك نمودن فرا میرسد۰



دو قالین باف ماهر که بادقت تمام‌به‌بافتن قالین می پردازند۰

واژه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

روابط انسان ها بین هم و - نیرو های مولده ومناسبات تولید:

پدیده‌های اجتماعی‌نیزمانند پدیده های طبیعی قرن ها ست فکر دانشمندان را بخود مشغول می دارد .

اما تا پیش از پیدایش علم مترقی. علوم اجتماعی. علم به معنی واقعی کلمه نبودند وبیش از آنچه **واقعیت‌خارج‌را** منعکس کرده و قوانین تکامل آنرا کشف وبررسی کنند **مجموعه‌ای از حدسیات،** نظریات شخصی و تصورات ذهنی‌بدست میدادند و بگفته ی رهبر انقلاب کبیراکتوبر: «جامعه شناسی و تاریخ نویسی قبل از رهبر کبیر کارگران جهان فاکت های‌خام از هم‌گسیخته را روی هم می‌انباشت وتصوری از برخی جوانب روند تاریخ بدست می داد .... .

تنها پس از پیدایش علوم وایدیالوژی کارگری است که علوم اجتماعی.نظیرعلوم طبیعی برپایه استوار علمی قرار گرفته وبا متودها وقوانین روشن و مشخص علمی **سروکار یافته اند. رهبرکبیرپرولتاریای جهان‌باکشف درك ماتریالیستی تاریخ، ادامه و** گسترش ماتریالیزم بر عرصه ی پدیده های اجتماعی ، بررسی این پدیده ها رااز ذهن گرائی رها نیده و نشان دادکه سیستم مناسبات اجتماعی نیز . نظیر پدیده‌های **طبیعی دارای قانونمندی عینی تکامل است** ومی توان شرایط اقتصادی تولید را **«بادقت علوم طبیعی» مورد بررسی‌قرارداد.**

کشف رهبر کارگران جهان مانند هر کشف دوران سازی نبوغ آمیز ودر عین حال ساده است . رهبر کارگران جهان **این فاکت کاملا ساده وبدیهی را بیان** می‌کند که : «**انسان ها نخست باید بخورانند ، بپوشند ، بنوشند ، مسکنی** داشته باشند تا بتوانند به سیاست.علم. هنر ، مذهب و غیره بپردازند. بنا بر این تولید و سایل مادی ابتدائی زیست واذا **درجه‌ی تکامل اقتصادی هر خلق یا هر دوران پایه ای راتشکیل میدهد که بر روی آن نهاد های دولتی ، نظریات قضایی،** هنر و حتی اندیشه های مذهبی انسان های **مربوطه فرامی‌رویند. پس ازروی‌آن‌پایه** است که باید اینها را توضیح داد ونه برعکس . آنطور که تا کنون معمول بود...» .

در واقع کشف رهبر کارگران جهان آنقدر ساده است که‌ابتدا جزو بدیهیات بنظر میاید . روشن است که انسانها برای اینکه اصولا موجود باشند تا بیاندیشند و هنری آفریده و دولتی بسازند باید بخورند ، بنوشند، بپوشند، مسکن ومأوای داشته باشند .

اما همین‌نکته ی ساده وبدیهی قرنها **وقرنها از دیدتوده ای انسانهاودانشمندان** و محققین جامعه انسانی دور بودو هرگاه‌که کار به بررسی پدیده‌های اجتماعی‌و توضیح **حوادث تاریخی می‌رسید، دانشمند ترین دانشمندان از درك‌این امر بدیهی‌ورابطه‌ی** آن باپدیده های اجتماعی‌باز می‌ماندند.چرا؟ زیرا سخن‌تنها بر سراین نیست که‌انسانها **نخست باید بخورند وبنوشندو ...**

تا بتوانند بیاندیشند ونهادهای‌دولتی **اجتماعی ، هنری ومذهبی رابوجود آورند** بلکه سخن برسراین است‌که انسانها .برای اینکه بخورند، بنوشند بپوشند وغیره‌غیره باید نیازمندیهای خود راتولید کنند.(شکار کنند، ماهی بگیرند، گندم بکارند، آرد کنند، نان بپزند، مصالح‌ساختمانی تهیه کنند، خانه بسازند .پارچه‌ببافند .لباس بدوزند وغیره و غیره).

به‌عبارت دیگر .این مطلب‌بسیار بدیهی که انسانهاباید بخورند .بنوشند .بپوشند **... بدنبال خود این‌پرسش‌بسیارمهم وغیر** بدیهی رامی آورد که انسان‌ها نیازمندی های خود را چگونه‌تولید میکنند و درجریان **وروند مداوم وبدون‌وقفه‌ی تولید چه مناسباتی** میان انسان هابر قرارمی‌شودونقش این مناسبات در مجموعه ی‌مناسبات میان انسان هاودرساز مان‌کلی‌جامعه ی‌انسانی چیست ؟ .

در آغاز قرن هجدهم یك نویسنده‌ی **انگلیسی بنام دانیل دوفو داستانی خیال پر-** دازانه ی نوشت بنام «روبینسون‌کروزو» که **درآن سرنوشت خیالی یك بازرگان انگلیسی راکه برای غرق شدن کشتی درجزیره‌ی غیر مسکونی افتاد حکایت می کرد. بازر-** گان انگلیسی» کروزو «انسان تنهائی است که رابطه ی باهیچ انسان دیگری ندارد و خود به‌تنهائی وجدااز جامعه انسانی همه نیازمندیهای خود را تولیدمی کند . این داستان خیالپردازانه هنوز هم در میان کتاب های تربیتی‌کودکان‌جائی **دارد چرا که کروزو نمونه‌ی برجسته‌ی** است از انسان کوشا. کارآمد وخوشبین که در نبرد با طبیعت پیروز می شود واز نظر خصائص پیکار جویانه می توانند **سرمشقی برای کودکان باشد.**

اما جامعه شناسان‌واقتصاددانان‌جامعه بورژوازی به سرنوشت **کروزو اهمیت** ومقیاسی بمراتب بیش از اینها دادند ودر باره ی جامعه ی انسانی این تصور راپدید آوردندکه گویا انسان . تولید کننده‌ای است مجزا ومنفردو جامعه ی انسانی **ترکیبی است از تولید کنندگان منفرد و مجزا (روبنسونی) هنوز هم پایه‌ای بسیاری ازتیوری های بورژوایی جامعه شناسی واقتصاد سیاسی است وبحیث درسنامه هایی درپوهنتون هاتدریس می‌شود.**

ناتمام

سازش‌های خونتای چیلی باامپریالیزم

رژیم خونتالی چیلی برای دوام ودیکتاتوری واستقرار وحشت واختناق از هیچ نوع‌جنایت ستانه خالی نمی‌کند. سراسر کشور به انبار خانه سلاح مبدل شده است. بودجه دولت سراسر تاراج گردیده است. درجامعه چیلی خطرناکترین شیوه فساد اداری وبیروکراسی واختلاسی اشاعه یافته است. مدت شش‌سال می‌شود که‌سایه تاریك ومکدری بر آسمان **جامعه خلق چیلی توسط ارتجاع سیاه چیلی والیگارشی محلی به‌سر کردگی دار ودسته جنرال پنوچت وکمك مستقیم امپریالیزم و ارتجاع بین المللی گسترده شده است. قرضه های خارجی درسال ۱۹۷۸ بالغ بر(۸۰۰)** میلیون دالر گردیده است.

درمورد تورید وسرازیر شدن انواع سلاح کشنده هیچ مانع وجود ندارد واقتصاد کاملا بدست انحصارات امپریالیستی قرار گرفته است. انحصارات غارتگر امپریالیستی از طریق ادغام وبلعیدن شرکتها و موسسات ملی ثروت ها ومنابع اقتصادی خلق چیلی‌را می‌ربایدوبه تشبثات خودتحت پرده ایجاد

اعمال خیانت آمیز پینوچت به‌منافع اکثریت مردمان چیلی روبروی ضدیت دارد و هیچگاه نخواهد توانست باخلق چیلی رابیش ازین بفریبد. خلق چیلی امروز بخوبی دانسته اند که‌دیکتاتوری فاشیستی مسلط **هرروز بدبختی وموانع تازه ای رابرای ملیت چیلی ببار می‌آورد. اساسات حقوق بشرمورد اهانت قرار می‌گیرد. وکرامت انسانی به‌شیوه های نیو فاشیستی ازطرف زمامداران مرتجع چیلی زیر پامی‌گردد. رژیم دیکتاتوری حتی می‌خواهد تاترور وحشت واختناق رابه کشور های مجاور نیز صادر نماید. اتخاذ این** سیاست ضدملی رژیم دارای دوجهت‌مشخص می‌باشد نخست اینکه دایره نفوذ انحصارات امپریالیستی راوسعت دهد وبه نحوی ازانحا منافع آزمندانه این انحصارات را تضمین نماید. ثانیا اینکه ازگسترش وتعمیق‌مبارزات طبقاتی جلوگیری نماید. خلق چیلی ازسازش های رژیم دیکتاتوری آگاهی کامل دارند و بانگ اعتراض خود راهمواره برضد رژیم رسات ر می سازندوعلی‌الرغم‌اعمال پولیس‌و

دستگاه های آزاد افزایش میدهند وزیرخارجه چیلی درلندن به‌استقبال گرمی مواجه شدوطی مسافرت اوقرار داد های زیادی درزمینه های اقتصادی ونظامی عقد گردید وبعدا اوبه بن مسافرت خواهد نمود.

درین اواخر در زدوبند های بیشماری بین انحصارات غارتگر غربی وچیلی بر قرارگردیده است که‌به‌طور مستقیم وآشکارا برضد آزادی وحق حاکمیت خلق بشمار می‌رود. رژیم دست نشانده پنوچت برای اینکه گریبان‌خود را ازدست خلق آزاده چیلی رها نیده‌باشد وعده کاذب انتخابات را الی سال (۱۹۹۱) وعده داده است. ازین وعده رژیم در غرب استقبال زیادی بعمل آمد وآنرا حتی (آزادی) خوبی برای ملت چیلی قلمدادکردند.

وحشت وگرفتاری های سیاسی بی موجب عدم قانونیت ، بی مصئونیتی‌وترس شعارنهانی ودرعین زمان شعار اصلی رژیم شمارمی‌آید.

بارگران تمام‌این بحرانات وناموزونی اقتصادی وسیاسی بدوش طبقات زحمتکش .کارگران. دهقانان وروشنفکران مترقی قرار دارد درحالیکه طبقات ارتجاعی استثمارگر ازین وضع نفع‌می برند.

اختناق ده هاهزار انسان زحمتکش چیلی در تضاهرات ضد دیکتاتوری شرکت نمودند.شعار اساسی آنها رادرشرایط کنونی نان.کار.لباس **عدالت.دموکراسی وترقی تشکیل‌میدهد. درین اواخر شهر سانتیاگو مرکز چیلی‌شاهدتقاضا تضاهرات‌عظیم‌کار گران‌و روشنفکران مترقی‌بود تظاهرات اول‌می باشرکت ده‌هاهزار از خلق های چیلی در سراسر آنکشور سرنگونی‌وعدم** ثبات‌رژیم دیکتاتوری راباز گومی‌نماید.

از مبارزات عادلانه خلق چیلی تمام بشریت مترقی پشتیبانی می‌نماید. وجنایت‌رژیم‌مسلط کنونی پنوچت‌رابدیده نفرت می‌نگرند. تسانند باخلق چیلی درتمام کشور های سوسیالیستی واتحاد شوروی‌اعلام گردید . هفته‌تساندباخلق چیلی که‌ازتاریخ‌چهارم الی یازدهم سپتمبر در سرتاسر اتحاد شوروی تجلیل‌گردید.ودرطی آن باحراست اعلام‌گردید. که: خلق‌چیلی‌درراه مبارزه خود تنهانیستند رژیم دیکتاتوری‌چیلی هیچگونه اساس اجتماعی ندارد .وبه‌جابرانه ترین شیوه خود را براه تاریخ کشور چیلی افگنده است.دیریازودچنین روزی‌رسیدنی‌است که‌خلق‌چیلی‌زمام‌امور کشور خودرابدست خود بگیرد.

از نیو تایمز

ترجمه احسان

جواب نامه های شما

سلام خوانندگان وهمکاران عزیز !

به امید سلامتی شما می آغازیم به‌پاسخ نامه های همکاران عزیزیکه لطف نموده اند، نامه فرستاده اند ومطلب روانه داشته اند :

دوست مهربان ، رفیق بی نام ونشان !

در نوشته یی تان چنین گفته اید کـــه داستان بی ریشه نوشتهٔ نیکلای هایتوف که به یمن قلم پرکار محمد قاضی به فارسی برگردانده شده است ، آنرا به ناحق به نام عاقل بیرنگ کوهدامنی ، که گویا ترجمه کرده است، درج کرده اید .

به من بگویید که آقای عاقل بیرنـــگ کوهدامنی به غیر از زبان مادری خود ، که آنراهم ازمادر فرا گرفته است ، دیگرکدام یك از زبانهای زنده‌یی دنیا را می‌فهمد کـه که به برگردانی داستانی دست یازد وخود رادر جرگهٔ مترجمان مطالب سنگین جازند . اگر اینگونه که‌آقای‌عاقل بیرنگ کوهدامنی فعالیت ادبی میکند چه‌بهتر که حرمت قلم و کاغذ را پاس بگذارد وشریفانه قلم رابجایش بگذاردواز نشخوار کاردیگران پرهیز کند...

داستان بی‌ریشه ترجمهٔ‌نام‌نهاد عاقل‌بیرنگ کوهدامنی که باپس وپیش ساختن چنـــد کلمه وبرگردانی چند اصطلاح ایرانی بـــه مجله وزین ومحبوب ژوندون بچاپ رسیده است ... کاریست قصابگونه وقلم بیرنگ کوهدامنی همچون‌ساطوری که گوشتواستخوان ندیده ، فقط گوشت جداکرده ودندان خرد را دیده است ...

داستان بی‌ریشه‌ترجمه محمدقاضی ازاینجا شروع میشود : «الان درست یکسال است که در شهر زندگی می کنم وتقریباً هر روزمی‌آیم وروی همین‌نمیکت می‌نشینم، اما هیچوقت نشد که کسی اسم مرا بپرسد ، بلی هیچکس ! تو اول کسی هستی که اسم مرا می‌پرسی و من از این بابت از تو تشکر می‌کنم . خدا تو را به حال وروز من نیندازد ! »

داستان بی ریشه عاقل بیرنگ کوهدامنی که ریشه یابی را از ترجمه محمدقاضی کرده است ، اینگونه آغاز میشود : «ازمن میپرسی نامم چیست ؟ ... از محبت تو سپاسگزارم، اکنون مدت یکسال است که در شهرزندگی می‌کنم وتقریباً هر روز می‌آیم وروی همین دراز چوکی می‌نشینم ، اما هیچـوقت پیش نیامده که‌کسی نام‌مرا بپرسد. بلی‌هیچکس! تو اولین کسی هستی که نام مرا می‌پرسی و من از این رهگذر از تومتشکرم . خدا تو را به حال وروز من نیاندازد ! » ...

در ترجمهٔ محمد قاضی میخوانیم«...تاوقتی بچه در خانه بود باز چیزی بود . من قدری با او بازی می‌کردم ، سرش را گرم میکردم ودر نتیجه سرخودم هم گرم می‌شد ... پس از آن عروسم تصمیم گرفت بچه را بـــه پرورشگاه بفرستد ، وحالا او فقط هفته‌یی یك بار بیشتر به خانه نمی‌آید .

می خواهی بدانی چرا عروسم این کار را کرده است ؟ برای اینکه مبادا بچه طـــرز صحبت کردن دهاتیها را از من یاد بگیرد ، بلی ، بلی . می‌ترسد از اینکه بچه مثـل دهاتیها حرف بزند بااین وصف ، من‌هیچوقت حرفهای بدو بیراه ، مثلا فحش ، به بچـه یاد نمی دادم . نه ، نه ، هیچوقت ! یك بار هم که من از «چماق» با اوحرف زدم داشتیم اسپ بازی‌وسوار بازی می‌کردیم. ولی‌مادرش از کوره در رفت وگفت :

ـ بلی، بلی ، چماق دیگر چه صیغه‌یی است؟ چه لغت زشت وزمختی بجـــای «تعلیمی» به بچه یاد میدهی !

گفتم : دخترم ، این هم واژه‌یی است‌مثل واژه های دیگر. وقتی تعلیمی یا چوبدستی درشت تر وزمخت تر شد می شود چماق . چرا نباید این لغت رابه بچه یاد داد ؟گفت: اوکه گاوچران نخواهد شد تابه این لغت احتیاج پیدا کند. اوبه مدرسه خواهد رفت وهرچه لازم باشد خواهد آموخت . به چماق تواحتیاج پیدا نخواهد کرد. وبرای همین‌یك کلمه اورا به پرورشگاه فرستاده اند. من این موضوع را برای پسرم حکایت کردم و به اوگفتم : سیریل عزیزم، به نظرتو بهتر نیست که من به ده برگردم ؟ درآن صورت پسر تومی تواند درخانه بماند . اما اوخشك وقاطع جواب داد ...»

درترجمهٔ مسخ شده‌یی عاقل‌بیرنگ‌کوهدامنی میخوانیم «... تاوقتی بچه شان نواســه ام درخانه بود بازیك چیزی بود. من قدری با او بازی می کردم، سر او را گرم مــو کـــردم ودر نتیجه سرخودم هم گرم میشد. پس از آن عروسم تصمیم گرفت بچه رابه‌کودکستان بفرستد واوحالا هفته یی یکبار زیادتر بـــه خانه نمی آید. می خواهی بدانی چراعروسم این کار را کرده است ؟ برای اینکه مبادا بچه طرز گپ زدن دهاتی را ازمن یادبگیرد. بااین وصف، من هیچگاه حرف های تاو بالا به او یاد نمیدادم، نی نی، هیچوقت هرگز. به پسرم گفتم :

ـ سیریل عزیزم، به نظر تو بهتر نیست که به ده برگردم . اما او خشك و قاطـــع جواب داد ...» واینست حفظ و رعایت‌امانت در ترجمه ! زنده باد ! آفرین !

وبه شباهت ترجمه در متن اصل و بدل دقت کنید که چه زیرکانه وعاقلانه (!) عاقل بیرنگ کوهدامنی، سیب از درخت دیگران می چیند ... توجه‌کنید، در اصل‌میخوانیم... «... این‌چه‌بوی‌گندی‌است‌که ازتومی آید ؟ من نمی توانستم دروغ بگویم ، لــذا گفـتم سیر خورده ام . گفت : سیر از کجا آمد ؟ گفتم : ای ! قدری رنده کردم و خوردم . او آنقدر عصبانی شدکه نگو. البته دادوبیداد راه نینداخت ولی کلماتی که به زبان آورد از تیغ سلمانی برنده تر بود. گفت : خوب خوب، چشمم روشن ! پسر تووَمن شیك ترین مبلهای مدروز رااز‌گوشه وکنار دنیا تهیه می کنیم ....»

وحال بخوانید که بیرنگ کوهدامنی چه ترفند ورنگی در ترجمه بکار برده است ... دقت کنید «... این چه بوی بدی است که ازتومی آید ؟ من نمی توانستم دروغ بگویم، گفتم سیر خورده‌ام،گفت : سیر؟ سیرازکجا آمد گفتم قدری کوفتم وخوردم . او آنقدر عصبانی شدکه نگو! البته جارو جنجال بر پا نکرد ولی کلماتی که برزبان آورد از تیغ سلمانی برنده تربود. خوب، خوب، چشم ما روشن، پسر تو ومن شیك ترین مبل ها را از گوشه وکنار دنیا تهیه می کنیم .....» ... لازم به یادآوریست که داستان بی ریشه درنشریه الفبا ومجله شماره نهم سال سی و هشتم ۲۵۳٦ خواندنیها به چاپ رسیده است وعلاقمندان تحقیق وتتبع جهت مقابله ایـــن ریشه ها میتوانند به مآخذ ذکرشده رجوع کنند. (۱)

دوست گرامی، رفیق بی نام ونشان !

از لطف ومحبت تان ممنونیم وچه بهتربود که رخ می نمایاندید وبا بیرنگ کوهدامنی به محکمه ادبی‌که همانا نقد ادبی گـــویندش می نشستید وهرکه گوحق آورد ، طرف را یارای سخن گفتن نباشد ونباید کس برنجد زحرف حق، گرچه میگویند که کو آنچنان دوستی که نرنجد زحرف حق ...

حقانیت وسلامت نوشته شما را میگـــذاریم به قضاوت وداوری خوانندگان وعلاوه میکنیم که انتقاد وبحث لازمه اجتناب ناپذیر هرکار خوب فکری (!) است که همیشه محل‌گفتگو ها واختلاف هاست . بیرنگ کوهدامنی خود از دسته قلم بدستانی است که در هرفرصت ووقت از برخورد اندیشه وبازتاب آن حـــرف گفته است ویکی از جهات احترام مابه ایشان همین آزاداندیشی وداشتن احترام به‌اندیشهٔ دیگران است که او را چنین است . ماتقاضا داریم که آقای م . عاقل بیرنگ کوهدامنی پاسخ در خور قبول برای تان ارایه دارد و قناعت تانرا فراهم کند . واز سوی همچون شمامآخذ ومنابع مورد ترجمه را برای مجله ژوندون روشن کند که ازکدام منبع وزبـــان در ترجمهٔ داستان بی ریشه استفاده بـــرده است ... آنگاه میگوییم که‌کی حق بطرف است وکی ملامت ..

دوست گرامی محمدنادر ازاطلاعات وکلتور ننگرهار !

شعر «دنصرت سری جندی لاندی» شمارا خواندیم وآنرابه متصدی صفحه دوستــــان سپردیم که در یکی از شماره های مجله، به ترتیب غیر رعایت نوبت بچاپ بسپارد و شما همکار عزیز مارا خرسند دارد .

به امیدهمکاریهای آینده تان، خدا حافظ .

رفیق ارجمند احمد فواد متعلم صنف نهم متوسطهٔ محمد ایوب !

نامه محتوی فکاهی «پول حمام» و «چند چیزی راجع به سینما» به اداره مواصلـــت کرد . ممنونیم .

اما دوست عزیز گزیده ها ومطالبی راکه به ژوندون میفرستید ، بسیار دقت بداریدکه بدرد خوانندگان مجله ژوندون بخورد ومطلب ارسالی تان از تمامیت وکلیت برخـــوردار باشد. متاسفانه‌مطلب‌سینمایی‌شماواجدآن دو اصل فوق نیست وازاین رهگذر از چـــا پ می ماند .

فکاهی «پول حمام» که از جمله فکاهیات شیرین ونکته دار وطنزگون است، بیش از داشتن خنده، فکر سازنده وخوب دارد .... ولی یك چیز ندارد .. تازگی .

فکاهیاتی که به مجلهٔ ژوندون میفرستید، کوشش‌کنیدکه تکراری وشنیدگی نباشد .. فکاهی یی‌بفرستیدکه فقط اول بار باشد که ژوندون بچاپ میسپارد ... با آنهم بخاطر شماهمکار عزیز وارجمند فکاهی ارسالی شما رابه‌متصدی‌صفحه خنده میسپاریم‌که اگرلازم دید دریکی از شماره های مجله به چـــاپ بسپارد .

دوست عزیز، هر گاه فکاهیات پر خنده ومملو از طنزـ به شرط اینکه تا هنوز چاپ نشده باشد، بفرستید، به اسم وتخلص خود تان در صفحه مطلوب و خواستنی شمـــا بـــه نشر می رسانیم . به این امید ، آرزومندیم همکاری خودرا دنبال کنید وبا فرستـــادن فکاهیات خنده انگیـــز ودست اول ، مجلهٔ محبوب خودرا آذین ببندید وصفحهٔ فکاهیاتش را خنده دارتر بسازید .

دوست مهربان خالد از لیسه حبیبیه !

داستان کوتاه یی که فرستاده بودیـــد، رسید. ولی از آنجاییکه داستان کوتاه غیر از یك گزارش خبری است از نشر بازماند ...

دوست مهربان، برای پرورش ذوق هنری وقریحهٔ داستـــان نـــویسی تان میتوانیـــد از داستانهای بزرگان داستان نویسی توشـــه برگیرید و با حفظ آن نکات چیزی بهتری بنویسید که نواقص فعلی را نداشته باشد. در شماره های قبلی درهمین زمینه مطالبی در این صفحه به دست نشر سپردیم که پرهیز از دو باره گویی، توجه تانرا به آن معطوف میکنیم وبه انتظار نامه های بعدی شمـــا ـ خداحافظ .



مدیر مسئول : شیرمحمد کاوه
معاون : محمدزمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
تیلفون دفتر مدیر: ۲٦۸٤۹

مطبعه دولتی

(۱) نوشته این‌رفیق بی نام ونشان مابرای‌رعایت عفت قلم باز نویسی شده است . اداره

